



پوهنتون کابل  
پوهنځی شرعیات  
د پیاوړتیا د ثقات اسلامي

# عبادات و حکمت های آن

تألیف و ترتیب

استادان د پیاوړتیا د ثقات اسلامي پوهنتون کابل



کابل ۱۳۹۸ هـ - ش



مقابل دروازه انجیری پوهنتون کابل

Parwizrahmani22@gmail.com

۰۷۸۹۶۰۰۳۷۸

## عبادات و حکمت های آن

- مؤلف: استادان دیپارتمنت ثقافت اسلامی پوهنتون کابل
- ناشر: انتشارات سیدحسین الله
- صفحه آرای: پرویز "رحمانی"
- چاپ دوم: ۱۳۹۸
- تیراژ: ۱۰۰۰
- چاپگاه: مطبعه سیدحسین الله
- طرح جلد: پرویز "رحمانی"
- قیمت: ۱۵۰

## مرکز چاپ و فروش:

مطبعه ، و انتشارات سیدحسین الله مقابل دروازه انجیری پوهنتون کابل

شماره های تماس: ۰۷۸۸۴۷۱۴۷۲ / ۰۷۹۹۳۵۰۰۵۲

همه حقوق چاپ و نشر اثر برای مؤلف محفوظ است. تکثیر و تولید آن به هر صورت ( چاپ ، فوتوکپی ، عکس ، انتشار الکترونیکی و غیره ) اخلاقاً نادرست و قانوناً ممنوع است بامتخلفین برخورد قانونی صورت می گیرد.





## فهرست موضوعات

### صفحات

### عناوین

مقدمه..... ۵

## فصل اول مفهوم عبادت و ابعاد آن

درس اول: مفهوم عبادت و شروط آن.....	۲
الف: تعریف عبادت.....	۲
ب: شروط عبادت.....	۲
ج: نیاز انسان به عبادت.....	۷
د: هدف عبادت.....	۱۰
درس دوم: ابعاد عبادت در اسلام.....	۱۳
الف: ارتباط عبادت با ایمان و اخلاق.....	۱۳
ب: ویژه گی های عبادت در اسلام.....	۱۶
ج: حکم فراگیری فقه عبادت.....	۲۰
تمرینات فصل اول.....	۲۱
مآخذ فصل اول.....	۲۲

## فصل دوم شمولیت و فراگیری عبادت در اسلام

درس سوم: مفهوم و مراتب شمولیت عبادت در اسلام.....	۲۴
الف: مفهوم شمولیت عبادت در اسلام.....	۲۴
ب: مراتب شمولیت عبادت.....	۲۹
ج: اقسام عبادت.....	۳۳
درس چهارم: عرصه های شمولیت و فراگیری عبادت در اسلام.....	۳۴
الف: عبادت های فردی.....	۳۴
ب: عبادت های اجتماعی.....	۳۸
ج: عبادت های مالی.....	۴۱

۴۳.....	د: عبادت های تشریعی یا قانونگذاری.....
۴۶.....	تمرینات فصل دوم.....
۴۸.....	مآخذ فصل دوم.....

## فصل سوم

### ارکان اسلام و حکمت های آن

۵۴.....	درس پنجم: کلمه شهادت و حکمت های آن.....
۵۴.....	الف: مفهوم کلمه.....
۵۶.....	ب: جایگاه و فضیلت کلمه شهادت.....
۵۸.....	ج: مقصود کلمه شهادت.....
۶۰.....	د: اصلاحات در زمینه عبادات توسط کلمه شهادت.....
۶۳.....	درس ششم: انحراف در کلمه شهادت.....
۶۳.....	الف: پدیده های انحراف در کلمه شهادت در عصر نوین.....
۶۴.....	ب: چرا لایق و سزوار عبادت تنها الله جل جلاله می باشد؟.....
۶۷.....	ج: نواقض کلمه توحید.....
۶۹.....	د: برخی از حکمت های کلمه شهادت.....
۷۳.....	تمرینات درسهای کلمه شهادت.....
۷۴.....	مآخذ و منابع درسهای کلمه شهادت.....
۷۵.....	درس هفتم: عبادت نماز و حکمت های آن.....
۷۵.....	الف: تعریف نماز.....
۷۶.....	ب: دلیل فرضیت و مشروعیت نماز.....
۷۹.....	ج: فضیلت و جایگاه نماز.....
۸۰.....	د: احکام نماز.....
۸۶.....	درس هشتم: اقسام نماز.....
۸۶.....	الف: نمازهای فرض پنجگانه.....
۸۹.....	ب: نماز جماعت.....
۹۱.....	ج: نماز جمعه.....

درس نهم : برخی حکمت های نماز.....	۹۴
الف: حکمت های انفرادی نماز.....	۹۴
ب: حکمت های اجتماعی نماز.....	۹۷
ج : حکمت های سیاسی نماز.....	۹۹
د : تارک نماز و حکم وی.....	۱۰۲
تمرینات درسهای نماز.....	۱۰۴
مآخذ و منابع درسهای نماز.....	۱۰۵
درس دهم : عبادت زکات و حکمت های آن.....	۱۰۷
الف: تعریف زکات.....	۱۰۸
ب: دلایل مشروعیت زکات.....	۱۰۹
ج: فضیلت و جایگاه زکات.....	۱۱۰
د : احکام زکات.....	۱۱۲
هه: نقش دولت اسلامی در جمع آوری و مصارف زکات.....	۱۱۶
و: فرق میان زکات و تکس.....	۱۱۷
درس یازدهم : برخی حکمت های زکات.....	۱۱۹
د : حکمت های سیاسی.....	۱۲۶
هه: حکم مانعین زکات.....	۱۲۷
تمرینات درسهای زکات.....	۱۳۰
مآخذ و منابع درسهای زکات.....	۱۳۱
درس دوازدهم : عبادت روزه و حکمت های آن.....	۱۳۲
الف: تعریف روزه.....	۱۳۲
ب: روزه در امت های گذشته.....	۱۳۳
ج : دلیل فرضیت و مشروعیت روزه.....	۱۳۴
د : فضیلت و برتریت روزه.....	۱۳۶
هه : ماه مبارک رمضان و احکام آن.....	۱۳۷
درس سیزدهم : حکمت های روزه.....	۱۴۰
الف: حکمت های فردی.....	۱۴۰

ج: حکمت های اجتماعی.....	۱۴۶
د: حکمت های سیاسی.....	۱۴۸
هه: تارک روزه ماه رمضان و حکم وی.....	۱۴۹
تمرینات درسهای روزه.....	۱۵۰
مآخذ و منابع درسهای روزه.....	۱۵۱
<b>درس چهاردهم: عبادت حج و حکمت های آن</b> .....	۱۵۳
الف: تعریف حج.....	۱۵۳
ب: تاریخچه حج.....	۱۵۴
ج: دلایل فرضیت حج و مشروعیت آن.....	۱۵۵
د: فضیلت و برتریت حج.....	۱۵۶
<b>درس پانزدهم: برخی حکمت های عبادت حج</b> .....	۱۵۹
الف: حکمت های فردی.....	۱۵۹
ب: حکمت های اجتماعی.....	۱۶۱
ج: حکمت های اقتصادی.....	۱۶۴
د: حکمت های سیاسی.....	۱۶۵
هه: تارک حج و حکم وی.....	۱۷۳
تمرینات درسهای حج.....	۱۷۱
مآخذ درسهای حج.....	۱۷۲

## فصل چهارم

### انحراف در عبادت

<b>درس شانزدهم: انحراف در عبادت</b> .....	۱۷۳
الف: بدعت و پیامدهای زشت آن در عبادت.....	۱۷۴
ب: کسالت و تبلی در عبادت.....	۱۸۲
ج: ترک عبادت و پیامدهای آن.....	۱۸۵
د: انکار عبادت.....	۱۸۶
تمرینات.....	۱۸۹
مآخذ.....	۱۹۰



## مقدمه

**الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على أشرف الأنبياء و المرسلين سيدنا محمد و على آله و أصحابه أجمعين أما بعد...**

مضمون ثقافت اسلامی از جمله مضامین پوهنتون شمول است که منحیث احترام به معتقدات و احکام اسلامی و فهم بهتر دین مقدس اسلام تدریس آن به گونهٔ اکادمیک در تمام پوهنتون های دولتی و خصوصی، در همهٔ سمستر های روزانه و شبانه رشته های مختلف، صورت میگیرد.

در این شکی نیست که محصلین جوان کشور ضرورت مبرم به این مضمون داشته زیرا جنگ های خانمانسوز سال های اخیر از یکطرف و دوری از فرهنگ و بینش اسلامی از جانب دیگر همچنان جنگ های فکری که از هر سوچیره شده با طوفان های از انحراف و گمراهی برای از جاده کشیدن فرزندان ما بر ما تاخته اند، مقاومت انسان مسلمان را در پابندی به امور دینی و احکام شرعی ضعیف نموده و امکانات فراگیری آنرا به ویژه برای نسل جوان مسلمان کم رنگ می نماید که در نتیجه اکثریت مسلمانان از درک حقیقت اسلام بدور مانده و اسلام عزیز را که یک نظام کامل زنده گی برای انسان است فقط در چند حکم انگشت شمار، خلاصه نموده و نظام زنده گی ایرا که الله واحد و یگانه برای بشریت پسندیده است، از زندگی خویش به یک شکلی از اشکال، خارج نمایند که این کارایشان مشکلاتی را که امروز جوامع اسلامی با آن دست و گریبان اند، بیار آورده است.

در حالیکه دین مقدس اسلام همانگونه که رابطه انسان را با ربش در مسائل عبادتی تنظیم می نماید؛ رابطه وی را با نفس خودش نیز در نظام اخلاقی تنظیم نموده است و معیار ارزیابی ایمان انسان را در گرو اخلاق نیکوی وی قرار می دهد، به عین شکل دین مقدس اسلام ارتباط انسان را با همنوعش چه در خانواده و یا در جامعه تنظیم نموده زیرا انسانیکه بالطبع اجتماعی است نمیتواند به تنهایی زنده گی نماید، ضرورت به همنوع خویش دارد تا

خانواده را تشکیل دهد و جامعه را بمیان آورد، بناءً از جمله مهمترین وظایف انبیاء علیهم السلام بر علاوه بیان احکام عبادات و طریقهٔ ادای آن، تنظیم روابط ذات البینی میان انسانها میباشد که با بکار بردن نظامهای خانواده گوی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی که از آیات قرآن مجید و سنت پاک پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله سرچشمه می گیرند، روابط آنها را تنظیم و ترتیب می کنند.

روی این ملحوظات و همچنان جهت فهم درست دین مقدس اسلام که یک نظام کامل زنده گوی و یگانه راه نجات برای انسان مسلمان است، دیپارتمنت ثقافت اسلامی کریکولم درسی خویش را برای تدریس این مضمون در هشت سمستر ترتیب نموده و در هر سمستر موضوعات و ابعاد مختلف دین اسلام را مورد تدریس قرار داده و مفردات آنها نیز تهیه و تنظیم نموده است.

**"عبادات و حکمت های آن"** از جمله موضوعات مضمون ثقافت اسلامی است که در سمستر های دوم تمام پوهنچی ها و رشته های مختلف پوهنتون در هفته دو کریدت و در برخی رشته ها یک کریدت تدریس میشود.

شکی نیست که موضوع "عبادات و حکمت های آن" بعد از موضوع "جهان بینی اسلامی" که در سمستر اول تدریس میشود قرار دارد، و هدف تدریس این مضمون در سمستر دوم بعد از جهان بینی اسلامی این است که محصلین ارجمند بعد از اینکه در جهان بینی اسلامی از عقیده و ایمان به الله جل جلاله، مکلفیت خود منحیث انسان و حقیقت این جهان آگاهی حاصل میکنند، در می یابند که از جمله مهمترین مکلفیت های ایشان در این جهان عبادت الله جل جلاله است که به وحدانیت و یگانگی باید پرستش شود. لذا در سمستر دوم موضوع "عبادات و حکمت های آن" تدریس میشود، تا محصلین ارجمند از حقیقت عبادت و مکلفیت خویش در این زمینه آگاهی حاصل نمایند.

عبادت از جمله احکام عملی است که فقهای کرام با استنباط احکام آن از قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله در رابطه به ابعاد مختلف آن بحث کرده اند که در این مختصر امکان پذیر نمی

باشد تا همه این احکام را ذکر کرده و برای محصلین آنها تدریس کرد، بنابراین توجه بیشتر صرف روی حکمت ها و اهداف این عبادات صورت گرفته است، تا شوق و علاقه جوانان عزیز را در رابطه به عبادت الله ﷻ بیدار نموده و برایشان روشن شود که ماچرا عبادت می کنیم و به عبادت چه نیاز داریم؟

بناءً در این کتاب درسی سعی و تلاش صورت گرفته تا از خلال چهار فصل در رابطه به مفهوم عبادت و ابعاد آن، شمولیت و فراگیری عبادت در حیات انسان و تأثیرات آن بر فرد و جامعه، بیان ارکان اساسی اسلام و حکمت های آن بحث مفصل شده و در مورد معنی و مفهوم کلمه شهادت، نماز، زکات، روزه و حج و فضیلت و برتریت آنها، برخی احکام ضروری و حکمت های آن بحث صورت گیرد و در اخیر جهت فهم درست عبادت، پیرامون موارد انحراف در عبادت از قبیل ایجاد بدعت، کسالت و تنبلی و انکار عبادت، توضیحات لازم داده شده است.

در این کتاب درسی سعی و تلاش صورت گرفته تا در مطابقت با نورم های پذیرفته شده تحصیلات عالی و معیار های علمی و اکادمیک بوده، موضوعات آن به نکات اساسی تقسیم بندی شده از کتب معتبر و اساسی استفاده گردد و منابع و مآخذ آن به اساس معیار های علمی تنظیم و ترتیب شود، و در اخیر هر فصل خلاصه مطالب همان فصل با برخی از تمرینات و سوالات و ذکر منابع و مآخذ آن فصل تذکر یافته است.

در این کتاب درسی کوشش شده تا از موضوعات اختلافی و بحث برانگیز که باعث ایجاد گفتگوها شده و احياناً منجر به نزاع و کشمکش می گردد، جلوگیری شده و تنها موضوعات اتفاقی در بحث احکام ذکر شود و از ذکر سنن و مستحباتی که اکثراً اختلافات آرای فقها را در بر دارد، خود داری گردد. در احکام اتفاقی تنها ذکر ارکان و واجبات بدون تفصیل صورت گیرد، زیرا محل آن، رجوع به کتب فقه می باشد.

تمرکز بیشتر در این کتاب درسی روی بیان حکمت های عبادات و اهداف آن بوده که در حقیقت همه وسایل اند جهت تربیه و پرورش نفس، تا انسان توانسته باشد خانواده سالم و

جامعه مرفه را ایجاد کرده احکام الهی را در عرصه های مختلف حیات و زنده گی خویش، همچو عرصه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و غیره پیاده نماید و سعادت و خوشبختی خود را کسب کند، زیرا یگانه ضامن سعادت و خوشبختی انسان در دنیا و آخرت تنها تطبیق احکام دین الله ﷻ است که توسط پیامبر آخرالزمان ﷺ آورده شده و ما را به انجام دادن آن مکلف گردانیده است.

پوهاند دکتور عبدالله نورعباد  
کابل ۱۳۹۷

# فصل اول

## مفهوم عبادت و ابعاد آن

### اهداف اساسی و آموزشی

- شناخت مفهوم و معنی عبادت در لغت و اصطلاح
- بیان شروط عبادت و انواع آن
- نیاز انسان به عبادت و موارد آن
- توضیح ارتباط عبادت با عقیده و اخلاق
- شناخت ویژگی های کلی عبادت در اسلام
- آگاهی از حکم فراگیری فقه عبادت

عبادت اساس دعوت انبیاء علیهم السلام را تشکیل می دهد، هر نبی و پیامبر قوم خود را بسوی عبادت الله واحد و یگانه دعوت نموده و تمام احکام، شروط، راه ها و روش های آنرا برایشان بیان کرده است؛ اما زمانیکه امت ها از تعالیم انبیاء علیهم السلام انحراف کردند، از نزد خود در دین عبادت ها را ایجاد نمودند که مطابقت با احکام وحی سماوی و تعالیم انبیاء علیهم السلام نداشت؛ بناء هیچ دینی را در زمین سراغ نمی کنیم مگر اینکه در آن عبادت وجود دارد، با این تفاوت که عبادت در دین اسلام از طرف الله جل جلاله تعیین شده و توسط انبیاء علیهم السلام برای انسانها بیان میشود، اما در ادیان دیگر عبادت ها توسط پیروان خود ایشان ایجاد می شود.

بنابراین جهت تفکیک درست میان هر دو نوع از عبادتها، ضرورت است تا از مفهوم عبادت و ابعاد آن معلومات کافی داشته باشیم تا میان آنچه را که الله جل جلاله برای بنده های خود از عبادت ها بیان کرده و میان آنچه که انسان ها از نزد خود ایجاد کرده اند، تفکیک صورت گیرد؛ بناء در این فصل روی تعریف عبادت، شروط آن، نیاز انسان به عبادت و هدف آن، همچنان در رابطه به ویژه گی های عبادت در اسلام و ارتباط آن با ابعاد دیگر دین همچو عقیده و ایمان، اخلاق، روش و سلوک انسان بحث صورت میگیرد.

## درس اول

### مفهوم عبادت و شروط آن

#### الف: تعریف عبادت

##### ۱. عبادت در لغت

عبادت یک کلمه عربی است که از ریشه عبد گرفته شده است و به معانی: "پرستش، گردن نهادن، و خضوع" میباشد (۱۲: ۵۸۵).

##### ۲. عبادت در اصطلاح

عبادت را در اصطلاح، علماء تعریفات متعدد نموده اند و هریک سعی و تلاش ورزیده است تا معنی و مفهوم جامع از آن را بیان نماید؛ بنابراین با استفاده از این تعریفات تعریفی را که می توان برای عبادت در اسلام ارائه کرد چنین است:

عبادت عبارت است از عملکرد به اوامر الله ﷻ و اجتناب از نواهی او تعالی به اساس اخلاص و محبت با الله ﷻ مطابق به روش رسول اکرم ﷺ در همه عرصه های زندگی (۱۱: ۲۷۲).

شرح تعریف: اسلام یک دین کامل است که در بر گیرنده همه عرصه های زندگی انسان می گردد؛ بناءً دین اسلام که در حقیقت گردن نهادن به احکام الهی است شامل تمام ابعاد زندگی انسان گردیده که عبارت از یک سلسله اموری است که باید انجام داده شود و یک سلسله اموری است که باید از آن خود داری صورت گیرد؛ بناءً همینطوریکه انجام دادن اوامر الهی عبادت شمرده میشود، خودداری نمودن از نواهی نیز عبادت شمرده می شود، مادامیکه در آن اخلاص وجود داشته و مطابق احکام شریعت صورت گیرد.

#### ب: شروط عبادت

عبادت در اسلام چون گردن نهادن به احکام الله ﷻ می باشد لذا تحت یک سلسله شروط باید صورت گیرد تا من حیث عبادت قبول شده و تأثیرات خود را در حیات و زندگی انسان ایجاد نماید.

شروط عبادت به دو بخش اساسی که شروط وجوب و شروط صحت نامیده میشود تقسیم بندی گردیده و هر گاه یکی از این شروط در عبادت متحقق نگردد عبادت هم درست نشده و تأثیرات خود را در زندگی انسان بیار نمی آورد.

## ۱. شروط وجوب عبادت

شروط وجوب عبارت از آن شروطی است که هر زمان انسان مسلمان آنرا تکمیل میکند عبادت بر وی واجب گردیده و حتماً باید آنرا انجام دهد والا مورد مواخذه و باز پرسى الله ﷻ در آخرت قرار میگیرد. شروط وجوب عبادت را علماء چنین بیان کرده اند:

• **بلوغ:** بالغ بودن شخص یک شرط از شروط عبادت میباشد؛ زیرا طفل و یا نابالغ توان انجام دادن عبادت را نمیداشته باشد، انجام دادن عبادت از قدرت و توان طفل و یا شخص نابالغ بالا میباشد، هرگز الله متعال کسی را بالاتر از توان و قدرتش مکلف به انجام دادن کاری، و یا عبادتی نمیکند، طوریکه در قرآن کریم فرموده است: ﴿لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ (البقرة، ۲۸۶). ترجمه: الله ﷻ مکلف نمیسازد هیچ انسانی را مگر به اندازه قدرت و توانش.

• **عقل:** عقل شرط دیگری از شروط عبادت میباشد؛ زیرا که انجام دادن عبادت ضرورت به فهم و ادراک میداشته باشد، کسیکه عبادت را انجام میدهد باید آنرا بفهمد و بداند، انجام دادن عبادت بدون فهم و ادراک مانند جسد بدون روح میباشد، الله متعال صاحبان خرد را مکلف به عبادت نموده است، و کسیکه عقل ندارد وی از طرف الله متعال مکلف به انجام دادن عبادت نیست، و پیامبر ﷺ فرموده است: «رُفِعَ الْقَلَمُ عَنْ ثَلَاثَةٍ عَنِ الْمَجْنُونِ الْمَغْلُوبِ عَلَى عَقْلِهِ حَتَّى يَفِيقَ وَعَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ وَعَنِ الصَّبِيِّ حَتَّى يَحْتَلِمَ» (۵: ۲۴۴).

ترجمه: سه شخص مرفوع القلم می باشند: دیوانه تا اینکه بهوش آید، خواب برده تا اینکه بیدار شود و طفل تا اینکه بالغ شود.

۱: حدیث رفع القلم عن ثلاثة عن الصبي حتى يحتلم . . . - (صحیح) مختصر إرواء الغلیل (ص: ۲۸۴)

• **اسلام:** مسلمان بودن شرط مهم عبادت می باشد، تا اینکه یک شخص مسلمان نباشد، عبادت بالای وی واجب نمی باشد، و اگر عبادتی را انجام می دهد از وی قبول نمی گردد، و اسلام شرط قبول عبادت می باشد، پس از هیچ شخصی کافری عبادتش مورد پذیرش و قبول الله متعال نمی گردد تا اینکه مسلمان نشود، و الله متعال در مورد عبادت کافر چنین می فرماید:

﴿ مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَى أَنْفُسِهِم بِالْكَفْرِ أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ ﴾ (۱: التوبة، ۱۷).

ترجمه: مناسب نیست برای مشرکین که اعمار نمایند مساجد الله را در حالیکه آنها گواهی به کفر شان می دهند، و همه اعمال آنها محو و نابود شده است، و آنها در آتش جهنم همیشه می باشند.

همه اعمال کفار محو و باطل می باشد، کدام ارزشی نزد الله متعال ندارد، قسمیکه الله متعال در قرآن کریم می فرماید: ﴿ أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴾ (۱: آل عمران، ۲۲).

ترجمه: آنها کسانی هستند که - یعنی کسانی که کافر شدند- محو و باطل شده است اعمال شان در دنیا و آخرت و نیست برای شان هیچ نصرت دهنده و کمک کننده.

## ۲. شروط صحت و پذیرش عبادت

• **اختیار:** انجام دادن و یا ترک نمودن عمل زمانی عبادت گفته میشود که انسان آنرا به اختیار و رضایت خود انجام دهد، و یا آنرا ترک نماید، پس انجام دادن کار خوب، مانند نماز، روزه، و غیره اگر به اختیار و رضایت شخص انجام داده شود عبادت گفته می شود و الله ﷻ آنرا من حیث عبادت قبول مینماید در صورتیکه شروط دیگر عبادت در آن موجود باشد، و اگر شخصی عمل بد را به اختیار و رضایت خودش ترک نماید، مانند: دروغ، تکبر، غیبت، و غیره، پس آن عمل وی نیز عبادت می باشد، و خالی از اجر و ثواب الهی نخواهد بود، اما اگر چنین اعمالی تحت جبر و اکراه صورت گیرد و در آن اختیار و رضایت خود شخص نباشد، پس آن عمل هیچگاه عبادت نبوده، و خالی از مزد و پاداش الهی می باشد (۱۳: ۳۱۷).



• **نیت:** نیت در عبادت یک شرط مهم و اساسی می باشد، زیرا توسط آن تفکیک میان عبادت و عادت صورت می گیرد (۱۵: ۲۵۸).

مثلاً: اگر رفتن شخصی به خانه همسایه عادتش باشد، و رفتن شخصی دیگری بخاطر عبادتش باشد، عمل شخص اول را عادت مینامیم و عمل شخص دوم را عبادت، چرا که بخاطر خشنودی الله متعال انجام داده شده است. پیامبر ﷺ میفرماید: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ، وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى، فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ، فَهِيَ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ لِدُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْ امْرَأَةٍ يَتَرَوُّجُهَا، فَهِيَ هِجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ» (۷: ۱)

ترجمه: هر آینه اعمال انسانها استوار می باشد به نیتهای شان، و هر آینه داده میشود برای هر انسان مزد و پاداش آن چیزیکه آنرا نیت کرده است، پس اگر هجرتش بخاطر الله ﷻ و رسولش باشد، مزد و پاداش هجرتش را الله ﷻ میدهد، اگر هجرتش بخاطر بدست آوردن دنیا باشد، و یا بخاطر نکاح و ازدواج با زنی، پس مزد و پاداشش تنها همان چیزی است که آنرا نیت کرده است.

نیت، عمل انسان را ارزش میدهد و صاحبش را مستحق اجر و پاداش الهی میگرداند، مثلاً: اگر شخصی جهاد را بخاطر قوم پرستی، نژاد پرستی، رسیدن به قدرت، و یا بخاطریکه به او شجاع گفته شود، انجام دهد، جهادش باطل و بدون اجر و پاداش خواهد بود، و روز آخرت بطرف جهنم سوق داده میشود.

اگر شخصی دیگری جهاد را بخاطر اعزاز و سربلندی دین، و اعلائی کلمه الله ﷻ انجام دهد، پس جهادش عبادت و مستحق اجر و پاداش الهی میگردد، و بالآخره مستحق جنت میشود.

همچنان از پیامبر ﷺ در این مورد روایت شده است: «جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ فَقَالَ الرَّجُلُ يِقَاتِلُ حِمِيَةً وَيَقَاتِلُ شَجَاعَةً وَيَقَاتِلُ رِيَاءً فَأَيُّ ذَلِكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ مَنْ قَاتَلَ لِيَتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا فَهُوَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (۸: ۳۹۹).

ترجمه: مردی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: شخصی بخاطر تعصب می جنگد و یا بخاطر شجاعت و یا بخاطر خود نمایی، کدام یک آن در راه الله است؟ فرمود: کسیکه می جنگد تا دین الله ﷻ غالب باشد، پس او در راه الله است.

از این حدیث متبرک چنین استنباط می کنیم که اگر کسی جهاد کند بخاطر شجاعت، یعنی به او شجاع گفته شود، و یا بخاطر قوم، نژاد، زبان، قوم، تنظیم، حزب، جنگ کند، و یا بخاطر ریا جنگ کند، کدام یکی آن در راه الله میباشد؟ پس پیامبر ﷺ فرمود: کسیکه جنگ کند بخاطر اینکه دین الله بلند باشد با عزت باشد، بیرق اسلام در اهتزاز باشد، پس همان جنگ تنها در راه الله عز وجل میباشد.

• **موافق بودن عبادت با سنت:** یکی از شروط مهم عبادت اینست که موافق سنت پیامبر ﷺ انجام داده شود، نه اینکه مخالف سنت پیامبر ﷺ باشد. پیامبر ﷺ میفرماید: «و صَلُّوا کَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي» (۷: ۲۶۵).

ترجمه: نماز بخوانید طوری که من را دیدید که نماز میخوانم. و همچنان میفرماید: «خُذُوا عَنِّي مَنَاسِكَ لَعَلِّي لَا أَحِجَّ بَعْدَ عَامِي هَذَا»<sup>۲</sup> (۶: ۳۲۹). ترجمه: از من بگیرید مناسک تا آنرا شاید بعد از امسال دیگر حج نکنم. پیامبر ﷺ در این حدیث بیان میکنند که همانطوری که من حج میکنم شما نیز باید حج کنید زیرا شاید این روش عملی حج من دوباره تکرار نخواهد شد. اگر کدام عمل و یا قول بنام عبادت و مخالف سنت پیامبر ﷺ انجام داده شود آن عمل عبادت نه، بلکه گناه است، چرا که نافرمانی و عدم اطاعت از سنت پیامبر ﷺ میباشد. چنانچه قاعده فقهی بیانگر آن میباشد که اصل در عبادت منع است<sup>۳</sup> تا اینکه دلیلی از قرآن و سنت به مشروعیت و جواز آن نباشد، پس انجام دادن چیزی بخاطر عبادت و یا زیر نام عبادت بدون دلیل شرعی از قرآن و سنت جواز ندارد، و اگر کسی انجام میدهد مرتکب گناه میشود، نه اینکه مستحق اجر و ثواب گردد.

پیامبر ﷺ انجام دادن عملی را زیر نام عبادت که در دین مقدس اسلام مشروعیت نداشته باشد، بدعت نامیده است، و فرموده اند که: «فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الْمُهْدِيْنَ الرَّاشِدِينَ تَمَسَّكُوا بِهَا وَعُضُّوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِذِ وَإِيَّاكُمْ وَمُحَدَّثَاتِ الْأُمُورِ فَإِنَّ كُلَّ مُحَدَّثَةٍ بِدْعَةٌ وَكُلُّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ»<sup>۴</sup> (۷: ۵۴۹).

<sup>۲</sup> حدیث خذوا عني مناسککم (صحیح) مختصر إرواء الغلیل (ص: ۲۰۹)

<sup>۳</sup> صحیح وضعیف سنن أبي داود (۱۰۷/۱۰) تحقیق الألبانی: صحیح.

ترجمه: "چنگ بزید بسنت من وسنت خلفای راشدین مهدین، و آنرا توسط دندان های تان محکم بگرید، و دوری نمایند و اجتناب کنید از هر چیزی جدید و نوبنام دین؛ زیرا که هر چیزی جدید و نو بدعت، و هر بدعت گمراهی است."

و همچنان فرموده است: «وَمَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ» (۷: ۱۵۲).

ترجمه: "کسیکه عمل (عبادت) را انجام دهد که موافق رهنمود من نباشد، پس آن عمل مردود است، یعنی مورد قبول قرار نمیگیرد."

باید واضح نمود که مراد از چیزی نو در این حدیث شریف که بدعت نامیده شده است عبارت از چیزی نو در دین و عبادت است نه در بخش های دیگری از زندگی. مانند دست یافتن به تخصصات مختلف زیرا یک جامعه انسانی و اسلامی نیاز مبرم به زندگی مرفه و با عزت دارد، بناء هر نوع نو آوری و اختراع که باعث رفاه، ترقی، تعالی و پیشرفت همه جانبه جامعه اسلامی شود از دید اسلام یک امر مطلوب و پسندیده است، چنانچه الله جل جلاله در قرآن کریم میفرماید: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ﴾ (۱: الانفال، ۶۰).

ترجمه: "و آنچه از نیرو در توان دارید؛ برای (مقابله با) آنها آماده سازید، و (همچنین) از اسبان بسته (ی ورزیده، مهیا کنید) تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خود را بترسانید."

### ج: نیاز انسان به عبادت

مکلفیت انسان در جهان هستی، پرستش الله واحد و یگانه است و عبادت در اسلام تمامی دین را شامل گردیده و زندگی را با همه جوانبش در بر میگیرد.

در این جا برای بعضی ها سؤالی پیش می آید و آن این که: چرا باید خداوند متعال را عبادت کنیم و به عبارت دیگر، چرا خداوند، با این که نیازی به ما ندارد، پرستش و اطاعت خود را بر ما لازم داشته است؟ آیا از عبادت و خشوع ما در برابر خداوند و ایستادن در مقابل او و اطاعت از مقررات و احکامش سودی به او می رسد؟ یا این که فایده این کارها به ما مخلوقات برمی گردد؟ در این صورت، واقعیت این فایده حاصله چیست؟ آیا هدف اینست که فقط خدا فرمان دهد و ما اطاعت کنیم؟ (۷۵-۷۶).

در جواب باید گفت که هیچ یک از عبادات بندگان، سودی به خداوند نمی‌رساند و رویگردانی آنها نیز، ضرری به او نمی‌زند. حمد و ثنای ستایشگران و ناسپاسی منکران، چیزی از ملک او کم و یا بر آن زیاد نمی‌کند. زیرا که او، بی‌نیاز و ما همگی نیازمند او هستیم. او بخشندهٔ مهربان و احسانگر رحم‌آوری است که ما مخلوقات را جز به خیر و صلاح خودمان دستور نمی‌دهد. با وجود این که حق دارد به خاطر هستی بخشیدن و نعمت دادن به ما و بندگی جبری و گریزناپذیر ما در برابر او هر چه اراده کرد، برعهده‌مان بگذارد و بدان موظفمان گرداند، تنها تکالیفی را مقرر می‌کند که به سود و صلاح وجود ما باشد. ما در هر نفسی که می‌کشیم نیازمند او هستیم ولی او ذاتاً بی‌نیاز است و چگونه می‌شود آفریدگاری محتاج آفریدهٔ خود باشد؟

در قرآن از زبان سلیمان می‌شنویم که می‌گوید: ﴿هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي ءَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ ۚ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌ كَرِيمٌ﴾ (النمل، ۴۰).

ترجمه: "این از فضل پروردگار من است تا مرا بیازماید که آیا سپاس می‌گزارم یا اینکه ناسپاسی می‌کنم و هر کس سپاس گزارد، تنها برای [سود] خود سپاس می‌گزارد. و هر کس ناسپاسی کند [بداند] که پروردگارم بی‌نیاز بخشنده است."

همچنین می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنِ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌ حَمِيدٌ﴾ (لقمان، ۱۲).

ترجمه: "و به راستی به لقمان حکمت بخشیدیم [با این پیام] که: خدا را شکر گزار. و هر کس شکر می‌گزارد، [بداند که] تنها به [سود] خویش شکر می‌گزارد و هر کس کفران ورزد، [بداند که] خداوند بی‌نیاز ستوده است."

در حدیث قدسی آمده است: «ای بندگان من، شما نمی‌توانید به من زبانی برسائید و نمی‌توانید سودی نصیب کنید، ای بندگان من، اگر اول و آخر و انس و جن شما، باتقواترین دل را داشته باشند، به ملک من چیزی نمی‌افزایند و اگر همهٔ آنها بدترین قلب را داشته باشند، از ملک من چیزی نمی‌کاهند»<sup>۴</sup> (۱۶: ۱۹۹۴).

<sup>۴</sup> قال عزوجل فی حدیث قدسی: «یا عبادِی اِنَّکُمْ لَنْ تَبْلُغُوا ضَرَرِیَ فَتَضُرُّوْنِی وَلَنْ تَبْلُغُوا نَفْعِیَ فَتَنْفَعُوْنِی یا عِبَادِی لَوْ اَنَّ اَوَّلَکُمْ وَاٰخِرَکُمْ وَاِنْسَکُمْ وَجَنَّکُمْ کَانُوا عَلٰی اُنْفٰی قَلْبِ رَجُلٍ وَّاحِدٍ مِنْکُمْ مَا زَادَ ذٰلِکَ فِی مُلْکِیْ شَیْئًا یا عِبَادِی لَوْ اَنَّ اَوَّلَکُمْ وَاٰخِرَکُمْ وَاِنْسَکُمْ وَجَنَّکُمْ کَانُوا عَلٰی اَفْجَرِ قَلْبِ رَجُلٍ وَّاحِدٍ مَا نَقَصَ ذٰلِکَ مِنْ مُلْکِیْ شَیْئًا» (۱۶: ۱۹۹۴)

هنگامی که خداوند، اینچنین بی نیاز مطلق باشد، پس هدف از الزام و سفارش بندگان به عبادت و اطاعت چیست؟

معلوم میشود که پاسخ مزبور در طبیعت وجود انسان و رسالت وی در زمین و سر انجामी که در نهایت این زندگی برایش آماده گردیده است، نهفته میباشد (۷۵-۷۶).

## ۱. عبادت غذای روح

حقیقت انسان، همین وجود مادی محسوس و قابل مشاهده نیست؛ بلکه حقیقت او به جوهر ارزشمندی مربوط می شود که عامل گرمی بودن انسان و برتری او بر همه موجودات روی زمین می باشد و آن جوهر، همان روح است که الله متعال آنرا در وجود انسان دمیده است و با عبادت، تغذیه شده و رشد پیدا می کند (۷۶: ۹).

قلب، از دو جهت به خداوند احتیاج دارد: یکی از جهت عبادت و دیگری از جهت استعانت و توکل؛ بنابراین قلب انسان جز با عبادت و محبت پروردگار و روی آوردن به او، اصلاح نمی شود اگر تمام پدیده‌های لذت بخش برایش فراهم آیند، اطمینان و آرامش نمی یابد؛ زیرا که نسبت به پروردگار که معبود، محبوب و مطلوب او می باشد، فقر ذاتی و فطری دارد که فقط در صورت تحقق آن شادمانی، لذت و آرامش به دست می آورد و این جز با کمک خداوند حاصل نمی شود و غیر از الله متعال کسی قدرت تأمین آن را ندارد (۱۰۸-۱۰۹: ۲). برای دل، چیزی دوست داشتنی تر از آفریدگار و ایجاد کننده آن وجود ندارد. اوست که خدا، معبود، یاور، مولا، پروردگار، گرداننده، روزی دهنده، میراننده و زنده کننده دلهامی باشد. بنابراین، محبتش، نعیم نفوس و حیات جانها و شادمانی روانها و نیروی دلها و فروغ اندیشه‌ها و روشنی دیده‌ها و سازنده درونی آدمی است (۱۹۷: ۳).

## ۲. عبادت راه آزادی از بندگی مخلوقات

عبادت الله متعال عین آزادی و سربلندی است، بنده گی الله متعال دل را از بنده گی مخلوقات آزاد می کند، از تسلیم و فروتنی در برابر هر چیزی غیر خدا از قبیل انواع خدایان

باطل و طاغوت‌هایی که مردم را با بدترین شکل اسیر و بنده خود می سازند، رها ساخته، به آن چهره و جلوه آزاده گان بزرگ منش را می بخشد.

برای انسان اندیشمند، چیزی با ارزش تراز این نیست که آفریده گار و سازمان دهنده خود را پرستیده، عبادت غیر او را دور بیندازد. برای کامیابی و سلامت درونی انسان چیزی مفید تراز توجه به خدای واحد و خضوع، محبت نسبت به او، بگونه ای که قلبش در میان خدایان و معبودهای متعدد، چند پاره نگردد، نمی باشد. الله متعال فرموده است: ﴿صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا﴾ (۱: الزمر، ۲۹).

ترجمه: "خداوند مردی را که شریکان بر سر او کشمکش دارند و مردی را که تسلیم یک نفر است، مثال می زند. آیا این دو برابرند؟".

بنا براین، بنده ای که یک مولا دارد، هنگامی که دانست، مولایش از چه چیزی خشنود می شود، آن را با خشنودی و گشاده رویی انجام داده، احساس آرامش می کند. اما بنده ای که متعلق به چند شریک متفاوت بوده، هریک از آنها به چیزی فرمانش دهند، چه اندازه بدبخت و بیچاره خواهد بود.

هر کسیکه از عبادت خدا سرپیچی کند ناگزیر غیر او را خواهد پرستید. انسان وقتی که بنده غیر خدا باشد، مشرک میشود، و هر مستکبری در واقع مشرک است. بنابراین به هر اندازه ای که اخلاص دینی در انسان نسبت به خدا قویتر می شود، عبودیتش نسبت به او و بی نیازیش از مخلوقات، کمال می پذیرد، با کمال عبودیت در برابر خدا، دوری از شرک و خودخواهی، کاملتر می شود (۹: ۸۶).

## د: هدف عبادت

عبادت دارای اهداف ارزنده است که ارتباط انسان را با خالق هستی بر قرار نموده و تمثیل بندگی برای الله ﷻ می باشد، زیرا انسان فطرتاً خدا شناس میباشد چنانچه الله متعال فرموده است: ﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ﴾ (۱: الاعراف، ۱۷۲).

ترجمه: "و یاد کن چون گرفت پروردگار تو از بنی آدم از پشت ایشان اولاد ایشان را و گواه گردانید ایشانرا بر ذات ایشان گفت آیا نیستم پروردگار شما گفتند آری هستی گواه شدیم این شاهد گرفتن برای احتراز از آنست که نگوئید روز قیامت هر آئینه ما بی خبر بودیم ازین توحید".

همچنان فرموده است: ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَیِّمِ﴾ (۱: الروم، ۴۳).

ترجمه: "پس راست کن روی خود را برای دین درست".

درس‌رشت انسان علاوه بر عناصر مادی عنصر ملکوتی والهی وجود دارد، چنانچه الله متعال فرموده است: ﴿ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ﴾ (۱: السجدة، ۹).

ترجمه: "باز درست اندام کردش و دمید در وی روح خود را".

انسان شخصیت مستقل و آزاد دارد و امانت دار خدا است، رسالت و مسئولیت دارد چنانچه الله متعال فرموده است: ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾ (۱: الاحزاب، ۷۲).

ترجمه: "هر آئینه ما پیش آوردیم امانت را بر آسمانها و بر زمین و بر کوهها پس قبول نکردند که بردارند آن را و بترسیدند ازان و برداشت آنرا آدمی هر آئینه وی هست ستمکار نادان".

آسمانها و زمین و کوه‌هایی که قرآن آنها را برگزیده است تا از آنها سخن بگوید، همه این آفریده‌های بزرگ و هولناکی که انسان در آنها یا در برابر آنها زندگی می‌کند و چیز کوچک ناچیزی به نظر می‌آید، این آفریده‌ها بدون تلاش و کوشش، آفریدگار خود را می‌شناسند، و به قانون آفریننده خود راهیاب می‌شوند به وسیله خلقت و وجود و نظام و سیستمی که دارند، و از قانون آفریدگار به طور مستقیم و بدون واسطه و بدون تفکر و تدبیر اطاعت می‌کنند، و برابر این قانون پیوسته حرکت می‌کنند بدون این که سستی بنمایند و از نقش خود کمتر از ثانیه‌ای تخلف ورزند و کوتاهی کنند، و طبق خلقت و سرشت خویشتن بدون این که متوجه باشند و اختیاری از خود داشته باشند کار خود را می‌کنند و به وظیفه خویش بر می‌خیزند.

بنا بر آنچه گفته شد از نظر قرآن انسان موجودی است برگزیده از طرف خداوند، خلیفه و جانشین او در زمین، نیمه ملکوتی و نیمه مادی، دارای فطرت خدا شناسی، آزاد، مستقل، امانت دار خدا و مسئول خویشتن و جهان، مسلط بر طبیعت و زمین و آسمان، ملهم به خیر و شر، وجودش از ضعف و ناتوانی آغاز می شود و به سوی قوت و کمال سیر می کند و بالا می رود اما جز در بارگاه الهی و جز با یاد او آرام نمی گیرد. ظرفیت علمی و عملی اش نامحدود است، از شرافت و کرامت ذاتی برخوردار است، احیاناً انگیزه هایش هیچگونه رنگ مادی و طبیعی ندارد، حق بهره گیری مشروع از نعمت های خدا به او داده شده است ولی در برابر خدای خودش وظیفه دار است (۹: ۸۶).

از اینکه انسان دارای ویژگی های فوق بوده نزد الله متعال یکی از مخلوقات ویژه محسوب میشود<sup>۱</sup> پس انسان اندیشمند هر روز از خویشتن پرسد اینکه الله مرا چنین تکریم داشته است علت و هدف آن چیست؟ چرا الله متعال من را آفریده است؟ هدف از آفرینش ام چیست؟ لزوماً بعد از مراجعه به قرآن برای این سوالات خویش پاسخی قناعت بخش بدست می آورد. دقیقاً در پاسخ چنین سوال الله متعال فرموده است: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (۱: الذریات، ۵۶).

ترجمه: "و نیافریدم جن و انس را مگر برای آنکه پرستند مرا".

از این آیت به وضاحت معلوم می شود که الله متعال انسان را به خاطر عبادت خلق کرده است. اگر چه الله به عبادت بنده نیاز ندارد اما عباداتی که بالای بنده فرض است در ضمن آزمون الله متعال، بنده عابد از منافع دنیوی عبادات نیز مستفید می گردد.



## درس دوم

## ابعاد عبادت در اسلام

## الف: ارتباط عبادت با ایمان و اخلاق

احکام قرآن مجید در سه بخش عمده بیان میشود: عقیده، عبادت و اخلاق. عقیده و عبادت ارتباط انسان را با پروردگارش تنظیم نموده و اخلاق ارتباط انسان را با خودش و همنوع اش در بر میگیرد. زمانی که در آیات قرآن مجید دقت صورت میگیرد دیده میشود که در اکثر آیات این سه بخش عمده در پهلوی همدیگر یکجا ذکر میشوند، بدین معنی که هر یک اینها با همدیگر ارتباط مستحکم و غیر گسستنی دارند. پس همینطوریکه اخلاق بدون عقیده و عبادت ناقص میباشد به عین شکل عقیده و عبادت هم بدون اخلاق سست و ضعیف میباشد. پس در نتیجه گفته میتوانیم که از جمله اهداف اساسی عقیده و عبادت متصف شدن انسان مسلمان به اخلاق نیکو است.

## ۱. ارتباط عبادات با اصل ایمانی و روش های اخلاقی

عبادت در اسلام براساس ایمان استوار بوده که به همین لحاظ با ایمان راسخ که در قلب مؤمن جاگزین شده است، ارتباط مستقیم دارد. قسمیکه خداوند عز و جل می فرماید ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (الحج، ۷۷) ترجمه: "ای آن کسانی که ایمان آوردید رکوع کنید، سجده نمائید و کارهای نیک را انجام دهید تا رستگار شوید."

خطاب برای مؤمنین است کسانی که به وحدانیت خداوند و به روز آخرت ایمان آورده اند امر کرده میشوند تا رکوع نمایند و سجده کنند و کارهای نیک را انجام دهند تا اینکه رستگار شوند.

از همین لحاظ است که در اکثر آیات قرآن مجید ایمان با عمل صالح یکجا ذکر شده قسمیکه عمل صالح بدون ایمان قطعاً مورد اعتبار نیست به همین قسم ایمان بدون عمل

صالح انسان را از عذاب خداوندی نجات داده نمی تواند ، حتی که خداوند کریم کسانی را که ایمان آورده اند و برای ایمان خود عمل صالح را کسب ننموده اند یکجا با کسانی ذکر کرده که همیشه در آتش دوزخ میسوزند. خداوند کریم می فرماید: ﴿يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا﴾ (۱: الانعام، ۱۵۸).

ترجمه: "روزی که بیاید بعض نشانه های پروردگار تو ، نفع ندهد نفسی را ایمان او که ایمان نیاورده بود پیش از این و یا اینکه کسب نکرده بود برای ایمان خویش عمل نیک و صالح را." خداوند جلّ و علا در آیت مبارکه از روزی ذکر می کند که نشانه های قیامت و یا نشانه های موت برای یک انسان ظاهر و نمایان میشود ، که در آن روز ایمان انسان کافر، که قبلاً ایمان نه آورده قبول نشده و برایش کدام سود نمی رساند و همچنان انسانی که قبلاً ایمان آورده ولی برای ایمان خویش عمل صالح و کار نیک را کسب ننموده است، صرف ایمانش در آن روز عذاب را از وی دفع کرده نمی تواند؛ بنابراین ثمره ایمان، عمل صالح بوده و ایمان بدون عمل صالح مانند درخت خشکی است که هیچ ثمر و سایه نمیدهد. و از جانب دیگر کسانی که برای ایمان خویش عمل صالح را انجام نمیدهند<sup>۲</sup> بسیار کم اتفاق می افتد که آنها به حالت ایمان خود باقی مانند، زیرا عمل صالح ایمان را استوار نگه میدارد تا زمانیکه انسان می میرد بتواند با ایمان بمیرد . قسمیکه خداوند -جل جلاله- می فرماید ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ (۱: آل عمران، ۱۰۲).

ترجمه: ای مؤمنان بترسید از خداوند به حق ترسیدن از او، و نمیرید مگر اینکه مسلمان باشید. ساحه عمل صالح بسیار وسیع بوده و اقسام متعدد را در بر میگیرد که از جمله عبادات ، اخلاق و معاملات میباشد.

عبادات آنچه هاست که انسان مؤمن برای رب خود انجام میدهد که اقسام متعدد دارد ، و اخلاق آنچه که انسان مسلمان غرض تزکیه نفس خود انجام میدهد ، و معاملات آنچه را که انسان با دیگران انجام میدهد ، که هریک اقسام مختلف را احتواء می کند.

## ۲. تقوی و ارتباط آن با عبادات و ارزشهای اخلاقی

آنچه از هدف عبادات در قرآن مجید ذکر شده حصول تقوی و پرهیزگاری در انسان مومن و مسلمان بوده ، ارتباط تقوی با اخلاق در این است که تقوی جامع تمام فضایل اخلاقی میباشد. اداء نمودن نماز و پرداختن زکات یکی از مهمترین مکلفیت های انسانهای با تقوی است ، قسمیکه الله ﷻ می فرماید: ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ (البقرة، ۲-۳).

ترجمه: " این کتاب هیچ شبه نیست در آن رهنما است پرهیز گاران را آنانکه ایمان می آرند به غیب و بر پا می دارند نماز و از آنچه ایشان را روزی دادیم خرج میکنند ".  
در مورد روزه و حصول تقوی در آن الله ﷻ می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (البقرة، ۱۸۳).

ترجمه: " ای آن کسانی که ایمان آورده اید فرض کرده شده بر شما روزه چنانچه فرض کرده شده بود بر کسانی که پیش از شما بودند تا باشد که پرهیزگاری کنید ".  
به همین ترتیب الله ﷻ مورد فریضه حج و ارتباط آن با تقوی چنین ارشاد می فرماید: ﴿وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى﴾ (البقرة، ۱۹۷).

ترجمه: " و توشه همراه گیرد هر آئینه بهترین توشه پرهیزگاری است ".  
آنچه از ارتباط عبادت با تقوی و ارتباط تقوی با اخلاق بر می آید اینست که از مهمترین شروط قبولیت عبادات در نظر گرفتن ارزشهای اخلاقی در آن میباشد، زیرا هر زمانیکه عبادات عاری از ارزشهای اخلاقی باشد مورد قبول قرار نمیگیرد، و زمانیکه عبادت قبول نشد تقوی نیز حاصل نمیشود.

## ب: ویژه گی های عبادت در اسلام

عبادت در اسلام شامل یک سلسله ویژگیها و خصوصیت هایی میگردد که در عبادات دیگر ادیان باطله و منحرفه که انسانها از نزد خود ایجاد کرده اند سراغ کرده نمی شود. علما و دانشمندان اسلام این ویژه گی و خصوصیت ها را از خلال آیات قرآن مجید احادیث متبرکه که پیامبر اسلام استنباط کرده اند که قرار ذیل می باشد:

### ۱. عبادت ربانی

مراد از ربانی بودن عبادت در اسلام، نسبت آن به رب العالمین است، الله ﷻ که خالق و آفریدگار جهان و کائنات می باشد. پس تمام عبادات در اسلام از جانب الله ﷻ توسط انبیاء ﷺ تشریح شده و مصدر و منبع آن کلام الله ﷻ و وحی سماوی میباشد (۷۰-۷۱).

### ۲. اخلاص در عبادت

هدف از اخلاص در عبادت انجام دادن آن صرف برای الله ﷻ می باشد یعنی در اسلام مستحق و سزاوار عبادت تنها و تنها الله ﷻ می باشد و مسلمان حق ندارد که هیچ نوع عبادت را بغیر از الله ﷻ به مخلوق دیگری انجام دهد<sup>۱</sup> چه عبادت بدنی باشد یا مالی و یا غیر آن<sup>۲</sup> زیرا این خود هدف اساسی خلقت انسان است<sup>۳</sup> چنانچه الله ﷻ میفرماید:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (۱: الذریات، ۵۶).

ترجمه: "و خلق نکردم جن و انس را مگر اینکه مرا عبادت کنند". کلمه "لیعبدون" که ضمیر متکلم است راجع میشود به الله جل جلاله. برخلاف ادیان باطله که عبادات آنها برای خدا های متعدد صورت میگیرد که از نزد خود ایجاد کرده اند.

### ۳. عدم وساطت در عبادت

از ویژه گی های دیگر عبادت در اسلام انجام دادن آن مستقیماً به الله ﷻ می باشد بدون اینکه وساطت در میان وجود داشته باشد چنانچه الله ﷻ می فرماید: ﴿إِلَّا اللَّهُ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيَقَرَّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ﴾ (الزمر: ۳).

ترجمه: "آگاه باشید که دین خالص از آن خداست، و کسانی که به جای او معبودان (و اولیای) گرفتند که بی گمان خداوند (روز قیامت) میان آنها در آنچه اختلاف داشتند، داوری می کند، خداوند آن کسی که دروغگوی ناسپاس است، هدایت نمی کند".

همچنان در آیت دیگری الله ﷻ می فرماید: ﴿وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتَبْتَئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ ﴿یونس: ۱۸﴾.

ترجمه: "و غیر از خدا چیزهای را می پرستند که نه به آنها زیانی می رساند و نه سودشان می بخشد، و می گویند: «اینها (=بتها) شفیعان ما نزد خدا هستند» بگو: «آیا خدا را به چیزی که در آسمانها و در زمین نمی داند، خبر می دهید؟! منزه است او، و از آنچه با او شریک می سازند برتر است".

این آیات مبارکه دلالت دارد بر اینکه انسان تنها الله ﷻ را عبادت می کند بدون اینکه واسطه در میان باشد. زیرا عبادت در حقیقت اظهار عجز و ذلت در برابر عظمت و بزرگی الله متعال است. اما مخلوق هر چیزیکه باشد از انبیاء ﷺ گرفته تا ملائکه، جنیات، جامدات و نباتات هیچگاه واسطه میان عبادت الله قرار گرفته نمی توانند، زیرا اصل در مخلوق عدم است و عدم هیچگاه شایسته عظمت و بزرگی شده نمیتواند. (۱۰: ۱۲۷).

#### ۴. شمولیت و استمرار

عبادات در اسلام شامل و فراگیر بوده و تمام عرصه های حیات و زندگی انسان را شامل میشود زیرا هیچ عرصه در حیات و زندگی انسان وجود ندارد مگر اینکه در مورد آن احکام و فرامین الهی بیان شده و شکی نیست که تطبیق همین احکام در هر عرصه زندگی عبادت شمرده میشود. بر خلاف ادیان باطله و منحرفه که عبادت آنها صرف در مراسم خاص و روزهای خاص تخصیص داده شده متباقی امورات زندگی شان اصلاً تحت عبادت داخل نمی شود (۱۰: ۱۸۰).

بر عکس در اسلام عبادات مقطعی نبوده بلکه دوامدار و مستمر میباشد و تا لحظه مرگ ادامه پیدا میکند و همه اوقات انسان را در بر میگیرد، چنانچه الله ﷻ می فرماید: ﴿وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ﴾ (۱: الحجر، ۹۹).

ترجمه: "و پروردگارت را عبادت کن تا هنگامی که یقین (= مرگ) به سراغت آید".  
در آیت دیگری الله ﷻ می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ (۱: آل عمران، ۱۰۲).

ترجمه: "ای کسانی که ایمان آورده اید! از خداوند؛ آن گونه که شایسته ترسیدن از او است؛ بترسید، و نمیرید مگر اینکه مسلمان باشید."

## ۵. توقیفی بودن عبادت

مراد از توقیفی بودن عبادت در اسلام اینست که هر عبادت در اسلام متوقف به احکام شریعت اسلام است و هیچ کس تحت هیچ نام حق ندارد از نزد خود در اسلام عبادات را ایجاد کند و یا احکام یک عبادت را به عبادت دیگر قیاس کرده احکام جدید را بمیان آوری.

پس هر عبادت که در اسلام فرض و یا واجب گردیده است احکام خاص خود را دارد و احکام آن با عبادات دیگر قیاس نمی گردد و هر عبادت در اسلام باید دلیل شرعی و حکم شرعی از قران و سنت پیامبر ﷺ داشته باشد و الا هیچگاه در اسلام من حیث عبادت شمرده نشده بلکه بدعت شمرده می شود. چنانچه پیامبر اسلام در این مورد می فرماید: «مَنْ أَحْدَثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ فِيهِ (مِنْهُ) فَهُوَ رَدٌّ» (۸: ۵۱۹).

ترجمه: "هر کسیکه در امور ما چیزی را ایجاد کند که در دین یا از دین نباشد پس آن مردود است."

بناء انسان مسلمان صرف مکلف به انجام دادن همان عبادات است که شریعت اسلام برایش بیان کرده اما در رابطه به برخی عبادات که نظر به عادات و تقالید در بین مسلمانان رخنه کرده است، هیچگونه مکلفیت ندارد.

## ۶. عبادت در اسلام مطابق توانائی و قدرت انسان

الله ﷻ انسان را خلق کرده و او را ملکف به انجام دادن عبادت کرده و از توانمندی ها و استطاعت انسانها آگاهی کامل دارد، لذا یکی از ویژگی های عبادت در اسلام مطابق بودن آن با قدرت و توانمندی انسان است و این خصوصیت را در متباقی عبادات در ادیان باطله و منحرفه سراغ کرده نمی توانیم زیرا انسانها با عقل قاصر خود هیچگاه نمی توانند از اسرار نهفته خود آگاهی حاصل نمایند تا عبادات را مطابق آن عیار سازند. الله ﷻ می فرماید:

﴿لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ (البقرة، ۲۸۶).

ترجمه: "خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی کند." بناء هر عبادت و هر حکم از اوامر و نواهی الله ﷻ مطابق توانمندی و استطاعت انسان بوده و به همین اساس انسان مکلف است آنرا انجام دهد. انسان مخلوق ضعیف و ناتوان است لهذا توانی مشقت و سختی ها را ندارد به همین اساس الله ﷻ انسان را در عبادت به مشقت و سختی مبتلا نکرده و نه بالاتر از قدرتش ویرا مکلف کرده است، بناء اساس عبادات در اسلام روی سهولت و آسانی پایه گذاری شده است چنانچه الله ﷻ می فرماید: ﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾ (البقرة، ۱۸۵). ترجمه: داوند برای شما آسانی می خواهد، و برای شما دشواری نمی خواهد. در آیت دیگری الله ﷻ می فرماید: ﴿يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يَخَفَّفَ عَنْكُمْ وَخَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا﴾ (النساء، ۲۸).

ترجمه: "خداوند می خواهد کار را بر شما سبک و آسان کند، و انسان، ضعیف و ناتوان آفریده شده است." بنابراین، هرزمانیکه انسان در انجام دادن عبادت های الهی عاجز و یا ناتوان می شود الله ﷻ آن عبادت را یا از انسان ساقط می گرداند و یا هم تخفیف می نماید، مانند فریضه زکات و حج که بر فقرا و مساکین واجب نمی باشد و مانند روزه و نماز که در هنگام عذر مرض و سفر بر انسان تخفیف می شود.

شکی نیست که انسان با طبیعت و سرشت آفریده شده که از چیز های یکنواخت احساس خستگی و دلزدگی میکند، پس به جهت اینکه انسان در زمینه عبادت پروردگار خود احساس خستگی و ملالت نکند الله ﷻ عبادت را برای انسان متنوع و گوناگون

گردانیده تا از یک جانب همیشه در عبادت الله ﷻ بوده و از جانب دیگر از عبادت یکنواخت احساس خستگی و ملالت نکند (۱۰: ۱۲۰).

### ج: حکم فراگیری فقه عبادات

فقه در لغت به معنی فهم، علم و دانش می آید و در اصطلاح عبارت است از علم و معرفت در مورد احکام عملی از خلال دلایل شرعی آن (۱۱: ۴۱۹).

آنچه مراد از فقه در اینجا می باشد معنی لغوی آن است نه معنی اصطلاحی آن، زیرا حکم فراگیری فقه به معنی اصطلاحی آن متعلق به تخصص در علوم شرعی است. اما آنچه از حکم فراگیری فقه عبادات می باشد عبارت از فراگیری و حاصل نمودن علم در مورد عبادات و احکام آن می باشد تا انسان مسلمان بتواند آنرا بصورت درست انجام دهد. با این تفاوت که علم عبادات صرف در فراگیری و حاصل کردن احکام آن خلاصه میشود اما فقه عبادات بر علاوه فراگیری احکام، حکمت های عبادت و طریقه عملی آنرا نیز در بر می گیرد.

پس بنابر فرموده پیامبر اسلام ﷺ: «طلب العلم فريضة على كل مسلم» (۴: ۸۱).

ترجمه: "فراگرفتن علم بر هر مسلمان فرض می باشد."

حکم فراگیری فقه عبادات بالای هر انسان اعم از زن و مرد فرض عین بوده به این معنی که بر هر انسان مسلمان فرض و واجب میباشد تا از احکام عبادت الهی آگاهی کامل داشته باشد، تا بتواند آنرا مطابق شریعت اسلام بصورت درست<sup>۲</sup> انجام دهد. (۱۴: ۶)

فرضیت فراگیری علم در حدیث متبرکه که پیامبر اسلام ﷺ به دو بخش تقسیم میشود: یکی فرض عین و دیگری فرض کفائی

تمام امورات که متعلق به مسایل و احکام عقیده، عبادات، اخلاق و معاملات انسان مسلمان میشود<sup>۳</sup> در تحت فرض عین داخل شده و هر مسلمان خودش مکلف به فراگیر آن میباشد و در صورت تقصیر و کوتاهی مورد مواخذه قرار میگیرد.

اما فرض کفائی آن عبارت از علوم است که مربوط به جامعه اسلامی میشود پس اگر یک تعداد از مسلمانان آنرا فرا گرفتند، فرضیت آن از بالایی دیگران ساقط میگردد. مانند فراگیری علوم ساینس و تکنالوژی و سایر فنون مفید در رابطه به جامعه اسلامی (۱۴: ۶).



## تمرینات فصل اول

۱. عبادت را در لغت و اصطلاح تعریف کرده و ارتباط میان معنی لغوی و اصطلاحی آنرا واضح سازید.
۲. چرا عبادت در اسلام مقید به یک سلسله شروط می باشد، هریک را نام گرفته مختصراً توضیح نمائید.
۳. نیت چه را میگویند و چرا در عبادت ضروری است و از جمله کدام شروط عبادت شمرده می شود؟ توضیح دهید.
۴. چگونه ثابت کرده می توانیم که یکی از شروط عبادت موافق بودن آن با سنت پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم می باشد، در روشنائی آیات و احادیث بیان کنید.
۵. انسان به عبادت چه نیاز دارد ، و چرا عبادت غذای روح گفته می شود، معلومات خویش را در زمینه بیان نمائید.
۶. چگونه عبادت، انسان را از بندگی دیگر مخلوقات نجات میدهد ضمن چند مثال واضح سازید.
۷. آیا عبادت با ایمان و عقیده کدام ارتباط دارد؟ این موضوع را در روشنی آیات قران مجید و احادیث پیامبر صلی الله علیه و سلم بیان نمائید.
۸. ارتباط تقوی میان عبادت و اخلاق چه است ضمن چند مثال بیان کنید؟
۹. مراد از توقیفی بودن عبادت چه می باشد، و چگونه عبادت در اسلام مطابق توانائی و استطاعت انسان صورت می گیرد؟ واضح سازید.
۱۰. فرق میان فراگیری علم عبادت و فقه عبادت در چه است، حکم هر یک را بطور مستدل بیان نمائید.

## مآخذ فصل اول

### ۱. قران کریم

۲. ابن تیمیّه، احمد بن عبدالحلیم. ۱۴۲۶هـ ق ۲۰۰۵م. **العبودية**. المحقق، محمد زهير الشاوش. بيروت: المكتب الاسلامي.
۳. ابن قيم الجوزية، محمد بن ابي بكر. ۱۳۹۵هـ ق / ۱۹۷۵م. **اغاثة اللفهان من مصادد الشيطان** ج ۲. تحقيق محمد حامد الفقي. بيروت: دار المعرفة.
۴. ابن ماجه، محمد بن يزيد. ب.ت. **سنن ابن ماجه** ج ۱. تحقيق عبدالباقى، محمد فؤاد. بيروت: دارالفكر.
۵. ابو داود، سليمان بن الاشعث. ب.ت. **سنن ابي داود** ج ۴. تحقيق عبدالحميد، محمد محي الدين. بيروت: دار الفكر.
۶. الأصبحي، مالك بن انس. ۱۴۱۳هـ ق - ۱۹۹۱م. **الموطأ** ج ۲. تحقيق، تقى الدين الندوى. دمشق: دارالقلم.
۷. البخارى، محمد بن اسماعيل. ۱۴۲۲هـ ق. **الجامع المسند الصحيح**. المحقق الناصر، محمد زهير. دار طوق النجاة.
۸. البيهقي، ابوبكر احمد بن الحسين. ۱۴۱۰هـ ق. **شعب الايمان**. ج ۶. تحقيق زغلول، محمد السعيد. بيروت: دار الكتب العلمية.
۹. قرضاوى، يوسف. ۱۳۸۶هـ ش. **عبادت در اسلام**. ترجمه محمد ستارى خرقانى. تهران: نشر احسان.
۱۰. قرضاوى، يوسف. ۱۳۷۹هـ ش. **ويژگی های کلی اسلام**. ترجمه جليل بهرامى نيا. تهران: نشر احسان.
۱۱. قلعه جى محمد رواس و حامد صادق قنبي. ۱۴۰۸هـ ق / ۱۹۷۷م. **معجم لغة الفقهاء**. بيروت لبنان: دار النفائس للطباعة و النشر و التوزيع.
۱۲. مصطفى، ابراهيم و آخرون. ۱۳۸۰هـ ق / ۱۹۶۰م. **المعجم الوسيط**. القاهرة: مطبعة مصر.
۱۳. الموسوعة الفقهية الكويتية. ج ۲. ۱۴۲۷هـ ق. الكويت: وزارة الاوقاف والشئون الاسلامية.
۱۴. الموسوعة الفقهية الكويتية. ج ۱۳. ۱۴۲۷هـ ق. الكويت: وزارة الاوقاف و الشئون الاسلامية.
۱۵. الموسوعة الفقهية الكويتية. ج ۲۹. ۱۴۲۷هـ ق. الكويت: وزارة الاوقاف و الشئون الاسلامية.
۱۶. النيسابورى، مسلم بن الحجاج. ب.ت. **صحيح مسلم** ج ۴. تحقيق عبدالباقى، محمد فؤاد. بيروت: دار احياء التراث العربى.

## فصل دوم

### شمولیت و فراگیری عبادت در اسلام

#### اهداف اساسی و آموزشی

- بیان شمولیت و فراگیری عبادت در اسلام
- توضیح مراتب عبادت و اقسام آن
- شناخت عرصه های شمولیت عبادت در اسلام
- نتایج و آثار عبادت در زندگی انسان

رسالت انسان در زمین، عبادت الله واحد و یگانه است که آفریدگار و بخشنده نعمتهای ظاهری و باطنی می باشد. الله ﷻ ما را برای عبادت خود یعنی اطاعت همراه با عالیتین درجه خضوع، و آمیخته به محبت آفریده است، این اطاعت در چه چیزی متجلی می گردد؟ و در چه زمینه ای باید باشد؟ پاسخ این سؤال حقیقت مهمی برای ما آشکار خواهد ساخت که عبارت از فراگیری و شمولیت مفهوم عبادت و گستردگی جوانب آن در اسلام می باشد. این فراگیری در دو عرصه جلوه گر می شود (۱۹: ۳۹):

اول) شمول آن نسبت به تمامی دین و زندگی.

دوم) فراگیری آن نسبت به وجود ظاهری و باطنی انسان

بناء در این فصل سعی می شود تا اشکال، انواع و عرصه های عبادت را در اسلام بشناسیم، و یا به عبارت دیگر اقلأ پاسخ این سؤال را دریابیم که: الله ﷻ را چگونه و چطور عبادت کنیم؟

## درس سوم

### مفهوم و مراتب شمولیت عبادت در اسلام

#### الف: مفهوم شمولیت عبادت در اسلام

عبادت اسمی است در برگیرنده تمامی گفتارها و کردارهای باطنی و ظاهری مورد پسند و قبول خداوند، بنابراین نماز، زکات، روزه، حج، راستگوئی، امانتداری، احسان به پدر و مادر، حفظ پیوند خویشاوندی، پایبندی به عهد و پیمان، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد با کفار و منافقان، خوبی به همسایه و یتیم و درمانده و غریب و اسیر و حیوانات و ذکر و نیایش و تلاوت قرآن و این قبیل کارها، نمونه‌هایی از عبادت می‌باشند.

همچنین دوست داشتن خدا و رسول، ترسیدن از خدا و بازگشتن به سوی او و اخلاص عقیده و پذیرش خواسته خدا و سپاس در برابر نعمتها و رضا به قضای او و توکل بر او و امید بستن به رحمت و خوف از عذابش و نظایر این کارها در شمار عبادت خداوند هستند (۲: ۴۴).

به این ترتیب که عبادت، دارای افقی پهناور و حوزه‌ای گسترده است. هم شامل فرائض و آداب اساسی همچون نماز، روزه، زکات و حج می‌شود و هم شامل مواردی غیر فرائض همچون اقسام عبادات اختیاری از قبیل ذکر و تلاوت و نیایش و استغفار و تسبیح و ...

همچنین، خوشرفتاری و احترام حقوق مردم از قبیل احسان به پدر و مادر و حفظ رابطه خویشی و نیکی به یتیم و مسکین و غریب و مهر ورزیدن به ناتوانان و دلسوزی به حیوانات را دربر می‌گیرد.

با این توضیح، حقیقت مهمی که همیشه بسیاری از مسلمانان از آن غفلت ورزیده‌اند، برای ما روشن می‌گردد، چون بعضی از مردم وقتی کلمه «عبادت» را می‌شنوند، از آن چیزی جز نماز روزه، صدقه، حج و عمره و دعاها و اورادی از این قبیل نمی‌فهمند و تصور نمی‌کنند که ربطی به اخلاق و آداب و نظام و قوانین و شیوه رفتارها و کردارها داشته باشد. در حالی که عبادت خداوند، برخلاف پندار بسیاری مسلمانان که خیال می‌کنند با انجام آداب و اعمال عبادی متداول، حق خداوند را یکسره به جای آورده و امر عبودیت خدا را

به کمال رسانیده‌اند، در نماز و روزه و حج و ملحقات آنها مانند تلاوت و ذکر و دعا و استغفار، خلاصه نمی‌شود.

این ارکان اساسی اسلام با وجود منزلت و اهمیتی که دارند، تنها بخشی از عبادت خدا را تشکیل می‌دهند. نه همه عبادتی را که الله ﷻ بندگان را به آن مکلف گردانیده و به آن هدف ایشان را خلق کرده است.

حقیقت این است که محدوده عبادتی که خداوند برای آن، انسان را خلق نموده و مقصود زندگی و مسئولیت او قرار داده است، بسیار گسترده است و تمام جنبه‌های زندگی انسان را دربر می‌گیرد.

زیرا لازمه بندگی انسان برای الله واحد و یگانه، این است که در همه کارهایش از قبیل افکار، گفتار و کردار جهت مورد پسند و قبول او را در نظر گرفته، زندگی و رفتار خود را بر طبق رهنمودها و دستورات الله ﷻ شکل بدهد. یعنی هنگامی که خداوند او را به چیزی امر یا از آن نهی نمود و مسئول یا ممنوع ساخت، بگوید: ﴿سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾ (۲: البقرة، ۳۹۶).

ترجمه: "شنیدیم و پذیرفتیم، پروردگارا آمرزش تو را می‌جوییم که جهت سیر ما به سوی توست".

تفاوت یک انسان مؤمن با دیگران در این است که مؤمن از بندگی خود و سایر موجودات، رها شده و به سوی زندگی پروردگار خویش توجه نموده است و از اطاعت هوسهای خویش به اطاعت خدا منتقل گردیده است. فرد مؤمن، آنگونه «خودمختار» نیست که هر چه خود یا دیگری هوس نمود، انجام دهد. او متعهد به پیمانی است که باید بدان پایبندی و احترام داشته باشد و مستلزم روشی که ادامه‌اش دهد و دین، یک تعهد منطقی است که از طبیعت و خصلت ایمان برمی‌خیزد (۱۹: ۴۲).

قرآن کریم در این زمینه چنین فرموده است: ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَىٰ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلًّا مُّبِينًا﴾ (۲: الاحزاب، ۴۷).

ترجمه: "و هیچ مرد و زن مؤمنی را نرسد که چون خداوند و رسولش کاری را مقرر نمایند، آنکه خود در کارشان اختیار داشته باشند. و کسی که از خداوند و رسول او نافرمانی کند، [بداند که] در گمراهی آشکاری گرفتار آمده است".

بنابراین، کسی که می گوید: نماز می خوانم روزه می گیرم ولی در خوردن گوشت خوگ یا نوشیدن شراب یا گرفتن ربا آزاد هستم و احکامی را که برایم گران بیایند، دور می اندازم و به غیر احکام خدا عمل می کنم، پرستنده و بنده واقعی خدا نیست.

کسی که شعائر اسلام را به جا می آورد، اما الگوها و آداب اسلامی مربوط به خود و خانواده اش را مراعات نمی کند، مانند مردی که همچون زنان، لباس حریر و زیور طلا به کار می برد یا زنی که فساد برمی انگیزد و بدنش را نمی پوشاند، عبادتگر خدا محسوب نمی شود.

کسی که خیال می کند وظیفه عبادیش از چار دیواری مسجد فراتر نمی رود و در عرصه های مختلف زندگی بنده خود می شود و به عبارت دیگر از پیروی هوسهای خود یا دیگران فروگذار نیست و مانعی در برابر خود احساس نمی کند، بنده حقیقی و واقعی خدا نمی باشد (۱۹: ۴۳).

### • برداشت های متفاوت و نادرست از عبادت

نحوه برداشت از عبادت در اسلام با تمامی ادیان دیگر فرق دارد، چونکه عبادت از نظر اسلام به اعمالی از قبیل خشوع به صورت نماز و روزه، محدود نبوده بلکه همه زندگی عملی انسان را شامل می شود. به همین دلیل هدف ما از زندگی به طور کلی (عبادت) خداوند است. بنابراین ضرورتاً موظفیم که به این زندگی، در مجموع پدیده هایش به عنوان یک مسئولیت اخلاقی چند جانبه بنگریم.

عبادت خداوند، در وسیعترین مفهوم خود، به طوری که هم قبلاً بیان گردید، معنی زندگی انسانی را تشکیل می دهد. اما در این جا برای بعضی از مردم سؤالی پیش می آید که باید بدان پاسخ داده شود. آن سؤال این است که: اگر عبادت، تمامی دین را شامل می شود پس چرا فقها احکام دینی را به دو بخش عبادات و معاملات، تقسیم می کنند؟

در پاسخ باید جواب داد که تقسیم‌بندی فقها در مورد احکام شرعی عملی به عبادات و معاملات، اصطلاحی از خود آنهاست که خواسته‌اند دو نوع از احکام را از یکدیگر جدا کنند (۱۹: ۵۳).

نوع اول، شکلها و حالت‌هایی است که خداوند مقرر داشته است تا بندگان با انجام آنها بدو تقرب جویند. بنابراین، شارع خودش پدید آورنده و دستوردهنده به آنها می‌باشد و بندگان را جز پذیرش و اجرا وظیفه‌ای نیست. اینها همان شعائر و آداب تعبدی هستند که دین از آن خالی بوده نمیتواند و الله ﷻ با آنها بندگان را می‌آزماید و حقیقت عبودیت به وسیله آنها نمایان می‌گردد. به طوری که در قدم اول بندگان از آن بهره شخصی نمی‌برند.

اما نوع دوم شامل احکامی است که روابط میان مردم در زمینه زندگی و معاش و داد و ستد را تنظیم می‌کنند. این روابط و فعالیتها را دین پدید نمی‌آورد، بلکه از پیش وجود داشته‌اند و کار صاحب شریعت این است که، آنها را تعدیل و اصلاح نموده، قسمتهای صحیح و سودمندش را تأیید و قسمتهای فاسد و زیان‌آورش را ممنوع سازد.

بدین ترتیب روشن می‌شود که موقف اسلام، نسبت به نوع اول که فقها آنرا عبادت نامیده‌اند غیر از نقشی است که در برابر نوع دوم یعنی معاملات دارد زیرا در اولی پدید آورنده و ابداع کننده شریعت اسلام بوده و هیچ کس از پیش خود، حق ابداع و ایجاد چیزی در زمینه آن را ندارد و این حدیث اشاره بدان دارد که می‌گوید: «مَنْ أَحْدَثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ فِيهِ (مِنْهُ) فَهُوَ رَدٌّ» (۹: ۴۰۹).

ترجمه: "کسی که چیز تازه‌ای (که قبلاً نبوده است) در دین ما پدید آورد، مردود است". در حالیکه در نوع دوم، آنچه را که مردم عملاً ابداع و ایجاد کرده‌اند، اصلاح مینماید (۱۹: ۵۶).

این تقسیم‌بندی، فایده دیگری هم دارد و آن این است که: در جنبه عبادات، تعبد بدون در نظر گرفتن مقاصد و معانی هدف می‌باشد، ولی در عادات یا معاملات، توجه به معانی و حکمت‌ها و هدف‌هایی که در پشت سر موضوع قرار دارند، اصل و اساس کار قرار می‌گیرد (۱۴: ۳۰۴).

بنابراین، وقتی که اسلام، به عنوان مثال، سربریدن قربانی در حج را دستور می دهد، یک فرمان تعبدی است که سرپیچی از آن و صدقه دادن بهای قربانی، به خاطر این که باعث تعطیل عبادت اساسی و شعائری مزبور میشود، جایز نیست. اما هنگامی که به گردآوری اسب ها و ذخایر جنگی جهت مقابله با دشمنان سفارش میکند سپس با گذشت و دگرگونی روزگار مردم به جای اسب بر تانکها و زره پوشها سوار می شوند، بر اساس رعایت معانی و هدفهایی که از داخل دستورات شرعی در مورد مزبور فهمیده می شود؛ اجرای عملی سفارش مبنی بر نگهداری اسب ها، کوشش در جهت فراهم ساختن این جنگ افزارهای نوین می باشد (۱۹: ۵۷).

اما این تقسیمبندی فقهاء شکی نیست که پیامد منفی نیز از خود بجا گذاشته است چنانچه در تفسیر " فی ظلال القرآن " در مورد تقسیمبندی فقهای کرام احکام را به عبادات و معاملات چنین توضیحات داده شده است: اطلاق اصطلاح عبادات بالای شعائر و آنچه بین بنده و پروردگارش میباشد در مقابل اصطلاح معاملات و آنچه در میان مردم میشود .. اصطلاحی است که از عصر نزول قرآن عظیم الشان بسیار بعد و دیرتر آمده است. این تقسیم بندی در عصر اولی (عصر نبی کریم و صحابه کرام) معروف نبود. تقسیم اعمال انسان به عبادات و معاملات موضوعی است که بسیار بعد در هنگام تالیف در مضمون فقه پیدا شد، در آغاز فقط یک تقسیم بندی فنی بود که این خصوصیت تالیف علمی میباشد، ولی با تاسف بسیار، آثار بسیار بدی در تصور داشته که بعد از یک مدت زمان آثار بسیار زشتی در تمام عرصه های زنده گی اسلامی گذاشت، زیرا در تصور مردم چنین چیزی را جابجا نمود که منظور از عبادات تنها همان بخش فقه اسلامی است که بنام (عبادات) در فقه اسلامی نامگذاری شده است، و این انحراف در تصور اسلامی میباشد که بالاخره سبب انحراف در تمامی بخش های زنده گی در جامعه اسلامی میگردد.

در چوکات دین اسلام هیچ فعالیت انسانی وجود ندارد که بر آن معنای عبادت تطبیق نگردد زیرا هدف نهائی احکام دین اسلام تحقیق عبادت بشکل کلی بوده و در برنامه اسلام



برای نظام سیاسی، اقتصادی، تشریعات جنایی، مدنی، فامیلی و تمامی تشریعات همین منهج قابل تطبیق است (۱۸: ۱۹۳۷).

گذشته از این جهت فهم درست شمولیت و فراگیری عبادت در اسلام باید به نزد خود عرب ها که صاحب لسان اند مراجعه صورت گیرد که برداشت آنها از عبادت در اولین لحظه که آنها می شنیدند چه بوده است، صاحب تفسیر "فی ظلال القرآن" در ادامه سخنان خویش اضافه می کند که: یک انسان عرب زمانیکه توسط قرآن بار اول خطاب شد، مفهوم این لفظ تنها به چند عبادت منحصر نمیشد... بلکه هنگامیکه یک انسان عربی برای نخستین مرتبه در مکه مکرمه خطاب شد هنوز بالایش چیزی فرض نشده بود بلکه او میدانست که منظور از عبادت متدین شدن به خدای واحد در تمامی امور و ترک دینداری به دیگران (۱۸: ۱۹۳۸).

### **ب: مراتب شمولیت عبادت در اسلام**

عبادت در اسلام در بر گیرنده تمام احکام الهی میباشد که توسط انبیاء علیهم السلام برای انسانها آورده میشود، احکام الهی در قدم اول شامل یک سلسله اوامر است که انسان آنها را باید انجام دهد و یک سلسله نواهی می باشد که انسان مسلمان باید از آن خودداری نماید. حکمت الهی تقاضا نموده تا انسان را در این دنیا مورد امتحان و ابتلا قرار دهد، یکی از وجوهای امتحان، عمل کرد انسان به همین احکام است که عبارت از اوامر و نواهی می باشد.

علمای اصول فقه اوامر را که جمع امر می باشد به طلب انجام فعل و نواهی را که جمع نهی می باشد به خودداری نمودن از یک فعل تعریف نموده اند (۱۰: ۱۵۴).

طلب انجام دادن فعل در بر گیرنده تمام کارهای نیکو شده که خود یک عبادت است و خودداری نمودن از یک فعل بد که در بر گیرنده همه کارهای زشت و ناپسند میباشد، نیز در اسلام عبادت شمرده میشود، زیرا در انجام دادن و یا خود داری نمودن از یک فعل؛ در حقیقت پیروی و اطاعت از حکم الله ﷻ می باشد.

پس انجام دادن کارهای نیکو از خود مراتب و احکام دارد و خودداری نمودن از زشتی ها و کارهای ناپسند هم از خود مراتب و احکام دارد. برخی از کارهای نیکویست که انسان در انجام دادن آن هیچگونه اختیار ندارد بلکه مجبور است که حتماً آنرا انجام دهد و در صورت عدم انجام دادن مورد عقوبت الهی قرار می گیرد.

اما برخی دیگر از کارهای نیک و پسندیده وجود دارد که انسان مسلمان در انجام دادن آن اختیار دارد اگر انجام داد باعث ازدیاد اجر ثواب میشود و اگر انجام نداد مورد عقوبت قرار نمی گیرد.

بهمین ترتیب در کارهای زشت و ناپسند هم برخی اند که انسان در خودداری نمودن از آن اختیار نداشته بلکه حتماً باید از آن خودداری صورت گیرد در غیر آن مورد عقوبت قرار می گیرد و برخی اند که خودداری نمودن از آن کار بهتر و شایسته است اما در صورت که خودداری صورت نگرفت مورد عقوبت قرار نگرفته بلکه در اجر و ثواب عمل انسان تنقیص صورت می گیرد.

علمای اصول فقه این مراتب عبادت و یا عملکرد به احکام الهی را به فرض، واجب، سنت، نفل، حرام و مکروه تقسیم بندی کرده اند (۱۰: ۴۳۶) که بیان هر یک آن در فهم مراتب عبادت برای انسان مسلمان ضروری می باشد:

## ۱. فرض

فرض در لغت به معنای تقدیر و اندازه می آید (۲۰: ۶۸۹). اما در اصطلاح فقهای فرض عبارت از آن حکمی است که به دلیل قطعی که هیچگونه شبه و تردید در آن وجود نداشته باشد، ثابت گردد. مانند نمازهای پنجگانه، زکات، حج و غیره. منکر آن کافر می باشد و تارک آن فاسق گفته میشود (۱۰: ۴۳۶).

عبادت های فرضی بدو قسم تقسیم میگردد: فرض عینی و فرض کفائی (۲۴: ۹۶): فرض عینی عبارت از عبادتی میباشد که انجام دادن آن بالای هر مسلمان مکلف واجب بوده، و در صورت ترک نمودن آن تنها تارکش گنهار میشود، مانند: نمازهای پنجگانه، روزه، زکات، حج، و غیره.

و فرض کفائی عبارت از عبادتی میباشد که بالای بعضی از افراد جامعه واجب بوده، نه بالای هر فرد، اگر بعضی افراد جامعه آنرا انجام دهند از بالای باقی مردم ساقط میگردد، در صورت ترک آن تمامی افراد امت عاصی و گنهکار میباشد، مانند: جهاد، تعاون و همکاری با ضعیفان، تعلیم قرآن، و غیره.

## ۲. واجب

واجب در لغت به معنی ثابت یا لازم می آید (۲۰: ۱۰۲۳). در اصطلاح فقهای عبارت از آن حکمی است که به دلیل قطعی که به مرحله یقین نرسیده باشد، ثابت گردد، مانند صدقه فطر، قربانی، نماز عید و غیره. منکر واجب فاسق و تارک آن گنهکار می باشد. (۱۰: ۴۳۷).

## • فرق میان فرض و واجب

اصطلاح فرض و واجب در مراتب عبادات از جمله مصطلحات است که فقهای مذهب امام ابوحنیفه به آن قایل می باشند در حالیکه نزد متباقی فقها فرض و واجب هردو یکی اند و کدام فرق میان آنها نزد ایشان وجود ندارد. اما فقهای مذهب امام ابوحنیفه در رابطه به فرق میان فرض و واجب می گویند که هردو به دلیل قطعی از قرآن یا سنت ثابت شده و طلب انجام فعل را میکنند با این تفاوت که حکم قطعی در فرض به درجه یقین رسیده و جای برای شک و تردید باقی نماند است. اما واجب حکم قطعی ایست که به مرحله یقین نرسیده است لذا مرتبه آن از فرض پائینتر می باشد (۲۴: ۹۵).

## ۳. سنت

سنت در لغت راه، روش و طریقه را گویند (۲۰: ۴۵۸). اما در اصطلاح سنت به اقوال، افعال و تقریرات پیامبر اسلام ﷺ اطلاق میگردد که بعد از نبوت و رسالت انجام داده اند (۱۰: ۴۳۸).

سنت به دو نوع است: سنت مؤکد و سنت غیر مؤکد (۲۲: ۲۶۵).

• سنت مؤکد آنست که پیامبر ﷺ به آن مواظبت کرده اند، اما امر نکرده باشند و احیاناً ترک آن هم صورت گرفته باشد. انجام دادن آن باعث ازدیاد اجر و ثواب بوده تارک آن مورد عقوبت قرار نمی گیرد بلکه مورد عتاب یا ملامتی قرار خواهد گرفت.

- سنت غیر مؤکد آنست که پیامبر صلی الله علیه و سلم بعضاً به آن مواظبت و بعضاً آنرا ترک نموده باشند، انجام دادن آن اجر و ثواب دارد و تارک آن ملامتی ندارد.

#### ۴. نفل

نفل در لغت زیادت را گویند (۲۰: ۹۵۱). اما در اصطلاح فقها نفل عبارت از عبادتی است که زاید بر فرض و واجب باشد، یا به عباره دیگر نفل عبارت از عبادت است که نه بالای انسان فرض است و نه واجب می باشد، بلکه انجام دادن آن به اختیار خود انسان بوده عملکرد به آن باعث ازدیاد اجر و ثواب گردیده و تارک آن گنهکار شمرده نمیشود. نفل شامل مستحب و مندوب نیز میگردد و مرتبه آن از سنت پائینتر می باشد. مانند: نماز های سنت (تهجد، تراویح)، صدقه، روزه های نفلی، مانند: روزه روزهای دو شنبه و پنجشنبه و غیره (۲۶: ۱۰۰).

#### ۵. حرام

حرام در لغت به معنای منع می آید (۲۰: ۱۶۸-۱۶۹). اما در اصطلاح فقها عبارت از حکمی است که خود داری نمودن از آن به دلیل قطعی ثابت شده باشد. منکر آن کافر گفته شده و مرتکب آن فاسق گفته میشود مانند: سود و ربا، شرب خمر، قتل و غیره (۲۱: ۲۰۶).

#### ۶. مکروه

مکروه در لغت به معنای ناپسند یا ناخوش آیند می آید (۲۰: ۷۹۱). اما در اصطلاح فقها به عمل اطلاق می شود که ترک آن اولی و بهتر است یا به عباره دیگر انجام دادن آن پسندیده و خوش آیند نمی باشد، ارتکاب آن منجر به تنقیص اجر و ثواب در عبادت میگردد مانند کسیکه در حین نماز با لباس و یا روی و دست خود مشغول میگردد (۲۵: ۳۷۱).

## ج: اقسام عبادت

چنانچه بیان گردید، عبادت از حیث مراتب و تعلق آن به حکم الهی به فرض ، واجب، سنت ، نفل ، حرام و مکروه تقسیم بندی میگردد اما از حیث ارتباط آن با انسان فقهای کرام عبادت را به سه بخش اساسی تقسیم نموده اند (۲۳: ۲۵۸):

### ۱. عبادت های بدنی

عبادت های بدنی آن عبادات را می گویند که توجه به جسم و بدن انسان بوده و از انسان مال را تقاضا نمیکند. برخی عبادتهای بدنی اند که تمام بدن در آن در عبادت میباشد مانند نماز، روزه و بخشی از آن شامل هر عضو از اعضای بدن انسان می گردد، مانند عبادت زبان، چشم، گوش و غیره.

### ۲. عبادت های مالی

انسان همینطوریکه توسط جسم و بدن خود الله ﷻ را عبادت می کند توسط مال که الله برای انسان اعطا کرده نیز عبادت را انجام می دهد تا در عبادت تنوع و گوناگونی ایجاد شده و انسان با طبیعت که خلق شده از عبادت های یکنواخت دلسرد نشود. بناء عبادت های مالی شامل عبادت های فرضی مانند زکات، رفتن به حج و جهاد. همچنان شامل عبادتهای واجبی مانند نفقه عیال و اولاد، و شامل عبادت های نفلی مانند صدقه ، خیرات ، هبه و بخشش می گردد.

### ۳. عبادت های مالی و بدنی

نوع سوم عبادت، عبادت های مالی و بدنی میباشد که در این گونه عبادت بدن و مال هر دو ضروری بوده توسط یکی آن عبادت صورت نمیگیرد، مانند عبادت حج که در حقیقت وجود انسان در یک مکان مشخص در یک وقت مشخص میباشد که هر دو از انسان مال و بدن را تقاضا می نماید. همچنان عبادت جهاد که بعضاً مال و بدن هر دو را تقاضا می نماید و یا عبادت قربانی در صورت که خود انسان ذبح کند.

## درس چهارم

### عرصه های شمولیت و فراگیری عبادت در اسلام

ازینکه دین مقدس اسلام یک دین کامل و جامع است ، واحکام اسلام تمامی ابعاد زنده گی را دربرمیگیرد ، بناء برای فهم این مطلب میتوانیم که عرصه های عبادت را در دین اسلام به بخش های اساسی فردی ، اجتماعی 'مالی و قانونی تقسیم نمود:

#### الف: عبادت های فردی

عبادت های فردی عبادت های اند که انسان میتواند به تنهای خود آنرا انجام دهد و شامل تمام اعمال ظاهری وی که متعلق به جسم و بدن میشود و اعمال قلبی وی که شامل افکار و اعتقادات وی شده، می گردد.

انسان مسلمان، خداوند را با اندیشه، قلب، زبان، گوش، چشم و سایر نیروهای حسی خود می پرستد و او را با همه اعضای جسم و بدن خویش عبادت میکند، بدین معنی که وظیفه بندگی و عبادت انسان میان دل، زبان و اعضای بدن تقسیم گردیده و هر کدام از آنها وظیفه عبادی خاص خود را دارند (۵۸: ۱۹).

#### ۱. عبادت قلب

قلب اساسی ترین عضو در وجود انسان است زیرا اصلاح و فساد تمامی وجود انسان ارتباط مستقیم با قلب دارد ، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: «الْإِنِّ فِي الْجَسَدِ مُضَغَةٌ إِذَا صَلَحَتْ صَلَحَ الْجَسَدُ كُلُّهُ وَإِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الْجَسَدُ كُلُّهُ أَلَا وَهِيَ الْقَلْبُ» (۹: ۴۲).

ترجمه: "آگاه باشید که درجسد ووجود انسان پارچه گوشتی است هرگاه آن اصلاح گردد تمامی وجود اصلاح می شود اگر آن فاسد شد، تمامی وجود فاسد می گردد".

عبادت های قلبی عبارت است از اخلاص ، توکل، محبت، صبر، توبه و بازگشت به خدا، خوف، امید، ایمان و یقین ، نیت .

اهمیت قصد و نیت در عبادت از دو جهت است: یکی جدا ساختن عبادت از عادت و دیگری جدا کردن و مشخص نمودن هر قسمت از جوانب عبادت از قسمتهای دیگر آن. چیزهایی که بر قلب حرامند و باید از آن در عبادت قلبی خودداری صورت گیرد، عبارتند از: کبر، خود نمایی، غرور، حسد، غفلت و دورویی. این امور و امثال آن می توانند بر حسب قوت و ضعف خود، برای دل گناه کبیره و یا صغیره به شمار روند.

از صغائر دل، اشتیاق و تمایل به محرمات است. درجه کوچکی و بزرگی گناه نیز، متناسب با علاقه و تمایل مربوط به آن فرق می کند. بنابراین، رغبت و اشتیاق به کفر و شرک، کفر است و علاقه به بدعت، فسق و اشتیاق به کبائر، گناه است، اگر کسی اینکارها را با وجود امکان انجام شان، به خاطر خدا ترک نماید، پاداش می گیرد (۳: ۱۰۹).

ابوبکر رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده است: «إِذَا التَّقَى الْمُسْلِمَانِ بِسَيفَيْهِمَا فَالْقَاتِلُ وَالْمُقْتُولُ فِي النَّارِ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا الْقَاتِلُ فَمَا بَالُ الْمُقْتُولِ قَالَ إِنَّهُ كَانَ حَرِيصًا عَلَى قَتْلِ صَاحِبِهِ» (۶: ۹). ترجمه: "هنگامی که دو مسلمان با شمشیرهای شان با یکدیگر مقابله می کنند، قاتل و مقتول، هر دو جهنمی هستند. گفتم: یا رسول الله صلی الله علیه و آله، یکی قاتل است و اما دیگری چرا؟ فرمود: او هم خواستار قتل برادر خود بوده است."

پیامبر صلی الله علیه و آله مقتول مزبور را نه از نظر حکم شرعی؛ بلکه از نظر گناه، هم ردیف قاتل محسوب نموده است و این امر، در موضوع ثواب و عقاب، نمونه های بسیار دارد. خلاصه سخن اینکه استفاده از قلب مطابق با احکام شریعت در همه بخش های زندگی، عبادت است.

## ۲. عبادت زبان

زبان ترجمان وجود است نماینده گی از تمام اعضاء وجود انسان می کند، تمام اعضاء انسان روزانه عاجزانه به او می گویند: از خداوند در باره ما بترس که ما به تو بسته گی داریم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «إِذَا أَصْبَحَ ابْنُ آدَمَ، فَإِنَّ الْأَعْضَاءَ كُلَّهَا تَكْفُرُ اللِّسَانَ، فَتَقُولُ: اَتَّقِ اللَّهَ فِينَا، فَإِنَّمَا نَحْنُ بِكَ؛ فَإِنْ اسْتَقَمَّتْ اسْتَقَمْنَا، وَإِنْ اعْوَجَجَتْ اعْوَجَجْنَا» (۲۴: ۷۱۶).

<sup>۱</sup> صحیح وضعیف سنن الترمذی (۴۰۷/۵) تحقیق الألبانی: حسن، المشكاة (۴۸۳۸ / التحقيق الثاني)

ترجمه: "هنگامیکه انسان صبح کند، همهء اعضاء در برابر زبان فروتنی کرده می گویند: از خداوند در مورد ما بترس، زیرا ما در برابر آنچه که تو انجام می دهی مجازات می شویم. اگر تو راستی نمودی، ما راست می مانیم و اگر تو کجی کردی، ما کج می شویم".

بدین معنی که یا اعضا در برابر زبان فروتنی میکنند و یا اینکه کنایه است از آنکه اعضای بدن همه 'زبان را به منزله کفران کننده نعمتها قرار می دهند.

واجبات زبان عبارتند از: گفتن شهادتین، خواندن مقدار لازم از قرآن یعنی آن مقداری که شرط صحت نماز انسان می باشد. پاسخ سلام، امر به معروف و نهی از منکر و تعلیم ندادن و هدایت گمراه و ادای شهادت در موارد معین و راستگویی، برای زبان واجب می باشند.

مستحبات زبان تلاوت قرآن، مداومت ذکر خدا و گفتگو در زمینه دانستیهای سودمند و چیزهای مربوط به اینها می باشند.

آنچه که بر زبان حرام است: گفتار مورد نفرت خدا و رسول، مانند صحبت مشتمل بر بدعت های مخالف احکام و رهنمودهای الهی و فراخواندن به سوی بدعت و ستایش و تصدیق آن، همچنین اتهام و دشنام دادن به یک مسلمان و آزار با دروغ پردازی و گواهی بر دروغ، چیزی را ندانسته به خدا نسبت دادن، که تحریمش از همه شدیدتر است.

مکروهات زبان عبارت اند از سخن گفتن از چیزهایی که نگفتن آنها بهتر است، با وجود آن که عقوبت و گناهی ندارد (۳: ۱۱۶). فشرده سخن اینکه استفاده از زبان مطابق با احکام شریعت در همه بخش های زندگی، عبادت است.

### ۳. عبادت گوش

گوش زمینه ارتباط وجود را با دیگران فراهم می آورد، همه آوازها را می شنود، گوش مانند دیگر اعضای وجود مکلفیت های دارد که باید آنها را رعایت نماید. الله متعال فرموده است:

﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾ (۱: الاسراء، ۳۶).

ترجمه: "دنبال آنچه به آن علم نداری نباش، حقیقتاً از شنیدنش ها، دیدنش ها و آنچه در دل میگردد پرسیده می شود".



بر گوش لازم است که دستورات و سفارشات خدا و رسول، از قبیل حقایق اسلام و ایمان و تکالیف مربوطه را با دقت و عنایت بشنود. گوش فرا دادن به قرائت نماز جماعت. هنگامی که امام آنرا بلند می خواند و استماع خطبه نماز جمعه واجب است.

چیزهایی که برگوش حرامند، عبارتند از استماع کفر و بدعت، مگر در صورتی که شنیدن آن مصلحت بارزی همچون رد کردن آن یا شهادت دادن درباره گوینده اش و یا تقویت نیروی ایمان از طریق شناخت نقاط مقابل آن مانند کفر، بدعت و نظایر آنها، داشته باشد. گوش دادن به اسرار کسی که نمی خواهد کسی از رازش آگاه گردد، همچنین گوش دادن به صدای زنان نامحرمی که با شنیدن صدایشان احتمال انحراف و فساد می رود تا وقتی که ضرورتی از قبیل: شهادت، معامله، پرسش، محاکمه یا معالجه و غیره در میان نباشد.

شنیدنی که مستحب است، شنیدن مطالب علمی و گوش دادن به قرآن و ذکر خدا و چیزهایی که خدا می پسندد، هر چند که واجب نیست، می باشد.

موارد مکروه، برعکس مستحب، و آن عبارت است از گوش سپردن به آنچه که خدا نمی پسندد ولی عقوبتی هم ندارد (۳: ۱۱۷). بنابراین استفاده از گوش مطابق با احکام شریعت در همه بخش های زندگی، عبادت است.

#### ۴. عبادت چشم

نگاه واجب، از جمله نظر به مصحف و کتب علمی، به هنگام وجوب فهمیدن مطلبی آن و نگاه کردن در موردی که تشخیص حلال و حرام چیزهای مورد استفاده یا انفاق یا تشخیص سپرده امانت هایی که باید به صاحبانشان بازگردانده شوند بدان بسته گی دارد و نگاه را ایجاب می کند.

نگاه حرام، نظر کردن به نامحرم از روی شهوت ؛ مگر این که ضرورتی آن را اقتضاء کند، مثل: نگاه کسی که در حال گفتگو یا قیمت کردن و معامله، یا گواهی دادن یا قضاوت می باشد و یا نگرستن پزشک و شخصی که محرم است.

نگاه مستحب عبارت است از مطالعه کتابهای علمی و دینی که باعث افزونی ایمان و دانش آدمی است. نگاه به قرآن و چهره دانشمندان صالح، پدر و مادر و نظر نمودن در نشانه های مشهود خداوند برای رهنمونی به توحید و معرفت و حکمت خداوند.

نگاه مکروه: هرنگاهی که فاقد مصلحتی باشد؛ زیرا که نگاه نیز همچون زبان، دارای جنبه های بی ارزش و زاید می باشد که می تواند منجر به مفساد و گرفتاریهایی شود. نگاه مباح، نظری است که سود و زیانی در حال یا آینده نداشته باشد (۳: ۱۱۸). فشرده سخن اینکه استفاده از چشم مطابق با احکام شریعت در همه بخش های زندگی، عبادت است.

## ۵. عبادت دست و پا

دقیق ترین اناتومی در وجود انسان اناتومی دستها میباشد، خدای عزوجل دستهای انسان را با شکل بسیار دقیق آن خلق نموده است که بزرگترین اختراعات جهان توسط دست ها صورت گرفته است.

دست های انسان زمانی در عبادت میباشند که به امور مثبت مطابق اوامر الهی استعمال گردند و از ضرر رساندن به دیگران در امان باشند. پیامبر ﷺ مسلمان حقیقی را در دو نقطه خلاصه نموده اند، چنانچه می فرمایند: «الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ» (۹: ۳۲۱).

ترجمه: "مسلمان حقیقی کسی است که مسلمانان از شردست و زبانش در امان باشند".

به همین ترتیب هر قدمی را که بر میداریم ثبت کتاب اعمال ما میگردد، قدمهاییکه بطرف مسجد میروند با قدمهاییکه بطرف مجالس گناه میروند فرق بسیار بزرگ دارند، پیامبر ﷺ میفرماید که: «بَشِّرِ الْمُشَائِينَ فِي الظُّلَمِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ التَّامِّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (۷: ۳۳۱).

ترجمه: "برای کسانی که در تاریکی ها بطرف مساجد میروند به نور کامل در روز قیامت خوشخبری دهید".

## ب: عبادت های اجتماعی

هر عمل اجتماعی سودمند در صورتی که قصد انجام دهنده اش خیر باشد و نه جلب ستایش و کسب نفوذ در میان مردم؛ از نظر اسلام در ردیف بهترین عبادات شمرده می شود.

<sup>۱</sup> صحیح وضعیف سنن ابی داود (۲/ ۶۱) تحقیق الالبانی: صحیح

هر عملی که آدمی به وسیله آن اشک محزونی را پاک سازد یا اندوه رنجیده‌ای را کاهش دهد یا زخم سرکوب شده‌ای را مرهم گزارد یا از مظلومی حمایت کند و یا مغلوبی را از خواری درآورد و یا قرض ورشکسته گرانباری را بپردازد یا از فقیر با ابروی عیال‌مندی دستگیری کند یا سرگردانی را هدایت نماید یا نادانی را آموزش دهد یا به غریبی، پناه دهد یا آفتی را از مخلوق دور سازد یا مانعی را از سر راهی بردارد یا به موجود زنده‌ای فایده‌ای رساند؛ از مصادیق عبادت بوده در صورت همراهی با نیت صحیح، مایه نزدیکی به خدا می‌باشد.

اسلام، کارهای زیادی از اینگونه را عبادت خدا و شاخه ایمان و موجب پاداش خداوندی قرار داده است.

تنها نماز، روزه یا ذکر و دعا نیست که به عنوان عبادت روزانه نوشته شده و موجب گرفتن پاداش از خدا می‌شوند، بلکه می‌توانیم چیزهای زیادی بر عبادات و نیکیهای خود بیفزاییم که در نزد حق دارای ارزش و بهای متناسب با خود می‌باشند، هر چند در نظر خودتان کم ارزش و ناچیز جلوه کنند (۱۹: ۴۵).

مثلاً پیامبر صلی الله علیه و سلم درباره اصلاحگری میان دو طرف متخاصم فرموده است: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَفْضَلِ مِنْ دَرَجَةِ الصَّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَالصَّدَقَةِ». قَالُوا بَلَى. قَالَ «إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ وَفَسَادُ ذَاتِ الْبَيْنِ الْحَالِقَةُ» (۹: ۵۴۳).

ترجمه: "آیا شما را از چیزی که درجه فضیلتش بالاتر از نماز و روزه و صدقه است، آگاه نکنم؟ گفتند: چرا آگاه کن. گفت: آن چیز، اصلاح میان دو طرف است. فساد میان دو طرف تراشنده است." در روایتی هم گفته است: «لا أقول تحلق الشعر ولكن تحلق الدين» (۱۳: ۶۶۳).

ترجمه: "منظورم این نیست که مو را می‌تراشد و می‌زداید بلکه دین را از ریشه می‌زند." همچنین درباره عیادت مریض و منزلی که نزد خدا دارد می‌گوید: «من عاد مریضا نادی مناد من السماء طبت وطاب ممشاك وتبوأت من الجنة منزلاً» (۵: ۴۶۴).

<sup>۱</sup> صحیح وضعیف سنن الترمذی (۹/۶) تحقیق الألبانی: صحیح.

<sup>۲</sup> صحیح وضعیف سنن ابن ماجه (۴/۳) تحقیق الألبانی: حسن.

ترجمه: "هر کس از یک بیمار عیادت کند، ندایی از آسمان به او خطاب می کند که پاک شدی، قدمهایت نیز پاک شدند و جایگاهی در بهشت پیدا کردی".

پیامبر ﷺ در جای دیگر، یکی از مناظر جالب روز قیامت را به صورت گفتگوئی میان خدا و بنده، بدینسان بازگو می کند: «خداوند عزوجل روز قیامت می گوید: ای فرزند آدم، من بیمار شدم ولی تو عیادتم نکردی!! می گوید: پروردگارا! چگونه تو را عیادت می کردم در حالی که تو پروردگار جهانیان هستی؟ می گوید: مگر ندانستی که فلان بنده من بیمار شده است که عیادت نکردی؟ آیا نمی دانستی که در صورت عیادتش مرا نزد او می یافتی؟ ای فرزند آدم، من از تو غذا خواستم ولی تو ندادی! می گوید: پروردگارا! چگونه تو را غذا می دادم، در حالی که تو پروردگار جهانیان هستی؟! می گوید: فلان بنده ام از تو خوراک طلبید، ولی تو ندادی! آیا نمی دانستی که اگر غذایش دهی عوض آن را از من دریافت خواهی داشت؟ ای فرزند آدم از تو آب خواستم و تو ندادی! می گوید: ای پروردگار چگونه تو را آب دهم و حال آن که تو خدای جهان هستی؟! می فرماید: فلان بنده من از تو آب طلبید و تو آبش ندادی، آیا جز این بود که اگر سیرابش می کردی، عوض آن را از من می گرفتی!» (۲۸: ۱۹۹۰).

محدوده خیر رسانی و سودبخشی فرد مسلمان، به انسانها اختصاص ندارد بلکه دامنه اش وسیعتر بوده و هر موجود زنده، حتی پرنده و جانور را نیز در برمی گیرد. پس هراسانی که نسبت به یک موجود زنده انجام داده یا رنجی را از آن دور سازد، عبادتی است که آدمی را به خدا نزدیک و شایسته رضای او می سازد.

پیامبر ﷺ جریان مردی را برای یارانش حکایت می کند که سگی را که از شدت تشنگی خاک نمناک را می بلعید، دیده بود و انگیزه ترحمش تحریک می شود و نمیتواند سگ را با آن عطش سوزان رها کند، بنابراین آن را به طرف چاه آبی برده و با کفش خود به سگ مزبور آب داده و سیرابش نموده بود. پس خداوند پاس عمل او را داشته و از گناهانش

<sup>۱</sup>: عن أبي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم \* إن الله عز وجل يقول يوم القيامة يا بن آدم مرضت فلم تعدني قال يا رب كيف أعوزك وأنت رب العالمين قال أما علمت أن عبدی فلانا مرض فلم تعده أما علمت أنك لو عدته لوجدتني عنده يا بن آدم استطعمتك فلم تطعمني قال يا رب وكيف أطعمتك وأنت رب العالمين قال أما علمت أنه استطعمتك عبدی فلان فلم تطعمه أما علمت أنك لو أطعمته لوجدت ذلك عندي يا بن آدم استسقيتك فلم تسقني قال يا رب كيف أسقيك وأنت رب العالمين قال استسقاك عبدی فلان فلم تسقه أما إنك لو سقيته وجدت ذلك عندي (۲۸: ۱۹۹۰).

در گذشت<sup>۱</sup>. یاران پیامبر چون این حکایت را شنیدند، با شگفتی گفتند: «یا رَسُولَ اللَّهِ وَإِنَّ لَنَا فِي الْبَهَائِمِ أَجْرًا فَقَالَ نَعَمْ فِي كُلِّ ذَاتِ كَبِدٍ رَطْبَةٍ أَجْرٌ» (۹: ۲۷).

ترجمه: "یا رسول الله، آیا در رابطه با جانوران هم برای ما پاداشی وجود دارد؟ پیامبر ﷺ گفت: در رابطه با هر جاننداری امکان کسب پاداش وجود دارد».

### ج: عبادت های مالی

پیامبر ﷺ اعمال دنیوی و کوشش انسان برای تأمین زندگی خود و خانواده خود را با آن که از محدوده شخصی و خانوادگی در نمی گذرد، نوعی عبادت و تقرب جستن به خدا محسوب می دارد. بدین ترتیب، کشاورز در مزرعه خود، کارگر در کارگاه خویش، بازرگان در مغازه و کارمند در دفتر و هر پیشه وری در پیشه خود، می تواند کار معاش خود را در صورت پابندی به شرایط زیرین به نمازی و جهادی در راه خدا تبدیل کند (۱۹: ۴۹-۵۰):

۱. عمل مورد نظر از نظر اسلام مشروع باشد. کارهایی مانند فعالیت ربوی و ساز و سرود و رقص و پایکوبی و امثال آن که از نظر دین مردود می باشند، هرگز در شمار عبادت نیستند و نمی توانند باشند. خداوند پاک است و جز چیزهای پاک را نمی پذیرد.

۲. با نیت نیک همراه باشد، بدین معنی که نیت مسلمان از کار و عمل که انجام میدهد، باید جهت آبرومندی خود، تأمین خانواده، استفاده امت و آبادی زمین باشد.

۳. کار را با درستی و نیکی انجام دهد. چنانچه در حدیث آمده است که: «إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْإِحْسَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ» (۸: ۶۹).

ترجمه: "خداوند نیکی و درستی را بر هر چیز واجب کرده است". همچنین فرموده اند: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُحِبُّ إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا أَنْ يُتِمَّنَهُ» (۲۲: ۳۴۴)

ترجمه: "خداوند دوست دارد وقتی که یکی از شما کاری انجام می دهد آن را درست و استوار گرداند".

۱۷: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ بَيْنَمَا رَجُلٌ يَمْشِي بِطَرِيقٍ اشْتَدَّ عَلَيْهِ الْعَطَشُ فَوَجَدَ بِنَاءً فَنَزَلَ فِيهَا فَشَرِبَ ثُمَّ خَرَجَ فَإِذَا كَلْبٌ يَلْهَثُ يَأْكُلُ الثَّرَى مِنَ الْعَطَشِ فَقَالَ الرَّجُلُ لَقَدْ بَلَغَ هَذَا الْكَلْبُ مِنَ الْعَطَشِ مِثْلَ الَّذِي كَانَ بَلَغَ بِي فَنَزَلَ الْبِنَاءُ فَمَلَأَ خُفَّهُ ثُمَّ أَمْسَكَهُ بِفِيهِ فَسَقَى الْكَلْبَ فَشَكَرَ اللَّهُ لَهُ فَغَفَرَ لَهُ. (۹: ۱۶)

<sup>۲</sup> صحیح وضعیف سنن أبي داود (۳۱۵/۶) تحقیق الالبانی: صحیح.

<sup>۳</sup> صحیح وضعیف الجامع الصغیر (۲۰۸/۷) تحقیق الالبانی (حسن) انظر حدیث رقم: ۱۸۸ فی صحیح الجامع.

۴. در ضمن آن حدود و مقررات خداوندی مراعات شوند و به حق دیگری ظلم، خیانت، مکر، فریب و تجاوز صورت نگیرد.

۵. کار دنیائی، انسان مسلمان را از واجبات دینیش باز ندارد. چنانکه خداوند گفته است: ﴿أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَسِرُونَ ۙ﴾ (۲: المنافقون، ۹).

ترجمه: "ای مؤمنان، دارائیها و فرزندان، شما را از یاد خدا غافل نسازند، اگر کسی چنین کند (دچار این غفلت گردد) از زیانکاران است." و نیز فرموده است: ﴿رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجْرَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ﴾ (۲: النور، ۴۸).

ترجمه: "مردانی هستند که تجارت و خرید و فروش از یاد خدا و اقامه نماز و دادن زکات، بازشان نمی دارد."

هنگامی که یک مسلمان در سعی و تلاش خویش این موارد فوق الذکر را مراعات نماید، هر چند که در محراب و مسجد با خدا خلوت نکرده باشد، فردی عبادت کننده به حساب می آید (۱۹: ۴۹).

چنانچه در روایت آمده است که: «مردی از پیش پیامبر ﷺ گذشت و اصحاب پیامبر فعالیت و سعی و تلاش وی را مشاهده کرده پرسیدند: یا رسول الله کاش این در راه خدا می بود. (یعنی در جهاد برای بلند کردن کلمه خدا که در نظر آنان بهترین عبادت بود) پیامبر ﷺ گفت: اگر به منظور تلاش برای فرزند خردسالش بیرون آمده در راه خداست، اگر به خاطر پدر و مادر سالمند خود می کوشد، در راه خداست و اگر برای حفظ عفت و آبروی خویش آمده است در راه خداست، اما در صورتی که برای تظاهر و خودنمایی بیرون آمده است در راه شیطان می باشد» (۱۶: ۵۶).

۱: عن كعب بن عجرة قال مر على النبي ﷺ رجل فرأى أصحاب النبي ﷺ من جلده ونشاطه ما أعجبهم فقالوا يا رسول الله لو كان هذا في سبيل الله فقال رسول الله ﷺ إن كان خرج يسعى على ولده صغارا فهو في سبيل الله وإن خرج يسعى على أبوين شيخين كبيرين فهو في سبيل الله وإن كان يسعى على نفسه يعفها فهو في سبيل الله وإن كان خرج رياء وتفاخرا فهو في سبيل الشيطان. (۱۶: ۵۶)

پیغمبر ﷺ درباره ارزشمندی زراعت و درختکاری و آنچه برای صاحبش پاداشی از سوی خدا به دنبال می آورد میفرماید: « مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا أَوْ يَزْرَعُ زَرْعًا فَيَأْكُلُ مِنْهُ طَيْرٌ أَوْ إِنْسَانٌ أَوْ بَهِيمَةٌ إِلَّا كَانَ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ » (۹: ۳۳۷).

ترجمه: "هیچ مسلمانی نهالی نمی نشاند یا کشتی نمی کارد که پرند، انسان یا جانوری از محصول آن بخورد مگر آن که صدقه‌ای برای او محسوب می گردد"

همچنان در مورد تجارت و خرید فروش که عامل اساسی حصول مال می باشد چنین می فرماید: « التاجر الصدوق الأمين مع النسيين والصدیقین والشهداء » (۱۲: ۵۱۵).

ترجمه: "تاجر راستگوی درستکار با پیامبران، صدیقان و شهیدان است"

در سایه این تعالیم برای فرد مسلمان شایسته نیست و از او انتظار نمی رود که وابسته دیگری یا سربار جامعه باشد: از محیط و جامعه بگیرد ولی به آن چیزی ندهد و به عنوان فراغت برای عبادت یا اعتکاف، از مردم و از زندگی کناره بگیرد بلکه می باید بدون انگیزه خارجی در تمام عرصه های زندگی به صورت تولیدکننده ای محکم کار و رشد یابنده، وارد گردیده و خویشتن را در حال نماز و جهاد تصور کند (۱۹: ۴۴).

## د: عبادت های تشریعی یا قانونگذاری

از جمله عبادتی که بسیاری از مردم بدان توجه ندارند؛ گردن نهادن به قوانین خدا و احکامی است که از طریق آنها، چیزهای حلال و حرام و تکالیف واجب و حدود مقرر را تعیین نموده است.

کسی که شعائر نماز، روزه، حج و عمره را انجام می دهد ولی می خواهد در مسائل زندگی شخصی و عمومی خود یا در شئون اجتماعی و سیاسی بر طبق غیر شرع خدا و دستور او رفتار نماید در واقع غیر خدا را بندگی نموده و حق مخصوص خدا را به دیگری داده است.

<sup>۱</sup>: صحیح وضعیف سنن الترمذی (۳/ ۲۰۹) قال أبو عیسی هذا حدیث حسن لا نعرفه إلا من هذا الوجه . تحقیق الألبانی : ضعیف .

تنها خداوند است که قانونگذار و فرمانروای آفریدگان خود می باشد. زیرا که سرتاسر هستی قلمرو حاکمیت و همه انسانها بندگان او می باشند. تنها اوست که باقتضای ربوبیت و مالکیت و الوهیت خود نسبت به مردم، می تواند امر و نهی نموده بگوید: این حلال است و آن حرام. زیرا که فقط او پروردگار، فرمانروا و معبود مردم است.

اگر کسی ادعا کند که بدون اجازه خدا، حق تشریع هر قانون مورد نظر خود از قبیل امر و نهی در حلال و حرام کردن را دارد، از حدود واقعی خویش تجاوز نموده و دانسته یا ندانسته، خویشتن را خدا و پروردگار قلمداد کرده است.

کسی هم که این حق را برای او قائل شده قانونگذاری و نظام ابدایی او را بپذیرد و از مذهب و قانونش پیروی نماید، او را پروردگار و خدای خود تلقی کرده و عبادت نموده است و آگاهانه یا ناخودآگاه مشرک شده است (۱۹: ۴۳-۴۴).

قرآن کریم اهل کتاب را به خاطر شرک ورزی سرزنش نموده و به آنها نسبت داده است که روحانیون و زاهدان خود را عبادت نموده، آنان را خدایان خود بشمار آورده اند، به دلیل این که از قوانین و عقاید خودسرانه آنها اطاعت و پیروی نموده اند! خداوند می فرماید: ﴿اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَنَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ (۱: التوبة، ۳۱).

ترجمه: "احبار و راهبان را به جای خداوند، به خدایی گرفته اند. و [نیز] مسیح بن مریم [را به خدایی گرفته اند] حال آنکه فرمان نیافته اند مگر آنکه معبود یگانه را بندگی کنند. معبود [راستینی] جز او نیست. او از آنچه شرک می آورند، [بس] پاک [و منزّه] است".

این آیه را کسی که از همه به مقصود خدا آگاهتر است، یعنی پیامبری که از روی هوس حرف نمی زند و آن کسی که این قرآن بر او نازل گردیده است تا برای مردم تبیین کند و آنان را به تفکر وادارد، تشریح نموده است. پیامبر ﷺ در مورد تفسیر این آیت چنین روایت شده است:

از عدی به حاتم رضی الله عنه روایت است که وقتی دعوت پیامبر ﷺ به او رسید، به شام گریخت (او در دوران جاهلیت مسیحی شده بود) و خواهر و جمعی از قومش اسیر شدند، رسول الله ﷺ



بر خواهرش منت نهاده آزادش کرد و او نزد برادرش بازگشته وی را تشویق به اسلام نمود. عدی به مدینه آمد و خبر آمدنش میان مردم پخش گردید. رئیس قوم و پسر حاتم طائی معروف بود، او درحالی که یک صلیب نقره‌ای به گردن آویخته بود، نزد رسول الله ﷺ رفت که این آیه را می‌خواندند: ﴿اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ﴾ (۱: التوبة، ۳۱). می‌گوید: «فقلت انا لسا نعبدهم فقال: (أليس يحرمون ما أحل الله فتحرمونه و يحلون ما حرم الله فتستحلونه ؟) قلت بلى قال: (فتلك عبادتهم)» (۱۷: ۹۲).

ترجمه: "گفتم: ما آنان را نپرستیدیم! فرمود: آیا آنها حرام نمی کردند آنچه را که الله حلال گردانیده بود و شما آنها حرام می پنداشتید و حلال می کردند آنچه را که الله حرام گردانیده بود و شما آنها حلال می دانستید؟ گفتم: بلی (چنین بود). فرمودند: همین (کار) عبادت شان (شمرده میشود).

یعنی آنها را در آنچه حلال کردند و حرام ساختند، پیروی نمودند، و همین کار خودش در حقیقت پرستیدن و عبادت کردن ایشان بود (۴: ۱۲۵).

<sup>۱</sup> : محمد ناصر الدین الالبانی : الحديث حجة بنفسه في العقائد و الاحكام (ص: ۷۷)

## تمرینات فصل دوم

۱. مفهوم شمولیت و فراگیری عبادت را در اسلام مختصراً توضیح نمائید.
۲. چگونه ثابت کرده می توانیم که عبادت در اسلام در بر گیرنده تمام ابعاد حیات و زندگی انسان می گردد؟
۳. چرا عبادات در اسلام تنها در برخی شعائر اسلام مانند نماز، روزه و حج خلاصه نمی گردد؟
۴. نظر خویش را در مورد کسانی که شعائر اسلام را انجام داده اند ولی در رابطه به خوراک، پوشاک، روش و سلوک خویش مطابق احکام اسلام عمل نمیکنند، ابراز نموده، بطور مستدل بیان کنید.
۵. اساس برداشت نادرستی که ؛ عبادت در اسلام در چند شعیره اسلامی خلاصه میشود، چه میباشد و چگونه آنرا توجیه می نمائیم؟
۶. چرا فقهای کرام احکام الهی را به دو بخش اساسی عبادات و معاملات تقسیم بندی نموده اند و حکمت در آن چه می باشد؟ بیان کنید.
۷. آیا تقسیم بندی احکام به دو نوع : عبادات و معاملات کدام پیامد بد در بین امت اسلام ایجاد کرده یا خیر، توضیح دهید؟
۸. چرا احکام عبادتی به مراتب مختلف تقسیم بندی میشود هر یک را نام گرفته و مختصراً توضیح دهید؟
۹. فرق میان فرض و واجب در چه است و چرا برخی فقهاء میان هردو تفکیک کرده اند؟
۱۰. کسانی که انکار فرض، واجب و حرام را می کنند چه حکم دارند، توضیح دهید؟
۱۱. آیا ترک سنت موجب عقوبت و جزا می گردد یا خیر، توضیح نمائید؟
۱۲. عبادت از حیث تعلق آن با انسان به چند نوع تقسیم میشود، هر یک را نام گرفته و توضیح دهید؟
۱۳. عبادات فردی چه را می گویند و شامل کدام نوع عبادات میگردد، توضیح نمائید؟

۱۴. استفاده از قلب، زبان، چشم و اعضای بدن چه وقت عبادت شمرده می شود، برای هر یک سه مثال را بطور مستدل بیان کنید؟

۱۵. آیا خود داری نمودن از زشتی های زبان در ضمن عبادات شامل می گردد یا خیر ؟ توضیح نمائید؟

۱۶. عبادت های اجتماعی چه را می گویند و کدام عرصه ها را شامل می شود، توضیح دهید؟

۱۷. آیا احسان و نیکوکاری با حیوانات نیز عبادت شمرده می شود، بطور مستدل بیان کنید؟

۱۸. چه زمانی می توانیم پیدا نمودن مال را به عبادت تبدیل کنیم، شروط و قواعد آنرا توضیح نمائید؟

۱۹. عبادت های تشریعی یا قانونی چه را گویند و انسان مسلمان در مقابل آن چه مکلفیت دارد، توضیح نمائید؟

۲۰. چگونه ثابت کرده می توانیم که پیروی در حلال و حرام از احکام الهی نیز عبادت شمرده می شود، بطور مستدل بیان کنید؟

۲۱. به نظر شما در عرصه های عبادت های فردی، اجتماعی، مالی و تشریعی کدام یک آن افضل و بهتر است، اختلاف را در زمینه ذکر کرده و نظر خویش را پیرامون آن بنویسید.

۲۲. شمولیت و فراگیری عبادت در اسلام چه تأثیرات در انسان و زندگی وی دارد، معلومات خویش را در زمینه ارائه نمائید.

## مآخذ فصل دوم

۱. قرآن کریم
۲. ابن تیمیّه، احمد بن عبدالحلیم. ۱۴۲۶هـ ق / ۲۰۰۵م. **العبودیّه**. المحقق، محمد زهیر الشاوش. بیروت: المکتب الاسلامی.
۳. ابن قیم الجوزیّه، محمد بن ابی بکر. ۱۳۹۳هـ ق / ۱۹۷۳م. **مدارج السالکین بین منازل ایاک نعبد و ایاک نستعین**. تحقیق، محمد حامد الفقی. بیروت: دارالکتب العربی.
۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. ۱۴۲۰هـ ق / ۹۹۹م. **تفسیر القرآن العظیم**. المحقق، سامی بن محمد سلامه. دار طیبه للنشر و التوزیع.
۵. ابن ماجه، محمد بن یزید. ب.ت. **سنن ابن ماجه** ج ۱. تحقیق عبدالباقی، محمد فؤاد. بیروت: دارالفکر.
۶. ابو داود، سلیمان بن الاشعث. ب.ت. **سنن ابی داود** ج ۱. تحقیق عبدالحمید، محمد محی الدین. بیروت: دار الفکر.
۷. ابو داود، سلیمان بن الاشعث. ب.ت. **سنن ابی داود** ج ۳. تحقیق عبدالحمید، محمد محی الدین. بیروت: دار الفکر.
۸. ابو داود، سلیمان بن الاشعث. ب.ت. **سنن ابی داود** ج ۴. تحقیق عبدالحمید، محمد محی الدین. بیروت: دار الفکر.
۹. البخاری، محمد بن اسماعیل. ۱۴۲۲هـ ق. **الجامع المسند الصحیح** ج ۳. المحقق الناصر، محمد زهیر. دار طوق النجاة.
۱۰. البزدوی، عبدالعزیز بن احمد. ۱۴۱۸هـ ق / ۱۹۹۷م. **کشف الاسرار عن اصول فخر الاسلام البزدوی**. المحقق، عبدالله محمود محمد. بیروت: دارالکتب.
۱۱. البیهقی، ابوبکر احمد بن الحسین. ۱۴۱۰هـ ق. **شعب الایمان** ج ۷. تحقیق زغلول، محمد السعید. بیروت: دار الکتب العلمیّه.
۱۲. الترمذی، محمد بن عیسی. ب.ت. **الجامع الصحیح سنن الترمذی** ج ۳. تحقیق احمد محمد شاکر و آخرون. بیروت: دار احیاء التراث.

۱۳. الترمذی، محمد بن عیسی. ب، ت. **الجامع الصحیح سنن الترمذی** ج ۴. تحقیق احمد محمد شاکر و آخرون. بیروت: دار احیاء التراث.
۱۴. الشاطبی، ابراهیم بن موسی. ۱۴۱۷هـ ق/ ۱۹۹۷م. **الموافقات** ج ۲. المحقق، ابو عبیده مشهور بن حسن. دار ابن عفان.
۱۵. الطبرانی، سلیمان بن احمد. ۱۴۱۵هـ ق. **المعجم الأوسط** ج ۵. تحقیق ابن عوض الله، طارق و الحسینی، عبدالمحسن بن ابراهیم. القاهرة: دار الحرمین.
۱۶. الطبرانی، سلیمان بن احمد. ۱۴۱۵هـ ق. **المعجم الأوسط** ج ۷. تحقیق ابن عوض الله، طارق و الحسینی، عبدالمحسن بن ابراهیم. القاهرة: دار الحرمین.
۱۷. الطبرانی، سلیمان بن احمد. ۱۴۰۴هـ ق/ ۱۹۸۳م. **المعجم الكبير** ج ۱۷. تحقیق حمدی بن عبدالمجید. الموصل: مكتبة العلوم والحكمة .
۱۸. قطب ، سید ابراهیم. ب ت . **فی ظلال القرآن** ج ۴. القاهرة : دارالشروق
۱۹. قرضاوی، یوسف. ۱۳۸۶هـ ش. **عبادت در اسلام**. ترجمه محمد ستاری خرقانی. تهران: نشر احسان.
۲۰. مصطفی، ابراهیم، آخرون. ۱۳۸۰هـ ق/ ۱۹۶۰م. **المعجم الوسیط**. القاهرة: مطبعة مصر
۲۱. الموسوعة الفقهية الكويتية. ج ۱۰. ۱۴۲۷ هـ ق. الكويت: وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامية.
۲۲. الموسوعة الفقهية الكويتية. ج ۲۵. ۱۴۲۷ هـ ق. الكويت: وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامية.
۲۳. الموسوعة الفقهية الكويتية. ج ۲۹. ۱۴۲۷ هـ ق. الكويت: وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامية.
۲۴. الموسوعة الفقهية الكويتية. ج ۳۲. ۱۴۲۷ هـ ق. الكويت: وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامية.
۲۵. الموسوعة الفقهية الكويتية. ج ۳۸. ۱۴۲۷ هـ ق. الكويت: وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامية.

۲۶. الموسوعة الفقهية الكويتية. ج ۴۱. ۱۴۲۷ هـ ق. الكويت: وزارة الاوقاف و الشئون الاسلامية.

۲۷. النيساپوري، مسلم بن الحجاج. ب.ت. صحيح مسلم ج ۲. تحقيق عبدالباقى، محمد فؤاد. بيروت: دار احياء التراث العربى.

۲۸. النيساپوري، مسلم بن الحجاج. ب.ت. صحيح مسلم ج ۴. تحقيق عبدالباقى، محمد فؤاد. بيروت: دار احياء التراث العربى.

## فصل سوم

### ارکان اسلام و حکمت‌های آن

#### اهداف اساسی و آموزشی

- معرفت و شناخت ارکان اساسی اسلام از خلال آیات کریمه و احادیث متبرکه
- بیان مفهوم کلمه شهادت، جایگاه و حکمت‌های آن در اسلام
- نماز و جایگاه آن در اسلام و بیان برخی از احکام و حکمت‌های آن
- شناخت زکات و جایگاه آن در رسالت‌های آسمانی و توضیح احکام و حکمت‌های آن

- بیان روزه و احکام آن در اسلام و توضیح برخی از حکمت‌های آن
- حج و جایگاه آن در اسلام و بیان برخی از احکام و حکمت‌های آن

اسلام دینی کاملی است که قواعد، مبادی و احکام آن توسط وحی سماوی مقرر شده و بواسطه پیامبر ﷺ برای مسلمانان بیان گردیده است تا اسلام را من حیث یک دینی کامل که در بر گیرنده تمام عرصه‌های حیات و زندگی انسان می‌گردد، قبول کرده و در ضمن سعادت خوشبختی دنیا آخرت را بدست آورند.

الله جلّ و علا قرآن مجید را بیانگر قواعد، مبادی و احکام اسلام برای ما فرستاده و پیامبر ﷺ را مبین و مفسر قرآن مجید معرفی نموده است، چنانچه الله جلّ و علا می‌فرماید: ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ﴾ (النحل: ۹۹).

ترجمه: "و (ما این) کتاب را بر تو نازل کردیم، که بیانگر همه چیز، و هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است."

همچنان در آیت دیگر الله جلّ و علا ارشاد می‌نماید: ﴿مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ﴾ (الأنعام: ۴۹).  
ترجمه: "ما در کتاب (لوح محفوظ) هیچ چیز را فرو گذار نکردیم."

به همین ترتیب الله ﷻ در مورد وظیفه بیان احکام قرآن که توسط پیامبر ﷺ صورت میگیرد، در آیات متعدد ارشاد نموده است. چنانچه می فرماید: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (النحل: ۴۴).

ترجمه: "و (ما این) قرآن را بر تو نازل کردیم تا برای مردم روشن سازی ، آنچه را که به سوی آنها نازل شده است، و باشد که آنها بیندیشند."

بنابراین پیامبر ﷺ تمام قواعد، مبادی ، اصول و ارکان اسلام را بیان نموده و تفسیر آنرا برای هیچ فقیه و عالم دیگر نگذاشته اند تا هر کس از طرف خود برای اسلام احکامی را وضع کند. این اصول و ارکان اسلام در احادیث متبرکه که پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان گردیده است و فقهای کرام با استنباط از این احادیث متبرکه که آنرا برای مسلمانان بیان کرده اند که دانستن آن برای هر مسلمان فرض عین است .

دین اسلام دارای پنج رکن اساسی میباشد که عبارت اند از:

۱ - الشهادتین (کلمه توحید).

۲ - الصلاة (نماز).

۳ - الزکاة.

۴ - الصوم (روزه).

۵ - الحج.

این پنج رکن اسلام در آیات متعدد قرآن مجید بصورت متفرق بیان شده است، اما پیامبر ﷺ آنرا در دو حدیث شریف بطور یکجائی و مرتب واضح نموده و فرموده است که:

«بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَصَوْمِ رَمَضَانَ» (۸: ۲۳).

ترجمه: اسلام بر پنج رکن اساسی بنا شده است: گواهی دادن بر اینکه نیست هیچ معبودی مگر الله، و اینکه محمد ﷺ رسول الله است، برپا کردن نماز، اداء نمودن زکات، حج نمودن و گرفتن روزه رمضان.



و همچنان در حدیث جبریل علیه السلام آمده است که روزی جبریل علیه السلام داخل مسجد نبوی شد، و روبروی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله زانو زد، و پرسان نمود که من را از اسلام آگاه نمای، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «الإِسْلَامُ أَنْ تَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَتُقِيمَ الصَّلَاةَ وَتُؤْتِيَ الزَّكَاةَ وَتَصُومَ رَمَضَانَ وَتَحَجَّ الْبَيْتَ إِنْ اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ سَبِيلًا»<sup>۱</sup> (۵: ۳۵۹).

ترجمه: اسلام عبارت از گواهی دادن به اینکه نیست هیچ معبودی مگر الله و اینکه محمد صلی الله علیه و آله رسول الله است، بر پا کردن نماز، اداء نمودن زکات، روزه گرفتن ماه رمضان، وحج نمودن بیت الله اگر توانائی آنرا داشته باشی.

بنابراین در این فصل پیرامون هر یک از این ارکان اساسی اسلام بحث مفصل صورت می گیرد، طوریکه ابتداء در مورد کلمه شهادت و بعداً در مورد نماز، زکات، روزه و حج بحث شده و در مورد مفهوم، فضیلت، احکام و حکمت های آنها بررسی همه جانبه صورت میگیرد.

<sup>۱</sup> : صحیح وضعیف سنن أبي داود (۱۹۵ / ۱۰) تحقیق الألبانی : صحیح ابن ماجه ( ۶۳ )

## درس پنجم

## کلمه شهادت و حکمت های آن

رکن اول اسلام شهادت یعنی کلمه توحید می باشد که عبارت از قول: "أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ".

ترجمه: گواهی میدهم بر اینکه نیست هیچ معبودی مگر الله، او ذات تنها است و هیچ شریکی ندارد، و گواهی میدهم که محمد ﷺ بنده و فرستاده وی است.

الف: مفهوم کلمه

برای هر مسلمان لازم است تا مفهوم کلمه شهادت را با تأثیرات آن در زندگی، بصورت درست بداند<sup>۱</sup> زیرا اساسی ترین رکن اسلام عبارت از کلمه توحید می باشد که همه اعمال انسان به آن وابسته میگردد.

کلمه توحید دو رکن دارد:

• اول نفی: عبارت از "لا إله" است. در اینجا مراد از نفی، نفی تمام معبودان باطله غیر از الله متعال می باشد.

• دوم اثبات: عبارت از "إِلَّا اللَّهُ محمد رسول الله" است. مقصود از این اثبات، اثبات الوهیت و ربوبیت برای الله متعال و اثبات رسالت به فرستاده الله ﷺ می باشد.

بناء ترجمه لفظی این کلمه قرار ذیل می باشد:

"لا" در زبان عربی حرف نفی است یعنی کلمهء بعدی را نفی میکند. که در زبان دری آنرا به معنای نیست ترجمه میکنیم.

"اله" به معنی معبود و مستحق عبادت است. یعنی کسیکه از حیث بزرگی، جلال و علو مقام و منزلت شایسته عبادت باشد که مردم او را بپرستند و بمنظور عبادت در برابر او گردن نهند و سر تعظیم فرود آورند.

معنای دیگر کلمه "اله" این مفهوم را هم شامل است که چنین ذاتی دارنده نیروی جبار و عظیمی است که عقل انسان از ادراک ذات آن حیران باشد و همچنین این کلمه متضمن

اینست که چنین ذاتی محتاج به هیچکس نباشد و همه محتاج او باشند و مجبور باشند که در جمیع شئون زنده گی از او یاری بخواهند. و نیز این کلمه بمعنای ذاتی که از مردم محجوب باشد یعنی ذاتی که او را دیده نشود، تفسیر و تعبیر شده است.

کلمه "خدا" در زبان فارسی "دیوتا" در زبان هندی "گاد" در زبان انگلیسی هم مترادف همین کلمه "اله" در زبان عربی هستند که در همه اقوام و زبان ها شبیه این کلمه وجود دارد. "الا" در زبان عربی حرف استثناء میباشد که کلمهء بعدی را از حکم قبلی مستثنی قرار میدهد. در زبان دری به معنای بجز یا بغیر، ترجمه میشود. "الله" اسم علم ذات پروردگار متعال است.

پس معنای کلمه لا اله الا الله اینست که نیست هیچ معبود بر حق بجز از آن معبوی واحد که اسم او الله است، نیست سزاوار پرستش مگر الله یگانه و لا شریک، در این جهان هیچکس شایسته آن نیست که مردم او را پرستند و بعنوان اطاعت و عبادت نزد او سجده کنند مگر خدای متعال، در این جهان مالکی و حاکمی جز او یافت نمیشود و هر چیز مجبور و ناگزیر است که از او یاری بجوید و او در ماورای حواس قرار گرفته است و عقل انسان از ادراک ذات او سرگشته و حیران است و به تصور آن قادر نمیشد.

این کلمه با همه اختصار خود، برنامه و مفهوم کامل زنده گی را در بر دارد. بدین شرح که وقتی انسان گفت: "من به الله ﷻ تسلیم هستم و بجز از او معبود دیگر نیست" پس بجز از آن ذات واحد به کسی دیگری گردن فرو نمی آورد همه این مفاهیم را کلمه لا اله الا الله در بر دارد و حتی اگر گفته شود که این کلمه همه اسلام را در بر دارد، باز هم بعید نیست چون وقتی ما به الله ﷻ تسلیم شدیم و یگانه محبوب، معبود، پروردگار، خالق، رازق و حامی خود او را دانستیم درینصورت همه زنده گی ما به حکم و امر او تسلیم است وقتی ما تسلیم شدیم که او اداره کننده و مدبر همه هستی است و در این صفات با خود شریک ندارد، مفهوم همین کلمه را ادا میکند.

زمانی که یک عرب صحرانشین از پیامبر اسلام ﷺ شنید که مردم را به "لا اله الا الله" فرا می خواند به وی گفت: (اذن لقاتلك العرب والعجم) یعنی: با این دعوتی که تو براه انداخته

ائی، عرب و عجم بر ضد تو خواهند جنگید. آن مرد عرب زبان، از محتوای "لا اله الا الله" فهمیده بود که این کلمه، تنها یک شعار لفظی بی مسئولیت، یا یک باور ذهنی خشک نیست، بلکه این کلمه چلنجی است بر ضد همه اربابان و زورمندان که با نام های مختلف بر جامعه بشری مسلط می باشند (۶: ۵۰).

جزء دوم کلمه شهادت که متمم جزء اول است "محمد رسول الله" میباشد، بخاطر اینکه فرمان پروردگار توسط یکی از بندگان بر گزیده اش برای ما رسیده است. بناءً جزء دوم کلمه شهادت هم اقرار به نبوت اوست، و هدف اساسی آن در کلمه شهادت و یا کلمه توحید الوهیت اینست تا عبادت الله جل جلاله مطابق فرموده ها و روش های پیامبر اسلام ﷺ صورت گیرد، زیرا هر عبادت که مطابق روش و سلوک پیامبر اسلام ﷺ نباشد، مردود و غیر قابل قبول بشمار می رود.

### **ب: جایگاه و فضیلت کلمه شهادت**

کلمه شهادت مقتضی توحید و یکتاپرستی الله متعال خالی از شریک آوردن به وی در الوهیت، ربوبیت، اسماء و صفات طبق رهنمائی و ارشادات پیامبر ﷺ میباشد. کلمه شهادت در اسلام جایگاه خاصی دارد؛ زیرا سرمشق زندگی هر مسلمان می باشد، کلمه شهادت اظهار عجز، بندگی، و تسلیمی به الله متعال، و اطاعت و پیروی از سنت های پیامبرش محمد ﷺ بوده، و کلید اسلام و جوهر آن پنداشته می شود. کلمه شهادت شرط قبولی عبادات بوده و هیچ عملی و یا عبادتی بدون آن مورد قبول و پذیرش الله متعال قرار نمی گیرد و همه اعمال انسان بدون آن محو و باطل می باشد.

### **• دخول جنت و رهائی از آتش جهنم**

کلمه شهادت کلید دروازه های جنت بوده، بدون آن هیچ انسان مستحق جنت نمی گردد، ولو که اعمالش به اندازه کوه هم باشد؛ زیرا رسول الله ﷺ برای معاذ ﷺ فرمودند: «بَشِّرِ النَّاسَ أَنَّهُ مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ» (۹: ۴۹).

ترجمه: "بشارت ده مردم را به اینکه کسیکه بگوید لا اله الا الله داخل جنت میشود."

۱: ذكره في "المجمع" (۱/ ۱۸) من رواية الطبراني في "الكبير" عن زيد بن خالد و قال: " و رجاله موثقون ". السلسلة الصحيحة  
المجلدات الكاملة ۱-۹ (۲/ ۲۱۱)

همچنان کلمه شهادت باعث نجات انسان از آتش جهنم گردیده در صورتیکه انسان آنرا با اخلاص و صدق دل خوانده باشد. چنانچه پیامبر ﷺ در مورد شخصی که اعمال وی بحضور پروردگار عالم پیش شده و هیچ نیکی در آن دیده نمیشود مگر گفتن کلمه توحید که به اخلاص و ایمان کامل خوانده و عقیده نموده است، بناء همین کلمه ویرا در آن روز نجات میدهد<sup>۱</sup> (۴: ۱۴۳۷).

کلمه توحید شعار اساسی دین مقدس اسلام بوده که بوسیله آن از همه ادیان دیگر از جمله «بت پرستی» و ادیان منحرف اهل کتاب جدا شده است، به صورتی که عبارت «دین توحیدی» به مشهورترین صفت اسلام تبدیل گشته است. و عنوان اسلام نیز در همین دو کلمه یا دو جمله تجسم یافته و هر کس که آن دو را بر زبان جاری سازد، به دین اسلام وارد میشود، یعنی: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ».

### • کلمه شهادت شعار روزانه یک مسلمان

کلمه توحید در اسلام آنقدر جایگاه بلند دارد که به شعاری روزانه یک مسلمان تبدیل شده زیرا هر فرد مسلمان باید در نمازهای فرض خود نه بار در تشهد و پنج بار در اقامه آن را تکرار کند. اسلام به این هم اکتفا نکرده و این شعار توحیدی را در اذان نیز قرار داده تا هر روز پنج بار از بالای منابر مساجد، ندای «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» برای همه جهانیان اعلام شود.

<sup>۱</sup> پیامبر صلی الله علیه و سلم می فرمایند که: ( یصاح برجل من أمتی یوم القیامة علی رؤس الخلائق . فینشر له تسعة وتسعون سجلا . کل سجل مد البصر . ثم یقول الله عز و جل هل تنکر من هذا شیئا ؟ فیقول لا . یا رب فیقول أظلمتک کتبتی الحافظون ؟ ثم یقول ألك عن ذلك حسنة ؟ فیباه الرجل فیقول لا . فیقول بلی . إن لك عندنا حسنات . وإنه لا ظلم علیک الیوم . فتخرج له بطاقة فیها أشهد أن لا اله الا الله وأن محمدا عبده ورسوله . قال فیقول یا رب ما هذه البطاقة مع هذه السجلات فیقول إنک لا تطلم . فتوضع السجلات فی کفة والبطاقة فی کفة . فطاشت السجلات وثقلت البطاقة ) ( ۴: ۱۴۳۷ ) ترجمه: " در روز قیامت یکی از امت هایم پیش روی همه مردمان صدا زده میشود پس برایش نود و نه سجل باز کرده میشود که هر سجل آن به اندازه دید چشم انسان می باشد. بعدا الله جل جلاله برایش میگوید: آیا کدام چیزی از این ها را انکار می کنی؟ میگوید: نه یا الله. الله میگوید: آیا ملایکه کرام کاتبین در حق تو ظلم کرده اند؟ باز می گوید: آیا برای تو کدام نیکی است؟ وی می ترسد و میگوید: نه. پس الله می گوید: بلکه نزد ما برای تو نیک هاست. و امروز برای تو هیچ ظلم نیست. سپس برای وی یک کارت را خارج می کنند که در آن اشهد ان لا اله الا الله و ان محمدا عبده و رسوله است. گفت: آن انسان می گوید: این کارت در مقابل این سجلات چه خواهد بود؟ پس می گوید: در حق تو امروز ظلم نمیشود. سپس آن سجل ها در کفه ترازو مانده می شود و کارت در کفه دیگر . پس کفه سجلات سبک شده و کفه کارت سنگین می شود"

به همین ترتیب دین مقدس اسلام برای هر پدری که صاحب فرزند می شود، سنت قرار داده تا با آواز اذان در گوش راست فرزندش و با گفتن اقامه در گوش چپ، از ولادت او استقبال کند، تا ندای توحید اولین صدایی باشد که به گوش نوزاد می رسد. و بعد از آنکه انسان به مقدار مقدّر زندگی خویش را سپری کرده و موعد مرگ او فرا رسیده، بر دوستان و نزدیکان او لازم است که کلمه توحید «لا إله إلا الله» را بر او تلقین کنند.

بر این اساس «کلمه توحید» اولین چیزی است که به وسیله آن فرد مسلمان نور زندگی را دریافت می دارد و آخرین چیزی است بدان وسیله زندگی را به پایان می برد. و روشن است که در فاصله میان گهواره طفولیت و بستر مرگ نیز، وظیفه ای جز برپایی کلمه توحید و دعوت بسوی آن برای فرد مسلمان، وجود ندارد (۱۱: ۱۶).

### ج: مقصود کلمه شهادت

مهم ترین و اساسی ترین بخش کلمه شهادت، توحید الوهیت است. یعنی توحید الله ﷻ در عبادت و پرستش. چنانچه پیامبران و فرستاده های الله ﷻ بیشترین توجّه خود را صرف بیان آن نموده اند. توحید الوهیت به قدری اساسی است که به هنگام بیان لفظ توحید، فقط این بخش از آن به ذهن می رسد.

همین بخش توحید است که خداوند، پیامبران و کتاب های آسمانی را برای بیان آن ارسال داشته و نشانه های خود را در آفاق و انفس برای تحقّق آن گسترانیده است. به خاطر آن است که دفاتر حساب و کتاب منتشر و ترازوی اعمال برای آن مستقر گشت و نعمت های بهشت و عذاب های جهنّم برای آن برپا شد.

به دلیل همین بخش توحید است که مردم به شقاوتمند و سعادت مند تقسیم گشته، برخی راهی باغ های بهشت و گروهی روانه آتش دردناک جهنم گردیدند. چنانچه الله ﷻ در این مورد می فرماید: ﴿يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ﴾ (هود: ۱۰۵).

ترجمه: "روزی بیاید که هیچ کس جز به اذن او سخن نگوید، پس بعضی از آنها بدبختند، و (بعضی دیگر) خوشبخت".

توحیدی را که انبیاء علیهم السلام توسط کلمه " لا اله الا الله " آورده اند کلمه با عظمت است که صفت الله ﷻ را از تمام خلائق نفی کرده و آن را فقط برای پروردگار یکتا اثبات می کند و مطابق آن فقط الله خدای حقیقی است و به جز او هر چه را که مردم در زمان های مختلف عبادت کرده اند، خدایانی بی ارزش و باطل به حساب می آید که ساخته ی دست جهالت و خرافات هستند. خداوند در این باره می فرماید: ﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ﴾ (الحج: ۶۲).

ترجمه: «(مسأله) به همین منوال است و خداوند حق است و آنچه را که بجز او به فریاد می خوانند و پرستش می نمایند، باطل است و خداوند والا مقام و بزرگوار است.»

اله یعنی معبود حقیقی و محبوب مورد اطاعت و کسیکه شایسته است عبادت شود، چون دارای صفات کمال است و به خاطر دارا بودن این صفات لازم است، نهایت محبت و نهایت تسلیم به او اختصاص داده شود و وجود این دو حالت 'معنی و مفهوم واقعی عبادت را افاده کرده، که کلمه شهادت آنرا تمثیل می کند، و معلوم و روشن است که چنین کسی با چنین صفاتی فقط الله ﷻ بوده میتواند (۱۱: ۱۵).

## ۱. توحید الوهیت اولین وظیفه پیامبران

اولین وظیفه ی پیامبران که خداوند آنان را برای هدایت بندگان خود برگزیده است، در دو امر اساسی نمودار می شود که هر یکی آن مکمل دیگری اند:

۱- دعوت به عبادت پروردگار یکتا

۲- دعوت به دوری از طاغوت.

قرآن کریم در این باره می فرماید: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾ (النحل: ۳۶).

ترجمه: «ما به میان هر ملتی پیغمبری را فرستاده ایم (که به مردم اعلام کنند) که خدا را پرستید و از طاغوت (شیطان، بتها و ستمگران) دوری کنید.»

خداوند در آیه ای دیگر خطاب به پیامبر ﷺ می فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ﴾ (انبیاء: ۲۵).

ترجمه: «ما پیش از تو هیچ پیغمبری را نفرستاده ایم مگر این که به او وحی کرده ایم که معبودی جز من نیست، پس فقط مرا پرستش کنید.»

به همین دلیل است که می بینیم اولین سخن هر پیامبری با قومش این بود که: ﴿يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ﴾ (الاعراف: ۵۹).

ترجمه: «ای قوم من! تنها خداوند را پرستید. زیرا جز او خدای دیگری ندارید.»  
قرآن کریم از زبان نوح، هود، صالح، شعیب و دیگر انبیاء علیهم السلام همین کلام را نقل کرده است.

بنابراین گفته می توانیم که هدف مقصود اساسی از کلمه توحید عبادت الله واحد و یگانه می باشد، ذاتیکه مستحق و سزوار پرستش است و بجز او هیچ چیز دیگر لایق عبادت نمی باشد.

### د: اصلاحات در زمینه عبادات توسط کلمه شهادت

هنگامی که الله جل جلاله اراده نمود تا آخرین فرستاده خویش را با هدایت و دین حق مبعوث نموده بر همه ادیان غالب گرداند، شعائر و عبادات رنگارنگی در جهان وجود داشت که انسانها بعد از روگردان شدن از راه و مسیر انبیاء علیهم السلام از نزد خود ایجاد و منحیث عبادت و پرستش انجام میدادند که در نتیجه راه انحراف را پیش گرفته و از کسیکه شایسته عبادت بود، یعنی الله جل جلاله، به سوی خدایان و یا واسطه های زمینی و آسمانی روی آورده بودند.

بدین ترتیب دعوت پیامبران گذشته، پیام ایشان یا فراموش و یا هم دگرگون شده بود، مردم به گمراهی افتاده، انواع خدایانی را که برای عقل ناپذیرفتنی بود، پرستش می نمودند.

گروهی خورشید را عبادت می کردند، چنانکه قرآن درباره ملکه سبا و ملت او از زبان هدهد سلیمان می گوید: ﴿وَجَدَتْهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَلُهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ﴾ (النمل: ۲۴).



ترجمه: «او و ملتش را دیدم که به جای خدا، خورشید را سجده می کنند و شیطان، اعمالشان را در نظرشان آرایش داده و از راه بازشان داشته است تا هدایت نشوند».

برخی مانند قوم ابراهیم و سپس صائبی ها، ماه و ستارگان را پرستش می نمودند. بعضی همچون مجوسان، آتش را پرستیده، برای آن جایگاهی متعدد ساخته بودند و نمی گذاشتند یک لحظه خاموش گردد (۶: ۱۱۰).

دسته هم انسانهای زنده و مرده را مورد پرستش قرار داده بودند و یا اینکه جن را عبادت و پرستش می کردند، چنانکه الله ﷻ می فرماید: ﴿بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ﴾ (سبأ: ۴۱).

ترجمه: «آنها جن هارا می پرستیدند و بیشترشان به آنها ایمان داشتند».

کسانی هم بودند که بت ها و مجسمه ها را عبادت می نمودند و این، یک بیماری قدیمی از روزگار قوم نوح علیهم السلام ادامه داشت، چنانچه پیش از اسلام، بت پرستی در میان اعراب، گسترش و انتشار وسیعی یافته بود.

در سرزمینهایی مانند هندوستان، بت پرستی در قرن ششم میلادی به اوج خود رسید و تعداد خدایان در این قرن به ۳۳۰ میلیون بالغ گردید، هر چیز جالب و شگفت انگیز و هر پدیده مهم و حساسی در حیات، به صورت خدایی پرستیده میشد و بدین ترتیب، بتها و پیکرها و معبودها از مرز و شماره بیرون شدند (۶: ۷۶).

بدینسان شرک، قبل از اسلام، همچون سیلی کرانه ها را پوشانده و جاهلیت بر دنیای قدیم، حاکم گردیده بود. پس اسلام آمد و کارش فراخوان به پرستش فقط الله ﷻ و رها کردن پرستش تمامی خدایان پنداری و پروردگاران ساختگی، خواه از نوع بشر و یا از نوع جن و یا هر یک از مخلوقات عالم بالا و پایین بود.

زیرا اسلام دین توحید است: توحید در ربوبیت و توحید در الوهیت که به معنی منحصر ساختن عبادت به خداوند می باشد. چنانچه شعار اسلام همان جمله بزرگ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»

است، که بالاترین سخن و شعار پیامبر آخرالزمان ﷺ و پیامبران پیش از ایشان بود و یکی از دو رکن شهادتین در اسلام، می‌باشد.

بناءً نخستین سفارش قرآن کریم و نخستین اصلی که مسلمان شدن هر کس و تبعیت مردم با پیامبر براساس آن قرار داشت، این بود که «خدا را بپرستید و چیزی را شریک او نسازید».

اولین چیزی که پیامبر اسلام، پادشاهان و فرمانروایان روی زمین را بدان فراخواند، این بود که باید فقط خدا پرستیده شود و شریکی برای او نباشد و خدایان و معبودهایی که مردم به جای الله جل جلاله انتخاب کرده‌اند و خود را بنده و ذلیل کسی که شایسته خضوع و فروتنی نیست قرار داده‌اند، دور انداخته شوند (۱۳: ۵۰۲-۵۰۳).

به همین دلیل بود که پیامبر نامه‌های خود به قیصر، نجاشی و دیگر زمامداران و حکمرانان را با این آیه از سوره آل عمران پایان می‌داد که: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾ (آل عمران: ۶۴).

ترجمه: «بگو: ای اهل کتاب به شعار و کلمه‌ای که میان ما و شما، مشترک است، روی بیاورید، یعنی این که غیر خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم و بعضی از ما، بعضی دیگر را ارباب و پروردگار نگیرند. اگر روی گردانید، بگویید: شاهد باشید که ما مسلمان هستیم».

## درس ششم

### انحراف در کلمه شهادت

#### الف: پدیده های انحراف در کلمه شهادت در عصر نوین

در اینجا سوال در ذهن انسان خطور میکند که فعلاً کسانی که آفتاب، مهتاب، ستاره ها و دیگر پدیده ها را من حیث بت پرستش میکردند، شاید در عصر نوین بسیار کم باشند، ولی چرا باز هم اکثر انسانها منقاد به حکم الله واحد و یگانه نیستند؟

در جواب باید اضافه کرد که برخی ها شرک و عبادت غیر خدا را منحصر به یک شکل می دانند که عبارت است از بت پرستی موروثی قدیم که در پرستش خدا یا خدایانی به صورت مجسمه یا تخیل، جلوه گر شده، عبادتها و قربانیهایی را تقدیمشان می کنند و از آنها درخواست منفعت و برکت می نمایند.

اینها فراموش کرده اند که شرک مراتب و انواع مختلفی دارد و بتها به دو گونه دیدنی و نادیدنی تقسیم گردیده و عبادتها نیز اشکال رسمی و غیررسمی دارند.

همچنین بتهایی هستند که مردم آنها را پرستیده و به آنها اظهار دل بستگی می کنند، اما آنها را بت یا معبود یا خدا ننانیده و کاری را که در برابرشان انجام می دهند، عبادت نمی شمردند. باید به مقاصد نگریست نه به الفاظ، و نامیدنی ها را بررسی کرد، نه نامها را (۱۰: ۱۵۵).

قرآن کریم از «بت» یا «معبودی» برای ما سخن می گوید که میلیونها نفر در عصر حاضر ناخودآگاه، آن را می پرستند و عبادت میکنند که عبارت از «هوی و هوس» است، قسمیکه الله ﷻ می فرماید: ﴿أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ﴾ (الجاثیه: ۲۳).

ترجمه: «آیا دیدی کسی را که هوایش را معبود خود قرار داد و خداوند او را از روی آگاهی به گمراهی کشید...».

در آیت دیگری الله ﷻ میفرماید: ﴿أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهُهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا﴾ (الفرقان: ۴۳). ترجمه: «آیا دیدی کسی را که معبود او هوای خودش بود. آیا تو وکیل او

می شوی؟».

در عصر و زمانیکه ما هستیم بتها و معبودهای گوناگونی پیدا شده‌اند که دلها، احساسات و گرایشات مردم، به سوی آنها کشیده شده، به ذکرشان روی آورده، به نامشان سوگند خورده و در راه آنها به زعم خود جهاد می‌کنند و شهید می‌شوند. این بت‌ها عبارتند از قومیت پرستی، نژاد پرستی، زبان و ملیت پرستی و امثال آنها.

چنانچه امروز مجالس، انجمنها، روزنامه‌ها و برنامه را مشاهده کنیم و یا اشتراک می‌ورزیم، هیچ ذکری از الله نمی‌شنویم و جایی برای او پیدا نمی‌کنیم، بلکه معبودهای دیگری را می‌بینیم که اکثریت اندیشه‌ها، احساسات و فعالیتها، به گرد آنها می‌چرخند (۱۵۵-۱۵۶).

### **ب: چرا لایق و سزاوار عبادت صرف الله جل جلاله میباشد؟**

در جواب باید گفت که عبادت نوعی خضوع است که جز برای بخشنده بالاترین گونه‌های نعمت، از قبیل حیات، فهم، گوش و چشم و غیره سزاوار نمیباشد، زیرا ناچیزترین مقدار عبادت هم بالاتر از آن است که در برابر کسی غیر از الله واحد و یگانه انجام داده شود، به همین جهت عبادت فقط شایسته خداوند می‌باشد<sup>۱</sup> (۲: ۶۲).

امام رازی صاحب تفسیر کبیر می‌گوید: عبادت، نهایت تعظیم است و شایسته کسی جز بخشنده بالاترین و بزرگترین موهبت و نعمت، یعنی هستی، که امکان بهره‌برداری از هر چیزی بدان بستگی دارد، نمی‌باشد<sup>۲</sup> (۸: ۳۱۴). زیرا هر چیزی را که مورد استفاده قرار می‌گیرد، الله جلّ و علا آفریده است: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا﴾ (البقرة: ۲۹).

ترجمه: «او کسی است که هر چه در زمین وجود دارد، را برای شما آفریده است». همچنان الله جلّ و علا می‌فرماید: ﴿الَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمُوتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَهْرَةً وَبَاطِنَةً﴾ (لقمان: ۲۰).

<sup>۱</sup> - ابن سیده در این مورد چنین می‌گوید: (والعبادة نوع من الخضوع لا يستحقه إلا النعم بأعلى أجناس النعم كالحياة والفهم والسمع والبصر والشكر، والعبادة لا تستحق إلا بالنعمة لأن العبادة تنفرد بأعلى أجناس النعم لأن أقل القليل من العبادة يكبر عن أن يستحقه إلا من كان له أعلى جنس من النعمة إلا الله سبحانه فلذلك لا يستحق العبادة إلا الله) (۱۷: ۶۲).

<sup>۲</sup> : امام رازی در این مورد چنین می‌گوید: (وَالْعِبَادَةُ عِبَادَةٌ عَنْ إظهارِ الْخُضُوعِ وَالْخُشُوعِ وَنَهْيَةِ التَّوَاضُّعِ وَالتَّذَلُّلِ وَهَذَا لَا يَلِيْقُ إِلَّا بِالْخَالِقِ الْمُدَبِّرِ الرَّحِيمِ الْمُحْسِنِ، فَتَبَّتْ أَنَّ عِبَادَةَ غَيْرِ اللَّهِ مُنْكَرَةٌ، وَالْإِعْرَاضُ عَنْ عِبَادَةِ اللَّهِ مُنْكَرٌ) (۴۳: ۳۱۴).

ترجمه: «آیا نمی بینید که خداوند آنچه را در آسمان و زمین است برای شما رام کرد و نعمت های ظاهری و باطنی را بر شما تمام گردانید».

در این حقیقت شکی نیست که نعمت هایی که انسان را در همه اشکال و مراحل حیات فرا گرفته و سراپایش را می پوشانند، فقط از جانب خدا می باشند، چنانکه می فرماید: ﴿وَمَا بِكُمْ مِّنْ نِّعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ﴾ (النحل: ۵۳). ترجمه: «هر نعمتی که دارید، از خداست».

بنابراین، تنها او در خور پرستش و عبادت بوده کسی یا چیزی در زمین یا آسمان نمی تواند همتای او تلقی شود.

چرا باید انسان در برابر این مخلوقات که مسخر و در خدمت مصالح او قرار گرفته اند، به خاک افتد؟ بندگی، صفت ضروری همه مخلوقات است، چنانچه الله ﷻ در مورد می فرماید: ﴿إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا ءَاتَى الرَّحْمَنِ عَبْدًا لَّقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا وَكُلُّهُمْ ءَاتِيهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فَرْدًا﴾ (مریم: ۹۳-۹۵).

ترجمه: «هیچ کدام از آنان که در آسمانها و زمینها، جز در بندگی [به پیشگاه خداوند] رحمان نمی آیند. به راستی [خداوند] آنان را فرا گرفته و چنان که باید بر شمرده است. و هر یک از آنان روز قیامت تنها [به پیشگاه] او خواهد آمد».

خورشید، ماه و ستارگان هم اجرام آسمانی هستند که تسلیم فرمان خدا، می باشند و سزاوار نیست که کمری برای رکوع یا چهره ای برای سجده آنها، خمیده یا بر خاک سائیده شود. ﴿وَمِنْ ءَايَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾ (فصلت: ۳۷).

ترجمه: «شب و روز و خورشید و ماه، از نشانه های او هستند. برای خورشید و ماه سجده نکنید بلکه اگر اهل عبادت هستید، خدایی را که آنها را آفریده است، سجده کنید».

غیر از خداوند، هر چیزی در زمین یا آسمانها خوانده شود، مخلوق ناتوانی که نیرویی نداشته و موجود نیازمندی که بر خود متکی نمی باشد و پدیده ضعیفی که قدرت نگهداری خود را ندارد، بیش نیست.

بنابرین چون مخلوقات همه عاجز و ناتوان اند اصل در ایشان عدم و نیستی است و در عبادت اظهار عظمت، بزرگی و جلال است پس مخلوق هر چه باشد هیچگاه شایسته آن بوده نمی تواند، زیرا عظمت، بزرگی، جلال، نعمت و مالکیت همه از آن الله جلّ و علا است و او مستحق و سزوار عبادت و پرستش می باشد.

بناء انحرافات را که انسان ها با بعد شان از تعالیم انبیاء علیهم السلام در عبادت الله واحد و لایزال ایجاد کرده بودند، دین اسلام و شریعت پیامبر اسلام ﷺ اصلاحات ذیل را با بیان کلمه شهادت بمیان آورد تا عبادت واقعاً برای مستحق و سزوار آن که الله جلّ و علا است، صورت گیرد:

### ۱. رهایی عبادت از قید و بند کاهنان و روحانیون

خداوند دین را برای انسان نازل کرد تا آنها را به کمال برساند اما مردم در برخی ادیان منحرفه دین را به انحطاط کشانیدند، چنانچه برخی شخصیت های مذهبی، دین را فاسد کردند. آنها خود را با خدا و نزدیکی به او را در انحصار و احتکار خویش درآوردند، عبادت را به مکان معینی که زیر سلطه خودشان باشد، مقید نمودند و در مکان دیگر جایز ندانستند. همچنین مشروط به وجود واسطه معینی دانستند که کار دلالتی میان خدا و بنده هایش را عهده دار باشد و مقید به مراسم و تشریفات روحانی ویژه ای گردد که بدون آنها پذیرفته نمی شود (۶: ۱۷۱-۱۷۲).

قسمیکه رجال مذهبی مسیحی غرب، در قرون وسطی، برای استقرار این پدیده های روحانی خیلی کوشیدند و در معابد خود از مریم و عیسی علیهما السلام، تصویرها، نقاشی ها و علامتها و چیزهایی از این قبیل آویختند و اینها را آداب عبادی واجب و مقدسی به شمار آوردند. عجیب ترین کارشان این بود که بهشت را منبع ثروت و درآمد خویش قرار داده آن را با تقسیم به قطعات و بخشهای متعددی به فروش رساندند و سهم هر کس را به اندازه پولی که به عنوان قیمت پرداخت می کرد، قرار دادند (۶: ۱۷۸).

از جانب دیگر برخی انسانها جنیات، مرده ها و یا بت ها را میان خود و خدا واسطه قرار دادند تا توسط عبادت و پرستش آنها به الله جلّ و علا تقرب حاصل کرده و یا نیاز خویش را روا سازند.

بناء دین اسلام با کلمه شهادت تمام این قید و بند ها و واسطه ها میان خدا و بنده گان را در هم شکست و عبادت را راستاً و مستقیماً به الله ﷻ قرار داد و زمینه هیچگونه قید و بندهای که انسان ها از نزد خود ایجاد میکنند قبول نکرد و اینگونه عبادت شان را مردود شمرد (۱۲: ۱۲۷).

## ۲. رهایی عبادت از قید مکان

به همین ترتیب که اسلام، عبادت را از بند واسطه گری و تمامی مظاهر سلطه و نفوذ روحانیون، کاهنان و دیگر مخلوقات آزاد کرد، از قید مکان نیز نجات داد.

همه روی زمین، برای فرد مسلمان محراب قرار گرفت تا هر کجا باشد، بتواند عبادت خدا را به جای آورد، قرآن، در این باره می فرماید: ﴿وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ﴾ (البقرة: ۱۱۵).

ترجمه: «مشرق و مغرب از آن خداست. پس به هر کجا که روی آورید، همانجا قبله خداست»

پیامبر اکرم ﷺ نیز در بیان ویژگیهای خاص امت خود می فرماید: (وجعلت لی الأرض طیبه طهوراً ومسجداً فأیما رجل أدرکته الصلاة صلی حیث کان) (۱۴: ۳۷۰).

ترجمه: «زمین برای من سجده گاه و پاک قرار داده شده است. افراد امت من به هنگام نماز، در هر جا بودند، نماز بخوانند».

بناء انسان مسلمان می تواند در هر جاییکه باشد بطور مثال در یک سرک پر رفت و آمد یا یک ایستگاه راه آهن یا یک مزرعه، فعالیت و کار همیشگی خود را کنار بگذارد و با آرامش و تواضع خاصی، در وقت معین، به انجام نماز و عبادت خویش روی آورد.

## ج: نواقض کلمه توحید

نواقض کلمه توحید عبارت از اسبابی اند که اسلام آن ها را سبب خروج از اسلام بعد از ورود به آن معرفی کرده است، زیرا نقض در لغت به معنی باز کردن بعد از بستن آمده است. چنانچه

الله ﷻ فرموده است: ﴿لَا تَكُونُوا كَالَّذِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا﴾ (النحل، ۹۲)

ترجمه: «و مباشید مانند زنی که گسست رشته خود را بعد از استواری پاره پاره»

بنابراین برخی نواقض کلمه توحید قرار ذیل می باشد:

## ۱. شرک آوردن در عبادت به خداوند یکتا

الله ﷻ در این باره فرموده است: ﴿وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ (الزمر، ۶۵).

ترجمه: "و هر آئینه وحی فرستاده شد یا محمد بسوی تو و بسوی آنانکه پیش از تو بودند که اگر شریک خدا مقرر کنی البته نابود گردد عمل تو و البته شوی از زیان کاران".

در مورد جزای مشرکین خداوند فرموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾ (النساء ۱۱۶).

ترجمه: «هر آئینه خدا نمی آمرزد آنکه شریک باو مقرر کرده شود و می آمرزد غیر شرک هر کرا خواهد و هر که شریک خدا مقرر کند پس گمراه شد گمراهی دور»

همچنان فرموده است: ﴿لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾ (مائده ۷۲).

ترجمه: «هر آئینه کافر شدند کسانی که گفتند الله همان ست عیسی پسر مریم و گفته بود عیسی ای بنی اسرائیل پرستید خدا را پروردگار من و پروردگار شما هر آئینه کسی که شریک خدا مقرر میکند حرام کرده است خدا بهشت را بر وی و جای او دوزخست و نیست ستمکاران را هیچ یاری دهنده»

## ۲. انکار (جحد) و کفر به کلمه و مقتضیات آن

هر زمانیکه به یکی از خواسته ها و مقتضیات ایمان و کلمه توحید انکار، جحد و یا کفر صورت میگیرد کلمه توحید و ایمان نقض شده انسان از دایره اسلام خارج می گردد، چنانچه الله ﷻ در این مورد میفرماید: ﴿وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ (المائدة: ۵).



ترجمه: «و کسی که به (ارکان) ایمان کفر ورزد، همانا عملش تباه شده است و او در آخرت از زیانکاران خواهد بود».

همچنان الله ﷻ در مورد جحود و انکار می فرماید: ﴿وَمَا يَجِدُ بَيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ﴾ (العنکبوت: ۴۷).

ترجمه: «و آیات ما را جز کافران انکار نمی کنند».

### ۳. تمسخر و استهزا به اسلام و احکام آن

استهزا و تمسخر هم از جمله امور است که اگر در مقدسات دینی و یا احکام الهی صورت گیرد انسان را از دایره اسلام خارج کرده و ایمان او را نقض می کند. چنانچه الله متعال فرموده است: ﴿قُلْ أَبِاللهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ لَا تَعْتَدِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ﴾ (التوبه: ۶۵).

ترجمه: «بگو آیا بخدا و آیتهای او و پیغمبر او تمسخر میکردید. عذر مگوئید هر آینه شما کافر شدید بعد از ایمان خود».

### ۴. نفرت داشتن با آموزش های رسول خدا و قرآن

نفرت داشتن با آموزه های اسلام دلیل به عدم قبولیت آن است، بناء این بد بینی و نفرت در مقابل احکام خدا و رسول منجر به نقض کلمه توحید و ایمان در انسان میگردد، چنانچه الله متعال فرموده است: ﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أُنْزِلَ اللهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ﴾ (محمد: ۹)

ترجمه: «این بسبب آنست که ایشان ناپسند کردند چیزی را که فرود آورده است خدا، پس نابود کرد عمل ایشان را»

### د: برخی از حکمت های کلمه شهادت

اگر به این کلمه بطور صادقانه، راستی و اخلاص اعتقاد و اقرار صورت بگیرد، و به مستلزمات و واجبات آن ظاهراً و باطناً عمل شود، آثار و نتیجه های خوب و پسندیده ای بر فرد و جامعه خواهد داشت، که مهمترین آنها عبارتند از:

## ۱. وحدت و یکپارچگی مسلمانان

کلمه توحید عامل اساسی وحدت و یکپارچگی مسلمانان دور هم بوده که نتیجه آن حصول قوت و پیروزی ایشان بر دشمنان اسلام خواهد بود، چون دین و عقیده آنها یکی است، خداوند می‌فرماید: ﴿وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ (آل عمران: ۱۰۳). ترجمه: «وهمگی به ریسمان خدا چنگ زبید و پراکنده نشوید». اختلاف در عقیده باعث تفرقه، جنگ و ستیز خواهد شد. پس مردم را به وحدت نمی‌کشاند مگر عقیده، ایمان و توحیدی که مدلول لا اله الا الله آنها در بر دارد.

## ۲. تحقق یافتن قدرت اسلام در روی زمین

کلمه شهادت و توحید در حقیقت یکی از علل و اسباب اساسی تحقق یافتن قدرت اسلام و حکمفرمائی مسلمانان بر روی زمین و برتری دینشان و پایداری در مقابل مبادی و افکار مخالف اسلام می‌باشد، چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (النور: ۵۵)

ترجمه: «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده است که حتما آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد همان گونه که کسانی را پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس پس از آن به کفر گراید آنانند که نافرمانند».

پس خداوند حصول این مقاصد بزرگ را به عبادت خود که هیچ شریکی ندارد مرتبط ساخته است، و این همان مقتضای لا اله الا الله میباشد.

## ۳. امن، آسایش و آرامی در جامعه

استقرار امن، امان و آسایش در جامعه توحیدی مرتبط به عملکرد به موجبات کلمه لا اله الا الله میباشد، زیرا هر فردی از آن جامعه بنابر واکنش عقیده توحید که در قلب خود دارد به

هر آنچه که الله ﷻ حلال نموده چنگ می زند و از هر آنچه که حرام گردانیده اجتناب میکند، به همین سبب از تجاوز، ظلم، ستم و دشمنی دست برداشته، و به جای آن کمک و همکاری و محبت و پشتیبانی را پیشه قرار می دهد و بدین ترتیب فضای اخوت و برادری ایجاد شده و آرامی و امنیت در جامعه برقرار می گردد. چنانکه خداوند می فرماید:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ (الحجرات: ۱۰).

ترجمه: "جز این نیست که مؤمنان برادرند."

این تحول بطور آشکارا در حال اعرابی که قبل از اسلام، و بعد از اسلام بودند پیدا و هویداست، چون قبل از اسلام با هم دشمنی داشتند و از همدیگر متنفر بودند، و به غارت و جنگ افتخار می کردند، ولی وقتی به عقیده توحید روی آوردند، با هم برادر و دوست شدند. چنانکه خداوند می فرماید: ﴿وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءَ فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ (آل عمران: ۱۰۳)

ترجمه: "و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید پس میان دلهای شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رها کرد این گونه خداوند نشانه های خود را برای شما روشن می کند باشد که شما راه یاب شوید."

در آیت دیگری الله ﷻ می فرماید: ﴿وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (الأنفال: ۶۳).

ترجمه: "وین دلهای آنها الفت داد، اگر تمام آنچه را که در روی زمین است خرج می کردی، نمی توانستی بین دلهایشان الفت دهی، ولی خدا در میان آنها الفت داد، همانا او پیروزمند حکیم است."

#### ۴. متحقق شدن آرامش روحی و روانی برای انسان

یکی از دیگر حکمت های کلمه شهادت تحقق یافتن آرامش روحی و روانی و استقرار ذهنی است برای کسیکه لا إله إلا الله بگوید، و به مقتضای آن عمل کند، چون یک خدا را می پرستد، و خواسته او را می داند، پس کاری انجام می دهد که او را راضی و خشنود سازد، و از غضب او اجتناب می ورزد، بر خلاف کسیکه خدایان بسیاری را می پرستد، و هر یک از این خدایان چیزی خاصی می خواهد، و تدبیر خاصی دارد که از خدای دیگر مختلف است، چنانکه خداوند می فرماید: ﴿أَرْبَابٌ مُّتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ﴾ (یوسف: ۳۹). ترجمه: "آیا خدایان پراکنده بهتر اند یا خداوند یکتای مقتدر."

و همچنین می فرماید: ﴿صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِّرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (الزمر: ۲۹).

ترجمه: "خداوند مثلی زده است از برده ای که چند شریکان ناسازگار در [مالکیت] او شرکت دارند [و هر یک او را به کاری می گمارند] و مردی است که تنها فرمانبر یک مرد است آیا این دو در مثل یکسانند سپاس خدای را [نه] بلکه بیشترشان نمی دانند."

امام ابن القيم می گوید: خداوند این ضرب المثل را برای مشرکان و موحدان آورده است، پس مشرک مانند برده ای است که مالک و ارباب او گروهی هستند که با هم اختلاف، و نیز اخلاق بدی دارند، پس مشرک وقتی خدایان بسیاری را می پرستید به برده ای شبیه داده شده که گروهی که با هم اختلاف دارند ارباب او هستند، و نمی تواند رضا و خشنودی همه آنها را برآورده کند.

و موحد وقتی فقط یک الله را می پرستید به برده ای که فقط ارباب او یک نفر است شبیه داده شده است، که همه خواسته ها و مقصود او، و راه خشنودی او را می داند، و او از دعوا و اختلاف اربابها در امان است، بلکه او بدون هیچ ستیزه فقط ملک یک نفر است، و ارباب او به او رحمت و شفقت و نیکی کرده و مصالح و آسایش او را می خواهد، آیا این دو برده با هم مساوی هستند؟ (۳: ۱۸۷).

### تمرینات کلمه شهادت

۱. ارکان اسلام را نام گرفته و یک حدیث پیامبر اسلام را در مورد آن بنویسید.
۲. معنی و مفهوم اساسی کلمه شهادت را بصورت مفصل بیان کنید.
۳. در مورد فضیلت و برتریت کلمه شهادت دو حدیث را تحریر دارید.
۴. چگونه مقصود و هدف اساسی کلمه شهادت را از خلال دعوت انبیاء علیهم السلام به اثبات رسانیده میتوانیم؟
۵. چرا عبادت فقط برای الله جل جلاله باید صورت گیرد بطور مستدل بیان کنید؟
۶. نواقض کلمه توحید را نام گرفته هر یک را توضیح دهید.
۷. کلمه شهادت دارای کدام حکمت ها میباشد، هر یک را نام گرفته بصورت مختصر بیان کنید.

## مآخذ

## ۱. قرآن کریم

۲. ابن سیده، علی بن اسماعیل. ۱۴۱۷ هـ ق / ۱۹۹۶ م. **المخصص** ج ۴. تحقیق، خلیل ابراهیم جفال. بیروت: دار احیاء التراث العربی
۳. ابن قیم الجوزیة، محمد بن ابی بکر. ۱۹۷۳ م. **اعلام الموقعین عن رب العالمین**. تحقیق، طه عبدالرؤف سعد. بیروت: دار الجیل.
۴. ابن ماجه، محمد بن یزید. ب. ت. **سنن ابن ماجه** ج ۲. تحقیق عبدالباقی، محمد فؤاد. بیروت: دارالفکر.
۵. ابو داود، سلیمان بن الاشعث. ب. ت. **سنن ابی داود** ج ۴. تحقیق عبدالحمید، محمد محی الدین. بیروت: دار الفکر.
۶. اشرفی، سید احمد. ۱۳۸۹ هـ ش. **جستاری هایی در دین شناسی تطبیقی**. کابل: مطبعه مسلکی افغان.
۷. البخاری، محمد بن اسماعیل. ۱۴۲۲ هـ ق. **الجامع المسند الصحيح**. المحقق الناصر، محمد زهیر. دار طوق النجاة.
۸. الرازی، محمد بن عمر. ۱۴۲۰ هـ ق. **التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)** ج ۱۷. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۹. الطبرانی، سلیمان بن احمد. ۱۴۰۴ هـ / ۱۹۸۳ م. **المعجم الکبیر** ج ۲۰. تحقیق حمدی بن عبدالمجید. الموصل: مکتبه العلوم و الحکمه.
۱۰. قرضاوی، یوسف. ۱۳۸۶ هـ ش. **عبادت در اسلام**. ترجمه محمد ستاری خرقانی. تهران: نشر احسان.
۱۱. قرضاوی، یوسف. ۲۰۱۰ م. **حقیقت التوحید**. القاهرة: مکتبه وهبه.
۱۲. قرضاوی، یوسف. ۱۳۷۹ هـ ش. **ویژگی های کلی اسلام**. ترجمه، جلیل بهرامی نیا. تهران: نشر احسان.
۱۳. مبارکفوری، صفی الرحمن. ۱۳۸۸ هـ ش. **سیره النبی الرحیق المختوم**. مترجم، عبدالله خاموش هروی. تربت جام: احمد جام.
۱۴. النیساپوری، مسلم بن الحجاج. ب. ت. **صحيح مسلم** ج ۱. تحقیق عبدالباقی، محمد فؤاد. بیروت: دار احیاء التراث العرب

## درس هفتم

### عبادت نماز و حکمت های آن

نماز دومین رکن از ارکان اسلام و از جمله مهمترین ارکان بعد از کلمه طیه بشمار میرود. نماز یک عبادت بدنی بوده که توسط اعضای بدن اداء میگردد. با نماز ارتباط میان الله جل و بالا و بنده قائم گردیده، و یکی از نشانه های شناخت مسلمان صادق پنداشته میشود.

#### الف: تعریف نماز ( الصلاة )

##### • معنی لغوی نماز

نماز را در زبان عربی (صلاة) می گویند. این کلمه در زبان عربی به معانی مختلف استعمال شده است از جمله معانی آن به معنای دعا می آید، چنانچه الله متعال در قرآن کریم خطاب به پیامبر ﷺ می فرماید: ﴿وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (التوبة ۱۰۳).

ترجمه: (و برای آنان دعا و طلب آمرزش کن که قطعاً دعا و طلب آمرزش تو مایه ی آرامش [دل و جان] ایشان می شود [و سبب اطمینان و اعتقاد بیشترشان می گردد] و خداوند شنوای [دعای مخلصان و] آگاه [از نیات همگان] است).

همچنان به معنای پیروی کردن یا دنبال نمودن نیز آمده قسمیکه عرب ها وقتی یک اسب به تعقیب اسب دیگر راه برود می گویند: «صَلَّ الْفَرَسُ» یعنی (اسب به دنبال اسب دیگر آمد).

معنای لغوی دیگر صلاة در زبان عربی بریان کردن یا در آتش سرخ کردن یک چیز را نیز می گویند (۲۰: ۵۲۴)، چنانچه در حدیث آمده است: «فَأَهْدَتْ لَهُ يَهُودِيَّةٌ بَخِيرَ شَاةٍ مَّصْلِيَّةً سَمَّتْهَا»<sup>۱</sup> (۴۹۸).

ترجمه: "پس زن یهودی در خیبر یک گوسفند بریان شده را که زهر آلود کرده بود برای او هدیه داد".

<sup>۱</sup> : صحیح وضعیف سنن أبي داود (۱۲ / ۱۰). تحقیق الألبانی : حسن صحیح

## • معنی اصطلاحی نماز (الصلاة)

کلمه صلاة در معجم لغه الفقها چنین تعریف شده است: «مجموعه اقوال و افعال علی هیئۀ معینۀ مفتتحه بالتکبیر مختتمه بالتسلیم یتقرب بها إلی الله تعالی» (۱۹: ۱۸). ترجمه: (صلاة عبارت از مجموعه اقوال و افعالی است که به گونه مشخص ادا میشود، با تکبیر [الله اکبر گفتن] آغاز گردیده با تسلیم [سلام گفتن] خاتمه می یابد و به وسیله آن به الله متعال تقرب جسته می شود).

## ب: دلیل فرضیت و مشروعیت نماز

نماز، نظر به برخی از آیات، اصلاً در عهد و زمان مکی بالای مسلمانان واجب گردیده بود (۲۲: ۵۲). اما فرض شدن نمازهای پنجگانه، در شب معراج صورت گرفته است. اگر در احکام اسلام نظر اندازی شود دیده می شود که همه عبادات در زمین مقرر گردیده اند، ولی نماز استثناء در آسمان، در شب معراج با خطاب مستقیم خداوند جهان به خاتم النبیین، تشریع شد (۷: ۳۲۱).

پس نحوه فرض شدن این فریضه نیز خود یک دلیل بر فرضیت آن است چنانچه ما می بینیم که حکومتها معمولاً در کارها و مسائل مهم و حساسی که پیام فرستادن، برای تأمین غرض و رفع ضرورت کافی نیست، سفیرهای خود را به نزد خویش فرا می خوانند. پیامبر ﷺ نیز سفیر خدا به سوی مردم است. وقتی که او را فرا میخواند و به آسمانهای بالا عروج می دهد تا درباره تشریع نماز با او سخن بگوید، معلوم می شود که نماز چه اهمیت و پایگاه بلندی نزد او دارد! (۱۷: ۲۲۳-۲۲۴).

نماز ابتداء در شب معراج ۵۰ وقت بالای مسلمانان فرض گردید و بعداً به پنج نماز تقلیل یافت اما اجر و ثواب آن همان ۵۰ نماز باقی ماند. چنانچه از پیامبر اسلام ﷺ در این مورد چنین ارشاد شده است: «قَالَ إِنَّهُ لَا يَبْدُلُ الْقَوْلُ لَدَى كَمَا فَرَضْتُهُ عَلَيْكَ فِي أُمِّ الْكِتَابِ قَالَ فَكُلُّ حَسَنَةٍ بَعَشْرٍ أَمْثَلُهَا فَهِيَ خَمْسُونَ فِي أُمِّ الْكِتَابِ وَهِيَ خَمْسٌ عَلَيْكَ» (۹: ۵۴۳).



ترجمه: " الله ﷻ فرمود: گفتار نزد من تغییر نمی خورد، قسمیکه در ام الكتاب بر تو فرض گردانیده بودم. الله ﷻ فرمود: هر نیکی به اندازه ده چند آن می باشد. این نمازها در ام الكتاب پنجاه است و بر تو پنج نماز می باشد." بناء فرضیت نماز به قرآن، حدیث واجماع امت ثابت شده است.

## ۱. دلایل فرضیت نماز از قران مجید

فرضیت نماز در قران مجید با آیات متعدد ثابت شده است که برخی آن قرار ذیل می باشد:

در مورد اینکه نماز در اوقات معین فرض گردیده است خداوند ﷻ می فرماید:

﴿إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْفُوتًا﴾ (النساء: ۱۰۳).

ترجمه: " هر آینه نماز بر مؤمنان در اوقات معین مقرر شده است."

در مورد پابندی به این نمازها الله ﷻ امر کرده و می فرماید: ﴿حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ﴾ (البقرة: ۳۴۹).

ترجمه: "بر نمازها و [بویژه] نماز میانه مواظبت کنید و خاضعانه برای خدا به پا خیزید."

همچنان میتوانیم دلایل فرضیت نمازهای پنجگانه را از خلال آیات قران مجید در مورد کسانی که آنرا ضایع کرده و اداء نمی کنند و به عذاب های شدید و دردناک بیم داده شده اند، نیز ثابت نمائیم. قسمیکه الله ﷻ در مورد کسانی که از هوی و هوس خود پیروی کرده نمازهای خود را ضایع کرده اند چنین می فرماید: ﴿فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيَا﴾ (مریم: ۶۹).

ترجمه: " آنگاه پس از آنان (فرزندان) نا خلفانی جانشین شدند که نماز را (ضایع و) ترک کردند و از شهوات پیروی کردند، پس به زودی (کیفر) گمراهی (خود) را خواهند یافت."

به همین ترتیب در رابطه به کسانی که از این فریضه شانه خالی کرده و آنرا اداء نکرده اند می فرماید: ﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِيْنِ فِي جَنّٰتٍ يَتَسَاءَلُوْنَ عَنِ الْمُجْرِمِيْنَ مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ قَالُوْا لَمْ نَكُ مِنَ الْمَصْلِيْنَ﴾ (المدثر: ۳۸-۴۳)

ترجمه: "هر کس در گرو اعمال خویش است. مگر «اصحاب یمین». که در باغ های (بهشت) هستند، و می پرسند از گناهکاران. چه چیز شما را به «سقر» (دوزخ) درآورد؟ گویند: «ما از نماز گزاران نبودیم»."

در این آیات کریمه دیده میشود که کسانی که نماز را ترک کرده اند مستحق عذاب جهنم گردیده اند و یکی از امور که انسان را مستحق عذاب جهنم می گرداند ترک واجبات و فرائض است، بناء معلوم می گردد که ادا کردن نماز هم فرض و واجب میباشد.

## ۲. دلایل فرضیت نماز از خلال احادیث

ابن عمر رضی الله عنهما روایت کرده اند که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَالْحُجِّ وَصَوْمِ رَمَضَانَ» (۸: ۲۳).

ترجمه: "اسلام بر پنج رکن اساسی بنا شده است: گواهی دادن به اینکه نیست هیچ معبودی مگر الله، و اینکه محمد رسول الله است، برپا کردن نماز، اداء نمودن زکات، حج نموی و گرفتن روزه رمضان.

همچنان عباد بن صامت رضی الله عنه روایت است که فرموده: سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله يقول: «خَمْسٌ صَلَوَاتٍ كَتَبَهُنَّ اللَّهُ عَلَى الْعِبَادِ فَمَنْ جَاءَ مِنْهُنَّ لَمْ يَضِغْ مِنْهُنَّ شَيْئًا اسْتِخْفَافًا بِحَقِّهِنَّ كَانَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدٌ أَنْ يَدْخُلَهُ الْجَنَّةَ» (۶: ۶۴۵).

ترجمه: "از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که میگفت: پنج وقت نمازی است که الله تعالی آنها را بر بندگانش فرض گردانیده است، پس هر که ادا کند و چیزی از آنها را از روی استخفاف و کم دانستن حق آنها ضایع نسازد او در پیشگاه الله پیمانی دارد که وی را داخل بهشت می سازد."

## ۳. دلایل فرضیت نماز از اجماع

همه امت بدین اجماع کرده اند که در یک شبانه روز پنج وقت نماز بالای انسان مسلمان، بالغ و عاقل فرض است و منکر آن کافر می باشد (۲۲: ۵۲). اما زنانیکه در حالت حیض و نفاس می باشند از این حکم با دلائل خاص دیگر مستثنی اند.

<sup>۱</sup> : صحیح وضعیف سنن أبي داود (۳/ ۴۲۰) تحقیق الالبانی : صحیح.

## ج: فضیلت و جایگاه نماز

نماز، ستون دین و کلید بهشت و بهترین کردار است و نخستین چیزی می باشد که در روز قیامت مورد بازپرسی قرار میگیرد. نماز در اسلام دارای فضائل بیشمار است که به برخی آن مختصراً اشاره صورت میگیرد:

### ۱. نماز ستون دین

یعنی دین بالای نماز استوار است، وبدون نماز از هم پاشیده می باشد، قسمی که رسول الله ﷺ فرموده است: «و الصَّلَاةُ عِمَادُ الدِّينِ»<sup>۱</sup> (۸: ۳۰۰).  
ترجمه: نماز عماد (ستون) دین است.

### ۲. نماز محو کننده معاصی و گناهان

هیچ انسان خالی از معاصی و گناه نمی باشد، و نماز یکی از نابود کننده این معاصی می باشد، الله متعال در قرآن کریم میفرماید: ﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَى النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾ (هود: ۱۱۴).

ترجمه: بر پا کن نماز را دو طرف روز - یعنی: صلاة الفجر وصلاة المغرب - و چند ساعت از شب - یعنی: صلاة العشاء - هر آینه حسنات و نیکیها - یعنی: طاعات - از بین میبرد محو میکند دور میکند گناهان را.

پیامبر ﷺ فرموده است: «الصَّلَوَاتُ الْخَمْسُ، وَالْجُمُعَةُ إِلَى الْجُمُعَةِ، وَرَمَضَانُ إِلَى رَمَضَانَ، مُكَفِّرَاتٌ لِمَا بَيْنَهُنَّ مَا اجْتُنِبَتْ الْكِبَائِرُ» (۲۴: ۲۰۹).

ترجمه: "نماز های پنجگانه، نماز جمعه تا به جمعه، و رمضان تا به رمضان محو کننده گناهانی است که بین آنها صورت گرفته باشد، در صورتیکه از کبائر دوری و اجتناب شده باشد."

<sup>۱</sup> : صحیح وضعیف الجامع الصغیر (۴/ ۲۰۵) تحقیق الألبانی (ضعیف).

### ۳. نماز بهترین عمل نزد الله متعال

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت میکند که: « سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَيُّ الْعَمَلِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ إِقَامُ الصَّلَاةِ لَوْ قُتِلَهَا » (۳۴: ۳۱۹).

ترجمه: "از رسول الله صلی الله علیه و آله پرسیدم: محبوبترین عمل به نزد الله عز و جل کدام است؟ گفتند: بر پا داشتن نماز در وقت آن"

در روایت دیگری پیامبر صلی الله علیه و آله در این مورد می فرمایند: « أَفْضَلُ الْعَمَلِ الصَّلَاةُ لَوْ قُتِلَهَا وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ » (۹: ۹۵).

ترجمه: "بهترین عمل اداء کردن نماز در وقت آن می باشد و جهاد در راه الله صلی الله علیه و آله"

### د: احکام نماز

نماز از جمله احکام اسلام بوده بالای هر فرد مسلمان که شروط آنرا تکمیل کرده باشد، فرض گردیده است و انسان مسلمان باید این فریضه را مطابق آنچه که احکام اسلام بیان کرده، اداء نماید. چنانچه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در این مورد می فرمایند: « صلوا كما رأيتموني أصلي » (۱۳: ۲۷۳).

ترجمه: "نماز را اداء کنید چنانچه مرا می بینید که نماز را اداء می کنم".  
لذا نماز منحیث یک عبادت که جایگاه بلند و فضیلت زیاد در اسلام دارد، دارای یک سلسله شروط، ارکان و واجبات می باشد که در حین اداء کردن باید مراعات گردد تا تأثیرات و نتایج آن بر حیات و زندگی انسان مسلمان رو نما گردد.

### ۱. شروط نماز

شروط نماز به دو نوع است: شروط وجوب نماز و شروط صحت نماز (۲۲: ۵۵):

<sup>۱</sup> : صحیح وضعیف سنن النسائی (۲/ ۲۵۵) تحقیق الألبانی : صحیح .  
<sup>۲</sup> : صحیح وضعیف الجامع الصغیر (۵/ ۴۵۰) تحقیق الألبانی، ( صحیح ) .

### ❖ شروط وجوب

شروط وجوب نماز عبارت از شروط است که در صورت تحقق یافتن آن نماز بر انسان مکلف فرض میگردد<sup>۱</sup> شروط وجوب نماز سه شرط است:

۱. اسلام

۲. عقل

۳. بلوغ

لذا نماز بر هر مسلمان بالغ و عاقل واجب است: چنانچه رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فرموده است: «رُفِعَ الْقَلَمُ عَنْ ثَلَاثَةٍ: عَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ، وَعَنِ الصَّبِيِّ حَتَّى يَحْتَلِمَ، وَعَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يَعْقِلَ» (۷: ۳۵۶).

ترجمه: "از سه نفر قلم تکلیف برداشته شده است: از انسان که خواب است تا اینکه بیدار شود، از کودک تا اینکه بالغ شود و از دیوانه تا اینکه به عقل بیاید."

اما چون فريضة نماز اهمیت زیاد در اسلام دارد لذا بر سرپرست اطفال واجب است تا اطفال خود را به نماز امر کند هر چند که نماز بر او واجب نمی باشد، تا به ادای آن عادت نماید. قسمیکه پیامبر اسلام ﷺ والدین را در این مورد چنین ارشاد نموده اند: «مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلَاةِ وَهُمْ أَبْنَاءُ سَبْعِ سِنِينَ، وَاضْرِبُوهُمْ عَلَيْهَا وَهُمْ أَبْنَاءُ عَشْرِ سِنِينَ» (۵: ۱۸۵).

ترجمه: "امر کنید اولاد هایتانرا به نماز خواندن در حالیکه آنها به سن هفت سالگی اند، و توبیخ کنید ایشان را بخاطر نماز (در صورت نخواندن یا کسالت کردن) در حالیکه آنها به سن ده سالگی اند."

### ❖ شروط صحت

شروط صحت نماز عبارت از شروط اند که صحت نماز بر تحقق آنها موقوف می باشد، پس زمانی که یکی از این شروط را نماز گذار انجام ندهد، نماز وی درست نبوده و اعاده آن ضروری می باشد. این شروط قرار ذیل است (۲۲: ۵۹):

<sup>۱</sup> : صحیح وضعیف سنن أبي داود (۱/ ۴۹۵) تحقیق الألبانی: حسن صحیح

## ○ ادا نمودن نماز در اوقات آن

چنانچه الله متعال فرموده است: ﴿فَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا﴾ (النساء: ۱۰۳).

ترجمه: "پس نماز را برپا دارید بی گمان نماز بر مؤمنان در اوقات معلوم و معین فرض گردیده است".

## ○ پاک بودن از انواع نجاست های حکمی

نجاست های حکمی آن نجاست ها را میگویند که بچشم دیده نشده و شکل ظاهری ندارد اما شریعت اسلام به نجس بودن آن حکم کرده است، و پاکی آن نیز به حکم شریعت صورت میگیرد، مانند وضو، غسل یا تیمم. چنانچه الله متعال فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا﴾ (المائدة: ۶).

ترجمه: «ای مسلمانان چون برخیزید بسوئی نماز پس بشوئید روی های خود را و دستهای خود را تا آرنج ها و مسح کنید سرهای خود را و بشوئید پایهای خود را تا شالنگ و اگر باشید در حالت جنابت پس غسل کنید»

## ○ پاک بودن لباس، بدن و جای نماز از نجاست های حقیقی

چنانچه الله متعال فرموده است: ﴿وَيَا بَنِي إِسْرَءِيلَ إِذْ قُلْنَا لِمُوسَى اذْهَبْ بِهَذِهِ زَبَابُكَ فَقَطِّعْهُ﴾ (المدثر: ۴).

ترجمه: "و جامه های خود را پاک ساز."

روزی شخصی در مسجد نبوی بول کرد، پیامبر ﷺ در مورد گفتند: «دَعُوهُ وَأَهْرِيقُوا (وَهْرِيقُوا) عَلَى بَوْلِهِ ذُنُوبًا مِنْ مَاءٍ أَوْ سَجَلًا مِنْ مَاءٍ» (۸: ۷۱).

ترجمه: "بگزارید او را و بالای بولش یک سطل از آب بریزید".

### ○ پوشاندن عورت

چنانچه الله متعال فرموده است: ﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾ (الأعراف: ۳۱). ترجمه: "ای فرزندان آدم! بپذیرید زینت خود را نزدیک هر نماز". این در حالی بود که مردم قبل از اسلام به حالت عریان خانه خدا را طواف می کردند. عورت مرد از ناف تا زانوهایش است، از زن تمام بدنش عورت است، غیر از صورت و کف دست ها و قدم هایش.

### ○ رو آوردن بسوی قبله

چنانچه الله متعال فرموده است: ﴿قَوْلٌ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ﴾ (البقرة: ۱۴۴). ترجمه: "پس متوجه کن روی خود را بسوی مسجد الحرام و هر جا که باشید پس متوجه کنید روی های خویش را بسوی آن".

### ○ نیت نمودن

نیت عبارت از قصد و اراده نمازی است که برای آن ایستاده و باید با قلبش آن را تعیین کند، مانند فرض ظهر یا عصر یا مثلاً سنت های آن دو. چنانچه پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد نیت می فرماید: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى» (۸: ۲). ترجمه: "مدار اعتبار اعمال انسان روی نیت وی بنا یافته است و برای هر انسان آنچه را که نیت کرده، داده می شود".

### ۲. ارکان نماز

ارکان نماز عبارت از اموری می باشد که در نماز ضروری بوده و اگر انجام نشود اصلاً نماز اداء نشده و باید اعاده آن صورت گیرد.

ارکان اساسی نماز نزد فقهای کرام قرار ذیل می باشد (۲۲: ۷۲):

❖ تکبیر تحریمه

- ❖ قیام یا ایستادن
- ❖ خواندن قرآن مجید یا قرائت
- ❖ رکوع نمودن
- ❖ سجده کردن (هر دو سجده)
- ❖ قعده اخیر به مقدار خواندن تشهد

### ۳. واجبات نماز

واجبات نماز عبارت از اموری اند که انجام دادن آن در نماز ضروری بوده اما اگر سهوا ترک شود سجده سهو لازم میگردد در غیر آن باید نماز اعاده شود. واجبات نماز قرار ذیل است (۲۲: ۷۵):

- ❖ قرائت نمودن سوره فاتحه
- ❖ خواندن یک سوره کوتاه یا سه آیت کوتاه یا یک آیت دراز بعد از سوره فاتحه
- ❖ مقدم نمودن فاتحه بر دیگر سوره
- ❖ ادا نمودن سجده دوم بعد از سجده اول
- ❖ ادا نمودن تمام ارکان نماز با اعتدال و آرامش
- ❖ نشستن در قعده اول به اندازه خواندن تشهد
- ❖ خواندن تشهد در هر دو قعده
- ❖ ایستادن به رکعت سوم بدون تأخیر بعد از خواندن تشهد
- ❖ خارج شدن از نماز به لفظ سلام
- ❖ خواندن دعای قنوت دروتر
- ❖ گفتن تکبیرات زواید در عیدین
- ❖ بلند خواندن امام قرائت را در نمازهای جهری.



#### ۴. مفسدات نماز

مفسدات نماز عبارت از اموری اند که اگر در حین نماز صورت می گیرد نماز را فاسد کرده و باید دوباره اعاده شود. مفسدات نماز قرار ذیل میباشد (22: ۱۱۷):

❖ هر آنچیزیکه شکننده وضو باشد فاسد کننده نماز نیز است  
بدین معنی که درحین نماز به هر شکلی که وضوی نماز گذار بشکند نماز وی نیز فاسد میگردد مانند: خارج شدن بول، غائط، جاری شدن خون، خواب، زوال عقل، وغیره. پیامبر ﷺ در این مورد می فرمایند: «لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ أَحَدِكُمْ إِذَا أَحْدَثَ حَتَّى يَتَوَضَّأَ» (۸: ۵۸).

ترجمه: "قبول نمی کند الله ﷻ نماز شما را هنگامیکه بی وضو شود تا اینکه وضو نماید"  
❖ خوردن و نوشیدن ولو که قلیل و کم باشد.

❖ سخن گفتن بغیر آنچیزیکه در نماز گفته میشود.

❖ خنده قهقهه با آواز بلند

❖ الالتفات: یعنی نظر کردن به طرف راست و یا چپ، و یا به طرف دیگری غیر موضع وجای نماز با میلان سر و سینه.

❖ العمل الكثير: یعنی عمل زیادی که اگر یک شخص از دور نمازگذار را مشاهده نماید، فکر کند که وی نماز نمیخواند.

❖ ترک یکی از ارکان و شروط نماز یا ترک یکی از واجبات نماز قصداً و عمداً

## درس هشتم

### اقسام نماز

#### الف: نمازهای فرض پنجگانه

نمازهای فرض پنجگانه عبارت از همان نمازهاییست که رکن اساسی از ارکان اسلام شمرده شده و در شب معراج بر امت پیامبر ﷺ فرض گردید که از ۵۰ نماز به پنج نماز تقلیل یافت اما اجر ثواب آن همان اجر ثواب ۵۰ نماز باقی ماند (۷: ۳۲۱).

وقتی نمازهای پنجگانه بر پیامبر اکرم ﷺ فرض گردید ایشان مأمور شدند قبل از طلوع آفتاب دو رکعت نماز صبح، بعد از زوال آفتاب چهار رکعت نماز ظهر، قبل از غروب آفتاب چهار رکعت نماز عصر، بعد از غروب آفتاب سه رکعت نماز شام یا مغرب و بعد از غروب شفق چهار رکعت نماز خفتن یا عشا را به عنوان نمازهای فرض پنجگانه بخوانند که مجموعاً (۱۷) رکعت می‌شود (۲۲: ۵۲).

#### ○ علت تکرار نمازهای فرض پنج مرتبه

شاید برای انسان سوال ایجاد شود که چرا این نمازهای فرض در شب و روز پنج مرتبه تکرار شده و انسان مسلمان مکلف است که بدون تأخیر آنرا انجام دهد؟ اگر در خلقت انسان نظر اندازی صورت گیرد در می‌یابیم که در وجود او، هم معنویت فرشتگان قرار داده شده است و هم شهوت جانوران و خشم درنده گان! بسیار اوقات اتفاق می‌افتد که شهوت بر او غالب می‌شود و یا خشم او را دگرگون و متغیر می‌سازد؛ که در نتیجه به لغزش می‌افتد و دچار اشتباه می‌شود. اشتباه انسان هم عجیب نیست؛ چرا که انسان، انسان است و انسان اشتباه می‌کند؛ اما عجیب آن است که انسان به اشتباه خود پی نبرد و به آن اصرار ورزد و در انحطاط و سقوط تا آنجا پیش رود که شبیه حیوانات و یا گمراه تر از آنها گردد. چنانچه خداوند کریم می‌فرماید: ﴿أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ﴾ (الأعراف، ۲۸۹). ترجمه: آنان همانند چهارپایان، بلکه گمراه ترند.

نمازهای پنجگانه شبا روزی؛ فرصت های هستند که تا فرد خطاء کار، به راه رُشد خویش باز گردد و از غرور و غفلت بدرآید و بسوی پروردگارش رجوع کند که در نتیجه این شراره مادی که بوسیله شهوتها، هوسها و فراموشی خدا و آخرت؛ بر افروخته شده است، خاموش گردد(۱۷: ۲۲۶).

پیامبر ﷺ با اشاره به همین حقیقت میگوید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مُلْكًا يَنَادِي عِنْدَ كُلِّ صَلَاةٍ يَا بَنِي آدَمَ قُومُوا إِلَيَّ نِيرَانَكُمْ الَّتِي أَوْقَدْتُمُوهَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ فَاطْفُئُوهَا»<sup>۱</sup> (۱۶: ۲۶۲). ترجمه: "خداوند ﷻ فرشته ای دارد که هنگام هر نماز نداء می دهد: ای آدمیان بر خیزید و آتشی را که خود افروخته اید، خاموش کنید!".

خواهشات مادی؛ بمانند آتش سوزانی هستند که دلها و اندیشه ها را فرا گرفته، می سوزانند؛ و نماز؛ همچون منبع آب است که این آتش را فرو نشانده، دود سیاه آن را بر طرف نموده و آثارش را از وجود انسان می زداید.

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه در بیان این موضوع میگوید: (می سوزید و می سوزید و چون نماز صبح می گزارید، آثارش را می شوید؛ باز می سوزید و می سوزید و چون نماز ظهر می گزارید، آثارش را می شوید؛ باز می سوزید و می سوزید و چون نماز عصر می گزارید، آثارش را می شوید؛ باز می سوزید و می سوزید و چون نماز مغرب می گزارید، آثارش را می شوید؛ باز می سوزید و می سوزید و چون نماز عشاء می گزارید، آثارش را می شوید؛ و سپس می خوابید و تا هنگامیکه بیدار می شوید، چیزی بر شما نوشته نمی شود)<sup>۲</sup> (۱۴: ۳۵۸).

سلمان فارسی رضی الله عنه روایت می کند<sup>۳</sup> که با پیغمبر ﷺ زیر درختی نشسته بودیم؛ پیغمبر ﷺ شاخه خشک از درخت را جدا نموده و آنقدر تکانش داد که برگهایش فرو ریخت، سپس

<sup>۱</sup> : صحيح وضعيف الجامع الصغير (۱۱/ ۲۱۰) تحقيق الألباني (ضعيف).

<sup>۲</sup> (تحترقون تحترقون فإذا صليتم الفجر غسلتها ثم تحترقون تحترقون فإذا صليتم الظهر غسلتها ثم تحترقون تحترقون فإذا صليتم العصر غسلتها ثم تحترقون تحترقون فإذا صليتم المغرب غسلتها ثم تحترقون تحترقون فإذا صليتم العشاء غسلتها ثم تتامون فلا يكتب عليكم شيء حتى تستيقظون) (۴۶: ۳۵۸).

<sup>۳</sup> : (عن أبي عثمان قال كنت مع سلمان الفارسي تحت شجرة وأخذ منها غصنًا يبسًا فبهزه حتى تحدث ورقة ثم قال يا أبا عثمان ألا تسألني لم أفعل هذا قلت ولم تفعله فقال هكذا فعل رسول الله صلى الله عليه وسلم وأنا معه تحت شجرة فأخذ منها غصنًا يبسًا فبهزه حتى تحدث ورقة فقال يا سلمان ألا تسألني لم أفعل هذا قلت ولم تفعله قال إن المسلم إذا توضأ فأحسن الوضوء ثم صلى الصلوات الخمس تحدث خطيئة كما يتحدث هذا الزرق وقال { وأقم الصلاة طرفي النهار وزلفًا من الليل إن الحسنات يذهبن السيئات ذلك ذكرى للذاكرين } (۱۴: ۱۱۱).

گفت: (سلمان! نمی پرسی که چرا چنین می کنم؟ سلمان می گوید: گفتم: حکمت چی است که چنین می کنید؟ (پیامبر) فرمودند: (وقتی که فرد مسلمان وضوء میگیرد و نمازهای پنجگانه را بجا می آورد، گناهان و لغزشهایش مثل این برگها زدوده می شوند)؛ سپس این آیه ی کریمه را تلاوت نمود: ﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَى النَّهَارِ وَزُلْفًا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلَّذِينَ كَرِهُوا﴾ (هود، ۱۱۴).

ترجمه: و در دو طرف روز [=اول و آخر آن] و نخستین ساعات شب نماز را برپا دار؛ زیرا خوبیها بدیها را از میان می برد، این برای پند گیرندگان پندی است (۳: ۱۱۱).

پیامبر صلی الله علیه وسلم این امر را در روایت دیگری بصورت زنده و مجسم ترسیم کرده تا خوبتر در ذهن انسان مسلمان ترسیخ شود چنانچه می فرماید: «أَرَأَيْتُمْ لَوْ أَنَّ نَهْرًا بِبَابِ أَحَدِكُمْ يَغْتَسِلُ فِيهِ كُلَّ يَوْمٍ خَمْسًا مَا تَقُولُ ذَلِكَ يَبْقَى مِنْ دَرَنِهِ قَالُوا لَا يَبْقَى مِنْ دَرَنِهِ شَيْئًا قَالَ فَذَلِكَ مِثْلُ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ يَمْحُو اللَّهُ بِهِ الْخَطَايَا» (۸: ۳۳۹).

ترجمه: "من را خبر دهید که اگر نهری در درِ یکی از شما باشد که از آن روزانه پنج بار غسل بگیرد، آیا از چرکی (بدن)ش چیزی باقی می ماند؟ (اصحاب) گفتند: از چرکی (بدن)ش چیزی باقی نمی ماند؛ (پیامبر) گفت: پس این؛ صفت نمازهای پنجگانه است، که خداوند به وسیله ی آنها گناهان را محو می نماید."

کدام انسان است که روزی را بدون اشتباه و لغزش سپری کند؟

آثار نماز؛ به همین جنبه ی زدودن آلوده گی ها و پوشانیدن لغزش ها و دور ساختن بدی ها، محدود نمی شود؛ بلکه نماز دارای نقش های مثبت دیگری نیز می باشد. انسان مسلمان با ادای نمازهای پنجگانه در شبها روزی؛ وجود خویش را از دنیای خاکی و آلوده، دنیای کینه ها و درگیری ها و میدان تنازع بقاء یا تنازع فناء می رھاند؛ تا چند لحظه ای در برابر معبود و مولای خویش، بحالت خشوع و خضوع بایستد و خود را از غوغای زندگی و فشار گل و ماده ی متراکم بر دل و روان خویش، بیاساید و سبکبار سازد.

نماز؛ غذای روح انسان است؛ روحی که از طریق علم دانشمندان و فلسفه ی فیلسوفان قابل تغذیه و ارضاء نمی باشد؛ و آن را چیزی جز شناخت خداوند ﷻ و ارتباط با وی

سیراب نمیسازد. همانگونه که اوقات غذائی روزمره، باعث تغذیه ی معده می شوند، نمازهای پنجگانه هم نوبتهای تغذیه ی روح می باشند (۱۷: ۲۲۷).

## ب: نماز جماعت

نماز جماعت سنت مؤکد بوده که نزد اکثریت فقهاء معنای واجب را افاده مینماید چنانچه حدیث شریف نیز به آن اشاره می کند، ابو هریره رضی الله عنه روایت میکند که رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده است: «لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَمَرَ بِالصَّلَاةِ فَتُقَامَ، ثُمَّ أَمَرَ رَجُلًا فَيُصَلِّيَ بِالنَّاسِ، ثُمَّ أَنْطَلِقَ مَعِيَ بِرِجَالٍ مَعَهُمْ حُزْمٌ مِنْ حَطَبٍ إِلَى قَوْمٍ لَا يَشْهَدُونَ الصَّلَاةَ فَأُحَرِّقَ عَلَيْهِمْ يُبَوِّتُهُمُ بِالنَّارِ» (۶: ۳۲۵). ترجمه: "تصمیم گرفتم که امر کنم تا اینکه نماز بر پا شود، و امر کنم کسی را که جماعت را با مردم ادا نماید، و من حرکت کنم همراهی مردان با بسته های از چوب وهیزم به طرف آنانیکه به جماعت حاضر نمیشوند و خانه های شانرا آتش بزنم".

از حدیث شریف چنین استنباط میگردد که جماعت بر مردان آزاد، بالغ، وقادر ضروری بوده، اما کسانیکه مریض هستند یا عاجز می باشند بر ایشان لازم نیست.

نماز جماعت بالای زنان واطفال نیز لازم و ضروری نیست اما اگر زنان خواسته باشند میتوانند در نماز جماعت اشتراک ورزند، بشرطیکه حجاب اسلامی را مراعات نموده، از اختلاط با مردان نا محرم، واستعمال عطور وزینت اجتناب ورزیده، واجبات ومکلفیت های شرعی خانه را انجام داده باشند، ودر صف آخر ایستاده شوند، زیرا رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده: « لَا تَمْنَعُوا إِمَاءَ اللَّهِ مَسَاجِدَ اللَّهِ وَلَكِنْ لِيُخْرِجْنَ وَهْنَ تَفَلَّاتٍ » (۶: ۳۳۳).

ترجمه: زنان را از مساجد الله منع نکنید، ولی باید غیر معطر خارج شوند.

نماز جماعت به دو مرد بالغ، عاقل، و آزاد صحیح میشود، چنانچه رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده اند که: «الْإِثْنَانِ جَمَاعَةٌ، وَالثَّلَاثَةُ جَمَاعَةٌ، وَمَا كَثُرَ فَهُوَ جَمَاعَةٌ» (۲۱: ۷۹).

ترجمه: "دو نفر جماعت است، سه نفر جماعت است، واکثر از آن جماعت است."

<sup>۱</sup> : صحیح وضعیف سنن أبي داود (۴۸/۲) تحقیق الالبانی : صحیح.  
<sup>۲</sup> : صحیح وضعیف سنن أبي داود (۶۵/۲) تحقیق الالبانی : حسن صحیح.

## ○ فضیلت نماز جماعت

### ▪ بلند رفتن درجه نماز

نماز جماعت نسبت به نماز فرد در خانه فضیلت زیادی دارد، قسمیکه رسول الله ﷺ فرموده است: «صَلَاةُ الْجَمَاعَةِ تَفْضُلُ صَلَاةِ الْفَذِّ بِسَبْعٍ وَعِشْرِينَ دَرَجَةً» (۸: ۳۸۱).

ترجمه: "نماز جماعت نسبت به نماز فرد بیست و هفت درجه فضیلت دارد."

در روایت دیگر ذکر شده که: «صَلَاةُ الْجَمَاعَةِ تَفْضُلُ صَلَاةِ الْفَذِّ بِخَمْسٍ (خَمْسًا) وَعِشْرِينَ دَرَجَةً» (۸: ۳۸۱). ترجمه: "نماز جماعت نسبت به نماز فرد بیست و پنج مرتبه فضیلت دارد."

### ▪ کثرت ثواب و محو گناهان

رفتن به طرف مسجد بخاطر جماعت در هر گام و قدم برای مسلمان یک حسنه افزوده میشود، و یک گناه از وی بخشیده میشود، زیرا رسول الله ﷺ فرموده: «صَلَاةٌ أَحَدُكُمْ فِي جَمَاعَةٍ تَزِيدُ عَلَى صَلَاتِهِ فِي سُوقِهِ وَبَيْتِهِ بَضْعًا وَعِشْرِينَ دَرَجَةً، وَذَلِكَ بِأَنَّهُ إِذَا تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ، ثُمَّ أَتَى الْمَسْجِدَ لَا يَرِيدُ إِلَّا الصَّلَاةَ، لَمْ يَخْطُ خَطْوَةً إِلَّا رُفِعَ بِهَا دَرَجَةٌ وَحُطَّتْ عَنْهُ بِهَا خَطِيئَةٌ، وَالْمَلَائِكَةُ تُصَلِّي عَلَى أَحَدِكُمْ مَا دَامَ فِي مُصَلَّاهُ: اللَّهُ هَمَّ صَلَّ عَلَيْهِ اللَّهُ هَمَّ ارْحَمَهُ، وَكَانَ أَحَدُكُمْ فِي صَلَاةٍ مَا كَانَتِ الصَّلَاةُ تَحْسِبُهُ» (۸: ۲۵۵).

ترجمه: "نماز یکی تان در جماعت برتر است نسبت به نمازش در خانه و محل کارش به بیست و چند درجه، به خاطر اینکه زمانیکه او وضو میکند بطور کامل، یعنی: به وجه بهتر، و پس از آن حرکت میکند به طرف مسجد، و هیچ انگیزه او را در حرکت نمیآورد مگر نماز جماعت، پس به برداشتن هر گام برای او یک حسنه و نیکی نوشته شده و یک گناه وی محو می شود و تا زمانیکه در مسجد باشد ملائکه برای وی دعا میفرستند و میگویند، الهی وی را مغفرت کن، و بالای وی ترحم و رحمت نما، و وی در نماز است تا زمانیکه منتظر نماز باشد."

اسلام، وظیفه هر مسلمان را تنها در این خلاصه نکرده است که به صورتی منفرد و برکنار از جامعه خویش یا محیطی که در آن زندگی می کند، به انجام نماز بپردازد. بلکه او را به طور جدی به انجام نماز به صورت جماعت و بخصوص در مساجد فرا خوانده است. ابن مسعود رضی الله عنه از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت نموده است که گفتند: «هر کس علاقه دارد که فردا خدا را در حالیکه مسلمان است ملاقات کند، می باید به این نمازها بگونه ای که بدان فراخوانده شده است، مقید باشد. خداوند تعالی راههای هدایت را برای پیامبران معلوم داشته است و نمازها از جمله این راهها و روشها می باشند. اگر شما مانند این بنده متخلف در خانه خود نماز بگزارید، سنت پیامبران را مراعات نکرده اید و اگر سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را مراعات نکنید، گمراه می شوید. هیچکس نیست که به طور درست وضو نموده، و به یکی از این مساجد روی آورد، مگر آنکه خداوند در مقابل هر گامی که برمی دارد، ثوابی برایش می نویسد و گناهی از او می آمرزد. ما چنین می کردیم و کسی جز منافق از آن غفلت نمی ورزید و کسانی بودند که از شدت مرض و ناتوانی، به دو نفر تکیه می دادند تا در صف نماز جماعت حضور یابند»<sup>۱</sup> (۲۴: ۴۵۳).

### ج: نماز جمعه

نماز جمعه به اتفاق فقهای کرام فرض عین می باشد. زیرا فرضیت آن به آیت مبارکه ثابت شده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (الجمعة: ۹)  
ترجمه: ای مؤمنان هر گاه ندا شود بسوی نماز روز جمعه، پس بطرف آن بشتابید، و بیع را ترک نمائید، و این برای شما خیر است اگر بدانید.

<sup>۱</sup>: (من سره أن یلقى الله غدا مسلما فلیحافظ علی هؤلاء الصلوات حیث ینادی بهن فإن الله شرع لنبیکم صلی الله علیه وسلم سنن الهدی وإنهن من سنن الهدی ولو أنکم صلیتم فی بیوتکم كما یصلی هذا المتخلف فی بیته لترکتُم سنة نبیکم ولو ترکتم سنة نبیکم لضللتم وما من رجل یتطهر فیحسن الطهور ثم یعمد إلی مسجد من هذه المساجد إلا کتب الله له بكل خطوة یخطوها حسنة ویرفعه بها درجة ویحط عنه بها سئة ولقد رأینا وما یتخلف عنها إلا منافق معلوم النفاق ولقد کان الرجل یؤتی به یمادی بین الرجلین حتی یقام فی الصف) (۲۴: ۴۵۳).

نماز جمعه دو رکعت میباشد و بالای هر مرد مسلمان، بالغ، عاقل، آزاد، مقیم، در مساجد جامع، با جماعت، و خالی از اعذار شرعی، مانند: مریض، محبوس، مسافر و غیره فرض میباشد (۲۲: ۱۹۳).

### ○ فضایل روز جمعه و نماز آن

روز جمعه در حقیقت عید هفتوار و تجمع اصغر مسلمانان است، روز جمعه سید الأيام در یک هفته میباشد، و در فضیلت آن رسول الله ﷺ فرموده: «خیر یوم طلعت علیه الشمس یوم الجمعة فیه خلق آدم و فیه أدخل الجنة و فیه أخرج منها ولا تقوم الساعة إلا فی یوم الجمعة» (۲۵: ۵۸۵).

ترجمه: "روز جمعه بهترین روزی است که آفتاب در آن طلوع کرده، آدم ﷺ در آن خلق شد، داخل جنت شد، و از جنت اخراج شده، و قیامت بر پا نمیشود مگر در روز جمعه." رفتن بطرف نماز جمعه و ادای آن در جماعت سبب مغفرت ذنوب میگردد، زیرا رسول الله ﷺ فرموده: «الصَّلَاةُ الْخُمْسُ، وَالْجُمُعَةُ إِلَى الْجُمُعَةِ، وَرَمَضَانُ إِلَى رَمَضَانَ مُكَفِّرَاتٌ مَا بَيْنَهُنَّ إِذَا اجْتَنَبَ الْكَبَائِرَ» (۳۵: ۳۱۹).

ترجمه: "نماز های پنجگانه، جمعه تا به جمعه، و رمضان تا به رمضان مکفرات ذنوبی است که در میان آنها صورت گرفته باشد، اگر از کبائر اجتناب شده باشد."

در روز جمعه ساعتی اجابت دعا میباشد، رسول الله ﷺ میفرماید: (فیه ساعة لا یوافقها عبدٌ مُسلمٌ وَهُوَ قائمٌ یصلی یسأل الله تعالى شیئاً إلاَّ أعطاهُ إیاءه) (۸: ۳۵).

ترجمه: روز جمعه ساعتی است که اگر بنده مسلمان موافق به همان ساعت نماز بخواند و از الله متعال سوال کند، مگر اینکه سوالش را قبول میکند و چیزی را که خواسته است برایش عطا میفرماید.

نماز جمعه بر علاوه فضیلت ها و حکمت های نماز جماعت دارای یک سلسله ویژگی های دیگری نیز می باشد که از جمله ایراد خطبه در آن است. خطبه نماز جمعه مانند مدرسه تربوی و اخلاقی هفتوار مسلمانان است، که در آن وعظ و تذکیر به قضایای دینی، اخلاقی،



اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و غیره توضیح می‌گردد، زیرا وعظ و تذکیر برای مؤمنین مفید است، اگر وعظ و تذکیر نباشد قلوب مسلمانان زنگ آلود میشود، وعظ و تذکیر زنگ های قلوب را شستشو مینماید، قسمیکه الله متعال میفرماید: ﴿وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (الذاریات: ۵۵). ترجمه: پند ده هر آینه پند دادن سود میدهد مؤمنان را.

نماز جمعه در حقیقت تفریح و ترویج قلوب از کسالت و خستگی کار پیهم یک هفته میباشد، زیرا هر انسان فطرتاً ضرورت به تغییر و تبدیل در زندگی روزمره خویش دارد، زندگی بدون تغییر و تبدیل سبب کسالت و خستگی و حتی سبب امراض روانی و عصبی میگردد، از همینجاست که رسول الله ﷺ فرموده: (رَوْحُوا الْقُلُوبَ سَاعَةً بِسَاعَةٍ) (۲۹: ۴۹۴). ترجمه: پس از هر ساعت قلوب را تفریح ببخشید.

<sup>۱</sup> : السلسلة الضعيفة (۸ (ص: ۹) روحوا القلوب ساعة فساعة . ۳۶۵۰ ... (ضعيف)

## درس نهم

### برخی حکمت های نماز

نماز یکی از فرایض مؤکد دین مبین اسلام است و از طرف الله ﷻ بر مؤمنان فرض شده است، الله متعال حکیم است و ذات حکیم هیچ کار را بدون حکمت نمی کند، بنابراین نماز نیز دارای حکمت هایی است که فهمیدن آن میتواند انسان مسلمان را در ادای درست و معیاری آن کمک نموده او را به استفاده بهتر از نماز رهنمایی کند. اگرچه فهمیدن تمام حکمت های نماز برای انسان ممکن نیست، اما به برخی آن ذیلاً اشاره صورت می گیرد:

#### الف: حکمت های انفرادی نماز

ادا کردن نماز دارای یک سلسله حکمت های انفرادی است که متعلق به خود نماز گذار می شود چنانچه هر گاه نماز گذار آنرا مطابق احکام شریعت اداء نماید این حکمت ها در وی متحقق میشود و اگر در ادای آن کمی و کاستی و یا کسالت و تنبلی ورزید و یا آنرا ادا نکرد، شکی نیست که از این حکمت ها محروم می ماند.

#### ۱. ایجاد مراقبت الهی و ترس از الله جل جلاله

یک مسلمان هرگز نمی تواند مطابق با احکام اسلام عمل کند تا وقتی که یقین نداشته باشد که خدا در هر وقت و هر جا او را می بیند و از هر عمل او اطلاع دارد، خدا در تاریکی نیز به او نگاه می کند، خدا در تنهایی نیز همراه با اوست، از چشم تمام جهان ممکن است پنهان شد ولی از خدا پنهان شدن امکان ندارد، آدم می تواند از مجازات تمام دنیا دور برود ولی به در رفتن از مجازات خدا غیر ممکن است، همین یقین است که انسان را از تخلف ورزیدن از احکام خداوندی باز می دارد به اتکای همین یقین است که او به نگهداشتن حدودی از حلال و حرام مجبور می شود که خداوند تعالی در معاملات زنده گی تعیین فرموده است، اگر این یقین ضعیف گردد یک مسلمان نمی تواند مانند یک شخصیت اسلامی زنده گی کند.

برای همین است که خداوند متعال روزی پنج بار نماز را فرض گردانیده است تا این یقین را بار، بار در قلبش تقویت کند، چنانچه الله ﷻ هدف اساسی نماز را در قرآن مجید چنین بیان میکند: ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ (العنکبوت: ۴۵). ترجمه: "بدون شک نماز باز می دارد از کارهای زشت و ناپسند".

اگر در اینجا دقت صورت گیرد دیده می شود که نماز گذار در هنگام نماز خود را پاک کرده و وضو می کند، اگر در این حالت بدون غسل یا وضو و یا ملابس ناپاک آماده نماز شود و بگوید که من وضو دارم و ملابسم پاک می باشد، چه کسی ثابت کرده می تواند که وی وضو ندارد و یا ملابس وی ناپاک است. اما نماز گذار هرگز چنین کار را نمی کند زیرا وی یقین کامل دارد که چنین امر از الله ﷻ پوشیده نمی باشد.

بهمین طور اگر شما چیزهایی را که در حین نماز با صدای خفی خوانده می شود نخوانید هیچکس متوجه نمی شود ولی شما هیچ وقت اینطور نمی کنید، برای چه؟ برای اینکه یقین دارید خدا همه چیز را می شنود زیرا به شما نزدیک تر از شاهرگ گردن شماست.

## ۲. نقش نماز در حفظ الصحه انسان

زمانیکه در عبادت نماز دقت می نمائیم می بینیم که آنچه به ظاهر نماز تعلق دارد و توسط جسم و اعضای بدن نسان انجام می گردد عبارت از یک سلسله حرکات مختلف است که در فقه اسلامی به نام قیام، قعود، رکوع و سجده یاد می گردد. قیام عبارت از ایستادن، قعود عبارت از نشستن، رکوع عبارت از خم کردن جسم و سجده هم سر به زمین ماندن می باشد. نماز گذار مجبور و مکلف است تا این حرکات را در هر نماز انجام دهد، در غیر آن نمازش درست نمیشود. هرگاه ما خواسته باشیم نقش نماز را در حفظ الصحه بدن انسان مورد بررسی قرار دهیم، باید اولتر در مورد نقش حرکت اعضای بدن در صحت و تندرستی انسان معلومات ارائه داریم.

در این شکی نیست که سر حیات و زندگی انسان مرهون حرکت بوده زیرا اولین مرحله حیات، زندگی و تکامل انسان از حرکت آغاز می شود که همانا حرکت سپرم بسوی تخمه

است که در رحم مادر صورت گرفته و به همین منوال حرکت در تماماً سیستم های کلیدی انسان بدون اراده و اختیار جریان داشته، زمانیکه حرکت در وجود انسان توقف نماید، دیگر حیات و زندگی انسان نیز به پایان میرسد. همچنین اعضای خارجی بدن انسان مانند دست، پا، سر، کمر، گردن و مفاصل همه و همه به حرکت ضرورت دارند زیرا زمانیکه این اعضا بدون حرکت باقی میماند در یک حالت قرار گرفته و در نتیجه باعث ضعف، و عدم نشو و نمو درست همان عضو میگردد. از همینجاست که خداوند جل جلاله حرکت را علامه بارز یکی از مهمترین عبادات در اسلام قرار داد که عبارت از نماز می باشد. حرکات را که نماز گذار در نماز ضمن ادای فرائض و ارکان نماز انجام می دهد در قدم اول تطبیق احکام الهی و پیروی از سنت پیامبر اسلام ﷺ است که می فرمایند:

«وَصَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي» (۷: ۲۶۵).

ترجمه: "و نماز بگذارید، همین قسمیکه می بینید من نماز می گذارم".

حرکات نماز برای صحت جسم و بدن انسان بسیار مفید میباشد زیرا در ادای ارکان و واجبات نماز از قیام، رکوع، قعود، سجده و سلام دادن به دوطرف، عضلات انسان در حرکت آمده و با در حرکت آمدن عضلات تمام مفاصل انسان در حرکت می آید. بدین اساس حرکت عضلات باعث تقویه آن گردیده و از خشن شدن مفاصل جلوگیری می کند. همچنان حرکت عضلات در نماز باعث جلوگیری از امراض قبض و بسط عضلات در انسان گردیده و بهترین وسیله برای احتراق مواد غذایی می باشد، احتراق و یا از بین رفتن غذائیت باعث عدم ترسب شحمیات گردیده، بدین وسیله شرائین از شحمیات محفوظ می ماند، و در نتیجه از اسباب سکتگی و یا انسداد شرائین خون که خطرناک ترین مرض در انسان بوده، حیات و زندگی او را تهدید می کند، جلوگیری می نماید (۱۲: ۲۶-۲۷).

## ب: حکمت های اجتماعی نماز

انسان یک موجود اجتماعی است و هیچگاه نمیتواند به تنهای همه نیازهای خویش را برآورده سازد، بناء ضرورت دارد تا در جامعه با افراد ممنوع خود زندگی کرده دست به دست هم داده امور حیات و زندگی خویش را به پیش برند.

نماز که یک عبادت بدنی میباشد هم جنبه انفرادی دارد که متعلق به خود شخص نماز گذار می شود و هم جنبه اجتماعی دارد که تعلق با افراد جامعه می گیرد ، پس همینطوریکه نماز برای فرد یک سلسله حکمت های را دارا بود برای جامعه وی نیز دارا می باشد، زیرا یکی از شروط اساسی نماز ادا کردن آن با جماعت است که در مساجد اداء می شود و نماز جماعت خودش ابعاد اجتماعی نماز برای ما واضح و روشن می سازد، و از همینجاست که برای ما معلوم می گردد که چرا اسلام به نماز جماعت تأکید زیاد نموده که حتی نزد برخی فقها واجب میباشد، تا همین حکمت های نماز در جامعه انسان متحقق گردد.

### ۱. اتحاد و همبستگی

در مسجد، امتیازات و تبعیضات مقامی، مالی، نژادی و رنگی ناپدید می شوند و تمام محیط آن، از هوای پاک برادری، برابری و محبت آکنده است. این، نعمت بزرگی است که آدمی روزانه، در میان دنیایی تیره از جنگ و جدال، پنج بار از جو دوستی و آرامش کامل بهره مند گردد و در حالی که تفاوت و اختلاف، خصیصه ای معمولی به شمار می رود، از فضای مساوات برخوردار شود و در میان شعله های کینه و درگیریها و دشمنیهای بی شمار زندگی روزمره، در محیطی سرشار از محبت قرار گیرد. این، واقعاً بالاترین موهبت است، زیرا نمونه آشکاری از حیات است. انسانی که ناگزیر است در میان تبعیض و کشمکش و درگیری فعالیت نماید و شاهد مظاهر گوناگون خشم و کینه و دشمنی باشد، هر روز پنج بار، خویشتن را از این پدیده ها بیرون می کشد تا به حقیقت مساوات، برابری و محبت به عنوان سرچشمه های واقعی خوشبختی انسان دست یابد. به همین خاطر، وقتی که برای انجام نماز مصرف می شود، از دیدگاه خیر و فایده و استفاده عملی بشریت، به هدر نرفته است و

برعکس با آموزش این درسهای گرانمایه‌ای که زندگی را گوارا و قابل تحمل می‌کند، نهایت ارزش را دارد. درسهای مزبور دربارهٔ برادری، برابری، دوستی و محبت، با تمرین و تجربهٔ عملی در زندگی روزانه، پایه‌ها و زمینه‌هایی برای وحدت نوع بشر و حفظ و پایداری تمدن ابدی انسانی را تشکیل می‌دهند (۱۷: ۲۴۶).

## ۲. برادری و برابری

درباره برادری همینقدر کافی است که مسجد، اهالی محل را همه روزه پنج بار گردهم می‌آورد و بدین ترتیب، بدن‌ها به هم می‌خورند و چهره‌ها با هم آشنا می‌گردند و دست‌ها درهم می‌فشرند و زبان‌ها با یکدیگر زمزمه می‌کنند و دل‌ها با هم انس می‌گیرند و افراد به وحدت هدف و روش، دست می‌یابند. کدام وحدتی از وحدت نمازگزاران در جماعت که پشت سر شخص واحدی می‌ایستند و خدای واحدی را می‌خوانند و کتاب واحدی را قرائت می‌کنند و به سوی قبلهٔ واحدی روی می‌کنند و کارهای یکسانی از قبیل قیام و قعود و رکوع و سجود، انجام می‌دهند، کاملتر و عمیق‌تر است؟

این وحدتی است که در سطح و پوسته نمی‌ماند و به مغز و درون راه می‌یابد. وحدتی در نگرش، اندیشه، هدف، جهت، حرف و عمل. وحدتی که مظهر و نمایانگر محتوای این آیه می‌باشد: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ (الحجرات: ۱۰).

ترجمه: «براستی که مؤمنان برادرند».

بر این اساس، نماز جماعت در اسلام، علاوه بر ارزش فکری خود، به آرمان تحقق وحدت بشریت به عنوان یکی از حقایق زندگی اشاره می‌کند و این آرمان، فقط با برجیدن همهٔ تفاوت‌ها و اختلافاتی که یک انسان را از دیگری متمایز می‌سازد، تحقق می‌پذیرد (۱۷: ۲۴۲-۲۴۴).

## ۳. کاهش جرائم و فساد در جامعه

شکی نیست که جامعه مجموعهٔ از افراد است، سالم بودن جامعه و یا فاسد بودن آن ارتباط مستقیم با افراد آن دارد. بناءً زمانیکه انسان مسلمان نماز گذار توسط نماز تربیه روانی شده و نیروی اخلاقی وی تقویه میشود و مراقبت الهی هر لحظه او را تحت مراقبت قرار می

دهد و با رفت و آمد روزانه پنج مرتبه بسوی مسجد و اداء نمودن نماز جماعت رشته های اخوت و برادری را در جامعه با افراد تقویت بخشیده دوستی و محبت و احترام متقابل میان افراد ایجاد میشود، اینجاست که چنین افراد در جامعه نه دست به فاسدی می زنند و نه جرم را مرتکب میشوند.

بدین ترتیب فضای آرامی و امنیت میان افراد در جامعه قائم گردیده، بغض و عداوت، بدبینی ها که اکثراً منجر به ایجاد فساد و جرائم در جامعه میگردد، از بین میرود.

### ج: حکمت های سیاسی نماز

نظام سیاسی و وجود دولت و حکومت از نیازهای مبرم هر جامعه است، زیرا بدون دولت و حکومت آرمانهای یک جامعه که آرامی، امنیت، صلح و استقرار می باشد، متحقق نمی گردد، بلکه افراد در یک هرج و مرج زندگی کرده، حقوق پامال شده و ظلم بیداد گری جامعه را فرا می گیرد.

بناء نماز هیمنطوریکه ابعاد انفرادی و اجتماعی انسان را تربیه و پرورش کرده تا یک فرد سالم در جامعه بوده و جامعه سالم را ایجاد کند، بهمین ترتیب ابعاد سیاسی آنها را نیز فراموش نکرده بلکه خود نماز جماعت که هر مسلمان روزانه پنج مرتبه آنرا اداء می کند همه حکمت های انفرادی، اجتماعی و سیاسی در آن نهفته می باشد.

اگر ما در نماز جماعت کمی دقیق شویم درک خواهیم کرد که یک برنامه و نظم نمونه از نظام سیاسی یک دولت عادل و منظم است.

همین که امام در پیش صفها قرار میگیرد باید واجد شرایطی بخصوصی باشد که تقوی، علم، قرائت خوب، اخلاق و... است درین صفات امام باید از دیگران برتر و بلند تر باشد اینها شروط اساسی امامت اند و کسانی که در عقب امام نزدیک ایستاده میشوند باید درین صفات به امام نزدیک باشند تا در صورت ضرورت امام یکی از آنها را به امامت برگزیند و خود برای رفع ضرورت بیرون برود.

اگر امام در نماز سهو کند هر مقتدی از اولین تا آخرین صف حق دارد که به تصحیح آن بپردازد و فتحه بدهد در صورت که امام غلطی خود را اصلاح نه نموده مقتدی ها حق دارند که نماز را بالایش اعاده کنند.

شما اگر این نظم نمونه و کوچک را به یک غربی تشریح کنید او خواهد گفت که این نظم بهترین نمونه دموکراسی است ولی چونکه دموکراسی یک اصطلاح جدید بیگانه است ما آن را بالای این نظم الهی استعمال نمی کنیم.

در سرکردگی و خلافت یک کشور یا دولت اسلامی و حکومت اسلامی هم باید شخصی انتخاب شود که در علم تقوی و طهارت و غیره صفات لازمه نیک از همه برتر باشد و اطرافیان او از وزیران و مشاوران کسانی باشند که درین مواصفات به او نزدیک باشند در صورتیکه خطای از خلیفه یا رئیس سر میزند باید او را مجبور سازند که غلطی خود را اصلاح کند حتی پایین ترین فرد از امت اسلام و رعیت که به اشتباه او پی میبرد حق اعتراض را دارد تا خود را اصلاح نماید همانند حق فتحه در نماز جماعت.

## ۱. اطاعت و فرمانبرداری

اطاعت و فرمانبرداری در عرصه دولت و حکومت داری یکی از شروط اساسی دولت می باشد زیرا اگر افراد از دولت و حکومت در محدوده صلاحیت آن اطاعت و فرمانبرداری نکنند، هرگز ما نمی توانیم حکومت یا دولت سالم را که مؤثر در جامعه باشد ایجاد نمائیم. بناء ما عرصه های زیاد در حکومت و دولت داریم که افراد به اطاعت و فرمانبرداری تعلیم می دهند و پرورش می کنند.

در نماز جماعت، نوعی تربیت نظامی که اساس آن را نظم و فرمانبری تشکیل می دهد، وجود دارد و ملتها همه نیازمند آموزش عملی فرمانبرداری و پایبندی به نظم و تسلیم در برابر قانون و احترام بزرگان می باشند! و این چیزی است که از طریق نماز جماعت تأمین می شود. آیا نظامی کاملتر و زیباتر از صفوف جماعت دیده اید که بگونه ای راست و مستقیم، بدون شکاف، به هم پیوسته، پهلوی به پهلوی و قدم به قدم شکل گرفته و امامشان هشدار می دهد که خداوند به صف کج نظر نمی کند و به آنها می آموزد که راست بودن صفوف،



لازمه اقامه نماز و تمامیت آن است و از قول پیامبر ﷺ گوشزد می کند که: فاصله ها و مسافه ها میان صفوف را ببندید و صفوف را سر راست کنید و حالت های گوناگون نداشته باشید تا خداوند قلب هایتان را دگرگون نسازد (۲۴: ۳۲۳).

با تکبیر امام، همگی تکبیر می گویند و هنگام قرائت او، خاموش می شوند و هماهنگ با او، به رکوع و سجده می روند و با او سلام می دهند.

کسی که از این نظام سرپیچی کند، مثل اینست که از انسانیت سرپیچیده است. پیامبر ﷺ می گوید: «أما يخشى الذی یرفع رأسه قبل الإمام أن یحول الله رأسه رأس حمار» (۲۴: ۳۲۰). ترجمه: "آیا کسی که قبل از امام رکوع و سجده می کند، از اینکه خداوند، سر او را به سر الاغ تبدیل کند، بیم ندارد؟".

این وضعیت را کسی غیر از سرباز شیطانی به هم نمی زند و این فرد کسی است که از هرج و مرج شادمان و از نظم و هماهنگی ناراحت می گردد. چنانچه پیامبر ﷺ حقیقت را بیان کرده اند: «إن الذی یسجد قبل الإمام ویرفع قبله إنما ناصيته بید شیطان» (۱۵: ۳۴۸).

ترجمه: "کسی که قبل از امام، رکوع و سجده کند، پیشانی اش به دست شیطان است".

## ۲. وظیفه شناسی و اهمیت وقت

دولت و حکومت یا نظام سیاسی در حقیقت مجموعه از وظایف، مسئولیت ها و مکلفیت های می باشد که افراد مجبور اند تا آنرا بصورت درست و در وقت و زمان معین اجرا نمایند و الا پلان ها دولت جهت تحقق اهداف جامعه صورت نخواهد گرفت. بناء باید که افراد در حکومت و دولت وظیفه شناس بوده اهمیت وقت و زمان را درک نمایند تا نه وقت را ضایع ساخته و نه سستی و کسالت در وظیفه نمایند.

یکی از حکمت های ابعاد سیاسی نماز در حقیقت متحقق شدن همین امر می باشد تا افراد وظیفه شناس بوده و اهمیت وقت و زمان را بدانند، و به اجرای وظایف خویش با استعداد کامل عادت کنند، کسی که اصلا نداند که مفهوم وظیفه چیست، هیچ وقت نمی تواند طبق دستور رفتار کند و کسیکه با مفهوم وظیفه آشنا است ولی تربیتش بقدری ناقص باشد که در اجرای وظیفه خویش اعتنای نکند، از چنین کسی هیچوقت انتظار نمی رود که دساتیری که به او داده میشود آنها را با سرعت و در وقت معین هرچه تمامتر انجام دهد.

<sup>۱</sup> : (السلسلة الضعيفة) ۴ (ص: ۱۱) (ضعیف)

به همین خاطر است که رسول کریم ﷺ فرموده: «کسانیکه پس از شنیدن صدای اذان از خانه ها خارج نمی شوند دلم می خواهد بروم و خانه هایشان را آتش بزنم» (۷: ۱۷۵). از همینجاست که روزی پنج بار نماز فرض قرارداد شده است، تا کسانیکه ادعای مسلمانی را دارند بار، بار مورد آزمایش قرار گیرند که آیا واقعاً یک مسلمان درست اند و آماده احکام خداوندی میباشند یا خیر؟ اگر آنها با وجود شنیدن صدای شیپور برای انجام دادن این مشق نظامی خداوندی از جای خود تکان نمی خورند، روشن میگردد که آنها برای بسر بردن زنده گی عملی آماده نیستند در این صورت ایمان آوردن آنها به خدا و رسول اصلاً مفهومی ندارد، بنابراین درقرآن مجید آمده است: ﴿وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾ (البقرة: ۴۵).

ترجمه: "و به راستی این [نماز] گران است مگر بر فروتنان و خاشعان". یعنی کسانی که برای اطاعت و بنده گی خدا آماده نیستند، نماز فقط بر آنها گران و سنگین می آید گویا خودش این امر را به اثبات می رساند که او برای اطاعت و بنده گی خدا آماده گی ندارد.

### د: تارک نماز و حکم وی

تارک نماز از سه حالت خالی نمیباشد (۲۲: ۵۳):

**حالت اول:** منکر نماز باشد، پس کافر و مرتد بوده و به اجماع امت واجب القتل میباشد.

**حالت دوم:** نماز را عمداً و قصداً ترک کند ولیکن منکر آن نباشد، در این صورت بین فقهاء اختلاف است:

برخی حکم به کفر وی کرده اند نظر به احادیث متبرکه که در این زمینه وارد شده چنانچه پیامبر ﷺ فرموده اند: «الْعَهْدُ الَّذِي بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمُ الصَّلَاةُ، فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ كَفَرَ» (۳ : ۳۱). ترجمه: عهد (فرق) میان ما و آنها (کفار) نماز است، پس کسیکه نماز را ترک کند در حقیقت کافر میشود. چون حدیث شریف به ترک نماز عام است، بدون تخصیص جحد و غیر جحد، عمدی و قصدی، و غیر قصدی.

گروه دیگری از فقهاء او را کافر نمی دانند ، استدلال میکنند به حدیث شریف: «خَمْسُ صَلَوَاتٍ كَتَبَهُنَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى عِبَادِهِ، فَمَنْ وَفَى بِهِنَّ لَمْ يَضِيعْهُنَّ كَانَ لَهُ اللَّهُ عَهْدٌ أَنْ يَدْخِلَهُ الْجَنَّةَ، وَمَنْ لَمْ يَوَافِقْ بِهِنَّ اسْتَخَفَّافًا بِحَقِّهِنَّ فَلَيْسَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدٌ، إِنْ شَاءَ عَذَّبَهُ وَإِنْ شَاءَ غَفَرَ

لَهُ» (۵: ۵۵۹). ترجمه: "الله متعال پنج نماز را بالای بنده هایش فرض کرده است، پس کسیکه به آن وفا کند و آنرا ضایع نکند، داخل شدن جنت وی در عهدهٔ الله متعال میباشد، و کسیکه به آن وفا نکند و آنرا بنظر استخفاف بنگرد، پس کدام عهدهی میان او و میان الله ﷻ باقی نمی ماند، اگر الله بخواهد عذابش میکند، و اگر بخواهد میبخشد."

وجه استدلال از حدیث این است که اگر تارک نماز کافر میبود، پس نباید الله متعال آنها میبخشید، زیرا که الله متعال کافر را نمیبخشد.

**حالت سوم:** ترک نماز در حالت کسالت و تنبلی، این حالت به دو بخش تقسیم میگردد: بخش اول: در حالت عذر، مانند: خواب، بیهوشی و غیره، به اتفاق کافر نمیشود، زیرا که رسول الله ﷺ میفرماید: «رُفِعَ الْقَلَمُ عَنْ ثَلَاثٍ: عَنْ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ، وَعَنْ الصَّغِيرِ حَتَّى يَكْبُرَ، وَعَنْ الْمَجْنُونِ حَتَّى يَعْقِلَ» (۷: ۳۵۶).

ترجمه: "قلم (تکلیف) رفع شده است از سه شخص: از خواب برده تا اینکه بیدار شود، و از خورد (اطفال) تا اینکه جوان شوند، و از دیوانه تا اینکه بهوش بیاید."

بخش دوم: ترک نماز بدون عذر، در این صورت بین فقهای اسلام اختلاف نظر وجود دارد، جمهور تارک نماز را به کسالت و تنبلی کافر نمیداند، بلکه فاسق و از جمله گناهان کبیره بشمار میرود، ولیکن برخی دیگر فقها او را نیز کافر دانسته، و باید سه روز برایش فرصت استتابت و رجوع داده شود، در غیر توبه و رجوع قتل شود، نظر به حدیث شریف: «الْعَهْدُ الَّذِي بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمُ الصَّلَاةُ، فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ كَفَرَ.» (۳: ۳۱).

ترجمه: "عهد (فرق) میان ما و آنها (کفار) نماز است، پس کسیکه نماز را ترک کند در حقیقت کافر میشود."

چون حدیث شریف به ترک نماز عام است، بدون تخصیص قصد و غیر قصد، عمد و غیر عمد، بناء عمل نمودن به اینگونه احکام عام تا زمانیکه تخصیص وجود نداشته باشد، واجب میباشد.

<sup>۱</sup> : صحیح وضعیف سنن أبي داود (۳/ ۴۲۰) تحقیق الألبانی: صحیح

### تمرینات درسهای نماز

۱. نماز را در لغت و اصطلاح تعریف کرده و دلایل مشروعیت آنرا بیان کنید.
۲. نماز چه زمان و در کجا بر مسلمانان فرض گردید در فرضیت آن چه تحولات رخ داد، بصورت مفصل بیان نمائید.
۳. فضایل و برتریت های نماز را نام گرفته در رابطه به سه مورد آن یک، یک، حدیث را تحریر دارید.
۴. نماز دارای کدام شروط می باشد هر یک را نام گرفته ، مفصلاً توضیح نمائید.
۵. مفسدات نماز چه را میگویند و کدام ها اند نام بگیرید.
۶. کدام نمازها در اسلام حکم فرض را دارند ، علت تکرار نماز های فرض پنجگانه در یکروز چه میباشد ، معلومات خویش را در زمینه مفصلاً بنویسید.
۷. نماز جماعت چه حکم دارد و فضیلت آن چه می باشد، بطور مستدل بیان کنید.
۸. نماز دارای کدام حکمت های انفرادی میباشد، هر یک را نام گرفته مختصراً توضیح نمائید.
۹. مسجد در جامعه اسلامی چه نقشی را ایفاء می کند ، بطور مستدل بیان کنید.
۱۰. چگونه نماز باعث ایجاد اتحاد و همبستگی ، اخوت و برداری در جامعه اسلامی می گردد، توضیح نمائید.
۱۱. آیا نماز در کاهش جرائم و فساد در جامعه کدام نقشی را ایفا مینماید، بطور مستدل بیان کنید.
۱۲. چگونه میتوانیم امور سیاسی خویش را توسط نماز تنظیم و ترتیب نمائیم، توضیح دهید.
۱۳. نقش وضو و نماز را در حفظ الصحه انسان بطور مفصل بیان دارید.

## مآخذ و منابع درسهای نماز

۱. قرآن کریم
۲. ابن حنبل، احمد. ۱۴۲۰هـ/ق ۱۹۹۹م. مسند الامام احمد بن حنبل ج ۳۸. المحقق الارنؤوط، شعيب. مؤسسة الرسالة .
۳. ابن حنبل، احمد. ۱۴۲۰هـ/ق ۱۹۹۹م. مسند الامام احمد بن حنبل ج ۳۹. المحقق الارنؤوط، شعيب. مؤسسة الرسالة .
۴. ابن ماجه، محمد بن يزيد. ب.ت. سنن ابن ماجه ج ۱. تحقيق عبدالباقي، محمد فؤاد. بيروت: دارالفكر.
۵. ابو داود، سليمان بن الاشعث. ب.ت. سنن ابي داود ج ۱. تحقيق عبدالحميد، محمد محي الدين. بيروت: دار الفكر.
۶. ابو داود، سليمان بن الاشعث. ب.ت. سنن ابي داود ج ۴. تحقيق عبدالحميد، محمد محي الدين. بيروت: دار الفكر.
۷. البخاري، محمد بن اسماعيل. ۱۴۲۲هـ. الجامع المسند الصحيح . المحقق الناصر، محمد زهير. دار طوق النجاة.
۸. البيهقي، احمد بن الحسين. ۱۴۱۰هـ. شعب الايمان ج ۴. تحقيق زغلول، محمد السعيد. بيروت: دار الكتب العلمية.
۹. البيهقي، احمد بن الحسين. ۱۴۱۰هـ. شعب الايمان ج ۶. تحقيق زغلول، محمد السعيد. بيروت: دار الكتب العلمية.
۱۰. البيهقي، احمد بن الحسين. ۱۴۲۰هـ/ق ۱۹۹۹م. السنن الكبرى ج ۳. المحقق سامي بن محمد سلامة. دار طيبة للنشر و التوزيع
۱۱. الترمذي، محمد بن عيسى. ب.ت. الجامع الصحيح سنن الترمذي ج ۲. تحقيق احمد محمد شاكر و آخرون. بيروت: دار احياء التراث.
۱۲. خليل، محمد يوسف. ۲۰۰۲م. الصلاة و اسرارها النفسية بالمفاهيم السلوكية المعاصرة الكويت: قطاع الشؤون الثقافية.

۱۳. الدار قطنی، علی بن عمر. ۱۳۸۶ هـ ق، ۱۹۶۶ م. **سنن الدار قطنی** ج ۱. تحقیق، السید عبدالله هاشم. بیروت: دارالمعرفة.
۱۴. الطبرانی، سلیمان بن احمد. ۱۴۱۵ هـ ق. **المعجم الأوسط** ج ۲. تحقیق ابن عوض الله، طارق و الحسینی، عبدالمحسن بن ابراهیم. القاهرة: دار الحرمین.
۱۵. الطبرانی، سلیمان بن احمد. ۱۴۱۵ هـ ق. **المعجم الأوسط** ج ۷. تحقیق ابن عوض الله، طارق و الحسینی، عبدالمحسن بن ابراهیم. القاهرة: دار الحرمین.
۱۶. الطبرانی، سلیمان بن احمد. ۱۴۰۵ هـ ق / ۱۹۸۵ م. **المعجم الصغير** ج ۲. تحقیق، محمد شکور محمود. بیروت: المکتب الاسلامی دار عمار.
۱۷. قرضاوی، یوسف. ۱۳۸۶ هـ ش. **عبادت در اسلام**. ترجمه محمد ستاری خرقانی. تهران: نشر احسان.
۱۸. القضاعی، محمد بن سلامه. ۱۴۰۷ هـ ق / ۱۹۸۶ م. **مسند الشهاب** ج ۱. تحقیق، حمدی بن عبدالمجید السلفی. بیروت: مؤسسة الرسالة.
۱۹. قلعه جی، محمد رواس و حامد صادق قنّی. ۱۴۰۸ هـ ق ۱۹۷۷ م. **معجم لغة الفقهاء**. بیروت، لبنان: دار النفائس للطباعة و النشر و التوزیع.
۲۰. مصطفی، ابراهیم، آخرون. ۱۳۸۰ هـ ق / ۱۹۶۰ م. **المعجم الوسيط**. القاهرة: مطبعة مصر.
۲۱. الموسوعة الفقهية الكويتية. ج ۱۷. ۱۴۲۷ هـ ق. الكويت: وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامية.
۲۲. الموسوعة الفقهية الكويتية. ج ۲۷. ۱۴۲۷ هـ ق. الكويت: وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامية.
۲۳. النسائی، ابو عبد الرحمن احمد بن شعيب. ۱۴۲۰ هـ ق. **السنن الكبرى** ج ۴. بیروت: دارالمعرفة.
۲۴. النيسابوری، مسلم بن الحجاج. ب.ت. **صحيح مسلم** ج ۱. تحقیق عبدالباقی، محمد فؤاد. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۵. النيسابوری، مسلم بن الحجاج. ب.ت. **صحيح مسلم** ج ۲. تحقیق عبدالباقی، محمد فؤاد. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

## درس دهم

## عبادت زکات و حکمت های آن

انسان‌ها از نظر مال و دارایی و استعداد پیدا کردن آن با همدیگر متفاوت اند و این یک واقعیتی است که همیشه در تاریخ بشر بوده زیرا حب مال با طبیعت و سرشت انسان عجین شده است؛ چون هدف از آفرینش انسان در دنیا ابتلاء و آزمایش می‌باشد و این آزمایش زمانی معنا پیدا می‌کند که انسان‌ها در ابعاد مختلف از جمله داشتن مال و دارایی با هم متفاوت باشند.

خداوند متعال در این باره فرموده است: ﴿أَلَمْ يَقْسِمُوا لِرَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًا وَرَحِمْتَ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ﴾ (الزخرف: ۳۲).

ترجمه: (آیا آنان رحمت پروردگار تو را تقسیم می‌کنند؟ این مائیم که معیشت آنان را در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده‌ایم. و برخی را بر برخی دیگر برتری‌هایی داده‌ایم، تا بعضی از آنان بعضی دیگر را به کار گیرند [و به یکدیگر خدمت کنند]. و رحمت پروردگارت از تمام آن چه جمع آوری می‌کنند بهتر است).

خداوند متعال هم اغنیا و ثروتمندان را با مال امتحان می‌کند که آیا حدود الله را مراعات می‌کنند یا خیر؟ و هم فقرا را می‌آزماید که آیا در مقابل تقدیر و فیصله خدا صبر می‌نمایند یا نه؟ چنانچه می‌فرماید: ﴿وَبَلَّوْكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ﴾ (الأنبياء: ۳۵).

ترجمه: "و شما را به بدی و نیکی (کاملاً) آزمایش می‌کنیم، و به سوی ما باز گردانده می‌شوید".

بنابراین تعلق گرفتن قسمتی از مال سرمایه داران به فقرا و مستمندان، به عنوان زکات از خود احکام و حکمت های دارد که دانستن آن برای هر مسلمان ضروری پنداشته میشود.

## الف: تعریف زکات

### • معنی لغوی زکات

زکات در لغت به معانی ذیل اطلاق میگردد (۹: ۳۹۸):

### ○ طهارت و پاکی

چنانچه الله ﷻ در زمینه می فرماید: ﴿فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيَّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ﴾ (الکھف: ۱۹).

ترجمه: پس یکی تانرا با این پول به طرف شهر بفرستید که جستجو نماید طعام پاک را تا اینکه برای شما از آن بیاورد. کلمه "ازکی" در این آیه مبارکه به معنای پاکتر آمده است.

### ○ زیادت و نمو

طوریکه الله متعال فرموده است: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا﴾ (التوبة: ۲۱۴). ترجمه: از اموال شان زکات بگیر تا بوسیله آن آنها را پاک و اموال شانرا زیاد نمائی. کلمه "تزکیهم" در این آیه مبارکه که از کلمه زکات اشتقاق شده است به معنای رشد و زیادت آمده است.

### • معنی اصطلاحی زکات

کلمه زکات را فقهای کرام نظر به شروط و ارکان که دارد چنین تعریف نموده اند: «تملیک جزء مال مخصوص من مال مخصوص لشخص مخصوص، عینه الشارع لوجه الله تعالی» (۶: ۱۵۲). ترجمه: (در آوردن جز مال مخصوص [مقدار واجب] از مال مخصوص [نصاب] برای شخص مخصوص [کسی که مستحق گرفتن زکات است] که قانونگذار [الله ﷻ] به خاطر رضای خداوند، آن را مشخص نموده است).

پرداخت قسمتی از مال را برای مستمندان و مستضعفان، بدین جهت زکات نامیده میشود که با این کار، مال و همزمان با آن نفس انسان نیز پاک و تمیز می گردد.



## ب: دلایل مشروعیت زکات

زکات یکی از ارکان پنج گانه اسلام است که در شوال سال دوم هجرت فرض گردید. فرضیت زکات مانند دیگر عبادات از قرآن، حدیث و اجماع امت ثابت شده است که ذیلاً توضیح می دهیم (۱۰: ۲۲۷):

### • قرآن

قرآن مجید در آیات متعدد مسلمانان را به اداء نمودن زکات امر کرده و در اکثر آیات آنرا با فریضه نماز یکجا ذکر نموده است که خود دلیل به فرضیت این عبادت مالی می باشد چنانچه الله جل جلاله می فرماید: ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ﴾ (البقرة: ۴۳).

ترجمه: "برپا دارید نماز را و بدهید زکات را.

در آیت دیگر خداوند متعال فرموده است: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا﴾ (التوبة: ۲۱۴).

ترجمه: «بگیر از اموال ایشان زکات را تا پاک سازی ایشانرا و با برکت کنی ایشانرا»

همچنان در سوره روم در مورد زکات چنین فرموده است: ﴿وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبًّا لِيَرْبُو فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضَعِفُونَ﴾ (الروم: ۴۹).

ترجمه: «و آنچه داده باشید از سود تا بیفزاید در اموال مردمان پس آن نمی افزاید نزد خدای و آنچه داده باشید از زکات طلب کنان رضای خدا را پس این جماعه ایشانند دو چند کننده».

### • سنت

از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که پیامبر فرمود: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَالْحُجَّ وَصَوْمِ رَمَضَانَ» (۴ : ۲۳). ترجمه: «اسلام بر پنج اصل بنا شده است: گواهی بر اینکه نیست هیچ معبود مگر الله ، و اینکه محمد رسول الله است، برپا داشتن نماز، ادا کردن زکات و حج و روزه رمضان».

همچنان زمانیکه پیامبر اسلام مسلمانان را جهت تبلیغ دین اسلام در مناطق دیگر می فرستادند برایشان ارشاد می نمودند که یکی از امور که برایشان فرض گردیده است عبادت زکات می باشد، چنانچه در واقعه معاذ بن جبل رضی الله عنه ذکر شده است: «فَاعْلَمُوهُمْ أَنَّ اللَّهَ افْتَرَضَ (قَدْ افْتَرَضَ) عَلَيْهِمْ صَدَقَةً فِي أَمْوَالِهِمْ تُؤْخَذُ مِنْ أَغْنِيَائِهِمْ وَتُرَدُّ عَلَى فُقَرَائِهِمْ» (۳: ۲۱۵). ترجمه: "برایشان بیاموز که الله فرض گردانیده بر آنها زکات اموال شان را که از ثروتمندان شان گرفته شده و به فقراء ایشان داده میشود".

### • اجماع

زکات در سال دوم هجری بر اغنیاء فرض گردید تا برای فقراء تادیه گردد و تمام مسلمانان بر فرضیت آن اتفاق نظر دارند (۱۰: ۲۲۸). فرضیت زکات بالای مسلمانان زمانی ثابت میگردد که نصاب آن تکمیل شده باشد و از تاریخ تکمیل شدن آن، یکسال سپری شود، پس هر زمانیکه یک سال گذشت فوراً زکات واجب میگردد و اگر بدون عذر و یا مصلحتی راجح پرداخت آن به تأخیر انداخته شود، انسان مسلمان گنهگار میشود؛ زیرا مالی را که نزد خود نگهداشته و از آن سود می برد از خودش نبوده بلکه مال مستمندان است که بدون دلیل از آن به نفع خود استفاده می کند. از همینجاست که جمهور فقهاء به این نظر اند که اگر کسی مالک نصاب باشد، میتواند زکات اموال خویش را قبل از سپری شدن یکسال پرداخت نماید (۱۰: ۲۹۴). چنانچه از علی رضی الله عنه روایت است که عباس رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله پرسید که آیا می تواند قبل از رسیدن وقت پرداخت، زکات مالش را بدهد، پیامبر صلی الله علیه و آله برایش اجازه دادند<sup>۱</sup> (۲: ۳۲).

### ج: فضیلت و جایگاه زکات

زکات از جمله ارکان اساسی در اسلام می باشد که بدون آن حقیقت اسلام تحقق پیدا کرده نمی تواند. بنابراین زکات در اسلام جایگاه بسیار بلندی دارد تا اندازه ای که خلیفه اول مسلمانان در مقابل کسانی که از پرداخت آن ابا ورزیده بودند، قیام مسلحانه نموده و فرمودند که: به خداوند سوگند، اگر کسانی به پیامبر زکات می دادند و به من ندهند با آنها جهاد خواهم کرد<sup>۲</sup> (۳: ۲۱۸).

<sup>۱</sup> : عَنْ عَلِيٍّ أَنَّ الْعَبَّاسَ سَأَلَ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله فِي تَعْجِيلِ صَدَقَتِهِ قَبْلَ أَنْ تَحُلَّ فَرَخَّصَ لَهُ فِي ذَلِكَ (۲: ۳۲)  
<sup>۲</sup> : فَقَالَ وَاللَّهِ لَا أَقَاتِلُ مَنْ فَرَّقَ بَيْنَ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ فَإِنَّ الزَّكَاةَ حَقُّ الْمَالِ وَاللَّهُ لَوْ مَنَعُونِي غَنَاقًا كَانُوا يُؤْذِنُونَهَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ؟ لَقَاتَلْتُهُمْ (۳: ۲۱۸).

پروردگار جهان برای مانعین زکات عقوبت های شدید را بیم داده است. و عبادت زکات را در ده ها آیات قران مجید با فریضه نماز یکجا ذکر نموده و فضایل و برتریت های آنرا در قران مجید و سنت مطهره پیامبر اسلام بیان نموده است.

### ۱. پرداخت زکات صفت انسانهای متقی

خداوند متعال زکات را از صفات متقیان ذکر کرده و می فرماید: ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾ (البقرة: ۳).  
ترجمه: [متقیان] آنانی اند که به غیب ایمان می آورند و نماز را بر پا می دارند و از آنچه به ایشان روزی داده ایم انفاق می کنند.

### ۲. زکات نمایانگر اخلاص انسان

الله ﷻ فاعلین زکات یا زکات دهنده گان را مخلص درگاه خود خطاب نموده و می فرماید: ﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ﴾ (البینه: ۶).

ترجمه: " ودرحالیکه آنان را جز به این دستور داده نشده بود که الله تعالی را مخلصانه و حقگرایانه پرستش کنند و دین را خاص از آن او دانند و نماز را بر پا دارند و زکات را پردازند و دین [ثابت و] پایدار همین است."

### ۳. زکات سبب فلاح و رستگاری انسان

قران مجید زمانیکه مؤمنان را توصیف می نماید یکی از دلائل فلاح، رستگاری و سعادت ایشان را در ادا نمودن زکات میداند و میفرماید: ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ، الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ، وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ، وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ﴾ (المؤمنون: ۲-۵).

ترجمه: "هرآئینه کامیاب گشت مؤمنان، کسانی که در نمازشان خشوع می کنند، و کسانی که از کارهای بیهوده اعراض می کنند و کسانی که زکات را ادا می نمایند."

## د: احکام زکات

### ۱. اموال زکات

اموالی که زکات در آنها واجب می باشد عبارت است از طلا و نقره و یا پول نقد، فصل و زرع، میوه جات، حیوانات و اموال تجارتنی. اسلام، اموالی را که زکات آنها واجب است و پایین ترین حد دارایی را که مشمول زکات می گردد و زمان وجوب و مقدار آنرا معین کرده است.

بدین ترتیب از بعضی از اموال، باید یک دهم داده شود، مانند محصولات که خداوند از زمین می رویند و از طرف انسان، تلاش قابل ملاحظه ای نمی طلبد... در صورتی که اگر با وسایل دیگری آبیاری شود (به وسیله انسان)، مقدار مزبور (زکات) یک بیستم می شود و این زکات، همه محصولات کشاورزی را شامل می شود.

برخی دیگر از اموال، همچون طلا و نقره و درآمد تجارت متکی بر پول، مشمول قانون یک چهارم، یعنی ۲/۵ درصد می باشند و این زکات، در مدت هر سال قمری که بر اموال مزبور می گذرد، واجب می گردد.

زکات طلا و نقره: از هر بیست (۲۰) مثقال طلا، نیم مثقال زکات می شود، بیست (۲۰) مثقال معادل هشتاد و پنج (۸۵) گرم می باشد و نیم مثقال آن ۲/۱۲۵ گرم می شود.

در هر دوصد (۲۰۰) درهم نقره، پنج (۵) درهم نقره زکاتش می شود، به عبارتی دیگر، یکصد و چهل (۱۴۰) مثقال از نقره که معادل پنجصد و نود و پنج (۵۹۵) گرم می شود، ۱/۴۰ یک چهارم آن زکاتش می شود (یعنی ۲.۵٪) (۶: ۱۸۲).

زکات پول از هر لک افغانی (۲.۵٪) آن می شود، یعنی زکات هر (۱۰۰۰۰۰) افغانی به مقدار (۲۵۰۰) افغانی می شود.

برای زکات مالی هم که به صورت حیواناتی از قبیل گاو، شتر و گوسفند ملاحظه می شود، نظام خاصی از طرف اسلام، تدوین شده است.

اسلام، دارایی اندک را از مالیات زکات معاف کرده و برای هر نوع مالی، حد نصاب معینی قرار داده است که در صورت رسیدن بدان حد و زیادی از مقدار مورد نیاز صاحبش، مشمول زکات خواهد بود و شاید منظور این آیه همین باشد که می فرماید: ﴿...وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْغَفْوُ...﴾ [البقرة: ۲۱۹]. «می پرسند چه چیزی را انفاق کنند؟ بگو: زیادی را».

البته اسلام حد نصاب را آنقدر بالا قرار نداده است که زکات، بر کسی غیر از افراد خیلی ثروتمند و گنجینه دار واجب نگردد، بلکه طوری قرار داده است که اکثر مسلمانان، فرصت و امکان سهم شدن در تأمین احتیاجات جامعه و یاری نیازمندان و کمک به مصالح عمومی مسلمین را داشته باشند (۸: ۲۵۵).

## ۲. مستحقین زکات

دین مقدس اسلام موارد مصرف زکات را معین نموده و بدین ترتیب آن را به هوسها و تمایلات حاکمان قرار نداده است که در جهت خوشگذرانی خود و یا برای پیروان و یاران اطراف خویش مصرف نمایند. همچنین به میل کسانی که بدون احتیاج و استحقاق در آن طمع می بندند، بستگی ندارد (۸: ۲۵۹).

چنانچه الله ﷻ در بیان موارد مصرف زکات می گوید: ﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ (التوبة: ۷۱)

ترجمه: «صدقات از آن تهی دستان و درماندگان و کارگزاران آن و کسانی که دلشان متمایل می گردد، و در راه بردگان و ورشکستگان و در راه خدا و در راه ماندگان (فرزندان راه) می باشد، این حکمی از جانب خداست و خداوند آگاه و کاردان است».

و بدینگونه خداوند، خود توزیع زکات را در کتاب خویش انجام داده و کسی حق ندارد آن را از مصارف هشتگانه مزبور، به مصارف دیگری در خدمت هوسهای خود و برخلاف دستور خدا انتقال دهد.

**مورد اول:** فقراء، اولین گروه مورد مصرف زکات هستند.

**مورد دوم: مساکین یعنی درماندگان.**

فقرا و مساکین، دو گروه تنگدست و نیازمند هستند. هر گاه در حکمی، یکی از آنان ذکر شده باشد، دیگری را هم شامل می شود و موقعی که هر دو با هم بیایند، مانند آیه مستحقین زکات، بهتر است که منظور از فقیر، کسی دانسته شود که چیزی ندارد و یا دارائش از حد لازم کمتر است و مسکین به فرد محتاجی گفته شود که حالش بهتر و دارایی و ثباتش از گروه نخست بیشتر است.

**سومین** گروه مستحق زکات، عاملان زکات و مسئولان کارهای مربوط به آن می باشند. فرقی نمی کند که عامل جمع آوری زکات (از اشخاص واجد شرایط) باشند و یا عاملان حفظ و خزانه داری و یا عاملان و مسئولان نگهداری و ثبت آن در دفاتر و یا عاملان توزیع و تقسیم زکات میان مستحقان و مصرف آن در موارد شرعی.

مورد چهارم «مؤلفه قلوبهم» یعنی جماعتی که جلب و انس دادن و متمایل ساختن دلهایشان به اسلام مورد نظر می باشد، با این هدف که یا مسلمان شوند و یا اگر مسلمان شده اند، ثبات قدم پیدا کنند و یا از وجودشان در دفاع از مسلمین بهره برداری شود و یا احتمال خطر و شرشان از مسلمانان منتفی گردد.

در زمان ما این سهم می تواند برای تبلیغ و ترویج اسلام به کار رود. همانطور که مخالفان اسلام نیز از چنین روشهایی استفاده می کنند، و می تواند به مسلمانانی داده شود که کفار می خواهند نظرشان را جلب نموده و داخل دین و یا تحت حمایت قرارشان دهند.

مصرف پنجم زکات، آزادی بردگان و رهایی آنان از زیر یوغ بردگی است. اسلام با اختصاص یک هشتم از درآمد زکات یا بیشتر از آن [که شاید سالانه از میلیونها تجاوز کند] برای آزادی بردگان، کار کوچکی انجام نداده است. حتی بعضی از مواقع تمام زکات، در این جهت مصرف می گردید. چنانکه در زمان خلیفه عادل، عمر بن عبدالعزیز درباره صدقات آفریقا معمول گردید (۸: ۲۶۵).

مورد ششم زکات «غارمون» است یعنی کسانی که قرض و دین زیادی به گردنشان افتاده و امکان پرداخت آن را ندارند، به شرطی که این بدهی ها در راه گناه و معصیت و از روی حماقت و زیاده روی مصرف، ایجاد نشده باشند.

فی سبیل الله، یعنی در راه خدا، که طریق منتهی به رضای خدا می باشد و نخستین چیزی که از آن به ذهن متبادر می شود، جهاد و مبارزه است و این، به خاطر کثرت استعمال جهاد، در کنار فی سبیل الله، در قرآن و سنت است و شامل فراهم آوردن وسایل و تجهیز مجاهدین و کمک مالی به آنان، گر چه بی نیاز باشند، تا وقتی که حقوقی از دولت نمی گیرند، نیز می شود.

در این جا منظور از جهاد، جهاد اسلامی است که پیامبر ﷺ با این بیان خویش، آن را معین و مشخص نموده است: «کسی که برای اعلای دین خدا نبرد کند، در راه خدا جنگیده است»<sup>۱</sup> (۳: ۷۰).

مورد هشتم ابن السبیل است، یعنی کسی که دسترسی به مال خود ندارد، هر چند که در سرزمین خود ثروتمند و توانگر باشد.

### ۳. عدم برداشت نادرست از فریضه زکات

منظور و هدف از برنامه زکات، تشویق تنبلی و کمک به مفت خواران نیست، طوریکه برخی ها چنین برداشت نادرست دارند، زیرا پیامبر ﷺ فرموده اند: «لَا تَحِلُّ الصَّدَقَةُ لِغَنِيِّ وَلَا لِذِي مِرَّةٍ سَوِيٍّ»<sup>۲</sup> (۳: ۴۸).

ترجمه: «صدقه برای شخص بی نیاز و کسی که سالم و نیرومند است، روا نمی باشد». دو نفر در حجة الوداع، نزد پیامبر ﷺ که در حال تقسیم صدقه بود، آمدند و از او درخواست کمک نمودند. پیامبر ﷺ نگاهی به آنها انداخت و ایشان را نیرومند و قوی هیکل

<sup>۱</sup> مَنْ قَاتَلَ لِكَلِمَةِ اللَّهِ هِيَ الْعُلَايَا فَهُوَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (۳: ۷۰)  
<sup>۲</sup> : صحیح وضعیف سنن أبي داود (۴/ ۱۳۴) تحقیق الالبانی: صحیح

دید، آنگاه گفت: «اگر می خواهید، می دهم ولی شخص توانگر و نیز کسی که قدرت دارد و می تواند کار کند، حقی در آن (زکات) ندارد»<sup>۱</sup> (۲: ۳۷).

پس بر هر مسلمانی واجب است که کار کند و دولت هم وظیفه دارد که برای هر کس، کار مناسبی فراهم کند و در صورتی که شخصی، قدرت کار و تأمین احتیاجاتش را نداشت، نباید در جامعه اسلامی از بین برود، بلکه زکات، نیازمندیهای معقول و به جای او را تأمین خواهد کرد.

### هـ: نقش دولت اسلامی در جمع آوری و مصارف زکات

اسلام جامعه را همچون خانواده واحدی قرار داده است که بعضی از افراد آن، بعضی دیگر را تأمین می کنند. بلکه مانند پیکری که اگر قسمتی از آن ناراحت باشد، تمامی وجودش ناراحت می گردد.

کسی چنین نپندارد که زکات، یک نوع بزرگواری و امتنان از طرف ثروتمند و دیروزگی و خواری از طرف شخص فقیر است، بلکه زکات حق مسلم فقیر است که اسلام در مال غنی و ثروتمند تعیین کرده است. اما برای اینکه در زکات، بدانگونه که اسلام ترتیب داده است، رابطه و برخورد مستقیمی میان ثروتمند و فقیر وجود ندارد، بلکه این حکومت است که به عنوان نماینده فقیر، زکات را از توانگران می گیرد. به همین دلیل خداوند به پیامبر خود گفته است: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا﴾ (التوبه: ۲۱۴).

ترجمه: «از اموالشان صدقه بگیر و بدان وسیله، پاک و پیراسته شان بگردان».

تنها حکومت است که مسئول جمع آوری زکات می باشد.<sup>۲</sup> اسلام بر این نکته تأکید نموده و به همین سبب یکی از موارد مصرف آن را، دستمزد گردآوران زکات «العالمین علیها» قرار داده است.

<sup>۱</sup> عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ بْنِ الْخُبَّارِ قَالَ أَخْبَرَنِي رَجُلَانِ أَنَّهُمَا أَتَيَا النَّبِيَّ ﷺ فِي حَاجَةِ الْوَدَاعِ وَهُوَ يَقْسِمُ الصَّدَقَةَ فَسَأَلَاهُ مِنْهَا فَرَفَعَ فِينَا الْبَصَرَ وَخَفَضَهُ فَرَأَانَا جُلْدَيْنِ فَقَالَ «إِنْ شِئْتُمَا أُعْطِيَتْكُمَا وَلَا حَظَّ فِيهَا لَغَنَى وَلَا لِقَوِي مُكْتَسِبٍ». (۲: ۳۷)

<sup>۲</sup> : علما بر این نکته اتفاق و تأکید دارند که اگر امام یا سلطان، ظالم و ستمگر بود و زکات را به مصارف تعیین شده خود نرسانید بهتر است که اشخاص، خودشان زکات را به مصارف شرعی آن برسانند (یعنی به دست حکومت ندهند).



زیرا مصرف زکات منحصر به فقرا و اشخاص نیست، بلکه از جمله موارد مصرف آن، مصالح عمومی مسلمانان است که از قدرت افراد خارج بوده و تنها از مسئولان امور جماعت مسلمین ساخته است. مانند خرج زکات، برای جلب علاقه تمایل غیر مسلمانان و تجهیز ابزار و افراد برای جنگ در راه خدا.

همچنان پروژه های دولت که برای فقراء و مساکین و اشخاص مستحق مد نظر گرفته شده، از قبیل محابس، دارالایتام ها و دارالمساکین همه و همه از آن بی بهره می مانند بناءً باید آنرا دولت جمع آوری کند. روی همین حکمت ها، اسلام با قاطعیت امر نموده است که زکات را باید حکومت اسلامی جمع آوری نماید و سطح دارایی ها معلوم باشد.

### و: فرق میان زکات و تکس

تکس عبارت است از یک مقدار مالیه ای که از طرف حکومت جهت تمویل مصارف بخش های مختلف دولت، بالای دکانداران و تاجران و اشخاص ذی دخل در جامعه بشکل اجباری وضع میگردد، اما زکات رکن از ارکان پنجگانه اسلام است که ادای آن باعث تزکیه نفس و تقرب به الله ﷻ میگردد که مسلمان به رضا و رغبت خویش آنرا یک فریضه دانسته و ادا می نماید.

اما امروز متأسفانه مسلمانان ادای زکات مال خویش را مانند تکس فکر کرده فریب شیطان را می خورند که همیشه ایشان را در ادای زکات به فقر و تنگدستی دعوت می کند. و همچنان دولت ها در جمع آوری اموال زکات توجه نکرده صرف به گرفتن تکس و مالیه اقدام جدی نموده است که در نتیجه آن وظیفه اصلی حکومت که جمع آوری زکات و توزیع آن به مستحقین است معطل قرار گرفته است. چنانچه الله ﷻ می فرماید:

﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا﴾ (التوبة: ۱۰۳).

ترجمه: از اموال آنها صدقه (و زکات) بگیر، تا بوسیله آن آنها را پاک سازی و تزکیه شان کنی.

این طرز تلقی زکات به عنوان حق خدا، چیزی است که آن را از مالیات نظامهای مادی دیگر، متمایز می کند. زکات، هم نوعی مالیات است و هم نوعی عبادت... مالیات بودنش از آن لحاظ است که حق مشخص و مفروض و غیرقابل گذشتی است که مسئولیت گردآوری و توزیع آن بر عهده دولت اسلامی قرار داده شده است، و عبادت بودنش به خاطر این که فرد مسلمان، آن را به منظور اطاعت از دستور خدا و شکر و سپاس و اقرار به فضل او می پردازد. به همین جهت، اسلام ادای رسمی این مالیات را در صورتی که با نیت نزدیکی به خدا همراه نباشد، قبول ندارد، بلکه حتی دوست ندارد که مسلمان آن را از روی بی میلی و ناراحتی و همچون یک تاوان (و باج و خراج) بپردازد و پیامبر ﷺ فرموده اند: «ثَلَاثٌ مَنْ فَعَلَهُنَّ فَقَدْ طَعِمَ طَعْمَ الْإِيمَانِ مَنْ عَبْدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَأَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأُعْطِيَ زَكَاةَ مَالِهِ طَيِّبَةً بِهَا نَفْسُهُ» (۳: ۲۶).

ترجمه: «هر کسی این سه کار را انجام دهد لذت ایمان را در می یابد: تنها خدا را به عنوان این که معبودی جز او نیست، بندگی کند، زکات مالش را با خرسندی و رضایت قلبی، بپردازد». همچنان پیامبر ﷺ یکی از عوامل خطرناک برای این امت را، غنیمت شمردن امانت و تاوان شمردن زکات دانسته است<sup>۲</sup> (۵: ۴۹۴).

<sup>۱</sup> : صحیح وضعیف سنن أبي داود (۴/ ۸۲) تحقیق الألبانی: صحیح

<sup>۲</sup> : این را ترمذی از قول علی روایت کرده و با این عبارت آغاز می شود که «هر گاه امت من پانزده صفت را دارا شد، گرفتار بلا می گردد...» حدیث

ضعیف است. (۵: ۴۹۴)

## درس یازدهم

### برخی حکمت های زکات

هر زمانیکه انسان مسلمان فریضه زکات را مطابق احکام که بیان گردید، با اخلاص و ایمان و با انجام دادن مکلفیت ایمانی و وجدانی خود جهت تطبیق احکام الهی و تقرب به او و کسب اجر و ثواب آخرت پرداخت میکند، شکی نیست که نفع و سود آن نه تنها که متوجه خود وی میشود بلکه فیوضات و برکات آن جامعه اسلامی و حتی حکومت اسلامی را نیز احتوا می کند. بناء عبادت زکات سرشار از حکمت هایست که علما و دانشمندان جهان اسلام آنها را از خلال آیات قران مجید و یا سنت مطهره پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم استخراج نموده اند که به برخی از آنها اشاره صورت میگیرد:

### پاک شدن نفس و رشد شخصیت انسان

دین مقدس اسلام؛ یک دین جامع و کامل است که راه های حل تمامی نیازمندی های مادی و معنوی بشریت در آن پیش بینی شده است و مخصوصاً توجه خاصی در جهت حمایت از محرومان، مساکین و فقراء نموده است.

چون یکی از معانی و مفاهیم زکات پاکی است؛ بناءً از یک طرف به معنای طهارت و پاکی ضمیر فرد ثروتمند از بخل و حرص می باشد. این امراض نفسانی میتواند آدمی را به ریختاندن خون، از دست دادن آبرو و یا فروختن وطن و ادار سازد. در واقع هر فردی که گرفتار حرص و بخل باشد؛ رستگار نمی شود. خداوند ﷻ می فرماید: ﴿وَمَنْ يُّوقْ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (الحشر، ۹).

ترجمه: و کسانی که از خساست نفس خویش مصون مانند؛ ایشانند که رستگارانند. و از طرف دیگر؛ زکات باعث طهارت و پاکی نفس فقیر از حسد و بد بینی نسبت به ثروتمندان می شود؛ چون لازمه ی بخشش و نیکی، انعطاف قلب انسان است؛ همانطوری که محرومیت یک طرف و بهره مندی طرف دیگر، موجب خشم و کینه ی قلب محرومان می باشد.

از سوی دیگر زکات بر علاوه طهارت و پاکی، دربردارنده رشد و فزونی است، رشد شخصیت و موجودیت معنوی فرد ثروتمند به عنوان انسانی که خیر می‌رساند و نیکی می‌کند و از دارایی و دستاورد خود می‌بخشد تا برادران دینی و انسانی خود را بلند کند و حق خدا را بجا آورد. بناء چنین انسان در می‌یابد که عملاً بر ضعف خود و بر شیطان حرص و هوای نفس غلبه یافته است و این همان رشد نفسانی و زکات معنوی است که آیه کریمه به آن اشاره نموده است: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا﴾ (التوبة: ۱۰۳)

ترجمه: "از اموال آنها صدقه (و زکات) بگیر، تا بوسیله ی آن آنها را پاک سازی و تزکیه شان کنی."

در این جا اضافه تزکیه (تزکیهم) به تطهیر، همین رشد معنوی را افاده می‌کند، زیرا در قرآن، هر کلمه‌ای معنا و دلالت ویژه خود را دارد (۸: ۲۷۶).

و از طرف دیگر؛ زکات باعث رشد شخصیت فقیر نیز می‌شود؛ چون که او با دریافت زکات، دیگر خود را بخاطر فقر و ناتوانی؛ در جامعه پایمال، بی اهمیت و متروک احساس نمیکند و در نتیجه ی فقر و ناتوانی؛ از درون به تباهی و نابودی کشانده نمی‌شود، بلکه بر عکس؛ او احساس مینماید که جامعه اش برای نجات او از گرفتاری و سقوط، سعی و تلاش می‌کند و با قدرت تمام؛ دست کمک بسویش می‌گشاید.

## ۱. تکافل و تضامن اجتماعی

زکات بزرگترین وسیله ی تکافل (تضمین) اجتماعی در اسلام است. اسلام نمی‌پذیرد که در میان جامعه و پیروانش کسانی یافت شوند که امکان تأمین روزی، لباس و پناه گاهی برای خویش را نداشته باشند.

زکات ضمن این که حق فقیر است، حق جامعه نیز می‌باشد. انسان دارائی خود را تنها با کوشش فردی خویشان به دست نمی‌آورد بلکه تلاشها، اندیشه‌ها و دستهای متعددی به طور قصدی یا غیرقصدی و از دور یا نزدیک با او همکاری می‌کنند و تمامی اینها عوامل کمکی

مؤثر در وصول مال به صاحب آن می باشند. مثلاً اگر به کیفیت کسب و جمع مال تاجری نگاه کنیم، سهم بزرگ جامعه را در کار او مشاهده می کنیم: اگر جامعه نباشد، از چه کسی می خرد و به چه کسی می فروشد؟ با چه کسی همکاری می کند و رفت و آمد می نماید؟ همینطور کشاورز و صنعتگر و هر صاحب مالی دیگر.

بنابراین، جامعه و دولتی که بر کارهایش نظارت می کند و به نمایندگی از او، مصالحش را منظور می دارد و کمبود افرادش را جبران می کند، حق دارد که سهمی در مال مزبور داشته باشد. اگر هم در جامعه اسلامی افراد فقیر یا مسکین وجود نداشته باشند، باز هم بر مسلمان واجب است که زکاتش را بپردازد تا ذخیره ای برای جامعه باشد که بهنگام ضرورت خرج کند و در راه خدا که موردی کلی و دائمی و زوال ناپذیر است، به مصرف برساند.

بناء زکات یکی از وسایل تضمین اجتماعی است که از طرف اسلام مطرح گردیده است. اسلام نمی پذیرد که در میان جامعه و امتش کسانی یافت شوند که امکان تأمین روزی کافی، لباس، مسکن و پناهگاهی برای خود را نداشته باشند. اینها ضروریاتی می باشند که برای همه اشخاص تحت پوشش اسلام بصورت فراوان پیدا می شوند و فرد مسلمان می باید این ضروریات و سایر نیازمندیها را از طریق سعی و تلاش خود به دست آورد. اما اگر قادر به این کار نبود، بوسیله جامعه تأمین و تضمین می گردد و همچون صید بی پناهی در مقابل گرسنگی و برهنگی و درماندگی رها نمی شود.

بدین ترتیب، اسلام به مسلمانان آموخته است که همچون پیکر واحدی باشند و هر گاه قسمتی به درد آمد، همگی احساس درد کنند، و زکات برنامه اساسی این کفالت اجتماعی زندگی افراد ناتوان و محروم است که از سوی اسلام مقرر شده است.

## ۲. از بین رفتن طبقات میان افراد جامعه

زکات وسیله و سبب، برای از بین بردن فاصله میان اغنیاء و فقراء می باشد؛ زیرا اسلام به عنوان یک دینی که فطرت انسانی را تأیید نموده و در راه اصلاح، رشد و ترقی آن کوشیده

است و در برابر کوششهای مبنی بر ریشه کن ساختن و سرکوبی فطرت، اعلان جنگ نموده است؛ مالکیت فردی ناشی از یک عامل مشروع را پذیرفته و به احساساتی که انسان را خواستار رقابت سالم می نماید، پاسخ مثبت داده است. به عبارتی دیگر؛ اسلام به تفاوت ذاتی مردم از نظر بهره مندی ها نسبت به یکدیگر، که بی تردید ایجاد شده از تفاوت ها و اختلافات اساسی دیگری در امکانات و خصایص و توانائی های افراد است، اعتراف نموده است.

ولی این بدان معنی نیست که اسلام ثروتمند را در ازدیاد ثروت و فقیر را در مسیر شدت گرفتن فقر و تیره روزی، رها نماید؛ تا در نتیجه، جدائی میان دو دسته زیاد تر گردد و اغنیاء قشری شوند که سرنوشت زندگی شان در برج بلند بکشد و فقیران قشری که می باید در ویرانه های بدبختی و محرومیت جان سپارند؛ بلکه با تشریعات قانونی و توصیه های اخلاقی خود، برای کمتر ساختن مسافت میان ثروتمندان و فقیران دخالت نموده و در نهایت؛ برای ثروتمندان حدی قرار داده و سطح فقیران را بالا برده است، و بدین ترتیب فاصله طبقاتی که میان ثروتمندان و فقراء در جامعه ایجاد میشود، کاسته است، بلکه در بسیاری موارد آنها را در یک سلک قرار داده که کوچکترین تفاوت های مالی و اقتصادی میان آنها مانع واقع نشود. بطور مثال در صف نماز یکی اند و در مراسم حج هم یکسان می شوند. همه این امور جهت فرو نشاندن همین انگیزه های نفرت زا است که از اثر ایجاد طبقات میان افراد در جامعه بمیان می آید.

### ۳. کاهش جرائم و فساد در جامعه

فرق میان جامعه انسانی و سرزمین حیوانات (جنگل) در یک نقطهء اساسی نهفته است ، که انسان برای دیگران و حیوان برای خود زنده گی میکند . هرگاه در جامعه انسانی هر کسی بخاطر منفعت شخصی خود سعی و تلاش ورزیده و به برپادی دیگران و یا حد اقل بی توجهی به دیگران مشغول گردد ، شخصیت انسانی خویش را از دست میدهد ، دین مقدس اسلام برای ساختار جامعه اسلامی زکات را فرض نموده است ، تا انسان برای خیر اندیشی دیگران از اموال حلال و پاک خویش مصرف نماید ، و مقداری از پول خود را برای سایر کسانی که از نعمت مال محروم اند، مصرف نماید.

هرگاه در یک جامعه احساس همکاری و عاطفه بین مردم موجود باشد ، اغنیاء مشکلات فقراء را در نظر داشته ، برای حل مشکلات شان راهی را سراغ نمایند ، و برای از بین بردن فقر و آثار فقر سعی و تلاش ورزند ، بدون شک درین جامعه آثار و اسباب جرم و گناه تا آخرین حد آن کاهش می یابد، زیرا در بسیاری از جوامع علت اساسی بسیاری از جنایت ها و جرایم ، بیکاری و فقر میباشد . زکات یکی از وسایل بسیار مهم برای از بین بردن فقر و راهیابی برای حل مشکلات فقیران و مستمندان میباشد . وقتی اغنیاء زکات اموال خویش را به شکل درست و حقیقی آن مطابق احکام الهی به حکومت اسلامی تقدیم نمایند و حکومت ازین اموال برای مبارزه با فقر و بیکاری استفاده نماید درینجا چند منفعت در جامعه رخ میدهد :

- در مقابل اغنیاء حس بد بینی فقراء از بین میرود ، زیرا آنان میدانند که اغنیاء برای شان کمک نموده است .

- دامنه فقر روز بروز بر چیده شده و هر کسی میتواند زنده گی متوسط الحال خود را داشته باشد.

- وقتی دولت از مال زکات برای تاسیس مراکز تعلیمی و سرپرستی بینوایان استفاده کند ، دامنه بی کاری و بیسوادی از بین میرود .

- دوستی و محبت میان افراد جامعه بیشتر میشود ، زیرا اغنیاء با فقراء همدردی نموده و محبت آنانرا کسب کرده اند .

سر انجام تمام این موارد منجر به از بین رفتن فساد و کاهش جرائم مانند دزدی ، قتل ، غارت و غیره در جامعه می گردد.

## ۱. مصئونیت و رشد اموال

زکات باعث مصئونیت و رشد مال می شود. زیرا هر زمانیکه حق کس دیگری به مال تعلق میگیرد، آنرا آلوده می سازد و این آلودگی تا وقتی که حق مزبور از آن جدا نگردد، باقی خواهد بود. بعضی از گذشتگان در این قبیل موارد گفته اند که: «سنگ غصبی در خانه،

خرابی آن را در گرو دارد». پولی هم که به فقیری تعلق گیرد، آلودگی همه مال را در گرو دارد و از پیامبر صلی الله علیه وسلم نقل شده است که: «حَصَّنُوا أَمْوَالَكُم بِالزَّكَاةِ»<sup>۱</sup> (۷: ۲۷۴).

ترجمه: «اموال خود را با دادن زکات محفوظ بدارید»

در حدیث دیگری از پیامبر اسلام ﷺ روایت شده که فرموده اند: «إِذَا أَدَيْتَ زَكَاةَ مَالِكَ فَقَدْ أَذْهَبْتَ عَنْكَ شَرَّهُ»<sup>۲</sup> (۴: ۸۴).

ترجمه: «چون زکات مالت را پرداختی، شر و آفت آن را از خود رانده‌ای».

ثروتمندان به این مصئونیت نیاز مبرم دارند زیرا در عصر و زمانی که ما هستیم هیچ مصئونیت برای اموال اغنیاء جود ندارد، و بارها می شنویم که اموال حریق می شود، غرق می گردد، هلاک و تباه می شود، اگر در حقیقت نظر اندازی صورت گیرد، دیده می شود که علت اساسی آن عدم پرداخت زکات این اموال است که منجر به تباهی و هلاکت آن گردیده است.

دیگر این که زکات، سبب رشد مال و برکت یافتن آن می شود. شاید گروهی از این سخن تعجب کنند و آن را بعید بدانند، زیرا زکات، در ظاهر چیزی از مال می کاهد و چگونه ممکن است عامل ازدیاد و افزایش آن باشد؟

اما آگاهان می دانند که در پشت این کاهش ظاهری، یک افزایش حقیقی وجود دارد. افزایش در مجموع ثروت جامعه و حتی افزایش در مال شخص توانگر! زیرا که این مبلغ پرداختی اندک، از طریق دیگری دانسته یا ندانسته به صورت چند برابر به او بر می گردد (۸: ۲۷۶). این تفسیر اقتصادی؛ اشاره به رشد و نمو اموال باشد که ضمن آیات شریفه ذیل، مورد توجه قرار گرفته است. خداوند متعال می فرماید: ﴿وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾ (السبا، ۳۹).

<sup>۱</sup> : (السلسلة الضعيفة ۷ (ص: ۳۵) ... (ضعيف)

<sup>۲</sup> : تراجمات العلامة الألبانی فی التصحیح والتضعیف (ص: ۲) (و ذکر الشیخ فی نہایة تخریج الحدیث فیہا أنه وجد له شہاداً بسند حسن وقال: ومن أجله أوردته فی صحیح الترغیب.



ترجمه: "و هر چه را که اتفاق کردید، عوضش را او می دهد و او بهترین روزی دهندگان است." همچنان خداوند ﷻ میفرماید: ﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (البقرة، ۲۶۸).

ترجمه: "شیطان به شما وعده ی نیازمندی میدهد و شما را به زشتی وامی دارد؛ و (لی) خداوند از جانب خود به شما وعده ی آمرزش و بخشش می دهد و خداوند گشایشگر دانا است."

## ۲. جلوگیری از رکود سرمایه

زکات، قوی ترین سلاح در جنگ با ذخیره سازی و خارج کردن پول از انبارها و سوراخها به منظور جریان یافتن در میدان فعالیت و تولیدات است، به جای آن که همچون منابعی بی کار و بی فایده بماند. کسی که ثروت را ذخیره می سازد و از جریان باز می دارد، شبیه کسی است که سربازی از ارتش اسلام را حبس نموده و از فعالیت در میدان جهاد باز دارد و این تشبیه درستی است. زیرا پول در گردش و مورد استفاده، سربازی است که در خدمت ملت و آسایش و سربلندی آن قرار گرفته و پول انباشته و گنجینه شده، به سرباز بازنشسته و یا محبوس می ماند.

اسلام به همین جهت کثر را حرام کرده و قرآن، از خشم خدا نسبت به ذخیره سازان حریص اطلاع داده و فرموده است: ﴿وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتَكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَٰذَا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ﴾ (التوبة: ۳۴-۳۵).

ترجمه: «کسانی را که زر و سیم را بر هم انباشته می کنند و آن را در راه خدا اتفاق نمی کنند، به عذابی دردناک بشارت بده، روزی که (پولها) داغ کرده شوند و بر روها و پهلوها و چهره ها و پشتهای آنان نهاده شوند: این، همان چیزی است که ذخیره کردید برای خودتان، پس بجشید مزه ذخیره سازی خود را».

حتی به این وعید نیز اکتفا ننموده و علاوه بر آن نقشه ای عملی در جهت مبارزه با کثر ترسیم نموده است که همان زکات می باشد. کدام انسانی قبول می کند که هر ساله ۲/۵ درصد از سرمایه اش کاسته گردد و آن سرمایه همچنان بدون فعالیت ورشد باقی بماند؟

اگر در صدد جبران کاهش مالش برنیاید و آن را در راه تولید و استفاده قرار ندهد، زکات پس از چند سال همه آن را خواهد بلعید... با توجه به همین موضوع بود که رسول اکرم ﷺ به سرپرستان اموال یتیمان دستور داد که آنها را به جریان بازرگانی بیاندازند تا با پرداختن زکات، تمام نشوند (۸: ۲۷۹).

## د: حکمت های سیاسی زکات

### ۱. نقش زکات در برگردانیدن عظمت اسلام

دین مقدس اسلام با مقرر داشتن زکات بر همه ادیان و آیینها برتری یافته است - همانطوریکه متفکران و اندیشمندان همه ملتها به این اعتراف دارند که اگر مسلمانان این اصل دینی خود را برپا دارند، در میان آنها مسکین، مستمندی و خسارت دیده پیدا نخواهد شد، اما زمانی که این اصل دینی را کنار گذاشتند، به یقین به دین و ملت خود ستم کرده اند و در نتیجه از همه ملتها در زمینه های اقتصادی و سیاسی عقب می مانند و حتی در پرورش پسران و دختران خود به دیگران وابسته شده اند و آنها را به مدارس دیگران می فرستند و از طرف دشمنان آنها ولگرد و بی بند بار و متأثر از مسیحیت و بی دینی تریه می شوند وقتی از ایشان پرسشی که چرا خود شما به ساختن مدارس و مراکز علمی اقدام نمی کنید می گویند که امکانات اقتصادی نداریم، بناء بالای همه جامعه اسلامی فرض است که هرچه عاجلتر در ترویج ادای زکات اقدام کنند تا از این طریق بتوانیم خزانه بیت المال مسلمین را سرپای خودش ایستاد و نیازهای اولی جامعه اسلامی را از آن پردازیم مثلاً (سهم مؤلفه القلوب) را برای مبارزه با کفر و ارتداد مصرف کنیم و (سهم فی الرقاب) آزادی بردگان را در نجات ملتهای مستعمره اسلامی از گودال هلاکت استعمار پردازیم و به همین ترتیب سهم (فی سبیل الله) را در راه دعوت و انتشار اسلام و تربیه سالم نسل های آینده مصرف کنیم در پهلوی اینکه سهم فقرای و مساکین و غارمین و غیره هم محفوظ بماند (۸: ۲۸۱).

### ۲. مبارزه با فقر

یکی از مشکلات مهم حکومت ها مبارزه با فقر، بیکاری، بیسوادی و بیچاره گی میباشد، این حکومت ها نمیتوانند احتیاجات مردم را بصورت کامل مرفوع سازند، و به این

شکل احيانا مجبور میشوند تا از ديگران کمک گیرند که اين کمک های خارجی در بسا حالات سبب استعمار آن کشور شده ، به عوض اینکه برای آنان نفع بیاورد سيادی سیاسی آنانرا از بين میبرد . زکات بهترین وسیله اقتصادی برای حکومت اسلامی میباشد .

حکومت های اسلامی میتوانند با استفاده از قانون الهی، زکات اموال اغنیاء را جمع آوری نموده و مبارزه خویش را علیه فقر، بیکاری، بیسوادی یتیمان، بی سرپرستی بیوه گان، رفع مشکلات وارثین شهداء و معلولین عملاً آغاز نماید.

در دین مقدس اسلام حکومت اسلامی مکلفیت دارد که یک اداره را به عنوان اداره جمع آوری زکات تأسیس نماید، اين اداره فورمه های ثبت دارایی رعیت خویش را ترتیب نموده و مطابق آن سالانه زکات مال آنان را جمع آوری نموده مطابق احکام الهی در مصرف آن بپردازد که اين کار حکومت دارای منافع ذیل میباشد:

- در صورتیکه حکومت اموال زکات را رسماً جمع آوری نماید هیچ سرمایه داری نمیتواند که از ادای آن دوری نماید، بناء حقوق فقرا به صورت درست محافظت میشود.
- حکومت میتواند به شکل منظم در مبارزه با فقر برنامه های عملی داشته باشد .
- حکومت میتواند برای مبارزه با بیسوادی نیز برنامه های عملی داشته باشد .
- حکومت دارای بودجه بسیار قوی مالی بوده، نیازمند کمک از ديگران نمیشود.
- هرگاه حکومتی بتواند که مشکلات رعیت خود را مرفوع سازد ، امنیت و آرامی در آنجا برقرار شده و افراد جامعه میتوانند نیازهای خود را بدون دغدغه فراهم سازند و به اين ترتیب فقر از جامعه رخت می بندد.

### هـ: حکم مانعین زکات

زکات از واجباتی است که امت اسلامی بر آن اجماع کرده و شهرت آن به حدی رسیده است که از ضروریات دین به حساب می آید، به طوری که اگر کسی وجوب آن را انکار کند از دایره اسلام خارج می شود و به جهت کفرش کشته می شود (۱۰: ۲۲۷). مگر اين که تازه مسلمان باشد که در اين صورت چون احکام اسلام را نمی داند معذور به حساب می آید.

اما کسی که با وجود اعتقاد به وجوب زکات از پرداخت آن خودداری کند، به خاطر عدم پرداخت آن گناه کار می شود و به عقوبت های شدید بیم داده شده است چنانچه الله

متعالم فرموده است: ﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ (آل عمران: ۱۸۰).

ترجمه: «و باید که گمان نکنند آنانکه بخل می کنند بآنچه عطا کرده است خدا ایشانرا از فضل خود این بخل را بهتر برای خویش بلکه او بدست برای ایشان نزدیک ست که بر شکل طوق پوشانیده شود ایشانرا آنچه بخل کرده اند بآن روز قیامت و خدا راست پس گذاشته اهل آسمانها و زمین و خدا بآنچه می کنید داناست»

خداوند متعال در این باره می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ يَوْمَ يُخْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَيُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ﴾ (التوبة: ۳۴، ۳۵).

ترجمه: «و کسانی که طلا و نقره را می اندوزند (و گنجینه می کنند) و در راه خدا انفاق نمی کنند، پس آنها را به عذابی درد ناک بشارت ده. روزی که آن را در آتش جهنم گرم (و تفته اش) کنند، پس با آن پیشانی هایشان و پهلوهایشان، و پشت‌هایشان را داغ کنند، (و به آنها گفته شود) این همان چیزی است که برای خود اندوختید، پس بچشید (طعم) آنچه را می اند و ختید. و آنانکه ذخیره میکنند زر و نقره را و خرج نمی نمایند آنرا در راه خدا پس بشارت ده این جماعت را بعذاب دردناک»

و رسول کریم ﷺ مانعین زکات را توبیخ نموده در حق شان می فرماید: «مَنْ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا، فَلَمْ يُوَدِّ زَكَاتَهُ، مَثَلُ لَهُ مَالُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شُجَاعًا أَقْرَعٌ، لَهُ زَبِيَّتَانِ، يَطْوُقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، ثُمَّ يَأْخُذُ بِلِهْزِمَتَيْهِ، يَعْنِي: بِشِدْقَيْهِ، ثُمَّ يَقُولُ: أَنَا مَالِكٌ، أَنَا كَنْزُكَ». ثُمَّ تَلَا: ﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ (آل عمران: ۲۹۱) (۴: ۳۲۹).

ترجمه: "کسی که خداوند به او ثروت داده است اگر زکات مالش را پرداخت نکند، روز قیامت، مالش به شکل ازدهایی سمی که دارای دو نیش زهر آگین می باشد، در می آید

و به گردن او می پیچد و دو طرف چهره اش (گونه هایش) را گرفته، می گوید: من مال و خزانه تو هستم». سپس، رسول الله این آیه را تلاوت کرد: (وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ...) یعنی: و کسانی که به آنچه خدا از فضل خود به آنان عطا کرده بخل می ورزند هرگز تصور نکنند که آن [بخل] برای آنان خوب است بلکه برایشان بد است به زودی آنچه که به آن بخل ورزیده اند روز قیامت طوق گردنشان می شود (زیرا که در آن روز هیچ کس مالک چیزی نیست) میراث آسمانها و زمین از آن خداست و خدا به آنچه می کنید آگاه است".

بر علاوه این عقوبت ها برخی عقوبت های دنیوی نیز بر مانعین زکات می باشد، که آن عبارت از قتال و جنگ با ایشان است زیرا آنها حق فقراء را منع کرده اند و بر حاکم لازم است که به زور زکات را از ایشان بگیرد.

و به همین ترتیب ابوبکر صدیق رضی الله تعالی عنه در مقابل مانعین زکات تصمیم جنگ را گرفت و به خداوند سوگند یاد کرد که اگر کسانی به پیامبر زکات می دادند و به من ندهند با آنها جهاد خواهم کرد (۳: ۲۱۸).

## تمرینات درسهای زکات و حکمت های آن

۱. زکات را در لغت و اصطلاح تعریف کرده و دلایل فرضیت آنرا بطور مستدل از قران مجید و سنت مطهره پیامبر اسلام بیان کنید.
۲. در مورد فضیلت و برتریت و اهمیت زکات در اسلام معلومات خویش را ارائه نماید.
۳. شروط وجوب و شروط صحت زکات را نام گرفته هر یک را بطور مختصر توضیح دهید.
۴. اموال که در آن زکات واجب میگردد کدام ها اند و چه اندازه باید از آنها زکات پرداخته شود؟ توضیح دهید.
۵. مستحقین زکات کی ها میباشند، بطور مستدل از خلال آیه قران مجید توضیح دهید.
۶. مؤلفه القلوب در مستحقین زکات کی را میگویند و آیا امکان دارد از سهم وی در عصر حاضر استفاده صورت گیرد؟ توضیح دهید.
۷. دولت و حکومت اسلامی در رابطه به جمع آوری و توزیع زکات چه مکلفیت دارد، توضیح دهید.
۸. فرق میان زکات و مالیات حکومتی را بیان کنید.
۹. حکمت های سیاسی و اقتصادی زکات را نام گرفته هر یک را مختصرا توضیح دهید.
۱۰. زکات دارای کدام حکمت های فردی و اجتماعی میباشد هر یک را نام گرفته توضیح نمائید.
۱۱. اگر کسی فریضة زکات را انکار کند چه حکم دارد؟ بیان کنید.
۱۲. در رابطه به عقوبت های مانعین زکات یک آیت از قران مجید و یک حدیث پیامبر اسلام ﷺ را بنویسید.

## مآخذ درسهای زکات و حکمت های آن

۱. قرآن کریم
۲. ابو داود، سلیمان بن الاشعث. ب. ت. سنن ابی داود ج ۲. تحقیق عبدالحمید، محمد محی الدین. بیروت: دار الفکر.
۳. البخاری، محمد بن اسماعیل. ۱۴۲۲ هـ. ق. الجامع المسند الصحيح . المحقق الناصر، محمد زهیر. دار طوق النجاة.
۴. البیهقی، احمد بن الحسین. ۱۴۲۰ هـ. ق/ ۱۹۹۹ م. السنن الکبری ج ۴. المحقق سامی بن محمد سلامة. دار طيبة للنشر و التوزیع
۵. الترمذی، محمد بن عیسی. ب. ت. الجامع الصحيح سنن الترمذی ج ۴. تحقیق احمد محمد شاکر و آخرون. بیروت: دار احیاء التراث.
۶. الزحلی ' وهبه. (ب. ت.). الفقه الاسلامی و أدلته ج ۳. سوریه: دار الفکر.
۷. الطبرانی، سلیمان بن احمد. ۱۴۱۵ هـ. ق. المعجم الأوسط ج ۲. تحقیق ابن عوض الله، طارق و الحسینی، عبدالمحسن بن ابراهیم. القاهرة: دار الحرمین.
۸. قرضاوی، یوسف. ۱۳۸۶ هـ. ش. عبادت در اسلام. ترجمه محمد ستاری خرقانی. تهران: نشر احسان.
۹. مصطفی، ابراهیم ، آخرون. ۱۳۸۰ هـ. ق/ ۱۹۶۰ م. المعجم الوسیط. القاهرة: مطبعة مصر
۱۰. الموسوعة الفقهية الكويتية. ج ۲۳. ۱۴۲۷ هـ. ق. الكويت: وزارة الاوقاف و الشئون الاسلامیة.

## درس دوازدهم

### عبادت روزه (صوم) و حکمت های آن

روزه که در زبان عربی به کلمه صوم یا صیام تعبیر میشود، یک عبادت بدنی بوده رکن چهارم از ارکان اساسی در اسلام بشمار می رود. حقیقت روزه خود داری نمودن از خوردن و نوشیدن و جماع نمودن است، از طلوع صبح صادق الی غروب آفتاب به نیت صوم یا روزه. بهیمن ترتیب که حرکات مسلمان در نماز عبادت شمرده می شود زیرا آن حرکات را جهت تطبیق حکم الهی انجام می دهد، به همین شکل عدم خوردن و نوشیدن و عدم جماع به قصد و نیت صوم با پیروی از شریعت پاک اسلام عبادت شمرده میشود که توسط این عبادات انسان به دربار الهی تقرب حاصل نموده خشنودی و رضامندی ذات اقدس الهی را کسب می کند.

ما میدانیم که خداوند عَلَّاهُ هیچ ضرورت به حرکات ما در نماز نداشته و نه نیازی به عدم خوردن و نوشیدن ما دارد، آنچه خداوند از ما می خواهد طاعت و فرمانبرداری از احکام الهی است تا تقوی و پرهیز گاری برای انسان مومن و مسلمان حاصل گردد، زیرا معیار فضیلت و برتریت انسان در دین مقدس اسلام تقوی و پرهیز گاری است. پس باوجودیکه روزه یک حکم الهی است و مکلفیت بالای بنده مومن و مسلمان می باشد، بر علاوه گرفتن آن صد فیصد به نفع و سود دنیوی و اخروی، جسمانی و روانی خود انسان می باشد، بنابراین برای هر انسان مومن و مسلمان واجب است تا در مورد این عبادت الهی معلومات کافی داشته از احکام، فضایل و حکمت های آن آگاهی حاصل کند، تا توانسته باشد آنرا بصورت درست انجام داده و از خیر و برکت آن در دنیا و آخرت مستفید گردد.

### الف: تعریف روزه (صوم)

#### • صوم (روزه) در لغت

صوم در لغت خود داری از انجام عملی را گویند، که در بر گیرنده خود داری از خوردن، نوشیدن، نکاح، راه رفتن و غیره استعمال میگردد. همچنان برای خاموشی نیز صوم گویند زیرا نگهداشتن زبان از سخن گفتن است (۱۸: ۵۳۲). چنانچه قرآن در بیان واقعه مریم علیها السلام میگوید: (إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنُ أَكْلَمَ الْيَوْمَ إِنْسِيَا) (مریم: ۲۶).

ترجمه: "من برای [خدای] رحمان روزه نذر کرده ام و امروز مطلقا با انسانی سخن نخواهم گفت."



## • صوم (روزه) در اصطلاح شریعت اسلامی

صوم در اصطلاح نگهداشتن نفس انسان از خوردنی ها، نوشیدنی ها، خواهشات شهوانی، و امور منافی اخلاقی، که با نیت روزه از طلوع فجر صادق تا زمان غروب آفتاب دوام میداشته باشد. چنانچه در معجم الفقهاء تعریف شده که صوم عبارت است از: "الإمساك عن الطعام والشراب والجماع من مطلع الفجر الصادق إلى غروب الشمس" (۱۶: ۳۳۴). ترجمه: "روزه عبارت است از خود داری نمودن از خوردن و نوشیدن و همبستری از طلوع فجر تا غروب آفتاب". روزه را به دری بخاطر روزه میگویند که این عبادت باید از طرف روز انجام شود.

## ب: روزه در امت های گذشته

روزه در کل از جمله عبادات مشترک میان تمام پیامبران الهی و رسالت های آسمانی میباشد، البته با اختلاف در شروط، تعداد روز ها و کیفیت آن. قسمیکه الله ﷻ در این زمینه می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (البقرة: ۱۸۳). ترجمه: "ای کسانی که ایمان آورده اید روزه بر شما مقرر شده است همان گونه که بر کسانی که پیش از شما [بودند] مقرر شده بود تا باشد که پرهیزگاری کنید."

ازین آیت معلوم می شود که شریعت های که از طرف خداوند متعال نازل شده اند هیچگاه بدون عبادت روزه نبوده اند.

بناء زمانیکه ما در قران مجید نظر اندازی می کنیم این عبادت را در عهد زمان زکریا علیه السلام در میابیم زمانیکه قران مجید از مریم علیها السلام خبر می دهد که: (إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنُ أَكَلَمَ الْيَوْمَ إِنْسِيَا) (مریم: ۲۶).

ترجمه: "من برای [خدای] رحمان روزه نذر کرده ام و امروز مطلقا با انسانی سخن نخواهم گفت."

همچنان در احادیث پیامبر ﷺ روزه های از موسی ﷺ ذکر شده مانند روزه عاشورا و روزه های از داود ﷺ ذکر شده که یک روز می گرفتند و یک روز نه.

چنانچه در روایت آمده که شخصی نزد پیامبر اسلام ﷺ آمده و پرسید: «یا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ بَمَنْ يَصُومُ يَوْمًا وَيَفْطِرُ يَوْمًا قَالَ «ذَلِكَ صَوْمُ دَاوُدَ» (۹: ۳۹۸).

ترجمه: "ای رسول الله چگونه است کسیکه یک روز روزه می گیرد و یک روز می خورد؟ فرمودند: این روزه داود ﷺ بود."

در رابطه به روزه عاشور روایت شده زمانیکه پیامبر ﷺ دریافتند که موسی علیه روز عاشورا را بخاطر غرق شدن فرعون و نجات بنی اسرائیل در آن روز، روزه می گرفتند، فرمودند: «فَأَنَا أَحَقُّ بِمُوسَى مِنْكُمْ فَصَامَهُ وَأَمَرَ بِصِيَامِهِ» (۹: ۹۶).

ترجمه: "من به موسی اولی تر هستم نظر به شما پس آنروز را روزه گرفتند و به روزه گرفتن آن امر کردند."

### ج: دلیل فرضیت و مشروعیت روزه

روزه یکی از ارکان پنج گانه اسلام است که در سال دوم هجرت فرض گردید. فرضیت روزه مانند دیگر عبادات از قرآن، حدیث و اجماع امت ثابت شده است که ذیلاً بیان میشود (۲۲: ۷):

#### ۱. قرآن مجید

الله ﷻ در قرآن مجید در رابطه به مشروعیت و فرضیت عبادت روزه می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (البقرة: ۱۸۳).

ترجمه: "ای کسانی که ایمان آورده اید! بر شما روزه فرض شده است، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما بوده اند فرض بوده است، تا باشد که پرهیزگار شوید."

<sup>۱</sup> : صحیح وضعیف سنن أبي داود (۵/ ۴۲۵) تحقیق الألبانی : صحیح

در آیت بعدی آن الله ﷻ در مورد فرضیت روزه در ماه مبارک رمضان می فرماید:

(شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُم وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ) (البقرة: ۱۸۵)

ترجمه: "ماه رمضان [همان ماه] است که در آن قرآن فرو فرستاده شده است [کتابی] که مردم را راهبر و [متضمن] دلایل آشکار هدایت و [میزان] تشخیص حق از باطل است پس هر کس از شما این ماه را درک کند باید آن را روزه بدارد و کسی که بیمار یا در سفر است [باید به شماره آن] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد] خدا برای شما آسانی می خواهد و برای شما دشواری نمی خواهد تا شماره [مقرر] را تکمیل کنید و خدا را به پاس آنکه شما را رهنمود کرده است به بزرگی بستایید و تا باشد که شکرگزاری کنید."

## ۲. سنت

همچنان فرضیت و مشروعیت روزه ماه رمضان در احادیث متبرکه پیامبر اسلام نیز ثابت شده است. پیامبر ﷺ در مورد ارکان اساسی اسلام می فرمایند: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَالْحُجَّ وَصَوْمِ رَمَضَانَ» (۹: ۲۳).

ترجمه: «اسلام بر پنج اصل بنا شده است: گواهی بر اینکه نیست هیچ معبود مگر الله، و اینکه محمد رسول الله است، برپا داشتن نماز، ادا کردن زکات و حج و روزه رمضان». به همین ترتیب حدیث دیگری در این مورد می فرمایند: «أَتَاكُمُ رَمَضَانُ شَهْرُ مَبَارَكٍ فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فِيهِ صِيَامَهُ» (۲۳: ۶۶).

ترجمه: "ماه مبارک رمضان برای شما فرا رسیده است الله ﷻ روزه آنرا بر شما فرض گردانیده است."

<sup>۱</sup> : صحیح وضعیف سنن النسائی (۲۵۰ / ۵) تحقیق الألبانی: صحیح

### ۳. اجماع

علمای اسلام همه اتفاق نظر دارند که روزه ماه مبارک رمضان فرض می باشد و هر کسیکه آنرا انکار می کند کافر است (۲۲: ۸).

### د: فضیلت و برتریت روزه

#### ۱. اجر و ثواب روزه بی پایان و بی شمار می باشد

پیامبر ﷺ فرموده اند که در مقابل هر عمل نیک انسان به اندازه ده چند اجر و ثواب داده میشود مگر روزه که اجر ثواب آنرا الله ﷻ بیان نکرده بلکه برای خود گذاشته تا خودش اجر و پاداش روزه را برای روزه دار اعطا کند. چنانچه می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ حَسَنَةَ ابْنِ آدَمَ بَعْشَرَ أَمْثَلِهَا إِلَى سَبْعِ مِائَةِ ضِعْفٍ إِلَّا الصَّوْمَ وَالصَّوْمُ لِي وَأَنَا أُجْزَى بِهِ» (۲: ۲۹۰). ترجمه: "الله ﷻ اجر و پاداش نیکی انسان را ده چند تا هفتصد چند بالا می برد مگر روزه که الله ﷻ می فرماید: روزه از من است و من اجر و پاداش آنرا اعطا می کنم."

#### ۲. برای روزه دار دو خوشی است

عبادت روزه برای روزه دار دو خوشی را نصیب می کند یکی خوشی وقت افطار که بعد از انتظاری زیاد می خورد و می نوشد و دیگری هم خوشی اجر و ثواب که از نزد الله در روز قیامت دریافت می کند هنگامیکه با الله ﷻ ملاقی می شود. پیامبر ﷺ در این مورد می فرمایند: «وَلِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ فَرْحَةٌ حِينَ يَفْطِرُ وَفَرْحَةٌ حِينَ يَلْقَى رَبَّهُ» (۹: ۴۱۵). ترجمه: "برای روز دار دو خوشی است خوشی در هنگام افطارش و خوشی دیگر در هنگام ملاقات با رب اش."

#### ۳. برای روزه داران در جنت دروازه مخصوص است

باب ریان در جنت از جمله دروازه هایست که برای روزه داران خاص شده و تنها ایشان از این دروازه داخل شده و دیگر کس داخل شده نمی تواند. پیامبر ﷺ در این مورد می فرمایند:

<sup>۱</sup> : صحیح وضعیف سنن ابن ماجه (۸/ ۳۲۳) تحقیق الألبانی : صحیح

« إِنَّ فِي الْجَنَّةِ بَابًا يُقَالُ لَهُ الرَّيَانُ يَدْخُلُ مِنْهُ الصَّائِمُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يَدْخُلُ مِنْهُ أَحَدٌ غَيْرُهُمْ يُقَالُ أَيْنَ الصَّائِمُونَ فَيَقُومُونَ لَا يَدْخُلُ مِنْهُ أَحَدٌ غَيْرُهُمْ فَإِذَا دَخَلُوا أُغْلِقَ فَلَمْ يَدْخُلْ مِنْهُ أَحَدٌ »

(۹: ۶۴). ترجمه: "در جنت دروازه‌ای است که بنام ریان نامیده میشود، که تنها روزه داران از آن داخل میشوند و کسی دیگری غیرایشان داخل نمیشود. گفته میشود: کجا است روزه داران؟ پس بر می خیزند و کسی دیگری از آن داخل نمیشود و هر زمانیکه داخل می شوند، آن دروازه بسته شده دیگری هیچکسی از آن داخل نمیشود."

#### ۴. روزه برای انسان مسلمان مانند سپهر است در مقابل هوای نفس و شیطان

عبادت روزه بهترین وقایه انسان از امراض خطرناک نفسی است که انسان را به هلاکت می کشاند زیرا روزه حیثیت سپهر را برای انسان دارد که از سرکشی های نفس و وسوسه های شیطان او را نگه میدارد. پیامبر ﷺ در این مورد فرموده اند: «الصَّيَامُ جُنَّةٌ» (۹: ۶۳).

ترجمه: "روزه سپهر است."

از همین جاست که پیامبر ﷺ جوانانی را که امکانات ازدواج و نکاح را ندارند به روزه گرفتن ترغیب و تشویق نموده زیرا روزه باعث کسر قوه شهوت درایشان میگردد. پیامبر ﷺ فرموده اند: «يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ مَنِ اسْتَطَاعَ مِنْكُمُ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَعَلَيْهِ بِالصَّوْمِ فَإِنَّهُ لَهُ وَجَاءٌ» (۹: ۳).

ترجمه: "ای گروه جوانان هر یک از شما که توانائی مکلفیت های نکاح را دارد پس ازدواج کند، و هر کسیکه ندارد پس باید روزه بگیرد زیرا روزه برای او سپهر می باشد."

### هـ: ماه مبارک رمضان و احکام آن

#### ۱. تعریف رمضان

رمضان در لغت از کلمه (رمضاء) گرفته شده که به معنای شدت حرارت میباشد، در زبان عربی گفته میشود که: (رمض الیوم) گرمی امروز بسیار شدت گرفت. همچنان میگویند: (رمض النصل) شمشیر را در بین دو سنگ هموار گذاشت بخاطر اینکه آنرا بکوبد تا هموار گردد (۱۸: ۳۷۴).

علت تسمیه ماه رمضان را دانشمندان اسلامی به معانی آن سوق میدهند، و میگویند که این ماه را رمضان نامیدند، زیرا گناهان را با اعمال نیک میسوزاند. و بعضی هم گویند ازینکه دلها با کثرت شنیدن ارشادات و موعظه ها چنان گرفته میشوند و گرم میگردند، مثل اینکه ریگ ها و سنگ ها در وقت گرمی، حرارت قوی میداشته باشند و بعضی ها گویند که کلمه رمضان از کلمهء (رمضت الشی) گرفته شده است یعنی چیزیکه میان دو سنگ آرد شود، بدین معنا که گناهان انسان در میان اعمال صالحه زیاد متلاشی میگردد و از بین می رود و بعضی از علماء به این نظر اند که چون در ماه رمضان انسان در شدت تشنه گی قرار میگیرد و بدن وی گرم می آید به همین دلیل این ماه به رمضان مسمی شده است (۱۴: ۸۳۱). اما رمضان در اصطلاح شریعت اسلامی ماه نهم از ماه های سال هجری قمری بوده که در بین ماه شعبان و شوال قرار دارد و گرفتن روزه در آن فرض میباشد (۲۱: ۴۰).

## ۲. فضیلت و برتریت ماه رمضان

### ○ رمضان ماه نزول قرآن مجید و دیگر کتب سماوی

ماه مبارک رمضان ماه نزول قرآن عظیم الشان است، بزرگترین تحفه الهی برای هدایت بشریت درین ماه نازل گردیده است، الله ﷻ میفرماید: ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ﴾ (البقرة آیت ۲۹۶).

ترجمه: "ماه رمضان [همان ماه] است که در آن قرآن فرو فرستاده شده است [کتابی] که مردم را راهبر و [متضمن] دلایل آشکار هدایت و [میزان] تشخیص حق از باطل است". همچنان در روایتی از پیامبر ﷺ آمده که فرمودند: صحائف، تورات، انجیل و زبور همه در ماه مبارک رمضان نازل شده اند<sup>۱</sup> (۴: ۱۹۱).

ابن کثیر رحمه الله در تفسیر آیت «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ» میگوید: خداوند متعال ماه مبارک رمضان را نسبت به سایر ماه ها توصیف نموده است زیرا قرآن عظیم الشان

۱: «أُنْزِلَتْ صُحُفُ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنْ رَمَضَانَ وَأُنْزِلَتْ التَّوْرَةُ لِبَنِي إِسْرَءِيلَ فِي ثَلَاثِ عَشْرَةٍ خَلَّتْ مِنْ رَمَضَانَ وَأُنْزِلَ الْفُرْقَانُ لِأَرْبَعٍ وَعِشْرِينَ خَلَّتْ مِنْ رَمَضَانَ» (۴: ۱۹۱).

درین ماه نازل شده است، و همچنانکه این ماه برای نزول قرآن اختیار شده برای نزول سایر کتابهای الهی نیز اختیار شده است ولی فرق صرف همین است که صحیفه ها، تورات، زبور و انجیل، یکمرتبه نازل شده، ولی قرآن عظیم الشان در ماه مبارک رمضان بصورت کامل در بیت العزّة در آسمان دنیا نازل گردیده که این شب نزول، شب قدر در ماه مبارک رمضان بود. خداوند متعال میفرماید: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ (القدر: ۱) و فرموده ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ﴾ (الدخان: ۳) سپس در مدت بیست و سه سال به شکل متفرق مطابق واقعات بالای محمد صلی الله علیه وسلم نازل شده است (۶: ۲۱۶).

### ○ باز شدن دوازه های جنت و مسدود شدن دروازه های جهنم

در این ماه دروازه های رحمت الهی باز شده و هر شب تعدادی کثیری از انسانها از دوزخ نجات پیدا میکنند. پیامبر ﷺ در این مورد می فرماید: « إِذَا اسْتَهْلَّ رَمَضَانُ غُلِّقَتْ أَبْوَابُ النَّارِ وَفُتِّحَتْ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ » (۴: ۵۹۹).

ترجمه: " هر زمانیکه ماه رمضان فرا می رسد، دروازه های جهنم بسته می شود و دروازه های جنت باز می گردد".

### ○ وجود شب قدر در ماه رمضان

در این ماه شبی وجود دارد که عبادت آن نسبت به عبادت هزار ماه که در حدود عمر یک انسان است، بهتر میباشد، چنانچه خداوند ﷻ می فرماید: ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ (القدر: ۳) ترجمه: شب قدر بهتر از هزار ماه است. هزار ماه را میتوان عمر متوسط یک امت پیامبر آخرالزمان شمرد.

همچنان پیامبر ﷺ در این مورد فرموده اند: « إِن هَذَا الشَّهْرُ قَدْ حَضَرَ كَرَمُ وَفِيهِ لَيْلَةُ خَيْرٍ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ مَنْ حَرَمَهَا فَقَدْ حَرَمَ الْخَيْرَ كُلَّهُ وَلَا يَحْرُمُ خَيْرَهَا إِلَّا مَحْرُومٌ »<sup>۱</sup> (۷: ۵۲۶). ترجمه: " به یقین این ماه فرا رسیده و در آن شبی است که بهتر از هزار ماه است هر که از آن محروم شد به یقین از همه خیرها محروم گردید، و محروم نمی گردد از خیر آن مگر محروم واقعی".

<sup>۱</sup> : صحیح وضعیف سنن ابن ماجه (۴/ ۱۴۴) تحقیق الألبانی : حسن صحیح

## درس سیزدهم

### حکمت های روزه

الله ﷻ روزه ماه رمضان را بر مسلمانان فرض گردانیده که دارای آثار، اسرار و حکمت های والا و انکار ناپذیری می باشد که برخی از آنها را ما درک می کنیم و برخی دیگر را درک کرده نمی توانیم. بناءً بر ما لازم است که در حکمت های این حکم خداوندی دقت کنیم و علت و انگیزه های تشریع آن را دریابیم. البته با اعتراف به اینکه ما هرگز قادر نخواهیم بود که همه اسراری را که خداوند از تشریع این حکم اراده کرده است، کشف نمائیم. این حکمت ها و آثار را می توان در موارد ذیل بیان کرد:

#### الف: حکمت های فردی روزه

##### ۱. روزه عامل تقویت روح انسان

انسان یک موجودی دو بعدی است که مُرکب از روح و جسم می باشد. جسم او همواره خواسته های از نوع خواسته های عالم پایین دارد و روح او تمایلاتی از نوع تمایلات عالم بالا دارد. اگر انسان تمایلات روحی خویش را زیر سلطه ی گرایشهای بدنی اش قرار دهد؛ از شکل انسان صاحب اختیار، به شکل حیوان منفور؛ بلکه به شکل شیطان ملعون مبدل خواهد گشت. ولی هنگامی که انسان ارزش خود را دریابد و به راز طبیعت خویش پی ببرد و جنبه ی ملکوتی اش را بر جنبه ی زمینی اش حاکم گرداند و قبل از مُرکب به راکب و پیش از خانه به ساکن خانه توجه نماید و اشتیاق روانی را بر انگیزه ی بدنی غالب سازد؛ یک انسان صاحب اختیار و توانگری به بار می آید. خداوند کریم در مورد همچو انسان ها می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾ (البینة، ۷).

ترجمه: در حقیقت کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، آنانند که بهترین آفریدگانند.

از اینجاست که خداوند روزه را مقرر نموده است؛ تا انسان بوسیله ی آن از سلطه ی غرایز و زندان بر خویش آزاد شده، بر تحریکات شهوانی خود غالب گردیده، بر مظاهر حیوانی خویش حاکم شده و به فرشتگان مانند گردد. بنابر این قابل تعجب نیست که روح



شخص روزه دار اوج گرفته، به جهان بالا نزدیک تر شده، دروازه ی آسمان را با دعای خویش بکوبد و آن را بگشاید و به دربار پروردگار دعاء نماید و خداوند ﷻ هم دعای او را قبول نماید (۱۵: ۲۹۰). پیغمبر ﷺ در این رابطه فرموده است: «ثلاثة لا ترد دعوتهم الصائم حتى يفطر والإمام العادل ودعوة المظلوم»<sup>۱</sup> (۱۲: ۵۷۸).

ترجمه: "سه شخص دعایشان رد نمی شود: روزه دار تا وقتی که افطار کند، پادشاه عادل و دعای مظلوم".

## ۲. روزه عامل پرورش اراده انسان

روزه دارای نوعی تقویت اراده و تمرین استقامت می باشد. روزه دار، گرسنه می شود در حالی که غذای مطبوعی در برابر دارد و با آن که آبی گوارا در دسترس او قرار دارد، تشنه می ماند و با وجود آن که همسرش در کنار اوست، خوشتنداری می کند. هیچ مراقبی جز خدا و هیچ حاکمی غیر از ایمان بالای سرش نیست و چیزی غیر از اراده نیرومند خود، نگاهش نمی دارد و این کار را هر روز در طول حدود پانزده ساعت و یا بیشتر و بیست و نه یا سی روز در هر سال تکرار می کند.

کدام مدرسه ای مانند مدرسه روزه که اسلام آن را در هر ماه رمضان بطور اجباری و در مواقع دیگر به صورت اختیاری می گشاید، می تواند این چنین به تربیت اراده انسانی و آموزش صبر و شکیبائی بپردازد؟!

پیامبر ﷺ ماه رمضان را به ماه صبر و روزه را نصف صبر بیان کرده اند، چنانچه فرموده اند که: «روزه ماه صبر و سه روز از هر ماه، تیرگی دل را می زداید»<sup>۲</sup>. و در حدیث دیگری آمده است: «هر چیزی زکاتی دارد و زکات بدن، روزه است و روزه نصف صبر است»<sup>۳</sup> (۷: ۵۵۵).

دانشمندان اسلامی در مورد چنین نظر دارند که روزه به این دلیل نصف صبر است که در انسان سه نوع گرایش وجود دارد:

<sup>۱</sup> : صحیح وضعیف سنن الترمذی (۸/ ۹۸) تحقیق الألبانی : ضعيف ، لكن ، الصحيحة منه الشطر الأول بلفظ : " .... المسافر "

مکان " الإمام العادل "

<sup>۲</sup> ( صوم شهر الصبر وثلاثة أيام من كل شهر يذهبن وحر الصدور ) صحیح ابن / حبان (۱۴۴۹۷)

<sup>۳</sup> قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ( لكل شيء زكاة . وزكاة الجسد الصوم ) زاد محرز في حديثه وقال رسول الله صلى الله عليه وسلم ( الصيام نصف الصبر ) سنن ابن ماجه ( ۱/ ۵۵۵ )

- ۱- گرایش شهوانی که در جانوران نیز هست
  - ۲- گرایش خشم و غضب که درندگان هم دارند
  - ۳- گرایش روحی همانگونه که در فرشتگان نیز وجود دارد.
- وقتی که نیروی گرایش روحی او بر یکی از دو نیروی دیگر چیره می شود، نصف صبر است و چون به هنگام روزه، فرد مسلمان بر نیروی شهوت جنسی و شهوت شکم فائق می آید، به حق آن را نصف صبر دانسته اند.
- اسلام دین تسلیم و گوشه نشینی نیست، بلکه دین جهاد و مبارزه دائمی است. اولین وسیله لازم برای جهاد نیز صبر و اراده نیرومند است. در نتیجه، کسی که با خود مبارزه نکرده باشد، هرگز نمی تواند با دشمن بستیزد و در صورتی که بر نفس و شهوات خویش غلبه نکرده باشد، محال است که بر دشمن خود پیروز گردد و کسی که بر گرسنگی صبر نداشته باشد، بعید است که دوری از وطن و نزدیکان خویش را به خاطر هدف بزرگی تحمل نماید. روزه، به خاطر ویژگی صبر و خویشتنداری آن، از نمایانترین وسایل اسلام برای آماده سازی مؤمن شکیباء، مرزدار و مجاهدی است که تنگدستی، گرسنگی و محرومیت را تحمل می نماید و سختی، خشونت و دشواری زندگی را تا جهت رضای الله جل و تطبیق احکام او، با گشاده رویی می پذیرد (۱۵: ۲۹۱-۲۹۳).

### ۳. روزه عامل سلامتی بدن انسان

روزه ضمن آن که زمینه ای برای تقویت روح است، فرصتی برای تقویت بدن نیز می باشد، زیرا بسیاری از بیماری ها ناشی از کثرت خوردن می باشد، در حدیث مبارک آمده که «انسان هیچ ظرفی بدتر از شکم خود را پر نکرده است، برای آدمی چند لقمه ای که او را سرپا نگهدارد کافی است، اگر به این هم قانع نبود، یک سوم حصه معده خود را به غذا و یک سوم آنرا به آشامیدن و یک سوم دیگر را برای تنفس خود اختصاص دهد» (۱۱: ۵۹۰). اگر پرخوری عامل اساسی امراض و معده مرکز بیماری ها می باشد، پس در مقابل خودداری نمودن از غذا بهترین دوا و علاج شمرده می شود و هیچ فرصتی مانند روزه برای آسایش

۱: «ما ملأ آدمی شرا من بطن بحسب ابن آدم أكلات یقمن صلبه فإن كان لا محالة فثلث لطعامه وثلث لنفسه» (۱۱: ۵۹۰).

معه و نجات بدن از مواد زیادی و مضر پیدا نمی شود (۱۵: ۲۹۱). قسمیکه رسول الله ﷺ فرموده اند: «صوموا تصحوا» (۲۴: ۴۵۰).

ترجمه: "روزه بگیرید صحتمند شوید."

این مطلب از مطالبی است که دانشمندان طبی روی آن اتفاق نظر دارند که معده هر انسان به استراحت ضرورت دارد تا توانسته باشد دوباره فعالیت خود را بخوبی آغاز نماید.

بنابراین از جمله مهمترین حکمت های روزه صحت و تندرستی جسم انسان قلمداد گردیده است، قبل از اینکه دانشمندان و اطباء در این مورد تحقیقات را انجام دهند، پیامبر اسلام ﷺ این موضوع را بیان داشته اند که: (صوموا تصحوا) (۲۴: ۴۵۰).

ترجمه: "روزه بگیرید صحتمند شوید."

علماء و دانشمندان بعد از اینکه از خلال احادیث پیامبر اسلام ﷺ در رابطه به روزه و نقش آن در حفظ الصحة انسان اطلاع حاصل نمودند، تحقیقات خویش را در زمینه انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که روزه واقعاً بهترین وسیله برای علاج، شفا و وقایه از امراض گوناگون می باشد که صحت و تندرستی انسان را تهدید می نماید. بهمین جهت اکثریت اطباء حتی کسانی که مسلمان هم نبودند کم خوری و یا عدم خوراک و یا خالی نگه داشتن معده را بهترین وسیله جهت علاج بعضی از امراض قلمداد کرده اند (۵: ۶۷).

بدین ترتیب گفته می توانیم که گذشت زمان حقیقت احکام الهی و ارشادات نبوی شریف را به اثبات رسانیده و اینکه تطبیق احکام الهی نه تنها باعث سعادت اخروی انسان میگردد، بلکه در این دنیا نیز برای انسان مفید و سودمند می باشد. اما کسانی که بدون درایت و بدون اینکه در مجال طبابت درایت کامل داشته و بدون اینکه نقش احکام الهی را در حیات و زندگی انسان درک نمایند، بدون دلیل و حجت بنده های خدا را از تطبیق احکام الهی منع میکنند به این گمان که روزه چون باعث خالی شدن معده میگردد لذا انسان دچار زخم معده می شود و یا اینکه تقلیل نسبت مایعات در خلال روزه باعث غلظت خون میگردد، که همه ادعا های بدون دلیل است.

<sup>۱</sup> : (السلسلة الضعيفة (۱) (ص: ۲۹) التخریج: (ضعیف)

الحمد لله اطباءى مسلمان در زمينه تحقيقات خود را انجام داده اند و تمام اين اقوال را رد نموده و به اثبات رسانيده اند که روزه بهترين وسيله علاج امراض و حفظ الصحه بدن است زيرا بعد از آنکه معده توسط روزه استراحت مى کند، خوبتر فعاليت کرده و بصورت درست غذا را هضم و جذب مينمايد که در نتيجه جذب درست غذا باعث تندرستى انسان گرديده و انسان تندرست و صحتمند بسيار کم مبتلا به امراض مى گردد.

#### 4. تربيت بنده گى آفريده گار

شكى نيست که مقصود از زنده گى انسان بنده گى پروردگار است تا انسان به مقتضاي عبوديت و بنده گى خويش بايد به عبادت الله متعال مصروف شود و حتى لحظه اى از زنده گى خود را هم بدون عبادت سپرى ننمايد و از آن غافل نشود، بنابر اين روزه عبادتى است که اين احساس را زنده نگه ميدارد تا انسان بصورت مداوم به بنده گى آفريدگار بپردازد. آنچه به عنوان نماز، روزه، زکات و حج در اسلام بالاي مسلمانان فرض است آنچنان نيست که گويا حق خداوند بالاي انسان فقط همينها اند و بس و وقتى انسان اينها را انجام داد ديگر مسووليت خود را ادا کرده است و هيچ نوع مسووليت ديگر ندارد بلکه اين همه به منظور تربيت بنده گى صورت ميگيرد به اين معنى که وقتى انسان اينها را انجام داد تا اندازه اى تربيت حاصل مى نمايد و مى تواند که زنده گى خود را در چوکات نظام اسلام تنظيم کند و عمر خود را به عبادت سپرى نمايد حالا ببينيم که روزه چگونه انسان را براى اين عبادت بزرگ حاضر و آماده مى سازد؟

يکى از خصوصيت ها و ويژه گى هاى روزه در اين است که خداوند انسان را بصورت مرتب در مدت مديد امر مى کند تا عبادت او را انجام دهد در حالیکه نماز صرف در چند دقيقه محدود انجام مى شود، زکات حتى در سال يکبار ممکن در چند دقيقه انجام و ادا گردد ولى حج در عين که مدت چندی را در بر مى گيرد ولى در طول عمر يکبار انسان مکلف به انجام آن است آن هم نه براى همه کس. بر خلاف تمام عبادت ها در روزه همه ساله يک ماه تمام شبانه روز در مورد به جا آوردن امر الله ﷻ و اتباع سنت پيامبر اسلام ﷺ تمرين مى کند، صبح زود براى خوردن چيزى بيدار مى شويد و درست سر ساعت از خوردن

و نوشیدن دست می کشید، در روز فلان فلان کارهای را می کند و از فلان و فلان کارها امتناع می ورزد وقت غروب آفتاب سر ساعت افطار می کند به نماز عشا می رود و تراویح می خواند این همه را مسلمان مثل افراد نظامی بصورت دقیق انجام میدهد و اگر در یازده ماه دیگر در اعمالش این تربیت و تمرین پدیدار نشد باز سال آینده می آید و تحت تمرین قرارش میدهد تا کمبودات و کسر سال گذشته جبران شود.

بدین ترتیب روزه تمرین و مشق بندگی و عبادت همیشگی الله ﷻ را در انسان ایجاد میکند.

## ۵. حصول تقوا

حصول تقوی یکی از مهمترین و عالی ترین اهداف و حکمت های روزه در قران مجید بیان شده است چنانچه الله ﷻ می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (البقرة ۱۸۳).

ترجمه: "ای مومنان روزه بالای شما فرض شده است ، چنانچه بالای امت های قبل از شما فرض شده بود ، شاید که شما تقوا حاصل نمایید "

در ماه مبارک رمضان انسان مومن بسیاری از اموری را که برایش حلال بودند ، ترک مینماید، از خوردنی های حلال ، نوشیدنی های حلال ، ارتباطات جنسی با همسران که همه اینها برای شان حلال میباشد ، فقط بخاطر رضایت الله ﷻ ترک میگردد، به این صورت ، این انسان مومن صاحب تقوا میگردد، این تقوا در ماه رمضان به مثابه یک کورس عملی تربیت تقوا است که آثار آن در یازده ماه دیگر در وجود انسان روزه دار باقیمانده ، وبعد ازینکه این انسان مومن با تقوا عادت نمود، ماههای بعد از رمضان را نیز با تقوا سپری مینماید .

اصلا انسان روزه دار مطابق احکام الهی و ارشادات نبوی ﷺ سعی و تلاش می ورزد که تمامی احکام الهی را بصورت کامل انجام دهد از تمامی اموریکه الله ﷻ او را منع نموده است اجتناب ورزد و حتی کسانیکه قبل از رمضان به یک سلسله از گناهان مبتلا بودند نمیتوانند که درین ماه گناهان خویش را ادامه دهند زیرا با ارتکاب هر گناهی در روزه انسان خلل وارد میشود، بناء آنها مجبور اند که عادات قبلی را ترک نموده ، مجالس فسق و فساد

را به مجالس عبادت مبدل سازند ، بسیاری از اماکن فساد درین ماه بسته میگردد، کسیکه حقیقتاً از اعمال زشت قبلی خویش پشیمان باشد میتواند در خلال این یکماه مکمل خود را به نیکی ها عادت دهد و با استفاده ازین ماه مبارک خود را متقی سازد .

## ۶. حکمت های اجتماعی روزه

عبادت روزه تنها در محدوده فرد منحصر نشده بلکه فواید و حکمت های اجتماعی را نیز دارا می باشد، تا انسان مسلمان توانسته باشد از افراد جامعه خود آگاهی حاصل کرده و از زندگی یکنواخت که از بسیار امور انسان را غافل می سازد با خبر شود. در جامعه انسانی و یا اسلامی افراد مختلف با امکانات مختلف زندگی می کنند، حکمت الهی تقاضا نموده تا جهت پیشبرد حیات و زندگی انسان ها در این جهان آنها را با امکانات متفاوت خلق نماید تا یکی در خدمت دیگر بوده و معیشت حیات شان به پیش رود. بناء عبادت روزه هم مانند نماز یکی از علل و اسباب است که ارتباط انسان را با افراد جامعه هرچه بیشتر محکم تر و مستحکم تر کرده رشته های اخوت و برادری را تقویت می بخشد.

## ۱. اطلاع یافتن از روزگار مستمندان

عبادت روزه بهترین وسیله ایست که انسان از احوال فقراء مساکین کسانی که یا هیچ چیز ندارند و یا اینکه چیزی دارند ولی کفایت معیشت ایشان را نمی کند، آگاه شده و اطلاع حاصل نماید.

همینکه هر قدر گرسنگی را تعریف کنیم و مشخصات آنرا بیان کنیم انسان که در همه زنده گی خود گرسنگی را ندیده باشد به مفهوم آن پی نمیرد اگر هر قدر به یک انسان صحتمند مریضی را تعریف کنیم. مریض را میبیند که نالش دارد ولی خود احساس نمی کند که مریضی یعنی چه؟ و یا امثال اینها.

به همین ترتیب یک انسان سالی یک مرتبه در یکماه نمیخورد و نمینوشد در ذات خود یکنوع درد شریک شدن و احساس مشترک نمودن و مشاعر و عواطف را هماهنگ ساختن است با مردمانیکه نان ندارند، شریک شدن است با اشخاصیکه وسایل کافی برای زنده گی ندارند و زنده گی رقت بار را سپری مینمایند.

اگر سال یکبار ثروتمندان با مستمندان در یک حالت قرار گیرند در آنوقت میدانند که حالت این بیچارگان چگونه است؟

کسیکه تکلیف زندان و یا سفر را دیده باشد هر گاه با محبوس یا مسافر روبرو شود دفعتاً همان تکلیف را احساس میکند و آماده کمک میشود به همین ترتیب این تکلیف گرسنگی که سال یک مرتبه بالای انسان می آید همین اندیشه، احساس و شعور را در ذهن مسلمان ثروتمند تجدید و احیا میکند و به اساس آن انگیزه، کمک و دستگیری با بینوایان در او پیدا میگردد.

## ۲. ترک عادات غیر اسلامی

حکمت دیگری روزه در این است که یک تعداد از مردم در جامعه به عمل های گوناگون مبتلا اند، کسی به کشیدن سگرت و کسی هم به چرس و نسوار و غیره عادت دارند، اگر برایش گفته شود که این عمل را بگذار در پاسخ میگوید امکان ندارد و چاره ندارم که آنرا بگذارم. در حالیکه ماه رمضان یک نوع تمرین است بر اینکه انسان میتواند قویترین عادت خود را هم پشت سر بگذارد. بطور مثال طفل وقتی از مادر تولد میشود غریزه تناول از همان لحظه در او موجود است و ضرورت فیزیکی وی نیز وجود دارد که در زندگی بخورد و بنوشد، پس انسان میتواند که همین عادت خوردن و نوشیدن را که از بدو تولد با خود دارد، کنترل کند و برای یک ماه روزانه آنرا ترک بگوید.

بناءً بعید نیست که انسان بتواند هر عمل دیگر را بگذارد و هر کاری را که به خود و جامعه مفید نباشد ترک گوید. پس روزه همانند یک کورس است که انسان را در ترک عادات تمرین میدهد. چنانچه دیده می شود که اکثر مردم معتاد در ماه رمضان عمل های خود را ترک می کنند.

در حالیکه امروز دیده میشود که استفاده از افیون، هیروین و مواد نشه آور در مردم بعدی رسیده که بشریت توسط آن تهدید میشود. شفاخانه ها برای معتادین ایجاد شده، بحث های عمیق روز این موضوع جریان دارد که چگونه بشریت را از این مهلکه نجات دهند. روزمره در جهان صد ها تن در این گردآب غرق میشوند و راه و چاره هم میسر نیست که از آن خلاصی یابند.

از همینجاست که برای ما معلوم می شود که احکام الهی اگرچه به نظر قاصر انسان شاید بدون حکمت جلوه کند ولی در حقیقت همه به خیر و فلاح خود انسان و جامعه وی است.

## د: حکمت های سیاسی روزه

دولت و حکومت از نیاز های مبرم در جامعه اسلامی میباشد زیرا ایجاد جامعه بدون دولت و حکومت امکان پذیر نیست، بناء دین مقدس اسلام، مسلمانان را مکلف ساخته تا در هر عصر و زمان مطابق احکام شریعت اسلام حکومت ها و دولتها را تأسیس کنند تا توانسته باشند خوبتر به احکام الهی عمل نموده و هدف خلافت خویش را در روی زمین بر آورده سازند. از همینجاست که شریعت اسلام تطبیق تمام فرایض و واجبات را در اسلام ارتباط مستقیم با امور حکومتداری خوب و دولت داری بهتر داده است، تا اتحاد یکپارچگی مسلمانان در جامعه مستحکم شده و راه های نصرت و پیروزی ایشان فراهم گردد، زیرا در تفرقه و پراگندگی، شکست و ناکامی است. الله جل جلاله در قران مجید می فرماید: ﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ﴾ (الأنفال: ۴۶).

ترجمه: "و خدا و پیامبرش را اطاعت کنید، و با همدیگر نزاع نکنید، که سست شوید، وقوت (ومهابت) شما از میان برود، و صبر کنید، بی گمان خداوند با صابران است."

### ۱. رمضان مظهر وحدت امت

پدیده سیاسی در میان امت مسلمان رمز وحدت و یکپارچگی ایشان است، بناء عبادت روزه یک مظهر وحدت امت اسلام میباشد، زیرا وقتی رمضان فرا میرسد مسلمانها در هر جای از زمین و در هر کشور که باشند بدون اینکه کدام تحذیر وجود داشته باشد روزه گرفته و دهن خود را از خوردن و نوشیدن بند میسازند. این خود قویترین مظهري است که میتوان باتجلی آن دیگر مسایل را در امت اسلام یکپارچه ساخت.

در اسلام نماز، روزه، حج و دیگر عبادات مظاهری اند که همه مسلمانها را روی پدیده های معین و مشخص در یک وقت به یک ترتیب و در یک صف قرار می دهد که همه اینها قوی ترین درس است برای مسلمانها، تا با هم باشند و متحد در یک صف زندگی کنند.

### ۲. رمضان ماه پیروزی و انتصارات

ماه مبارک رمضان مسلمانان را تقویت ایمانی داده و آنانرا برای خدمت گذاری بیشتر و تطبیق کامل دین مقدس اسلام سوق میدهد، هرگاه مسلمانان جهاد با نفس را تمرین کنند و بالای نفس خود غالب شوند، جهاد با دشمنان دین و وطن خویش را نیز میتوانند بصورت



عالی به پیش برند ، تاریخ اسلام و مخصوصا عصر نبوت بهترین نمونه این حقیقت است ، بزرگترین حوادث سیاسی و عسکری عصر نبوت در ماه مبارک رمضان صورت گرفته است ، غزوه بدر که آنرا الله ﷻ بنام یوم الفرقان (روز جدایی بین حق و باطل) یاد کرده است و بزرگترین پیروزی برای مسلمانان بود زیرا توانستند بعد از این غزوه نخستین پایه های حکومت اسلامی را در مقابل تجاوز گران مستحکم سازند ، در همین ماه مبارک رمضان صورت گرفت (۱۷: ۲۹۵).

فتح مکه که بزرگترین پیروزی در سطح جزیره العرب و راهی بسوی انتقال اسلام به جهانیان شد در ماه مبارک رمضان صورت گرفت (۱۷: ۵۶۳). بر علاوه این فتوحات ، کامیابی ها و انتصارات زیاد برای مسلمانان در ماه رمضان نصیب شده است که از جمله مهمترین آنها فتح اندلس در رمضان سال ۹۲ هـ ق و واقعه عین جالوت در رمضان سال ۶۵۸ هـ ق می باشد (۱۷: ۱۰).

همین قوت ایمانی مومنان در ماه مبارک رمضان بود که آنان را به چنین پیروزی ها نایل گردانید ، حکومت های اسلامی و تمدن اسلام هیچگاه نمیتواند با معنویت های ضعیف ، پایه های مستحکم در جامعه انسانی داشته باشد.

### هـ: تارک روزه ماه رمضان و حکم وی

تارک یا ترک کننده روزه ماه مبارک رمضان که به دلیل قطعی ثابت شده از دو حالت خالی نمیشد:

یا ترک کننده آن از روی انکار و عدم قبول و اعتراف به این فریضه است و یا هم از روی استهزا و تمسخر بطور مثال اینگونه بگوید: روزه چیست که بگیرم! شکی نیست حکم چنین شخص تحت حکم انکار عبادت داخل شده و منافی ایمان و عقیده انسان مسلمان است زیرا منجر به تکذیب کلام الله ﷻ میگردد، و تکذیب کلام الله ﷻ کفر می باشد چنانچه الله ﷻ می فرماید: ﴿بَلَىٰ قَدْ جَاءَكَ آيَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾ (الزمر: ۵۹).

ترجمه: "(خداوند می فرماید: آری، آیات من برایت آمد، و تو آن را تکذیب نمودی، و تکبر ورزیدی، و از کافران بودی."

اما اگر تارک روزه ماه مبارک رمضان از روی انکار نبوده بلکه از روی کسالت ، تنبلی و یا ضعف ایمان باشد البته بدون اینکه کدام عذر شرعی وجود داشته باشد، پس شکی

نیست که علماء چنین شخص را فاسق گفته اند، فاسق از کلمه فسق گرفته شده به معنی خروج از احکام الهی می آید، بناء تارک روزه ماه رمضان هم از احکام الهی خروج کرده و به آن عمل نکرده است.

## تمرینات روزه

۱. روزه را در لغت و اصطلاح تعریف کرده، دلایل فرضیت آنرا از خلال آیات قران مجید و سنت مطهره بیان نمائید.
۲. رمضان را در لغت و اصطلاح تعریف کرده برخی فضایل آنرا بطور مستدل بیان کنید.
۳. کدام عبادات در ماه رمضان خاص می باشد، هریک را نام گرفته توضیح دهید.
۴. روزه دارای کدام فضایل می باشد بطور مختصر و مستدل ذکر کنید.
۵. نماز تروایح و اعتکاف در ماه رمضان چه حکم دارند، در مورد معلومات خویش را بنویسید.
۶. حکمت های فردی روزه کدام است هریک را نام گرفته توضیح دهید.
۷. حکمت های عبادتی روزه چه را میگویند و کدام ها اند، مفصلاً بیان کنید.
۸. روزه دارای کدام حکمت های اجتماعی است هریک را نام گرفته توضیح دهید.
۹. چگونه روزه انسان را از عادات زشت و ناپسند منع میکند، بطور مستدل بیان کنید.
۱۰. آیا روزه دارای حکمت های سیاسی نیز میباشد، بصورت مفصل بیان کنید.
۱۱. تارک روزه برای کی گفته میشود و چه حکم دارد بیان کنید.

## مآخذ و منابع روزه و حکمت های آن

۱. قرآن کریم
۲. ابن حنبل، احمد. ۱۴۲۰هـ/ق/۱۹۹۹م. مسند الامام احمد بن حنبل ج ۷. المحقق الارنؤوط، شعيب. مؤسسة الرسالة .
۳. ابن حنبل، احمد. ۱۴۲۰هـ/ق/۱۹۹۹م. مسند الامام احمد بن حنبل ج ۱۴. المحقق الارنؤوط، شعيب. مؤسسة الرسالة .
۴. ابن حنبل، احمد. ۱۴۲۰هـ/ق/۱۹۹۹م. مسند الامام احمد بن حنبل ج ۲۸. المحقق الارنؤوط، شعيب. مؤسسة الرسالة .
۵. ابن سينا، حسين بن عبدالله (ب.ت). القانون في الطب. ج ۶. دارالجلبي للنشر.
۶. ابن كثير، اسماعيل بن عمر. ۱۴۲۰هـ/ق/۱۹۹۹م. تفسير القرآن العظيم ج ۱. تحقيق سامي بن محمد سلامة . دار طيبة للنشر و التوزيع
۷. ابن ماجه، محمد بن يزيد. ب.ت. سنن ابن ماجه ج ۱. تحقيق عبدالباقى، محمد فؤاد. بيروت: دارالفكر.
۸. ابو داود، سليمان بن الاشعث. ب.ت. سنن ابى داود ج ۲. تحقيق عبدالحميد، محمد محى الدين. بيروت: دار الفكر.
۹. البخارى، محمد بن اسماعيل. ۱۴۲۲هـ.ق. الجامع المسند الصحيح . المحقق الناصر، محمد زهير. دار طوق النجاة.
۱۰. البيهقي، احمد بن الحسين. ۱۴۱۰هـ.ق. شعب الايمان ج ۳. تحقيق زغلول، محمد السعيد. بيروت: دار الكتب العلمية.
۱۱. الترمذى، محمد بن عيسى. ب.ت. الجامع الصحيح سنن الترمذى ج ۴. تحقيق احمد محمد شاكر و آخرون. بيروت: دار احياء التراث.

١٢. الترمذی، محمد بن عیسی. ب، ت. **الجامع الصحيح سنن الترمذی** ج ٥. تحقیق احمد محمد شاکر و آخرون. بیروت: دار احیاء التراث.
١٣. الزحیلی 'وهبه. (ب. ت.). **الفقه الاسلامی و أدلته** ج ٣. سوریه: دار الفکر.
١٤. الفیروز آبادی، محمد بن یعقوب. ١٤٢٦ هـ ق/ ٢٠٠٥ م. **القاموس المحيط**. بیروت: مؤسسه الرساله للطباعه و النشر و التوزیع.
١٥. قرضاوی، یوسف. ١٣٨٦ هـ ش. **عبادت در اسلام**. ترجمه محمد ستاری خرقانی. تهران: نشر احسان.
١٦. قلعه جی، محمد رواس و حامد صادق قنّی. ١٤٠٨ هـ ق/ ١٩٧٧ م. **معجم لغة الفقهاء**. بیروت، لبنان: دار النفائس للطباعه و النشر و التوزیع.
١٧. مبارکفوری، صفی الرحمن. ١٣٨٨ هـ ش. **سیره النبی الرحیق المختوم**. مترجم، عبدالله خاموش هروی. تربت جام: احمد جام.
١٨. مصطفی، ابراهیم، آخرون. ١٣٨٠ هـ ق/ ١٩٦٠ م. **المعجم الوسیط**. القاهرة: مطبعه مصر.
١٩. الموسوعه الفقهیه الكويتیه. ج ٥. ١٤٢٧ هـ ق. الكويت: وزارة الاوقاف و الشئون الاسلامیه.
٢٠. الموسوعه الفقهیه الكويتیه. ج ٢١. ١٤٢٧ هـ ق. الكويت: وزارة الاوقاف و الشئون الاسلامیه.
٢١. الموسوعه الفقهیه الكويتیه. ج ٢٣. ١٤٢٧ هـ ق. الكويت: وزارة الاوقاف و الشئون الاسلامیه.
٢٢. الموسوعه الفقهیه الكويتیه. ج ٢٩. ١٤٢٧ هـ ق. الكويت: وزارة الاوقاف و الشئون الاسلامیه.
٢٣. النسائی، ابو عبد الرحمن احمد بن شعیب. ١٤٢٠ هـ ق. **السنن الکبری** ج ٤. بیروت: دارالمعرفه.
٢٤. الهندی، علاء الدین علی بن حسام. ١٤٠١ هـ ق/ ١٩٨١ م. **کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال** ج ٨. المحقق، بکری حیانی. مؤسسه الرساله

## درس چهاردهم عبادت حج و حکمت های آن

عبادات در اسلام به دو نوع می باشد: عبادت های مالی و عبادت های بدنی. آنچه از ارکان اسلام بیان شد از نماز و روزه عبادت های بدنی بودند و آنچه ذکر از زکات رفت عبادت مالی بود اما عبادت حج یک عبادت جامع است که هم عبادت مالی است و هم عبادت بدنی.

حج رکن پنجم از ارکان اسلام می باشد، زیرا این رکن از جمله آخرین ارکان اسلام است که در سال نهم هجری فرض گردید و آخرین رکن است که پیامبر ﷺ بعد از ادا کردن آن در سال دهم هجری دنیا را وداع کرده به رفیق الاعلی پیوستند و با وفات ایشان دروازه نبوت و رسالت برای ابد بند شده و دین اسلام با تمام احکام خود تکمیل گردید.

حج از افضل ترین عبادات می باشد زیرا که شامل عبادت مالی و بدنی هر دو می گردد، و حج یک عبادت جامع است زیرا در بر گیرنده معانی همه عبادات می شود، چنانچه کسی که حج می کند مثل اینست که نماز خوانده، روزه گرفته، اعتکاف کرده، زکات را داده و جهاد در راه الله ﷻ را کرده است (۵: ۳۹۹).

### الف: تعریف حج

حج کلمه عربی بوده در لغت بمعنای قصد کردن (۹: ۱۵۷) و در اصطلاح شرعی عبارت از قصد زیارت بیت الحرام در موسم حج بخاطر ادای مناسک آن می باشد (۱۰: ۲۳). چونکه در ایام حج مسلمانان از سراسر جهان قصد و عزم زیارت بیت الله ﷻ را می کنند این قصد و عزم آنها را "حج" می گویند و مناسک جمع منسک بمعنای تقرب و نزدیکی به الله ﷻ می باشد و اعمال حج را هم مناسک گفته اند بدلیل اینکه حج باعث تقرب و نزدیکی به خداوند می شود.

حج برای هر فرد مسلمان آزاد، عاقل، بالغ و صحتمند که قادر به مصارف آن که افزود از زندگی او باشد، در تمام عمر یکبار فرض است.

## ب: تاریخچه حج

تاریخچه حج در اسلام از عهد و زمان ابراهیم علیه السلام آغاز میگردد، زمانیکه به امر الله ﷺ بنای تعمیر کعبه شریفه را آغاز و قواعد آنرا با پسر شان اسماعیل علیهما السلام بلند کردند چنانچه الله جل جلاله در قران مجید از این واقعه خبر می دهد که : ﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ (البقرة: ۱۲۷)

ترجمه: " و (به یاد آورید) هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل پایه های خانه (کعبه) را بالا می بردند، (و می گفتند): پروردگارا! از ما بپذیر، همانا که تویی شنوای دانا."

بعد از بنای کعبه شریفه ابراهیم علیهما السلام مکلف گردید تا مردم را برای حج و زیارت بیت الله دعوت نماید، قسمیکه الله ﷻ در سوره حج می فرماید: ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾ (الحج: ۲۷)

ترجمه: " و در (میان) مردم به حج ندا بده، تا پیاده و (سوار) بر هر (مركب و) شتر لاغری از هر راه دوری به سوی تو بیایند."

تفسیر ابن کثیر در تفسیر این آیت می نویسد: زمانیکه ابراهیم علیهما السلام از بنای کعبه خلاص شده برای او امر شد تا مردمان را به زیارت آن ندا کند. همان بود که ابراهیم علیهما السلام بنابر برخی روایات به بالای کوه صفا رفته و از آنجا ندا کرد که: ای مردمان پروردگار تان خانه را به خود نسبت کرده پس آنرا زیارت نمائید. از همینجا بود که حج بر مردمان همه فرض گردید و از هر گوشه و کنار زمین مردم به زیارت آن بشتافتند (۲: ۲۲۲).

اما مشرکین مکه زمانیکه تعالیم انبیاء علیهم السلام را فراموش کرده بودند تغییرات زیاد را در مراسم حج از پیش خود ایجاد کردند که از جمله وضع بتان در اطراف خانه کعبه و طواف نمودن ایشان بصورت برهنه بود (۸: ۳۰۰).

زمانیکه پیامبر ﷺ به نبوت و رسالت مبعوث شدند هنوز هم مشرکین مکه به همانطوریکه خودشان عبادت حج را عیار کرده بودند ، حج را انجام میدادند تا اینکه الله ﷻ در سال نهم هجری حج را بر مسلمان امت پیامبر آخرالزمان فرض گردانید ، در قدم اول ابوبکر صدیق با مجموعه از اصحاب حج کردند و بعداً پیامبر ﷺ خودشان این فریضه را انجام دادند و تمام

احکام، قواعد و ضوابط آنرا عملاً برای امت روشن ساختند و تمامی بدعت هائرا که مشرکین مکه در مناسک حج ایجاد نموده بودند، از بین بردند. سر انجام از آن زمان تا امروز مسلمانان این فریضه را انجام داده و رکن پنجم از ارکان اسلام را تکمیل می سازند.

## ج: دلایل فرضیت حج و مشروعیت آن

### ۱. قران مجید

عبادت حج با دلایل قطعی از قران مجید بالای مسلمانان فرض گردیده است چنانچه الله ﷻ در این مورد در سوره آل عمران می فرماید: ﴿وَلِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا﴾ (آل عمران: ۹۷).

ترجمه: "و حق خداست بر مردمان حج خانه کعبه هر که توانائی دارد رفتن بسوی آن از جهت اسباب راه".

در آیت دیگری در مورد فرضیت حج الله ﷻ می فرماید: ﴿الْحُجُّ اَشْهُرٌ مَّعْلُوْمَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيْهِنَّ الْحُجَّ فَلَا رَفَثٌ وَّلَا فُسُوْقٌ وَّلَا جِدَالَ فِی الْحُجِّ﴾ (البقرة: ۱۹۷).

ترجمه: "حج در ماههای معلوم و معینی است، پس کسی که در این ماهها حج را (بر خود) فرض گرداند. (باید بداند که) در حج آمیزش جنسی و گناه و جدال (روا) نیست".

### ۲. سنت

زمانیکه الله ﷻ حج را بالای مسلمانان فرض گردانید، پیامبر ﷺ برای مسلمانان خطبه داده و فرمودند: «ایها الناس قد فرض الله علیکم الحج فحجوا فقال رجل اكل عام یا رسول الله فسكت حتى قالها ثلاثا فقال رسول الله ﷺ لو قلت نعم لوجبت ولما استطعتم» (۱۳: ۹۷۵).

ترجمه: "ای مردمان الله ﷻ حج را بر شما فرض گردانیده است پس حج کنید. شخصی گفت: آیا در هر سال ای پیامبر خدا؟ پیامبر ﷺ سکوت اختیار کردند. تا اینکه سه بار تکرار کرد. پس پیامبر ﷺ فرمودند: اگر بگویم بلی، پس واجب میشد، در حالیکه شما توانی آنرا نمی داشتید."

در حدیث دیگری پیامبر ﷺ در مورد فرضیت حج چنین ارشاد می فرمایند: «من ملک زادا وراحلةً تبلغه إلى بیت الله ولم يحج فلا علیه أن يموت یهودیا أو نصرانیا»<sup>۱</sup> (۴: ۱۷۸).

<sup>۱</sup> : صحیح وضعیف سنن الترمذی (۲/ ۳۱۲) تحقیق الالبانی : ضعیف

ترجمه: "هر کسیکه توشه و هزینه سفر را دارد که او را به بیت الله برساند ولی حج نکند، پس فرق نمی کند که یهودی مرده است یا نصرانی".

### ۳. اجماع

حج از جمله ارکان اساسی اسلام است که علما و فقهای جهان اسلام از صدر اسلام تا امروز به فرضیت آن اتفاق نظر دارند و منکر آن را کافر می دانند (۱۰: ۲۴).

بناء از خلال این دلایل قطعی معلوم می شود که حج بالای مسلمانان فرض بوده و فرضیت آن در تمام عمر صرف یکبار صورت میگیرد، زیرا اگر حج مانند دیگر ارکان اسلام فرضیت آن مکرر می بود مسلمانان حتماً در حرج و سختی واقع می شدند در حالیکه اسلام هیچگاه سختی و حرج را بر انسان روا نمی دارد، چنانچه الله ﷻ در قران مجید ما را خبر داده می فرماید: (وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ) [الحج: ۷۸].

ترجمه: "و در دین برای شما هیچ سختی (و تنگنایی) قرار نداد".

### د: فضیلت و برتریت حج

فضایل حج در احادیث گهربار پیامبر ﷺ بیان گردیده و مسلمانان را در ادا کردن آن ترغیب داده اند، تا ایشان در ادای آن تنبلی و کسالت نکرده و بدانند که زحمت و تکلیف که در مراسم حج متحمل می شوند خالی از اجر، ثواب، مغفرت و تقرب به دربار الله ﷻ نمی باشد.

### • حج بهترین وسیله بخشش گناهان

پیامبر ﷺ فرموده اند که حج آنطور انسان را از گناه پاک می سازد گویا تازه از مادر تولد شده است، بدین معنی که همانطوریکه طفل از رحم مادر تولد می شود و در صفحه اعمال او هیچ گناه درج نمی باشد، بهمین شکل انسان که با تمام شروط، حج را انجام می دهد صفحه گناهانش پاک می گردد. ابوهیرره رضی الله عنه از پیامبر ﷺ روایت کرده اند که فرمودند: «مَنْ حَجَّ فَلَمْ يَرْفُثْ وَلَمْ يَفْسُقْ رَجَعَ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ» (۳: ۲۷۴).

ترجمه: "کسی که حج کند و فحش گوئی نکرده و فسق ننماید، مانند روزی که مادرش او را زائیده بود (بی گناه) باز می گردد".



## • حج بهترین وسیله دخول جنت

حج چون آخرین رکن از ارکان اسلام می باشد ، بناء انسان مسلمان که تمام ارکان اسلام را انجام داده و سرانجام فریضه حج را نیز در صورتیکه توانائی داشته باشد، ادا میکند لذا دین خود را تکمیل کرد و مستحق جنت گردید ، چنانچه پیامبر ﷺ در این مورد می فرمایند: «وَالْحَجُّ الْمَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلَّا الْجَنَّةُ» (۳ : ۱). ترجمه: "و حج قبول شده پاداشی جز بهشت ندارد."

## • حج در اسلام بهترین جهاد برای اشخاص ضعیف و زنان

جهاد از جمله اعمال افضل است که انجام دادن کار آسان نمی باشد، بلکه از انسان قوت ، صبر و تحمل پذیری و شجاعت ایستادن و رمزیدن در مقابل دشمن را تقاضا می کند و شکی نیست که برای انسان های ضعیف و زنان کار ساده نبوده بلکه مشقت های زیاد دارد، بناء به جهت اینکه این طبقه هم از خیر و فضیلت جهاد محروم نمانند، اسلام حج را منحیث جهاد برای آنها قرار داده است، چنانچه پیامبر اسلام ﷺ در این مورد ارشاد می فرمایند: «جهاد الكبير والضعيف والمرأة الحج والعمرة»<sup>۱</sup> (۱۲ : ۳۲۱). ترجمه: "جهاد انسانهای پیر، ضعیف و زن حج و عمره است."

هـ: مکانت خانه کعبه شریفه در اسلام

خانه کعبه شریفه اولین خانه ای است که به منظور عبادت خدا در روی زمین برپا شده و آباد کننده آن، دو پیامبر و فرستاده الله ﷺ هستند که ابراهیم و فرزند شان، اسماعیل علیهما السلام میباشند. چنانچه الله ﷻ می فرماید: ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ﴾ (آل عمران: ۹۶).

ترجمه: "براستی نخستین خانه ای که برای (عبادت) مردم قرار داده شده، همان است که در مکه است، که پر برکت و (مایه) هدایت جهانیان است."

پروردگار عالمیان خودش مکان خانه کعبه را برای ابراهیم علیه السلام بیان کرده و بعد ایشان را امر نمود تا آنرا جهت عبادت الله واحد و یگانه پاک نگهدارند و مردم را به زیارت

<sup>۱</sup> : صحیح وضعیف سنن النسائی (۱ / ۶۱) تحقیق الألبانی : حسن ، و فقرة المرأة صحیحة من حدیث عائشة ،

آن دعوت کنند. در سوره حج الله ﷻ در این مورد می‌فرماید: ﴿وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهَّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾ (الحج: ۲۶، ۲۷)

ترجمه: "و (به یاد آور) زمانی را که جای خانه (کعبه) را برای ابراهیم تعیین کردیم؛ (و گفتیم:) چیزی را شریک من قرار مده، و خانه‌ی مرا برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و رکوع (و) سجود کنندگان پاک گردان. و در (میان) مردم به حج ندا بده، تا پیاده و (سوار) بر هر (مرکب و) شتر لاغری از هر راه دوری به سوی تو بیایند."

بسیاری از این اعمال، در حج دوران جاهلیت نیز وجود داشت که از آیین ابراهیم به ارث مانده بود. اما آنها (بت پرستان) حق و باطل و درست و نادرست را در هم آمیخته و در نتیجه حج را از مسیر خود منحرف نموده، کعبه [خانه توحید] را پر از بتها و مجسمه‌ها کردند و آنها را در کنار خدا، معبود خویش قرار داده و به منظور نزدیکی جستن به خدا پرستش نمودند، نذرها و قربانیها را نثار آنها نموده گفتند: این مال خداوند، و این هم مال شریکان ما! سپس روشها و آدابی در حج پدید آوردند از جمله این که، به صورت برهنه به گرد خانه خدا طواف می‌کردند، با این خیال که طواف با لباسهای آلوده به گناه، سزاوار خانه خدا نیست! همچنین برخی از نعمتهای پاک خدا از قبیل چربی و غیره را بر خود حرام کردند.

اسلام آمد و حج را از انحرافات جاهلی و آلودگیهای شرک پیراست و آن را تماماً و خالص، در جهت بندگی خدا قرار داد و بر آن برهنگی زشت و تحریم خودسرانه نعمتهای خدا حمله نمود.

برای اسلام عیب نیست که آداب صحیح اعراب و آیینهایی را که از دین ابراهیم ارث برده بودند، حفظ نماید و با این کار مراحل بعدی تاریخ ایمان را به مراحل پیشین آن اتصال می‌دهد و وحدت دین حق نزد خدا را به اثبات میرساند (۸: ۳۰۱-۳۰۲).

## درس پانزدهم

## برخی حکمت های عبادت حج

حج بیش از همه عبادات دیگر دارای امور تعبدی می باشد که شاید دلیل آن بطور دقیق و مفصل دریافت نشود، اما تأثیرات آن در زندگی فردی و اجتماعی انسان خیلی واضح و روشن از دیگر عبادات است، چنانچه الله ﷻ ارشاد فرموده است: ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ﴾ ... (الحج، ۲۷ و ۲۸).

ترجمه: "و در میان مردم برای [ادای] حج بانگ برآور تا [زایران] پیاده و [سوار] بر هر شتر لاغری که از هر راه دوری می آیند به سوی تو روی آورند تا شاهد منافع خویش باشند و نام خدا را در روزهای معلومی ببرند".

این توجیه قرآن از چنین حرکت مبارکی که مردم پیاده و سواره از نقاط دوردست آن را در پیش میگیرند؛ دریچه ی وسیعی برای دقت در منافع آشکاری که قرآن آن ها را بر ذکر خدا (جل جلاله) مقدم داشته است، بروی ما می گشاید.

بنابراین میتوان برخی از حکمت ها و آثار حج را در موارد ذیل بیان کرد:

## الف: حکمت های فردی

## ۱. حج یک منبع نیروی معنوی و عاطفی است

حج مولد یک نیروی معنوی در مسلمان است که وجود او را مملو از فروتنی و تقوی در برابر الله ﷻ و تصمیم به اطاعت؛ و پشیمانی از نافرمانی او تعالی گردانیده و عاطفه محبت به الله ﷻ و رسول الله ﷺ را در وی سیراب میگرداند و همچنان احساسات برادری نسبت به فرزندان اسلام را در هر مکانی که باشند در او زنده کرده و آتش حماسه اعتقادی و تمسک نسبت به مقدسات را در سینه وی می افروزد.

هرگاه به حقیقت حج نظر اندازیم این درحقیقت یک سیری است بسوی الله ﷻ، سیری بسوی تاریخ انسانیت و مسلمانان، سیری بسوی شخصیت های اززنده و تاریخ ساز، سیری است بسوی محبت و عشق و سیری است بسوی اصل انسان.

درین سفر هرانسانی حیات شخصیت های تاریخی را تمثیل میکند، گاهی حیات ابراهیم، گاهی حیات هاجر، گاهی حیات اسماعیل و گاهی هم درد ها و رنج های همه را. بنابر این نیروی عاطفی و روحی مزبور؛ موجودیت معنوی انسان را بطور قابل ملاحظه ی رشد می بخشد. نه تنها این ها؛ بلکه به او خلقتی نوین می دهد و او را همچون یک موجود تازه تولد شده، به استقبال زندگی سراسر پاکی می فرستد (۸: ۳۰۳-۳۰۴). رسول اکرم ﷺ می فرماید: «مَنْ حَجَّ فَلَمْ يَرْفُثْ وَلَمْ يَفْسُقْ رَجَعَ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ» (۳: ۲۷۴). ترجمه: "کسی که حج کند و فحش گوئی نکرده و فسق ننماید، مانند روزی که مادرش او را زائیده بود (بی گناه) باز می گردد."

## ۲. وسعت و گسترش افق دید

حج، وسعت بخشنده به دیدگاه فرهنگی شخص مسلمان و پیوند دهنده او با دنیای بزرگ پیرامون او میباشد. در ایام حج یک مسلمان، برادران خود از پنج قاره دنیا را می بیند که سرزمینها، رنگ ها و زبانهایشان تفاوت دارد و تنها، پیوند ایمان و اسلام آنان را دور هم گرد آورده است و شعار واحدی سر داده اند: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ».

سفر حج؛ دربردارنده ی درس تحمل سختی ها، دوری از وطن، جدائی از خویشان و چشم پوشی از آسایش و فراغت زندگی در میان خانواده و دوستان است. حکمت الهی نخواست است که این سفر؛ بسوی سرزمین های سرسبز جهان و تفریح گاه های بهاری و تابستانی مردم، انجام گیرد؛ بلکه مقتضای اراده ی خداوندی این بوده است که حج؛ در بیابان بی آب و علف، که نه برای تفریح بهاری مناسب است و نه هم برای تفریح تابستانی، انجام گیرد. و این؛ وسیله ی تربیت فرد مسلمان در تحمل دشواری ها و ناگواری ها و مقابله با مشکلات زندگی می باشد.

بنابر این؛ حج نیز در آماده سازی مسلمان برای جهاد و مبارزه، با روزه مشترک است. زندگی حج گزار از نظر سهولت و صعوبت، بسیار شبیه زندگی یک جهانگرد است؛ زندگی سراسر مسافرت و جا به جای رفتن و دوری از خوشگذرانی و غیره. این حکمت؛ هنگامی بیشتر جلب توجه کرد که، خداوند ﷻ حج را همراه با سال قمری در حال گردش قرار داد؛ که گاهی در گرمای سوزان تابستان و گاهی در سرمای طبیعی زمستان فرا میرسد و این؛ بدان جهت است که مسلمانان آماده گی تحمل همه ی وضعیت ها را داشته باشند و بتوانند در برابر مشکلات گوناگون بردباری کنند (۸: ۳۰۴-۳۰۵).

### ب: حکمت های اجتماعی حج

#### • پیوند اخوت و برادری میان مسلمانان

حج بیت الله شریف من حیث یکی از مراسم و مناسک مهم دین مقدس اسلام، نقش مهمی را در فرهنگ اصیل اسلامی بازی میکند، درینجا مسلمانان تمامی جهان با نژاد ها، مذاهب، زبانها، قومیت ها و اعتبارات مختلف حضور حاصل نموده و همه مانند برادران و خواهران در اطراف کعبه شریف، ساحه منی، عرفات و سایر مناطق حج با یک لباس و یک شعار مصروف عبادت پروردگار خویش میشوند، درینجا مهمترین فرهنگ اسلامی که عبارت از مساوات و برابری میان بشریت است بخوبی جلوه گر میشود، درینجا صرف یک فرهنگ وجود دارد، و آنهم فرهنگ ایمانی است که بر پایه های توحید استوار است.

درینجا فرهنگ اختلافات از بین رفته و همه بدون در نظر داشت زبان، نژاد و جنسیت به عبادت پروردگار میپردازند.

اجتماع اسلامی منحصر به کدام مرزی نبوده، بلکه یک مسلمانیکه رب العالمین را عبادت نمود، همیشه سعی و تلاش وی برای پیوند دادن ملت های مختلف جهان برای بهبود جامعه انسانی میباشد. اکنون حج این فرهنگ عمیق انسانی را در میان ملت ها زنده ساخته و تمامی مرز های جغرافیایی، نژادی، مذهبی، حزبی، زبانی و قومی را از بین برده همه را با یک شعار، یک لباس و یک مکان جمع نموده، همه بدون در نظر داشت تمامی اختلافات مراسم شانرا ادا میکنند.

در مراسم حج فرهنگ اسلامی که به اساس اخوت و وحدت ملت ها نهاده شده است ، به گونه بسیار عالی آن تمثیل میگردد . و هرگاه در بقیه اوقات نیز این فرهنگ مراعات گردد ، تمامی خشونت ها و بد بینی ها از بین رفته ، همه مسلمانان میتوانند جامعه اسلامی ایرا به جهانیان تقدیم نمایند که الگو برای انسان سازی و انسان زیستی باشد.

### • از بین رفتن تفاوت ها و فوارق میان مسلمانان

اگرچه بعضی از مادی پرستان به لباس های ظاهری افتخار نموده و شخصیت خود را در پوشیدن لباسهای فاخر میدانند و خود را نسبت به دیگران برتریت میدهند، برای اینکه در هنگام ملاقات جهانی مسلمانان پوشیدن لباسهای مختلف مومنان را از حقیقت ها به سوی امور مادی مصروف نسازد، برای همه توصیه شده تا یک لباس سفید برتن کنند تا هیچ کسی احساس کمی و یا برتری ننماید و همچنان رنگ سفید را برای بیاد داشتن روز محشر که همه سفید پوش اند، و در قبر نیز با لباس سفید میروند و این یاددایی روز محشر و قبر، در حقیقت روح معنوی انسانرا از مادیت بیرون کشیده و بسوی ملکوت و معنویت رهسپار میسازد و بدین سان تمامی مسلمانان با یک لباس، بسوی یک هدف به حقیقت ها خود را نز دیک میسازند.

احرام عبارت است از نیت حج و برکندن لباس معمولی که عامل خودنمایی و تفاخر و آرایش مردم است و اکتفا به لباس سفید رنگ ساده ای که هیچ کار و تفننی در آن به کار نرفته و خیلی شبیه به کفن مردگان مسلمانان است و بازگشت به پاکی و سادگی طبیعی میباشد.

اسلام دوست ندارد که اصول و ارزشهای اجتماعی آن در شکل شعار و حرف محض باقی بماند بلکه میان عبادات و شعائر خویش، پیوندی محکم برقرار نموده است تا به عنوان یک درک احساس ویژه به درون اندیشه و قلب انسان راه یابد و مسیر عملی و فکری او را در زندگی ترسیم نماید.

در رابطه با نماز جماعت دیدیم که چگونه مفاهیم اخوت و برابری و آزادی را رشد می دهد و اینک در حج نیز معنی برابری را در نمایانترین و کاملترین شکل آن مشاهده

می کنیم، در حج همگان پوشاکها و زرق و برقهای آرایش خود را که برحسب اختلاف و گوناگونی سرزمینها طبقه ها، امکانات و سلیقه ها مختلف هستند، دور می افکند و لباس ساده ای همانند کفن مرده ها که برای پادشاه، زمامدار و فقیر و مسکین یکسان است بر تن می کنند و همگی با هم بدون این که تمایزی میان سرمایه داران و گنجاندوزان با تهی دستان گرسنه وجود داشته باشد، به گردخانه طواف می کنند و هزاران هزار نفر در عرفات می ایستند و هر چه نگاه کنی، اثری از فقر تهی دستان و برخورداری ثروتمندان مشاهده نمی کنی و همگی با آن لباس سفید و اجتماع انبوه، فقط تصویر اجتماع مردمی را که در روز رستاخیز از گورها برمی خیزند، در ذهن مجسم می کنند.

### • برازندگی نقش زنان در حج

تاریخ اسلام زنان قهرمانی داشته که برای رسیدن به حقایق همیشه درسنگرهای مبارزه بر ضد کفر و شرک خون خود را نثار نموده اند، سمیه نخستین شهید اسلام بر ضد ابو جهل قد علم نمود و خون خود را فدای اسلام نمود و زمانی هم خانم ابراهیم در صحرای خشکین مکه برای دریافت قطرات آب برای یگانه فرزند خویش که بعد ها لقب ذبیح الله را قهرمانانه حاصل میکند، در میان صفا و مروه سیرو حرکت میکند، الله جل جلاله حرکت این زن مومنه را و خواسته هایش را قبل از بلند نمودن دست دعا بر آورده می سازد، و در زیر قدمهای اسماعیل چشمه مقدسی را فوران می دهد که حجاج بیت الله شریف با سعی میان صفا و مروه شهکاری های این زن قهرمان را تمثیل نموده، می خواهند خود را در قطار آنان محاسبه نمایند.

بنابراین کسانی که در رابطه به موقف زنان در اسلام دچار سر درگمی اند باید در حکمت حج یک اندازه توجه کنند تا منزلت زن را در اسلام دریابند که امروز میلیون ها انسان صرف بخاطر نقش قدم یک زن در صفا و مروه رفت و برگشت کرده و بدون آن حج ایشان تکمیل نمیشود.

## ج: حکمت های اقتصادی

از نظر مادی، حج فرصت با ارزشی برای مبادله منافع تجاری میان مسلمانان در سطحی وسیع می باشد.

برخی از مسلمانان در روزگار پیامبر ﷺ از معامله تجارتي در ایام حج کناره می گرفتند و از هر فعالیت دنیوی که سود و درآمدی نصیب آنها می کرد از ترس سقوط پاداش خدا و نقصان عبادت خویش ابا می ورزیدند. اما خداوند کریم اجازه این کار را برایشان اعطا کرد ولی به شرطی که نیت خالص باشد و هدف اساسی همان حج تلقی شود.

ابن عباس رضی الله عنهما روایت نموده است که «عکاظ و مجنه و ذوالمجاز» بازارهای زمان جاهلیت بودند. مردم از این که در موسم حج داد و ستد کنند، احساس گناه نمودند و از رسول خدا ﷺ در این باره استفسار نمودند و این آیه نازل گردید: ﴿لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ﴾ (البقرة: ۱۹۸).

ترجمه: «گناهی نیست بر شما از اینکه فضل الله جل جلاله را بجوئید» (۳: ۱۱۶).

همچنین در تفسیر المنار پیرامون این آیت چنین تذکر رفته است که: بعضی از مشرکین و گروهی از مسلمانان از هرکاری در ایام حج احساس گناه می کردند و حتی دکانهای خود را هم می بستند، اما خداوند به آنها آموخت که جستجوی فضل خدا با نیت خالص گناهی ندارد و عبارت ﴿مِّن رَّبِّكُمْ﴾ می رساند که طلب روزی همراه با در نظر داشتن این که بخشش و متی از خداوند متعال است، نوعی عبادت به شمار می رود (۸: ۳۰۶).

بناءً فعالیت های تجارتي و اقتصادی در ایام حج که مردم از سراسر جهان به سرزمین بیت الله شریف سرازیر میشوند همراه با نیت حج هیچکدام اشکال نداشته، و از همینجاست که الله جل جلاله جهت در حرکت آوردن چرخ اقتصاد اسلامی این ارشاد و رهنمائی را اعطا کرده است.

هرگاه مسوولیت خانه الله جل جلاله به شکل مخلصانه انجام میشد، رهبران اسلام میتوانند از مصارفیکه حجاج در هنگام ادای مراسم حج میپرداختند، به نفع سایر مسلمانان کار میکردند،



و عایدات سالانه حج و عمره را، برای کشورهای فقیر و مصیبت زده مصرف مینمودند، به این شکل دامنه فقر و بیچارگی ملت ها بکلی از بین میرفت.

همچنان درهنگام حج اموال تجارتی زیادی به فروش میرسد و هرگاه مسلمانان بتوانند که از این فرصت استفاده درست کرده و آنرا در خرید و فروش تولیدات خود کشور های اسلامی به مصرف برسانند، از یکسو اقتصاد کشور رشد کرده و از جانب دیگر تبادله اقتصادی و تجارتی میان کشور های اسلامی ایجاد شده که با این کار میتوانند از زیر فشار کشور های غیر اسلامی و استهلاک تولیدات آنها نجات یابند.

ولی با تاسف قسمیکه دیده میشود رهبریت ظالمانه این کشورها، اموال مسلمانان را مدالی ساخته درسینه های بیگانگان اویزان مینمایند، و یاهم طیاره ها و وسایل جنگی فرسوده آنها را در مقابل مبالغ گزاف و هنگفت خریداری نموده، و برای سرکوبی یکدیگر خویش استعمال میکنند.

## د: حکمت های سیاسی

### ۱. حج رمز وحدت و یکپارچگی

کعبه شریفه مقدس ترین مکان برای مسلمانان است، سمبول توحید، بیت الله و قبله مسلمانان میباشد، ولی ساختمان کعبه را که ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام بناء نموده اند، ساختمان مادی آن از خاک و گل عادی میباشد و کعبه شریف با وجود اینکه خانه الله ﷻ گفته میشود، ولی حقیقتا الله ﷻ از داشتن خانه پاک و منزّه میباشد، این لقب برای کعبه فقط برای عظمت و احترام آن داده شده است، زیرا محل عبادت و طاعت و سمبول توحید و یکپارچگی امت اسلام میباشد، هیچکسی کعبه را عبادت نمیکند و کعبه برای کسی نفع و ضرری رسانده نمیتواند.

بناء به اساس عقیده توحید، کعبه صرف سمبول توحید برای مسلمانان بوده، آنان درهنگام نماز خویش فقط روی خود را بطرف یک قبله نموده و متحدانه به عبادت پروردگار میپردازند، آنان به ذات پروردگار سجده میکنند و شرط هم نیست که انسان درهنگام نماز، درمقابل کعبه بایستد بلکه به هر جایکه باشد و در هر کشوری نماز میخواند،

صرف روی خود را به همان جهت نموده، نماز خود را ادا نمایند، داشتن یک قبله، یکپارچگی مسلمانان را نشان داده و آنها را بسوی یک پارچه شدن سوق میدهد. زمانیکه مسلمانان به حج میروند، همه به اطراف این خانه طواف مینمایند، تا گردش مردمان مختلف با رنگهای مختلف دلیلی باشد بر اینکه دین مقدس اسلام فرقه‌های نژادی، قومی و طبقاتی را به برتریت تقوا تبدیل نموده و هرکسی میتواند یک انسان موحد (یکتا پرست) باشد.

## ۲. کنفرانس سالانه جهانی برای مسلمانان

حج نشانه عملی ملل متحدی است که اساس آن توحید و یک پارچگی ملت‌ها جهان میباشد؛ دین مقدس اسلام با فرض نمودن حج به شکل عملی به مردم نشان میدهد که به اساس توحید الهی ملل متحدی ایجاد گردیده است که در آن حق ویتو برای چند کشور ابر قدرت نباشد، بلکه تمامی ملت‌ها یکسان از حقوق خویش استفاده نمایند.

اگرچه در عصر امروزی ما سازمانی به نام ملل متحد داریم اما در سازمان حق ویتو صرف برای چند کشور ابر قدرت داده شده است، حج برنامه خاصی است که زمانی ملت‌های مختلف، با رنگ‌های مختلف (سیاه پوست، سفید پوست، زرد پوست و سرخ پوست) از کشورهای مختلف با هم یکجا شده و بخاطر از بین بردن اختلافات و سمبول‌های هر کشور و لباس‌های افتخاری، همه یک لباس متحدی را در تن میکنند و یک شعاری بزبان میاورند، که (لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ ان الحمد والنعمه لك والملك لا شريك لك) اگر جشن هندو ها بخاطر هندوهای هندوستان است، و یا هم در مراسم بت پرستی چینی ها، تنها مردم چین شرکت میکنند، ولی در مراسم عبادت رب العالمین هیچ کسی حق ندارد که نسبت بر دیگران برتریت داشته باشد. رسول الله ﷺ بعد از فتح مکه هیچ قریشی مکی، عربی هاشمی را امر نمیکند که در بام کعبه رفته و ندای توحید الهی را اعلان کند، بلکه یک سیاه پوست، حبشی غیر عربی و غیر قریشی و غیر هاشمی را که میتواند نشانه از سمبول توحید ابراهیمی باشد، به فراز بام کعبه میفرستد و برایش امر میکند تا ندای توحید را بلند نماید.

در هیچ از ملتها و امت های دنیا پدیده وجود ندارد که همه ملت و همه امت را بسطح جهانی در یک جای جمع کند فقط این پدیده در اسلام وجود دارد و در آن شرایط بخصوص هم وجود ندارد که فلان کسی میتواند اشتراک کند و فلان کس نمیتواند اشتراک کند. همین کنگره جهانی را که دو میلیون شخص در آن جمع میشوند بعضی اوقات تا سه میلیون میرسد اگر حکومتها بخواهند این کار را انجام دهند از پرداخت بودجه سالانه آن عاجز می باشند.

اما توسط یک فریضه و یک دستور اسلام، خداوند ﷻ این زمینه را بدون احساس هیچگونه تکلیف و اینکه حکومتهای اسلامی بالای بودجه آن فکر کنند، برای مسلمانها مساعد ساخته است تا با هم جمع شوند مشکلات خود را در میان بگذارند روی سرنوشت امت خود صحبت کنند فکر نکنند بیاندیشند یکدیگر خود را بشناسند و با هم نزدیک شوند ورنه یک مسلمان در کابل زندگی میکند و یک مسلمان که در جزایر و یا جای دیگری زندگی میکند کجا امکانات دیدن ایشان میسر است؟

متأسفانه از این فریضه طوریکه مطلوب است استفاده اعظمی صورت نمی گیرد و به نفع اصلاح امت اسلامی کسی از آن استفاده نمیکنند. حج به فرد مسلمان امکان می دهد تا شاهد بزرگترین گردهم آئی سالیانه اسلامی باشد، انجمنی که نه از طرف پادشاه یا رئیس حکومت یا جمعیتی، بلکه از سوی خدا بدان فراخوانده شده است.

پیامبر اکرم ﷺ با وسیله قرار دادن حج برای اعلام و پخش مهمترین قرارها و پیامهای مربوط به امور سیاسی همگانی مسلمانان، ارزش این انجمن را خاطر نشان کرده است. پیامبر ﷺ در اولین سالی که مسلمانان با فرماندهی و راهنمایی ابوبکر حج گزاردند. علی را در پی ابوبکر فرستاد تا الغای پیمانهای مسلمین با مشرکان پیمان شکن و ممنوعیت حج گزاردن مشرکان و طواف بطور برهنه پس از آن سال را به مردم اعلام دارد.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> مبارکفوری: الرحیق المختوم، ص ۶۲۹-۶۲۸

پیامبر ﷺ نیز حج را وسیلهٔ اعلام و پخش مهمترین فیصله ها و پیام های سیاسی و همگانی مسلمانان قرار داده اند که با این کار علمای اسلام، ارزش این انجمن را دریافته و آن را فرصتی برای تبادل نظریات و برخورد اندیشه ها و شرح وقایع و اطلاعات میان همدیگر محسوب داشته اند.<sup>۱</sup>

### ۳. حل منازعات جهانی میان مسلمانان

مسلمانان برای حل مشکلات روزانه خویش به مساجد منطقه رفته و روزانه پنج مرتبه از احوال یکدیگر با خبر میشوند و هرگاه کسی را دو سه مرتبه غایب از نماز جماعت ببینند، فوراً درمورد او باز پرس می کنند و مشکلی که برای وی پیش شده، در حل آن تصمیم میگیرند، دامنه این شناخت ها و حل مشکلات ها در روزهای جمعه توسعه بیشتری یافته زیرا مسلمانان به مسجد جامع شهر رفته و در آنجا با هم یکجا نماز جمعه را ادا میکنند، که ادای نماز های جمعه با این وسعت سبب شناخت و تفاهم بیشتر میان مردمان یک شهر میگردد و لی برای حل مشکلات جهانی مسلمانان سال یکبار کنفرانسی جهانی را دایر می نماید که در آن همه مسلمانان از تمامی جهان با هم یکجا شده و برای حل مشکلات جهانی خویش تصمیم گیری می نمایند و به این صورت نماینده هر کشور، مشکلات و پرابلم ها خویش را به گوش جهانیان رسانیده و دیگران در رفع این مشکلات با ایشان همکاری میگردند.

بناء حج وسیله اساسی برای تفاهم میان ملت ها و تمامی مسلمانان جهان میباشد، چنانچه که خلفا نیز ارزش و اهمیت این موسم را دریافته و آن را میدان ملاقات خود و افراد که از فاصله های دور دست گرد هم می آمدند و دیدار با مأمورین و زمامداران که از سوی خود ایشان در نقاط مختلف تعیین شده بودند، قرار میدادند و بدین ترتیب کسانی که دادخواهی یا شکایتی داشتند، در این فرصت به طور مستقیم به خود خلیفه عرضه می کردند و مردم بدون هیچ ترس و هراسی، در برابر حاکمان و فرمانداران و خلیفه قرار می گرفتند و در

<sup>۱</sup> مرجع سابق، ص ۶۵۷-۶۵۸

نتیجه، ستم‌دیده یاری و مظلوم امداد می‌گرفت و حق، هر چند از فرماندار یا خلیفه، به اهل خود بازگردانیده می‌شد (۸: ۳۱۰-۳۱۱).

اما دشمنان اسلام با درک این حقیقت سعی و تلاش ورزیدند که مراسم حج را صرف در عبادات و رفتن به اماکن مقدسه تخصیص داده و رهبران سیاسی را اجازه ندهند تا در جریان مراسم حج تشکیل کنفرانس‌ها و مجالس اسلامی را دایر نمایند، بلکه مانع جلسات سیاسی مسلمانان که اصلاً باید در اینجا مطرح میشد، گردند.

### هه : تارک حج و حکم وی

حج رکن اساسی از ارکان اسلام بوده که فرضیت آن با آیات صریح قرآن مجید و احادیث پیامبر ﷺ ثابت شده است لذا هر زمانیکه شروط آن بالای انسان مسلمان تکمیل گردید، انجام دادن آن نیز فرض می‌گردد. اما اگر کسی باوجود این، بازهم آنرا ترک کرده و انجام نمی‌دهد، شکی نیست که از تمام فضایل و حکمت‌هایکه بیان شد محروم می‌ماند، و ترک کردن آن هم توجیهات مختلف دارد، زیرا اگر تارک حج از روی انکار، استهزاء و تحقیر و یا اهانت به این فریضه باشد شکی نیست که عامل آن به اجماع امت کافر بوده زیرا انکار امور قطعی و یا استهزاء و تحقیر در رابطه به ارکان و فرایض انسان را از دایره اسلام خارج می‌سازد.

اما اگر تارک آن از روی انکار نبوده بلکه از روی تنبلی و کسالت بوده و ادای آنرا به تأخیر انداخته تا اینکه مرگ بسراغ‌اش می‌آید شکی نیست که وعید‌های شدید در مورد آن هم در قرآن مجید و هم در سنت پیامبر ﷺ وارد شده است.

در قرآن مجید زمانیکه الله ﷻ فرضیت حج را ذکر می‌کند در امتداد آیه مذکور می‌فرماید: ﴿وَلِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا وَمَنْ كَفَرَ فَاِنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِيْنَ﴾ (آل عمران: ۹۷).

ترجمه: "و برای خدا، حج خانه (کعبه) بر مردم واجب است، (البته) کسانی که توانایی رفتن به سوی آن دارند، و هر کس کفر ورزد، بی شک خداوند از جهانیان بی‌نیاز است."

نظر به این آیه کریمه کسانی که فریضه حج را انجام نمی دهند این کار ایشان روش کافران است و یا اینکه منجر به کفر می گردد.

پیامبر ﷺ این موضوع را روشن تر و واضحت‌تر برای ما بیان می کنند تا انسان مسلمان در انجام دادن آن تنبلی و کسالت نکند. در روایت است از پیامبر ﷺ آمده که در این مورد چنین فرمودند: «من ملک زادا و راحله تبغه إلی بیت الله ولم یحج فلا علیه أن یموت یهودیا أو نصرانیا»<sup>۱</sup> (۴: ۱۷۶).

ترجمه: "هر کسی که توشه و هزینه سفر را دارد که او را به بیت الله برساند ولی حج نکند، پس فرق نمی کند که یهودی مرده است یا نصرانی".

<sup>۱</sup> : صحیح وضعیف سنن الترمذی (۲/ ۳۱۲) تحقیق الالبانی : ضعیف

## تمرینات حج

۱. حج را لغت و اصطلاح تعریف کرده دلایل مشروعیت آنرا از خلال آیات قران مجید و احادیث پیامبر ﷺ بیان کنید.
۲. تاریخچه حج را در اسلام بصورت فشرده توضیح نمائید.
۳. فضیلت ها و برتریت ها حج را بیان کرده و در ضمن دو حدیث را در مورد آن تحریر کنید.
۴. در مورد خانه کعبه شریفه و بنای آن از خلال آیات قران مجید و احادیث پیامبر اسلام ﷺ معلومات خویش را ارائه کنید.
۵. خانه کعبه شریفه دارای فضیلت ها و برتریت های خاصی میباشد، در مورد آن از خلال احادیث پیامبر ﷺ توضیح دهید.
۶. حکمت های فردی و اجتماعی حج را نام گرفته هریک را مختصراً توضیح کنید.
۷. حکمت های اقتصادی و سیاسی حج را نام گرفته هریک را مختصراً توضیح نمائید.
۸. حکم تارک حج در اسلام چیست با نوعیت ترک آن بیان کنید.

## مآخذ درسهای حج و حکمت های آن

### ۱. قرآن کریم

۲. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. ۱۴۲۰هـ ق/ ۱۹۹۹م. **تفسیر القرآن العظیم** ج ۳. تحقیق سامی بن محمد سلامه. دار طیبه للنشر و التوزیع
۳. البخاری، محمد بن اسماعیل. ۱۴۲۲هـ ق. **الجامع المسند الصحيح**. المحقق الناصر، محمد زهیر. دار طوق النجاة.
۴. الترمذی، محمد بن عیسی. ب.ت. **الجامع الصحيح سنن الترمذی** ج ۳. تحقیق احمد محمد شاکر و آخرون. بیروت: دار احیاء التراث.
۵. الزحلی 'وهبه. (ب.ت). **الفقه الاسلامی و أدلته** ج ۳. سوریه: دار الفکر.
۶. الطبرانی، سلیمان بن احمد. ۱۴۱۵هـ ق. **المعجم الأوسط** ج ۲. تحقیق ابن عوض الله، طارق و الحسینی، عبدالمحسن بن ابراهیم. القاهرة: دار الحرمین.
۷. الطبرانی، سلیمان بن احمد. ۱۴۰۴هـ/ ۱۹۸۳م. **المعجم الكبير** ج ۷. تحقیق حمدی بن عبدالمجید. الموصل: مكتبة العلوم و الحكمه.
۸. قرضاوی، یوسف. ۱۳۸۶هـ ش. **عبادت در اسلام**. ترجمه محمد ستاری خرقانی. تهران: نشر احسان.
۹. مصطفی، ابراهیم، آخرون. ۱۳۸۰هـ ق/ ۱۹۶۰م. **المعجم الوسيط**. القاهرة: مطبعة مصر
۱۰. الموسوعة الفقهية الكويتية. ج ۱۷. ۱۴۲۷هـ ق. الكويت: وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامية.
۱۱. الموسوعة الفقهية الكويتية. ج ۳۲. ۱۴۲۷هـ ق. الكويت: وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامية.
۱۲. النسائي، ابو عبد الرحمن احمد بن شعيب. ۱۴۲۰هـ ق. **السنن الكبرى** ج ۴. بیروت: دارالمعرفة
۱۳. النيسابوري، مسلم بن الحجاج. ب.ت. **صحيح مسلم** ج ۴. تحقیق عبدالباقی، محمد فؤاد. بیروت: دار احیاء التراث العربی.



## فصل چهارم

### درس شانزدهم

### انحراف در عبادات

انسان در رابطه به عبادات که از جانب الله ﷻ بالایش فرض گردیده است ، هیچگونه حق تصرف را ندارد، زیرا عقل وی از درک آن عاجز است و به همین لحاظ انسان از طریقه اداء نمودن آن نیز عاجز میباشد . بناءً عبادات باید به طریقه شرعی آن اداء شود قسمیکه از پیامبر ﷺ در مورد آن روایت شده تا اینکه از یک طرف در عبادات الهی یکسانی و اتحاد وجود داشته باشد، و از جانب دیگر هر کس از طرف خود عبادتی را اختراع نکند که مخالف حکمت و مصلحت با حق بوده، عمل شرک در آن رخنه پیدا کند و یا اینکه هوی و خواهشات خود انسان جاگزین آن گردد.

اکثر اقوام و امت هایکه قبل از اسلام بودند سبب بربادی، تباهی و انحراف شان از دین و شرعیت خداوندی صرف همین مسأله بود که از نزد خود و طبق هوی و خواهشات شان عبادتهای را اختراع می نمودند، و آنچه را که خداوند ﷻ برایشان امر نموده بود بباد نسیان می سپردند، چرا که عقل انسان قادر بر این نیست تا چگونگی و کیفیت صحیح عبادت را برای انسان بیان نماید.

طور مثال بعضی افراد اند که جهت تعذیب نفس، خود را تا گردن در ریگ گور کرده و فکر می کنند که این عمل شان نوع از عبادت است . اشخاصی اند که در فحشاء و بی حیائی غرق می شوند و گمان می برند که آن وسیله از تقرب به خدا هایشان است. افرادی دیگری اند که در نجاست و پلیدی ها آغوشته می شوند و فکر می کنند که عبادت را انجام داده اند.

پس اختراع عبادت از طرف خود انسان و بواسطه عقل خودش بدون در نظر گرفتن حکم شرعی، سبب دخول در محوطه نفس و شیطان میگردد که در نتیجه یا انسان را یا

بسوی شرک و کفر می کشاند، و یا ویرا بطرف فحشاء و بی حیائی سوق میدهد، و یا او را وادارمی سازد تا در دین خدا تحریف نماید.

مثال زنده ای آن اینست که اسلام برای ما طریقه نماز را بیان نموده است که عقل انسان از درک آن عاجز میباشد، پس هرگاه ما نماز را اداء می کنیم باید نماز فرض یا واجب و یا نفل را به همانگونه اداء نمائیم قسمیکه شرع برای ما بیان نموده است. اگر کسی بگوید که من در نماز نفل بجای دو سجده چهار سجده می کنم تا ثواب زیادتر حاصل نمایم، اصلاً نمازش مورد قبول واقع نشده چه رسد به ثواب زیادی آن، چون وی در ادای عبادت شرعی تغییر آورده است. همچنان اگر در مراسم حج بگوید که من در روز عرفه بجای وقوف در عرفات، طواف خانه کعبه را می کنم، اصلاً حج اش مورد قبول واقع نمی شود چرا که وقوف در عرفات از ارکان اساسی حج شمرده می شود.

چون خداوند-جل جلاله- شریعت و طریقه عبادت را تعیین کرده و آنرا توسط نبی اکرم - صلی الله علیه و سلم - بیان نموده و تماماً حالات شروط آنرا مورد اعتبار قرار داده است، پس کسی دیگر حق ندارد که این وظیفه را انجام دهد. و هر امتی که احکام و عبادت خداوند-جل جلاله- را تحریف نموده از پیش خود عبادت های دیگری اختراع نماید در ضلالت، گمراهی و هلاکت واقع شده است. انحراف در عبادت از بدعت و نوآوری آغاز و سرانجام به ترک و انکار آن منجر میشود، بنابراین در این فصل پیرامون بدعت، کسالت و تنبلی در عبادت، ترک و انکار آن بحث صورت میگیرد.

### **الف: بدعت و پیامدهای زشت آن در عبادت**

عبادت در دین مقدس اسلام تنها به اموری گفته می شود که به اساس احکام الهی و سنت نبوی ﷺ ثابت شده باشد، وظیفه علمای اسلام تشریح و توضیح این عبادات مطابق شرایط زمانی و مکانی می باشد و هیچ کسی حق ندارد که در دین مقدس اسلام کدام عبادتی را اختراع و نوآوری نماید. زیرا الله ﷻ دین کاملی را برای ما فرستاده که در زمان پیامبر اکرم ﷺ تکمیل شده است.

بناءً یکی از مهمترین نقاط در عبادت این است که انسان مومن اصل عبادت را بصورت درست شناخته و میان عبادت، عادت و بدعت فرق نماید، میان آنچه در دین است و آنچه در دین داخل شده است تفکیک نموده و تنها عباداتی را انجام دهد که در دین مقدس اسلام توسط آیات قرآن و سنت نبوی بیان شده است.

هرگاه کسی کدام چیزی را که اصل در قرآن و سنت نداشته باشد، جز عقیده و یا عبادت بداند، آن عمل عبادت نه، بلکه بدعت شمرده می شود. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: «وکل بدعة ضلالة»<sup>۱</sup> (۱۸: ۵۹۲).

ترجمه: "هر نوآوری در دین گمراهی است." بناءً بر هر مسلمان لازم است که از آنچه مخالف قرآن کریم و سنت پیامبر اسلام ﷺ باشد اجتناب ورزیده و بدی آنرا برای مردم بیان دارد. بنابراین در قدم نخست باید این بدعت ها شناخته شود، تا جلوگیری از آن بشکل کامل صورت گیرد.

## ۱. بدعت در لغت و اصطلاح

### • بدعت در لغت

بدعت در لغت به معنای نوآوری و اختراع چیزی بدون مثال سابق استعمال میگردد. و کلمه (بدع) در زبان عربی به چیزیکه ابتداء پیدا میشود، استعمال میگردد (۱۲: ۴۳). چنانچه الله ﷻ در آیه کریمه میفرماید: ﴿قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِنَ الرُّسُلِ﴾ (الأحقاف: ۹).

ترجمه: "ای محمد! بگو که من اولین پیامبر نیستم"، یعنی من نخستین پیامبر نمیباشم، بلکه قبل از من هم پیامبران زیادی آمده است. الله ﷻ میفرماید: ﴿بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ (البقرة: ۱۱۷).

ترجمه: "نوآورنده آسمانها و زمین است" زیرا الله ﷻ آنانرا جدیدا خلق نموده است، که قبلا وجود نداشت (۳: ۲۲۶).

<sup>۱</sup> : صحیح وضعیف الجامع الصغیر (۶/ ۱۸۰) تحقیق الالبانی (صحیح)

## • بدعت در اصطلاح

علماء اسلام پیرامون تعریف بدعت در دین اسلام نظریات مختلفی را ارائه نموده اند که دلیل آن برداشت های مختلف از این پدیده است، اما آنچه از خلال این تعاریفات بدست می آید اینست که بدعت در اصطلاح شریعت اسلامی نوآوری در احکام دین میباشد که اصل در شریعت اسلامی نداشته باشد. چنانچه امام شاطبی که کتاب مفصل در این مورد تألیف نموده است بدعت را چنین تعریف می کند: (الْعَمَلُ الَّذِي لَا دَلِيلَ عَلَيْهِ فِي الشَّرْعِ) (۲۱: ۵۹). ترجمه: "هر آن عمل که در شریعت اسلام دلیل بر آن وجود نداشته باشد."

## ۲. دلایل تحریم بدعت

بدعت در امور دینی زشت و ناجایز بوده، حسنه و سیئه ندارد، چنانچه برخی ها به این نظر می باشند، بلکه همه زشت و ناروا است. قسمیکه در حدیث شریف آمده است که پیامبر ﷺ چنین فرموده اند: «فَإِنَّهُ مَنْ يَعِشْ مِنْكُمْ بَعْدِي فَسَيَرَى اخْتِلَافًا كَثِيرًا فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الْمُهَدِّينَ الرَّاشِدِينَ تَمَسَّكُوا بِهَا وَعَظُّوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِدِ وَإِيَّاكُمْ وَمُحَدَّثَاتِ الْأُمُورِ فَإِنَّ كُلَّ مُحَدَّثَةٍ بَدْعَةٌ وَكُلُّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ»<sup>۱</sup> (۶: ۴۳۹).

ترجمه: "هر کسیکه از شما که بعد از من زندگی می کند، اختلافات زیاد را شاهد خواهد بود، پس باید که متمسک به سنت من و راه و روش خلفای راشدین مهدیین باشید، با دندان هایتان به آن سخت چنگ زنید، و جداً از امورات مستحذثه و نو خود داری کنید، زیرا هر امر نو و جدید (در دین) بدعت است و هر بدعت ضلالت و گمراهی است."

## ۳. چگونه بدعت، همه ادیان را به تباهی کشید؟

بدعتگذاری در دین، روزنه ای است که شیطان از طریق آن، به آرامی در میان پیروان آیین های متعدد نفوذ کرده، دین و زندگیشان را به تباهی کشانیده، اندیشه ها و عباداتشان را ویران ساخته و هیچ پایه و بنیادی در زندگی اعتقادی آنان را از گزند خود ایمن نگذاشته و دریچه هایی از فساد را بروی آنها گشوده است که بسته نمودن آن کار دشوار و سخت می باشد.

<sup>۱</sup> : صحیح وضعیف سنن أبي داود (۱۰/ ۱۰۷) تحقيق الألباني: صحيح.

از طریق بدعت بود که شرک و بت پرستی بر ملتها و حتی کسانی که اهل کتاب آسمانی بودند، هجوم آورد و باعث گردید که چیزهایی را بدون دلیل، همتای خدا قرار دهند. از راه بدعت بود که وسواس و افراط در دین راه یافت و سختی و زحمت و بندها و زنجیرها، پیروانش را فرا گرفت. مردم، انواع رنگارنگی از شعائر و آداب دینی اختراع کردند که همه آنها مایه دردسر و ظلم و تکالیف طاقت فرسا می باشند. از طریق بدعت بود که غالیان، زیورها و نعمتهای حلال خدا را حرام شمردند، دنیا را به نام دین رها کردند و آبادیها را با ادعای ایمان، تخریب نمودند و به خیال پیدایش روح، بدن را آزار دادند!

در اثر همین بدعتها بود که تحریفات سهمناک و انحرافات زشت و رسوا در بسیاری از ادیان روی داد و کسانی عامل این بدعتها بودند که سعی شان در زندگی دنیا، بیراهه رفت و در جهت بیهوده ای مصرف شد و خیال می کنند که دارند کار خوبی می کنند، قسمیکه الله ﷻ در این مورد میفرماید: ﴿قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا﴾ (الکھف: ۱۰۳، ۱۰۴).

ترجمه: " (ای پیامبر!) بگو: «آیا شما را به زیان کارترین (مردم) در کارها، خبر دهیم. کسانی که تلاش و کوشش شان در زندگی دنیا تباه و ضایع شده، و با این حال گمان می کنند که کار نیک انجام می دهند».

چنانچه مشرکان عرب را می بینیم که چگونه بتها را معبود گرفتند و سنگها و مجسمه ها را پرستیدند تا به خدا نزدیک شوند! زیرا که پایه حقیقی شرک هم بدعتگزاری است و چگونه تحت تأثیر شیاطین به تحریم حیوانات و محصولات حلال خدا پرداختند و حتی ذبح فرزندان جگر گوشه خود را وسیله تقرب به خدایان خیالی پنداشتند تا دینشان را به وارونگی و خودشان را به انحطاط گرفتار سازند. و حاضر شدند که زن و مرد، به صورت برهنه، بدون احساس شرم و پروایی به دور خانه خدا بچرخند و با این عمل خود، گمان تقرب به خداوند را داشته باشند؟!

#### ۴. دین، میدان ابداع و ابتکار نیست

دین عرصه و زمینه بدعت و نوآوری نیست، زیرا دین از سوی خدا تعیین شده و می باید از بازیگری بیهوده کاران و تحریف افراطیان و دستبرد باطل گرایان و توجیه بی خردان پاک و پیراسته بماند. اما دنیا و امور دنیوی تا حد زیاد و در سطح گسترده ای عرصه واقعی ابداع و نیازمند پذیرفتن تنوعات و ابتکارات و نوآوریها می باشد. بدین جهت وقتی که مسلمانان به انحطاط گرائیدند و حالشان خراب و کارشان تباه و اجتماعشان از هم پاشیده گردید، جریان کار کاملاً واژگون و معکوس شد: در امور دنیا منجمد و همچون سنگ یا بدتر از آن، ساکن و سخت شدند و دست از ابتکار و اختراع برداشتند و شعارشان این شد که نسل اول برای نسل بعدی چیزی ننهاده است! اما در عرصه دین، نوآوری و بدعت های زیادی را در عرصه های مختلف عقیده، عبادات، معاملات و روش و سلوک شان ایجاد کردند که نه در صدر اسلام وجود داشت و نه الله و رسول اش در این موارد چیزی را بیان کرده بودند، چنانچه الله جل جلاله در قرآن مجید می فرماید: ﴿إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَى﴾ (النجم: ۲۳).

ترجمه: "اینها چیزی جز نامهایی نیست که شما و پدرانتان بر آنها گذاشته اید و خداوند دلیلی بر (صدق مدعی شما) نازل نکرده است. آنها جز از گمان (های بد و بی اساس) و هوای نفس پیروی نمی کنند، در حالی که هدایت از (سوی) پروردگارشان برای آنها آمده است."

#### ۵. اسباب انتشار بدعت

علت این که بعد از رحلت انبیاء پیروان شان امور جدیدی را به عنوان مسایل دینی در میان مردم منتشر می کنند، یکی از امور آتی میباشد (۱۵: ۲۸):

### • متأثر شدن از فرهنگ‌های بیگانه

خداوند متعال در قرآن کریم رویدادی را از زمان موسی علیه السلام باز گو می‌کند که مبین متأثر شدن مؤمنان از فرهنگ و عنعنات بیگانگان است، الله جل جلاله می‌فرماید: ﴿وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ﴾ (الأعراف ۱۳۸).

ترجمه: "بنی اسرائیل را [از دست فرعون و فرعونیان نجات دادیم و سالم] از دریا [ی قلزم نزد خلیج سویس] گذرانیدیم. [در مسیر خود] به گروهی رسیدند که بت‌هایی داشتند و مشغول پرستش آنها بودند. [در این هنگام بنی اسرائیل به موسی] گفتند: ای موسی! برای ما معبودی بساز [تا به پرستش آن پردازیم] همان گونه که آنان دارای معبودهایی هستند [و به پرستش آنها مشغول می‌باشند! موسی] گفت: شما گروه نادانی هستید [و نمی‌دانید عبادت راستین چیست و خدایی که باید پرستیده شود کیست]."

در عهد و زمان پیامبر صلی الله علیه و آله نیز چنین واقعه با اصحاب کرام صورت گرفت و پیامبر صلی الله علیه و آله ایشان را شدیداً از متأثر شدن به فرهنگ بیگانگان منع فرموده و همین آیت کریمه را منحیث نمونه برایشان تلاوت کردند. چنانچه در روایت آمده است که: «أن رسول الله صلی الله علیه و آله لما خرج إلى خيبر مر بشجرة للمشركين يقال لها ذات أنواط يعلقون عليها أسلحتهم فقالوا يا رسول الله أجعل لنا ذات أنواط كما لهم ذات أنواط فقال النبي صلى الله عليه وسلم سبحان الله هذا كما قال قوم موسى اجعل لنا إلها كما لهم آلهة والذي نفسي بيده لتركبن سنه من كان قبلكم»<sup>۱</sup> (۸: ۴۷۵).

ترجمه: "زمانیکه پیامبر صلی الله علیه و آله بطرف خیبر برآمدند به یک درخت از مشرکین عبور کردند که به نام (ذات انواط) نامیده میشد و آنها بخاطر تبرک اسلحه خویش را در آن آویزان می‌کردند. اصحاب برای پیامبر گفتند که برای ما نیز ذات انواط قرار بدهید مثل که برای آنها است. پیامبر اسلام فرمودند: سبحان الله این سخن شما مانند سخن قوم موسی است که گفته

<sup>۱</sup> : صحیح وضعیف سنن الترمذی (۵/ ۱۸۰) تحقیق الالبانی : صحیح

بودند: (اجعل لنا الها كما لهم آلهة). قسم است به ذات که نفس من در ید اوست که حتماً راه و روش کسانی که قبل از شما بودند پیروی می کنید."

متأسفانه ما هم امروز در کشورهای اسلامی به موارد زیادی بر می خوریم که مسلمانان با تأثیر پذیری از فرهنگ بیگانه که در جهان کنونی به حجم وسیعی از طریق رسانه ها پخش و نشر می شود - مراسم غم و شادی خود را انجام می دهند و رهنمودهای سازنده دین مبین اسلام را کنار می گذارند، و در نتیجه مشکلات زیادی را به خود، خانواده و جامعه ی خود به وجود می آورند.

### • ناآگاهی عموم مسلمانان از مسایل شرعی و سنت های پیامبر

یکی دیگر از اسباب انتشار بدعت ها در جامعه اسلامی ناآگاهی مردم از سنت های پیامبر اسلام ﷺ می باشد؛ وقتی مردم از مسایل اصلی دین خود بی اطلاع باشند و از طرفی دین را دوست بدارند، پس هر چیزی که به آنان به حیث دین معرفی شود آن را می پذیرند و عملی می کنند؛ بدعتگذاران نیز غالباً از بی اطلاعی مردم سوءاستفاده نموده بدعت های خویش را به نام دین به خورد آنان می دهند.

از همین جا است که مسؤولیت علما در جامعه ی اسلامی بسیار سنگین و خطیر است و عالمی که به مسؤولیت خود عمل کند در پیشگاه الله متعال مقام و منزلت والای دارد؛ چون عالم به کسی گفته می شود که از مسایل دینی آگاهی دارد، و مسؤولیت او این است که مردم را به آن چه خود آگاه است آگاه سازد. (۱۵: ۲۹).

### • تعصبات مذهبی

گاهی تعصبات کورکورانه ی عده ای از مردم باعث می شود که بدعت ها در جامعه ی اسلامی رواج پیدا کند. ما از مطالعه تاریخ به موارد زیادی بر می خوریم که وقتی انبیاء و علمای ربانی اهل بدعت را به سوی دین حنیف فرامی خوانده اند آنان در جواب می گفتند: چگونه بدعت است در حالی که پدران و نیاکان ما ده ها و صدها سال این کارها را انجام



داده‌اند، اگر این کار بدعت می بود هرگز آنان چنین کاری نمی کردند؛ خداوند متعال در پاسخ چنین کسانی می فرماید: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَّلَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ﴾ (لقمان ۲۱).

ترجمه: (هنگامی که بدانان گفته می شود: از آن چه خدا نازل کرده است پیروی کنید، می گویند: بلکه ما از چیزی پیروی می کنیم که پدران خود را بر آن یافته ایم. آیا از نیاکان خود پیروی می کنند] و لو این که شیطان ایشان را به عذاب آتش فروزان [دوزخ] فرا خواند؟). در آیت دیگری ﷺ می فرماید: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَّلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ﴾ (المائدة ۱۰۴). ترجمه: (هنگامی که بدانان [که از قوانین دل و اهواء درویشان پیروی می کنند] گفته شود که بیاید به سوی آن چه خدا نازل کرده و [آن چه] پیغمبر [بیان نموده است برگردیم، تا هدایت بیابیم] می گویند: چیزی ما را بسنده است که پدران و نیاکان خویش را بر آن یافته ایم [و تا چشم گشوده ایم چنین و چنان در میان قوم و فامیل خود دیده ایم! دیگر قرآن و سخنان پیغمبر، ما را چه کار؟] آیا اگر پدران و نیاکانشان چیزی ندانسته باشند و [به سوی حق] راه نیافته باشند [باز هم باید چنین گویند و کنند؟!].

### • ازیین رفتن یک سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم

علماء و دانشمندان اسلام به این نظرند که هر بدعت یک سنت پیامبر ﷺ را ازیین میبرد. بگونه مثال امروز در بین مسلمانان در روز دوم و سوم جنازه یک متوفی مراسم فاتحه خوانی که اصلی در دین نداشته رواج شده است، این بدعت سنت جنازه خوانی و اشتراک در مراسم تدفین را که هر دو دارای ثواب و اجر میباشند از بین میبرد زیرا بسیاری اشخاص بعد از شنیدن خبر وفات یک متوفی میگویند، مشکل نیست فردا به فاتحه اش میرویم.

### • عدم قبولیت عمل

عمل بدعت کار مورد قبول الله قرار نمیگیرد، زیرا مخالف آنچه چیزی است که الله جل جلاله ما را به آن امر کرده است، و تا وقتی که بدعتش را ترک نکند، توبه اش نیز قبول نمیشود زیرا یکی از شروط قبولیت توبه ترک همان عمل است که انسان از آن توبه می کند

## • زشت نمودن چهره اسلام

اکثراً دشمنان اسلام برای اینکه مردم جهانرا از دین مقدس اسلام به دور نگهدارند، اتهاماتی را بر اسلام می پیوندند که در احکام دین مقدس اسلام وجود ندارد، این اتهامات غالباً ناشی از عملکرد اشخاص بدعت کار می باشد که با وارد نمودن افکار نادرست و اندیشه های غیر اسلامی، برای آنها فرصت را میسر میسازد تا به ضد دین مقدس اسلام تبلیغ نمایند. بنابراین غیرمسلمانان با دیدن چنین اعمال زشت و نادرست از پذیرش اسلام متنفر میشوند.

## ب: کسالت و تنبلی در عبادات

عبادت یک امر فطری برای انسان بوده، غریزه ایست که در نهادش گذاشته شده، و این غریزه انسان را- اگر بخواهد یا نخواهد- به پرستش و نیایش وادار می سازد. این خود دلیل بر این است که عبادت همانند ایمان یک امر فطری می باشد. چه عبادت عبارت از احساس و شعور است که در قلب انسان مؤمن بعد از ایمان آوردن به اسلام بوجود می آید. قرآن مجید در مورد این فطرت می فرماید: ﴿فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾ (الروم: ۳۰).

ترجمه: فطرت الله پرستی آن فطرت است که الله ﷻ مردمان را به آن آفریده است.

اگر چه انسانها در اصل فطرت با هم کدام اختلاف ندارند ولی احساس و شعور انسان به این امر فطری و ایمانی متفاوت بوده، درجات مختلفی را دارا می باشد. پس ما باید بدانیم که چگونه احساس و شعور انسان به عبادت خداوند و عناصر آن به ضعف و سستی مواجه می گردد.

برخی از این امور قرار ذیل است:

## • پیروی از خواهشات نفسانی

از جمله اموری که انسان مسلمان را در عبادت رب اش ضعیف می سازد پیروی از خواهشات نفسانی و امور شهوانی است. به این منظور، زمانیکه تصور ایمان و قوت عقیده به الله ﷻ در قلب انسان مسلمان ضعیف شده می رود به همان اندازه پیروی از نفس و خواهشات آن در داخل انسان رشد و نمو می نماید تا اندازه می رسد که انسان را بکلی از یاد خدا غافل ساخته و انسان بکلی تابع نفس، هوی و خواهشات خویش می گردد، حتی

آنها معبود خویش قرار داده ، از وی اطاعت و فرمانبرداری میکند. خداوند ﷻ می فرماید :

﴿أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهُهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا﴾ (الفرقان: ۴۳).

ترجمه: آیا دیدی کسی را که هوای (نفس) خود را معبود خود برگزیده است؟! آیا تو می توانی بر او (وکیل و) نگهبان باشی؟!

همچنان خداوند ﷻ می فرماید : ﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ (القصص: ۵۰).

ترجمه : و گمراه تر از آن کس که هوای نفس خویش را بدون (هیچ) هدایتی از (سوی) خدا پیروی می کند؛ کیست؟! بی گمان خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی کند.

### • عقائد باطله و فاسد

در قدم دوم چیزیکه انسان مسلمان را از عبادت و پرستش پروردگار و آفریدگارش غافل میگرداند تراکم عقاید باطله ، خرافات و لیبک گفتن به وسوسه های شیطانی است ، چه وقتی انسان خود را به شیطان تسلیم کرد دیگر راه هدایت و رستگاری را از دست میدهد. قسمیکه خداوند ﷻ می فرماید : ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَنْ تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُ يُضِلُّهُ وَيَهْدِيهِ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِ﴾ (الحج: ۳، ۴) .

ترجمه : و بعضی از مردم، بدون (هیچ) علم ودانشی، در (باره ی) خداوند به مجادله بر می خیزند، و از هر شیطان سرکشی پیروی می کنند، (در قضای الهی) بر او (= شیطان) نوشته شده که هر کس با او دوستی کند، مسلماً او گمراهش می کند، و او را به عذاب (آتش) سوزان (جهنم) می کشاند.

### • بی احساس شدن نفس در مقابل عقوبات الهی

بی احساس شدن نفس در مقابل تهدید ها و عقوبت های الهی از جمله اسباب ضعف انسان در عبادت الله ﷻ می باشد . برخی اوقات سبب این بی احساسی طول عمر، و غرق شدن در ناز و نعمت و آسایش دنیوی، می باشد، که انسانرا از یاد خداوند ﷻ غافل میگرداند . سنت الهی در جهان چنین رفته که گاهی انسان را به ناز و نعمت و گاهی هم

به مصیبت و سختی‌ها امتحان نموده، او را مهلت می‌دهد که تا چه حد در مقابل احکام و حدود آفریدگار خود پایداری و استقامت می‌نماید، ولی بسیاری انسانها همینکه در ناز، نعمت و آسایش قرار گرفتند از یاد آفریدگار خود غافل شده از طاعت و عبادت وی سرکشی می‌نمایند، قسمیکه قرآن عظیم الشان در مورد طبیعت انسان می‌فرماید:

﴿وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَى بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ﴾

(فصلت: ۵۱). ترجمه: و هرگاه بر انسان (خیر و) نعمتی عطاء نمائیم، روی می‌گرداند، و متکبرانه (از حق) دور می‌شود، و هرگاه شر (وبدی) به او برسد، پس دعا (و تقاضا) یش (برای دفع آن) افزون می‌شود.

خداوند به این نوع عبادت نیازی ندارد که در وقت نعمت و گشایش از یاد خدا غافل باشد و در وقت مصیبت دعاها و عبادات زیاد را انجام دهد، بلکه انسان مؤمن و مسلمان کسی است که در هر حالت مطیع و فرمانبردار اوامر پروردگار خود بوده، او را ستایش و نیایش میکند.

مسأله بی‌حساس شدن شعور و احساس انسانی را در تجارب روزمره زندگی خود نیز مشاهده می‌کنیم، مثلاً بعضی کارها را ما در ابتداء بسیار با جرأت انجام می‌دهیم و اگر به کدام حادثه دردناک با آن روبرو شدیم هراس می‌کنیم و به آن دوباره نزدیک نمی‌شویم، ولی به مرور زمان این احساس خوف و هراس ما کم شده می‌رود تا حدیکه به شکل اول آن بر می‌گردد.

پس این طبیعت انسان است که هرگاه تهدید و عقوبت الهی را فراموش کند از یاد خدا غافل شده در نتیجه در عبادت و پرستش آفریدگار خود کاهلی و سستی می‌نماید. به همین لحاظ است که نفس انسانی همیشه به توییخ و سرزنش ضرورت داشته تا تهدید شده، خوف و هراس در وی پیدا شده به راه راست ثابت قدم ماند. انسان مؤمن و مسلمان همیشه به اموری مواجه می‌شود که احساس و شعور ایمانی، خوف و ترس را در وی بیدار نگهداشته وی را به مسئولیت‌هایش متوجه می‌سازد تا اینکه قلب‌اش بی‌احساس نشده، از یاد آفریدگار خود غافل نگردد.

## ج: ترک عبادت و پیامدهای آن

انسان نمی تواند بدون عبادت و بندگی زندگی عادی خود را به پیش ببرد؛ بنابراین ترک عبادت الله نتیجه جز عبادت و بندگی شیطان ندارد؛ و خداوند متعال به دلیل این که شیطان دشمن آشکار او است، وی را از عبادت شیطان منع نموده است. چنانچه الله ﷻ می فرماید:

﴿أَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾ (یس: ۶۰).

ترجمه: (ای آدمیزادگان! مگر من به شما سفارش ننمودم و امر نکردم که شیطان را پرستش نکنید، چرا که او دشمن آشکار شما است؟ و [آیا به شما دستور ندادم] این که مرا بپرستید و بس که راه راست همین است).

انسان فقط با انجام عبادت الله مورد حمایت وی قرار گرفته از شر شیطان محفوظ می ماند، اما با ترک عبادت از خدا دور شده قوی ترین پناه گاه خود را از دست داده به سادگی در دام شیطان واقع می شود.

رسول الله ﷺ می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ قَالَ مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ وَمَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّى أُحِبَّهُ» (۶):

(۲۱۸)

ترجمه: (خداوند ﷻ می فرماید: کسی که با دوست من دشمنی کند، با او اعلام جنگ می کنم، و بنده ی مؤمن با هیچ چیز محبوبی نزد من، بهتر از فرایض با من نزدیک نمی شود، و او با انجام نوافل [عبادت های غیر واجب] به من نزدیک می شود تا این که من او را دوست بدارم).

متأسفانه امروز تصور غلطی در میان عموم مسلمان رواج پیدا کرده و بیشتر آنان گمان می کنند که انجام و یا ترک عبادت اثری در زندگی دنیوی آنان ندارد، بلکه خداوند در روز قیامت وقتی بندگان خود را محاسبه کند از آنان در مورد عبادات شان سوال می کند؛ بیشتر مسلمانان به زعم خود به این سوال روز قیامت نیز جوابی پیدا کرده اند که چون خداوند متعال غفور و رحیم است آن روز نیز از سر تقصیرات شان می گذرد؛ این تصور یک

گمان غلط و بی جا است و هیچ دلیلی برای آن از قرآن کریم و احادیث صحیح رسول الله ﷺ نمی توان یافت.

بر عکس این تصور، قرآن کریم به صراحت تمام برای هر عبادت نتیجه دنیوی ذکر می کند و در آخرت نیز رحمت و مغفرت خداوند را شامل حال بندگان عبادتگذاری می داند که احياناً ندانسته و یا در اثر ضعف انسانی دچار لغزش شده و مرتکب گناهی گردیده اند، نه آنان که دیده و دانسته عبادات را ترک می کنند و به انجام گناه مبادرت می ورزند.

الله ﷻ در این مورد در قرآن مجید می فرماید: ﴿إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا. وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّى إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ (النساء ۱۷-۱۸).

ترجمه: (بیگمان خداوند تنها توبه‌ی کسانی را می پذیرد که از روی نادانی [و سفاقت و حماقت ناشی از شدت خشم و غلبه‌ی شهوت بر نفس] به کار زشت دست می یازند، سپس هرچه زودتر [پیش از مرگ، به سوی خدا] برمی گردند [و از کرده‌ی خود پشیمان می شوند]، خداوند توبه و برگشت آنان را می پذیرد. و خداوند آگاه [از مصالح بندگان و صدق نیت توبه کنندگان است و] حکیم است [و از روی حکمت درگاه توبه را بر روی توبه کنندگان باز گذاشته است. توبه‌ی کسانی پذیرفته نیست که مرتکب گناهان می گردند] و به دنبال انجام آنها مبادرت به توبه نمی نمایند و بر کرده‌ی خویش پشیمان نمی شوند] تا آن گاه که مرگ یکی از آنان فرا می رسد و می گوید: هم اینک توبه می کنم [و پشیمانی خویش را اعلام می دارم]. همچنین توبه‌ی کسانی پذیرفته نیست که بر کفر می میرند [و جهان را کافرانه ترک می گویند]. هم برای اینان و هم آنان عذاب دردناکی را تهیه دیده ایم).

### د: انکار عبادت

انکار در لغت از کلمه انکر گرفته شده و به معنی عدم اقرار و عدم اعتراف به یک چیز می باشد (۱۳: ۹۶۰)، و مراد از آن در اینجا، عبارت از عدم اعتراف و اقرار به احکام الهی است که توسط انبیاء ﷺ برای انسان فرستاده شده و مکلف به ایمان آوردن به آن می گردد.

علماء اسلام اتفاق نظر دارند بر اینکه هر کسی که یکی از احکام الهی را که بصورت واضح و روشن برای مسلمانان معلوم می باشد و در آن هیچ اختلاف میان آنها وجود ندارد، انکار میکند و یا آنرا دروغ می پندارد از دایره اسلام خارج بوده و حکم کفر بالای وی اطلاق میگردد (۱۴: ۶۱).

پس عبادات که جز لا ینفک احکام دین اسلام است و انبیاء علیهم السلام جهت بیان آن فرستاده شده اند و آخرین انبیاء علیهم السلام پیامبر آخر الزمان صلی الله علیه و آله آنرا بصورت مفصل ، واضح و روشن برای ما بیان کرده اند مانند نماز ، روزه ، زکات، حج و یا خود دارری نمودن از چیز های حرام مانند شراب ، زنا، قتل ، دزدی و غیره. پس هر زمانیکه یک شخص با وجودیکه مسلمان است اما یکی از احکام عبادت را نمی پذیرد و یا آنرا انکار و تکذیب می کند یا به آن استهزا ، تمسخر و اهانت می نماید، از دایره اسلام خارج شده و به دایره کفر داخل می شود.

زیرا انکار از عباداتی که قران و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله آنرا برای ما بیان کرده است در حقیقت منافی با ایمان و عقیده انسان میباشد و شکی نیست هر آنچیزیکه ناقض ایمان و عقیده انسان باشد نظر به دلایل ذیل کفر شمرده میشود:

- انکار عبادات منجر به تکذیب کلام الله و نسبت دروغ و افترا به الله و رسولش میباشد، که این نوع انکار منافی ایمان و عقیده شمرده شده و ناقض ایمان می باشد چنانچه الله جل جلاله می فرماید: ﴿وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ﴾ (العنکبوت: ۴۷) ترجمه: " و انکار نمی کند به آیات ما مگر کافران"

- انکار عبادات منافی نسبت کمال علم و حکمت به الله جل جلاله است، زیرا انسان مومن و مسلمان ایمان و عقیده کامل دارد که احکام الهی که از جمله عبادات میباشد روی کمال علم الهی و حکمت بالغه الله جل جلاله صورت گرفته است که همه به نفع و سود خود انسان میباشد، پس هر زمانیکه این احکام مورد انکار و یا تکذیب قرار میگیرد، نقض در کمال علم الهی، حکمت بالغه و ربوبیت الله صورت گرفته که همه منافی ایمان و عقیده است.

- انکار عبادت نقض در ایمان آوردن انسان مسلمان به رسالت انبیاء علیهم السلام می باشد زیرا انبیاء علیهم السلام احکام الهی را که از جمله عبادات است برای ما بیان میکنند و ایمان انسان

مومن به انبیا تقاضا می‌کند تا هر آنچه را که انبیا از جانب الله ﷺ بازگو کرده‌اند، تصدیق و قبول کرده و به حقانیت آن اعتراف و اقرار داشته باشد، پس اگر یک شخص این عبادات را انکار می‌کند گویا سخن انبیا را تکذیب کرده و تکذیب سخن انبیا خود منافی ایمان و عقیده انسان شمرده می‌شود. چنانچه الله ﷻ می‌فرماید: ﴿قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزَنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يَكَذُّونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ﴾؟ (الأنعام: ۳۳).

ترجمه: "یقیناً ما می‌دانیم که آنچه می‌گویند، تو را غمگین می‌کند، پس آنها (در حقیقت) تو را تکذیب نمی‌کنند، بلکه (این) ستمکاران، آیات خدا را انکار می‌کنند." انکار عبادات تنها در عدم اعتراف و اقرار باقی نمانده بلکه استهزاء، تمسخر و اهانت به عبادات و احکام دین نیز عین حکم انکار را دارد و منافی ایمان و عقیده است. پس کسانی که احکام الهی و عبادات را از قبیل نماز، روزه، زکات، حج، جهاد، حجاب و غیره مورد اهانت، تمسخر و استهزاء قرار میدهند، آنها نیز در حقیقت این عبادات را انکار کرده‌اند و از دایره اسلام خارج گردیده‌اند، زیرا ایمان و عقیده انسان مسلمان تقاضا میکند تا احکام و عبادات که از جانب الله ﷻ برای انسان فرستاده شده است حرمت، احترام و بزرگداشت کند، نه اینکه آنها را مورد اهانت و تمسخر قرار دهد، چنانچه یک تعداد منافقین زمانیکه این احکام الهی را مورد استهزاء قرار دادند الله ﷻ کفر ایشان را در قرآن برای ما بیان کرد. چنانچه الله می‌فرماید: ﴿وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ﴾ (التوبة: ۷۶، ۷۷).

ترجمه: و (ای پیامبر!) اگر از آنها بپرسی: «چرا چنین کرده اید؟». گویند: «ما حرف می‌زدیم، (شوخی و) بازی می‌کردیم» بگو: «آیا خدا و آیات او و پیامبرش را مسخره می‌کردید؟». عذر نیاورید، به راستی که شما پس از ایمان (آوردن) تان کافر شده اید،



## تمرینات

۱. انحراف در عبادت چه را میگویند، چگونه در انسان ایجاد میشود، توضیح دهید.
۲. بدعت را در لغت و اصطلاح تعریف کرده دلایل تحریم آنرا بنویسید.
۳. چرا دین مقدس اسلام در مورد بدعت سخت گیری شدید کرده است، بطور مستدل بیان کنید.
۴. اسباب انتشار بدعت را نام گرفته، هر یک را مختصرا توضیح نمائید.
۵. چگونه تعصبات مذهبی منجر به ایجاد بدعت در دین میشود، توضیح دهید؟
۶. پیامدهای بدعت در دین، شخص بدعت کار و نشر پخش اسلام را بطور مختصر توضیح دهید.
۷. کسالت و تنبلی در عبادت چه را میگویند و چه پیامدهای ناگوار را در انسان ایجاد میکند، توضیح نمائید.
۸. علل و اسباب کسالت و تنبلی در عبادت را نام گرفته، هر یک را مختصرا توضیح نمائید.
۹. ترک عبادت چه را میگویند و چه پیامدهای در قبال دارد توضیح دهید؟
۱۰. انکار را در لغت و اصطلاح تعریف کرده و بنویسید که انکار در عبادت چه حکم دارد؟
۱۱. چرا انکار عبادات انسان مسلمان را به دایره کفر سوق می دهد؟
۱۲. استهزا و تحقیر در رابطه به عبادت چه حکم دارد، بطور مستدل بیان کنید؟

## مآخذ

### ۱. قرآن کریم

۲. ابن حنبل، احمد. ۱۴۲۰هـ/ق ۱۹۹۹م. مسند الامام احمد بن حنبل ج ۲۱. المحقق الارنؤوط، شعیب. موسسه الرساله .
۳. ابن سیده<sup>۲</sup> علی بن اسماعیل. ۱۴۱۷ هـ ق ۱۹۹۶م. المخصص ج ۵. تحقیق، خلیل ابراهیم جفال. بیروت: دار احیاء التراث العربی
۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. ۱۴۲۰هـ/ق ۱۹۹۹م. تفسیر القرآن العظیم ج ۳. تحقیق سامی بن محمد سلامه . دار طیبه للنشر و التوزیع
۵. ابو داود، سلیمان بن الاشعث. ب. ت. سنن ابی داود ج ۴. تحقیق عبدالحمید، محمد محی الدین. بیروت: دار الفکر.
۶. البخاری ، محمد بن اسماعیل. ۱۴۲۲هـ ق. الجامع المسند الصحيح ج ۳. المحقق الناصر، محمد زهیر. دار طوق النجاة.
۷. البیضاوی، عبدالله بن عمر. ۱۴۱۸هـ ق. انوار التنزیل و اسرار التأویل ج ۵ . المحقق، محمد عبدالرحمن المرعشلی. بیروت: دار احیاء التراث العربی
۸. الترمذی، محمد بن عیسی. ب، ت. الجامع الصحيح سنن الترمذی ج ۴. تحقیق احمد محمد شاکر و آخرون. بیروت: دار احیاء التراث.
۹. الترمذی، محمد بن عیسی. ب، ت. الجامع الصحيح سنن الترمذی ج ۵. تحقیق احمد محمد شاکر و آخرون. بیروت: دار احیاء التراث.
۱۰. الشاطبی، ابراهیم بن موسی. ۱۴۱۲هـ ق ۱۹۹۲م. الاعتصام ج ۱. دار ابن عفان سنه النشر.
۱۱. قرضاوی، یوسف. ۱۳۸۶هـ ش. عبادت در اسلام. ترجمه محمد ستاری خرقانی. تهران: نشر احسان.
۱۲. مصطفی، ابراهیم ، آخرون. ۱۳۸۰هـ/ق ۱۹۶۰م. المعجم الوسیط. القاهرة: مطبعة مصر

۱۳. الموسوعة الفقهية الكويتية. ج ۷. (۱۴۲۷ هـ ق). الكويت: وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامية.
۱۴. الموسوعة الفقهية الكويتية. ج ۸. (۱۴۲۷ هـ ق). الكويت: وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامية.
۱۵. النسائي، ابو عبد الرحمن احمد بن شعيب. ۱۴۲۰ هـ ق. السنن الكبرى ج ۲. بيروت: دارالمعرفة.
۱۶. النسائي، ابو عبد الرحمن احمد بن شعيب. ۱۴۲۰ هـ ق. السنن الكبرى ج ۳. بيروت: دارالمعرفة.
۱۷. النيساپوري، مسلم بن الحجاج. ب.ت. صحيح مسلم ج ۱. تحقيق عبد الباقي، محمد فؤاد. بيروت: دار احياء التراث العربى.
۱۸. النيساپوري، مسلم بن الحجاج. ب.ت. صحيح مسلم ج ۲. تحقيق عبد الباقي، محمد فؤاد. بيروت: دار احياء التراث العربى.









